انتشارات کتابخانه مسجد سید
اصفهان - ایران

بیان المفاخر

در

احوالات عالم جلیل صاحب مناقب و مآثر

حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی

بیدآبادی

جلد دوم

تألیف

سید مصلح الدین مهدوی

بسم الله الرحمن الرحیم

بیان المفاخر: در احوالات عالم جلیل صاحب مناقب و اثر حاج سید محمدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی

نویسنده:

مصلح الدین مهدوی

ناشر چاپی:

کتابخانه مسجد سید اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بیان المفاخر: در احوالات عالم جلیل صاحب مناقب و اثر حاج سید محمدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی جلد ۲

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدوی، مصلح الدین، ۱۳۷۴ - ۱۲۹۴

عنوان و نام پدیدآور : بیان المفاخر در احوالات... محمدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی/ تالیف مصلح الدین مهدوی

مشخصات نشر : اصفهان: کتابخانه مسجد سید اصفهان، ۱۳۶۸.

مشخصات ظاهری : ۲ ج.عکس

فروست : (انتشارات کتابخانه مسجد سید اصفهان ۹)

شابک : ۴۰۰۰ریال(دوره کامل)

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

موضوع : شفتی بیدآبادی، محمدباقربن محمدتقی، ۱۱۷۵؟ - ۱۲۶۰ق. -- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره : BP۵۵/۴۵۵/م ۹ب ۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی : م ۶۸-۱۶۲۷

اشاره

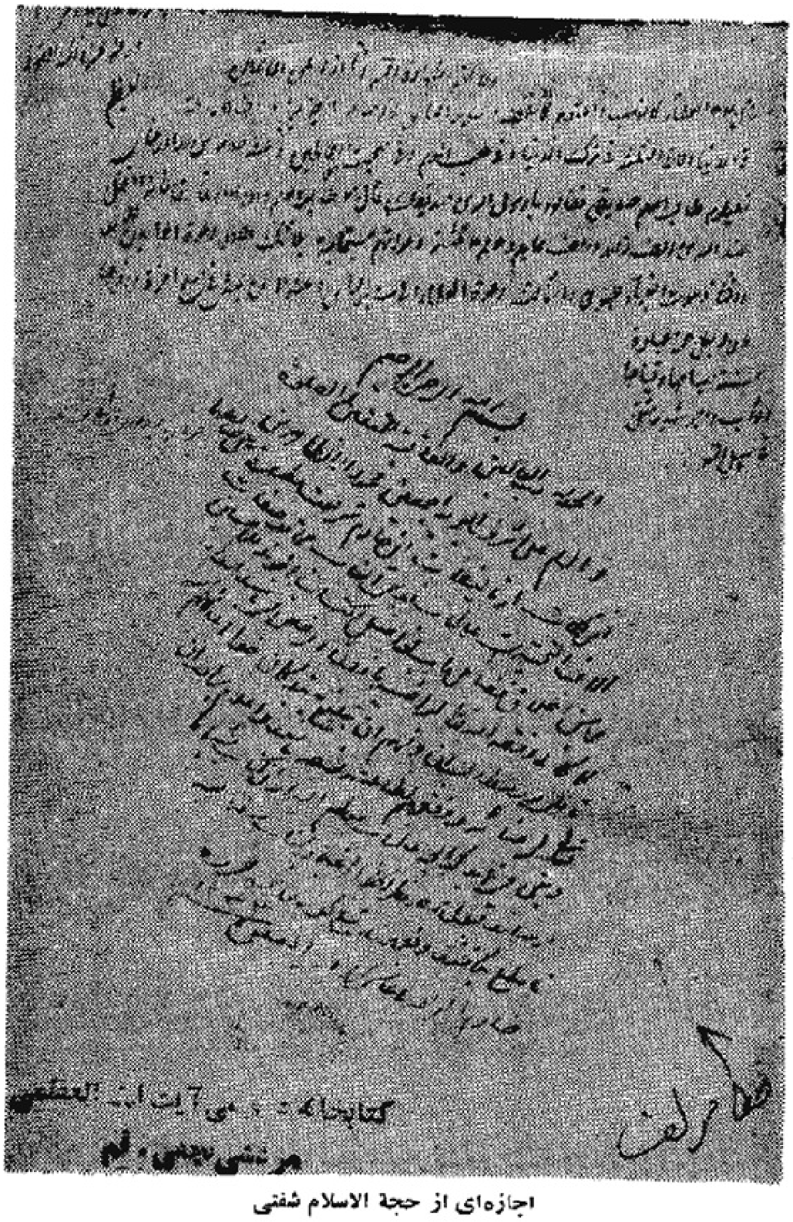
ص: ۱

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین ، و الصلوه و السلام علی اشرف الانبیاء و المرسلین محمد المصطفی و عترته الطاهرین

ص: ٣

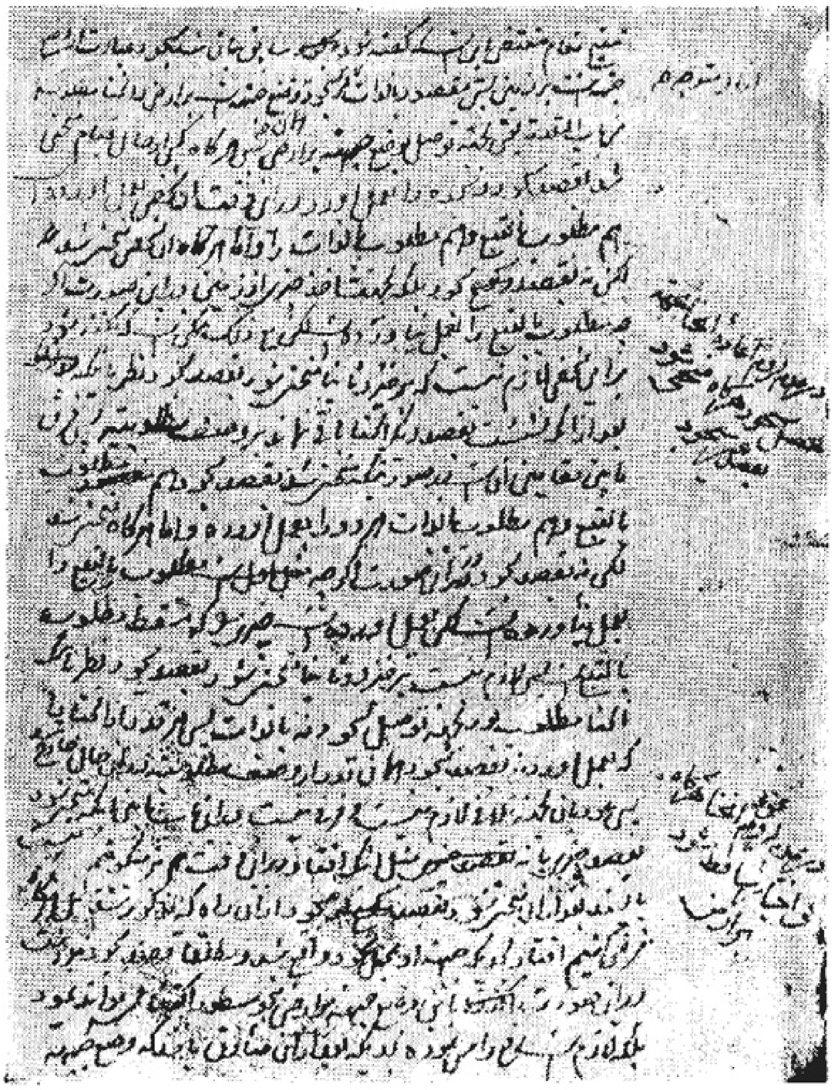
تصویر



اجازه‌ای از حجة الاسلام شفتی

- ۵ -

تصویر



صفحه‌ای از « تحفة الابرار » بخط حجة الاسلام

یک صفحه از تحفه الابرار

تصویر

اجازهٔ میرزای قمی به حجة الاسلام


بسم الله الرحمن الرحیم

اجازه میرزای قمی جهت سید

تصویر



تصوير

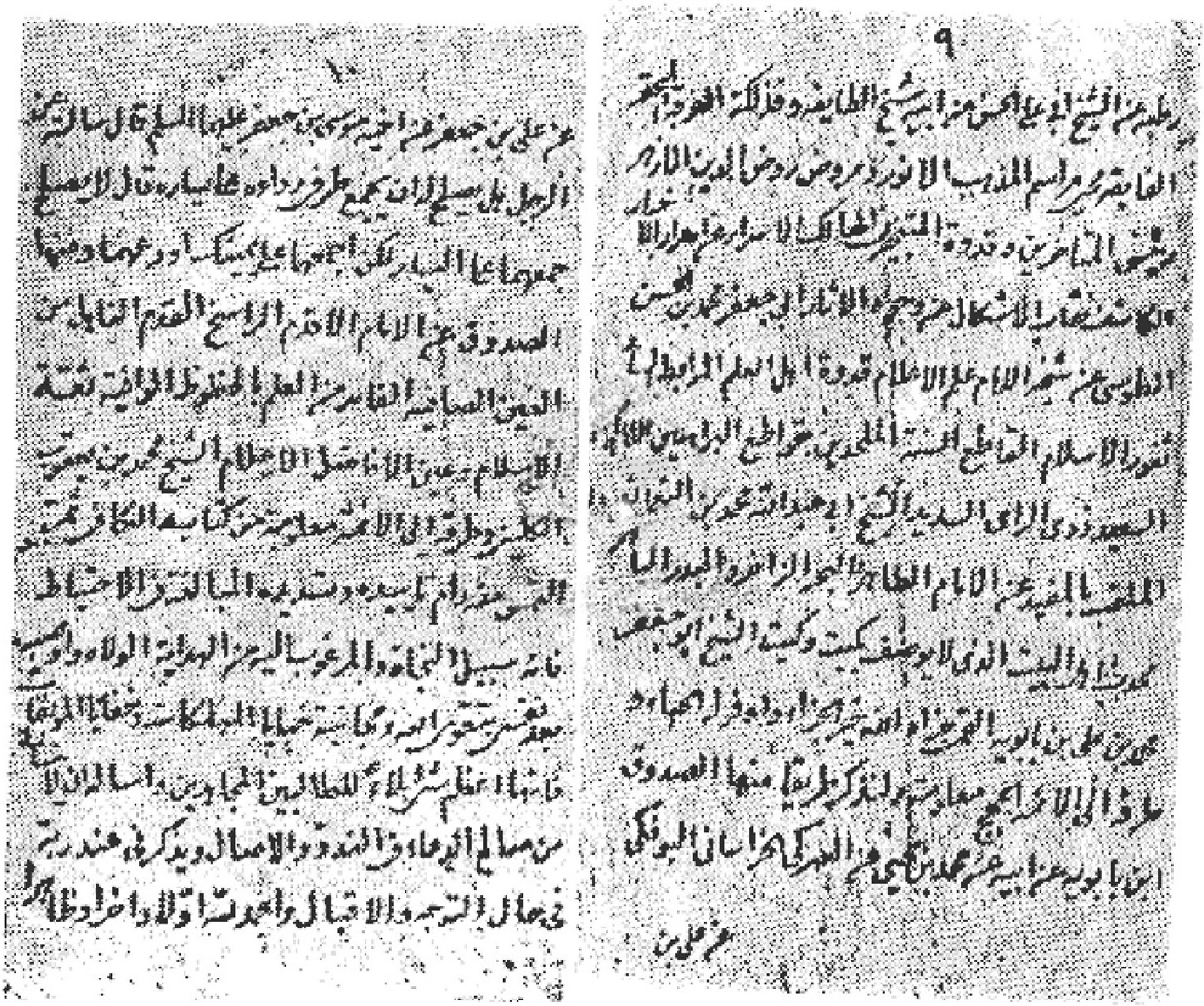


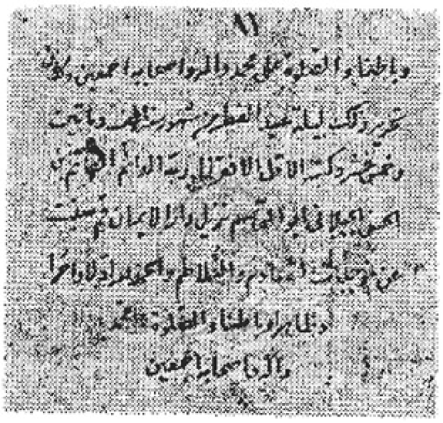
ص: ٨

تصوير



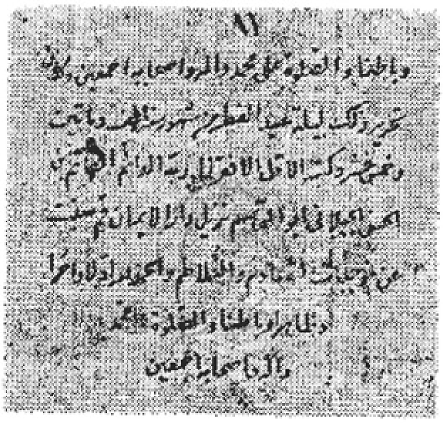
ص: ٩




٩١
وباطنا والصلوة على محمد وآله وأصحابه أجمعين وكان
تحرير ذلك ليلة عيد الفطر من شهور سنة [illegible] وأتمت
[illegible]
[illegible] الإيمان [illegible]
[illegible]
[illegible] ظاهرا وباطنا والصلوة على محمد
وآله وأصحابه أجمعين

١٢

تصوير



وباطنا والصلوة على محمد واله واصحابه اجمعين

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ظاهرا وباطنا والصلوة على محمد

واله واصحابه اجمعين

١٢

ادامه بخش چهارم : (حجه الاسلام از مرگ فتحعلی شاه تا هنگام وفات)

فصل چهاردهم:(تألیفات مرحوم سید حجه الاسلام)

حدیث

عن الصادق علیه السلام :

«تکلموا فی العلم تبین اقدار کم »

اصول کافی ص۸۷ باب النوادر)

عن علی علیه السلام :

«اکتبوا فانکم لاتحفظون حتی تکتبوا»

(اصول کافی ص ۹۰ باب روایه الکتب)

ص: ۱۳

عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم :

« المؤمن اذامات و ترک ورقه واحده علیها علم تکون تلک الورقه یوم القیامه سترا بینه وبین النار ، و اعطاه الله تبارک وتعالی بکل حرف مکتوب علیها مدینه اوسع من الدنیا سبع مرات»

شیخ صدوق در امالی روایت می کند از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که فرمودند : وقتی که مؤمنی بمیرد و از او یک برگ کاغذ باقیماند که در آن ورقه علمی و دانشی باشد این ورقه در روز رستاخیز پرده ای ما بین او و آتش جهنم می شود و خداوند تبارک و تعالی در برابر هر حرفی که در این ورقه نوشته شده است شهری در بهشت بوی عطا کند که هفت برابر شهرهای دنیا باشد .

مقدمه :

طریقه مرحوم سید حجه الاسلام شفتی ، علماء بزرگوار شیعه بدو دسته تقسیم می شوند :

ص: ۱۵

۱– اخباریها و۲– اصولیها یا مجتهدین

بحث در باره هر یک از این دو دسته از موضوع کتاب ما خارج است در این جا فقط مقصود ذکر طریقه مرحوم حجه الاسلام می باشد.

در مقدمه مناهج العرفان (ص ۲۹۴) بنقل از علامه آقا سید محمد صادق موسوی فرزند علامه فقیه زاهد آقا میرزا زین العابدین خونساری در رساله : ذکر مشایخ می نویسد:

سید حجه الاسلام به بسیاری از قواعد اصولیین که در بین متأخرین متداول است اعتقاد نداشت بلکه اعتماد او بیشتر به اخبار بود در صورتیکه وی از اعاظم مجتهدین بود که قائل به حجیت ظن خاصه می باشند و در بسیاری از قواعد و احکام تصرفات زیادی داشت (انتهی).

توجه مرحوم سید حجه الاسلام بیشتر به مباحث رجالی و فقه بوده و در فقه نیز عمده نظر ایشان بعبادات و بالاخص نماز می باشد که پایه و اساس ورکن اسلام و ایمانست.

تالیفات :

مرحوم حاج سید محمدباقر حجه الاسلام شفتی بید آبادی از زمره دانشمندانی است که تمام عمر شریف خود را از کودکی تا هنگام وفات به تحصیل علوم و تدریس طلاب و تألیف و تصنیف و نشر احکام و امر بمعروف و نهی از منکر و اقامه حدود و رسیدگی با مور مردم و عبادت حضرت خالق متعال و خد مت مخلوق گذرانیده و دقیقه ای۳ از دقایق عمر پر برکت خود را مهمل نگذارده است .

یکی از آثار باقیه مشارالیه تألیفات کثیره و نافعه او در ابواب فقه و رجال و اصول و ادبیات می باشد .

هر یک از نویسندگان کتب تراجم رجال بنام برخی از این مؤلفات اشاره نموده اند و اینک بخواست خداوند متعال نام تمام تألیفات آن مرحوم برحسب حروف تهجی با ذکر مآخذ در این مجموعه یاد آوری می شود (تا آنجا که مقدور است).

اولین تألیف مرحوم حجه الاسلام کتاب : الحلیه اللامعه است که در رجب ۱۲۰۴ در بغداد تألیف شده و آخرین اثر ایشان اجازه ای است که جهت آخوند ملا محمد در ربیع الاول سال ۱۲۶۰ (تقریبا یک ماه قبل از فوت) مرقوم فرموده : است .

۱- آداب صلوه اللیل وفضائلها (رساله در نماز شب و فضیلت آن)

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۲ یکم) و مرحوم مدرس تبریزی در ریحانه الادب (ص ۳۱۳ دوم) و در تاریخ زنجان (ص ۲۷۵) نام این کتاب را در فهرست مؤلفات سید حجه الاسلام مستقلا ذکر نموده اند و ظاهرا همانست که در کتاب سؤال و جواب در کتاب الصلوه یاد شده است . در جواب از کیفیت نماز شب مرحوم سید حجه الاسلام میفرماید :

جواب: صلوه لیل بانضمام دو رکعت شفع و مفرده و تریازده رکعت است.

سپس بشرح چگونگی هر یک از رکعات نمازها پرداخته و طرز خواندن آنرا بصورتهای مختلفه بیان نموده است .

مرحوم سید حجه الاسلام برای خواندن نماز شب :

۱- برای دو رکعت اول شش صورت بیان می کند که ساده تر از همه فقط خواندن سوره حمد است ،

۲- چهار رکعت آنرا نماز جناب جعفر طیار رضی الله عنه را بخواند

کیفیت نماز شب

و کیفیت آن در کتب ادعیه ذکر شده است سپس مرحوم سید حجه الاسلام میفرماید:

دعای سجده آخر مستحب است نه اینکه شرط در این نماز باشد و نخواندن آن و زیانی ندارد و خواندن آن نماز را اکمل وافضل می نماید هر که این چهار رکعت را بخواند هم ثواب نماز شب را درک نموده و هم ثواب نماز جعفر را و بهتر آنست که شبهای جمعه اینگونه عمل کند.

۳- برای شش رکعت (غیر از دو رکعت اول) چندین صورت بیان

می کند .

۴ - وهر گاه هر هشت رکعت را به حمد و توحید بخواند و قنوت رابذکر دعا و مناجاتها و تضرع و گریه و زاری با حضرت رب العزه طول دهد انسب خواهد بود .

واما دو رکعت شفع را به سه نوع بیان فرموده که مختصر تر آنها حمد و توحید است.

واما مفرده وتر (به فتح و کسر واو) پس از قرائت سوره حمد سه مرتبه سوره توحید و فلق و الناس .

تذکر: مستحب است در هر رکعت دوم از نماز شب حتی در رکعت دوم نماز شفع بعد از فراغت از تلاوت حمد و سوره قنوت بخواند و قول بسقوط قنوت

در شفع ضعیف است .

تذکرات لازم : ۱- بزرگان علماء و محدثین میفرمایند :

جائز است برای کسی که عجله داشته باشد (یا عذری دیگر از تنگی وقت و غیره) تسبیحات نماز جعفر را بعد از نماز بگوید و همچنین جایز است اگر

کاری ضروری داشته باشد دورکعت آنرا بجای آورد بدنبال کار خود برود و بعدا دو رکعت دیگر آنرا بجای آورد و از نظر کثرت ثواب بعد از نوافل شبانه روزی هیچ یک از نمازها مثل نماز جناب جعفر نمی رسد (ص ۵۰۰ هدیه الزائرین) .

ص: ۱۸

تذکر ۲ – نمازهای مستحبی را در حال اختیار میتوان نشسته بجای آورد و باید بجای هر رکعت نماز ایستاده دو رکعت نماز نشسته بخواند بنابر این هشت رکعت نماز شب را باید هشت نماز دو رکعتی نشسته خواند و دو رکعت نماز شفیع را نیز در نماز نشسته که جمع ده نماز (بیست رکعت نشسته) باید بجای آورد و برای مفرده وتر نیز در نمازهریک یک رکعت (دو نمازیک رکعتی نشسته) باید بجای آورد.

اللهم وفقنا بقیام اللیل والتهجه و اجعلنا من المستغفرین بالاسحار بحق محمد و آله الأطهار آمین آمین

۲ – الاجازات

مجموعه سیزده اجازه است از اجازاتیکه مرحوم سیدحجه الاسلام جهت شاگردان خود مرقوم فرموده برخی متوسط و عده ای از آنها مفصل می باشد و جمعاً قریب پانزده هزار بیت است و آنها را یکی از شاگردان ایشان که نامش ذکر نشده است جمع آوری نموده است نسخه آنرا علامه طهرانی در کتابخانه مولی محمد علی خونساری (ص ۱۲۴ یکم الذریعه) در نجف اشرف دیده است.

(فائده) : لفظ اجازات جمع مؤنث سالم اجازه است و اجازه در اصطلاح اذنی است که عالمی به دانشمندی دیگر جهت نقل و روایت احادیث و اخبار و مطالب کتابی میدهد .

معمولاـ وقتی دانشجوئی کتابی را نزد دانشمندی قراءت کرد و از دقایق و نکات علمی و ادبی و سایر جهات آن آگهی یافت استاد در پشت کتاب و یا در ورقه ای گواهی می کند که این شخص در نزد من کتابرا خوانده و از دقایق و مطالب آن آگهی یافته است .

. ممکن است این دانشجو نوشته استاد را نزد دیگر علماء ارائه داده و آنان

باعتبار نوشته این استاد که آنرا مجیز می گویند بوی اجازه دهند و نیز امکان دارد که عالمی از روی قرائن و موازین علمی تشخیص کند که فاضلی قدرت فهم و درک کتابی را دارد و در این حالت نیز باو اجازه میدهد .

این اجازات ممکن است برای یک کتاب معین و یا عموم کتب باشد .

اجازاتی که معمولا اساتید بشاگردان و یا معتمدین خود میدهند بر سه گونه است :

۱- اجازه نقل احادیث از کتب.

۲- اجازه تصرف در امور حسبیه که از شئون مجتهدین است .

۳- گواهی اجتهاد یعنی استاد گواهی می کند که مجاز قدرت درک و استنباط احکام شرعیه را از قرآن و حدیث دارد و دیگر باید برای خود عمل کند و تقلید بر او حرامست .))

آنچه در باره اجازه گفته میشود مربوط به نوع اول یعنی نقل احادیث است که از نظر علمی و فنی قابل توجه و اهمیت می باشد .

بحث در فوائد اجازات و آثار مترتبه آن از موضوع این کتاب خارج است .

برخی از علماء بزرگوار این اجازات را در کتابی مستقل جمع آوری نموده اند و گاهی بنامی مخصوص خوانده شده و زمانی نیز بدون نام مخصوص است . علامه طهرانی در الذریعه (ص۱۲۴ یکم) بنام عده ای از این مجموعه ها اشاره نموده اند که از آنجمله است: مجموعه اجازات مرحوم سید حجه الاسلام.

(تذکر) :

از زمانیکه عده ای از کسانی که با کتابی سر و کار داشتند اما از رجال ورزایه و علم الحدیث بی خبر بودند و از هیچ یک از علماء اسلام نیز اجازه روایت حدیث نداشتند خود را فاضل و دانشمند و آگاه بهمه علوم تصور کردند و بدون

آنکه کتاب حدیث را نزد عالمی محدث بخوانند و مشکلات آنرا بفهمند خود مستقیما به آن کتاب مراجعه نموده و احادیثی مطابق افکار و اندیشه های خود و گاهی اوقات با حذف صدر و ذیل یک حدیث قسمتی از آنرا بهر نحو که خواستند تعبیر کردند و یا بنا بخرده گیری و انتقاد گذاردند و عده ای بی خبر تر از خود را تحت تأثیر قرار دادند به اینان باید گفت :

ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه تست

عرض خود میبری وزحمت ما میداری

بعقیده نویسنده وظیفه علماء بزرگوار شناساندن اینگونه دغل بازان وریا کاران است که خود را بغلط در جزو محدثین و دانایان قلمداد می کنند . در زمان معاصر وقتی ما به دانشمندی بزرگوار و عالمی پرهیزکار که همچون مرحوم حاج شیخ عباس قمی رضوان الله علیه که علم و زهد و تقوای او در نزد موافق و مخالف مسلم است محدث می گوئیم دیگر اینان چه حقی دارند که در باره احادیث اظهار نظر کنند وقتی عالمی پرهیز کار متقی همچون علامه طباطبائی حکیم و فقیه و فیلسوف پس از شصت سال عمرو تحصیل و تدریس تفسیر می نویسد دیگر عمرو وزید چگونه بخود حق می دهند که درس نخوانده و معلم ندیده تفسیر بنویسند آیا اینان در خارج از کشور مثلا در فرانسه و انگلستان و امریکا در نزد اساتید یهودی و مسیحی حدیث اسلامی خواندند و تفسیر قرآن آموختند . حقا باید بحال جوانان این ممکت فکری کرد و آنان را از این خطای در اندیشه نجات داد و باید بآنان فهماند که علم دین را باید از روحانیون و علمای دین آموخت نه از خارج رفته های بظاهر مسلمان و در حقیقت بی دین .

اجازات

در فهرست کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد (ص ۴۷۸ دوم) نسخه از مجموعه اجازاتی بشماره ترتیب (۱۳۳۳) و شماره عمومی (۲۰۴۰۴) معرفی شده و گوید :

گویا اجازاتی باشد از حجه الاسلام حاج سید محمد باقر بن محمد نقی موسوی شفتی .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوه والسلام علی اشرف الموجودات محمد و آله الطاهرین ... و بعد فهذه صورت الاجازات التی کتبها ...

صوره الاجازه التی لم یکتب مثلها فی عصره... سیف الله الشاهر سمی خامس الائمه الملقب بالباقر علیهم آلاف التحیه .

این مجموعه را محمد ابراهیم بن محمد برابری آنرا با اصل گواهی نموده تاریخ این گواهی ۵ جمادی الثانی ۱۲۸۰ سجع مهر : الواثق نفسی بالله عبده محمد ابراهیم بن محمد وهمچنین محمد محسن حسینی صحت مطابقت آنرا گواهی نموده مهر : عبده محمد محسن بن محمد هاشم الحسینی .

نویسنده سطور پس از آگاهی از وجود چنین مجموعه ای نامه ای به مدیر کتابخانه و دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد نوشته و تقاضا نمود که رو نوشت و فتوکپی آنرا جهت اطلاع و ثبت در این کتاب ارسال دارند مدیر محترم دانشکده از روی کمال محبت و انسانیت و معارفپروری تقاضای حقیر را انجام داده و فتوکپی آنرا تهیه و ارسال داشتند که اینک از ایشان تشکر و قدردانی نموده و توفیق انجام خدمات دینی و اجتماعی ایشانرا از خداوند خواهانم .

ص: ۲۲

پس از وصول فتوکپی های نامبرده معلوم شد که اجازات نامبرده مربوط به مرحوم حاج آقا محمد کلباسی فرزند حاجی کلباسی میباشد و اولین آنها اجازه از سید حجه الاسلام می باشد که قبلا در ضمن شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام ذکر شده است .

اجوبه المسائل

علامه فقیه متتبع رجالی مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی در کتاب روضات الجنات (ص ۱۲۵) می نویسد :

این کتاب مشهور است در دو مجلد بزرگ و مشتمل است بر چندین رساله از آن جمله :

۱- رساله ای در اوقاف.

۲- رساله ای در حکم اقامه حدود در عصر غیبت .

۳- رساله ای در باره زیارت عاشوراء

۴ - رساله ای درباره احکام شک و سهو ،

نویسنده گوید : این همان کتاب « سؤال و جواب » است که بعدا درباره آن شرح و توضیح خواهیم داد .

۳- احکام غساله (رساله در ...)

عالم جلیل آقا سید محمد صادق بن زین العابدین موسوی خونساری (شرح حالش در ضمن شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام ذکرشد) رساله ای در ذکر اسامی اساتید و مشایخ خودنوشته و در آنجا نامی از مرحوم حجه الاسلام شفتی بوده و چندین

کتاب و رساله از تألیفات ایشانرا ذکر نموده که از آنجمله است : رساله در احکام غساله

ص ۲۹۴ مقدمه مناهج المعارف

الاستقبال

در شرح مبحث قبله کتاب تحفه الابرار .

این کتاب همانگونه که بعدا متذکر خواهیم شد از تألیفات مفتی میر محمد عباس شوشتری است لکن مرحوم مدرس تبریزی در ریحانه الادب (ص ۳۱۳ دوم) و در تاریخ زنجان (ص ۲۷۵) به پیروی از او آنرا تألیف مستقلی از خود سید حجه الاسلام نوشته اند و اشتباه است .

۴- انواع اراضی (رساله در ...)

در کتابخانه دانشمند بزرگوار حجه الاسلام آقای دکتر حاج سید احمد تویسرکانی نجل جلیل علامه زاهد مرحوم حاج میرزا محمدباقر بن علامه عالیمقدار مرحوم آقا میرزا عبدالغفار تویسرکانی اصفهانی مجموعه ای است شامل ۷رساله

که چهار رساله از آنها از تألیفات مرحوم سید حجه الاسلام شفتی می باشد یکی از این رسائل :

رساله در انواع اراضی (بقیه رسائل در جای خود ذکر می شود) .

این رساله در ۷۰ صفحه (۱۵ در ۲۱ سانتی متر) تاریخ کتابت و نام کاتب ذکر نشده است.

.آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم تحقیق الحال فی بیان هذا المرام یستدعی

نقل الکلام فی مطالب :

ص: ۲۴

الاول فی تقسیم الارض الی اقسامها المعروفه فنقول ذکروا انها اربعه اقسام: الاول الارض التی اسلم اهلها طوعا ورعیه .....

انجام : و کلی مؤنه یلحق الغلات الی وقت اخراج الزکوه علی رب المال دون المساکین وهذا القول ممکن عن الجامع واختاره جماعه من متاخری متأخرین

کصاحب المدارک و الکفایه وغیرهما .

۵ – بطلان وقف بر نفس (رساله در ...)

یا رساله در اوقاف

علامه صاحب روضات الجنات (ص ۱۲۵) می نویسد:

از مباحث این رساله آنکه وقف بر نفس بخصوص یا در ضمن دیگری را باطل دانسته و مخصوصا بسیاری از اوقاف قدیمی را محکوم ببطلان فرمود و دستور داد موقوفات بر ارث خاص یا عام آنها باز گردد و پس از وفات واقف با آنها معامله ملکیت شود .

از این رساله نسخه ای در کتابخانه دانشکده حقوق طهران موجود است (ص ۵۰۴ فهرست کتابخانه دانشکده حقوق) و همچنین نسخه ای ضمن مجموعه جناب آقای دکتر تویسرکانی بشرح زیر:

کتابت نسخه مزبور در ماه رمضان المبارک ۱۲۳۳ خاتمه یافته لکن نام کاتب ذکر نشده است . رساله دارای ۱۰۹ صفحه وهر صفحه ۲۱ سطر می باشد اصل رساله بعربی است لکن قسمتهای زیادی از آن بفارسی می باشد .

مرحوم حجه الاسلام در صفحه ۲۴ رساله میفرماید :

ولذا لما استفتی منی بعض اهل الایمان افتینه بذلک بعد التأمل فی المسأله و اطرافها بعد ما اجبته فی اول الامر من غیر تدقیق النظر فیها لعدم تحقق القیض

ص: ۲۵

والاقباض ثم تأملت المسأله و مستند القبض والاقباض تبین لی ان الحق خلاف ذلک کتبت فی مقام الجواب بالصحه و اللزوم فما انا اذکر مراد المستفتی: ثم ما کتبته فی جوابه لتبین حقیقه الحال .

پس از این عبارات عربی چنین می نویسد :

الاستفتاء : شخصی راغب در خیرات قرار داد مدرسه ای در بعضی بلاد ساخته باشد که طلبه در آنجا ساکن و تحصیل علوم دینیه نموده باشند املاک چندی داشت در آن بلد و نواحی آن و آن املاک را به اجاره داده بود و قرار آن شخص مالك چنین بود که کل آن املاک را وقف نموده که منافع حاصله از آن صرف بناء آن مدرسه و تعمیر آن و فرش حجرات آن وروغن چراغ حجرات و سایر محتاج الیه آن شده باشد و قرار بنای مدرسه را گذاشت و آن شخص مستأجر املاـك را مقرر داشت که وجه اجاره آن املاك را مصرف در اخراجات بنای مدرسه مذکور نموده باشد و آن شخص مستأجر نیز اقدام بر آن مطلب نمود بااین معنی که بنا وعمله که مشغول بنائی بودند این شخص مستأجر از وجه اجاره آن املاک نظر به قرار داد مالك اجرت بناء وعمله را میداد و همچنین مصروف سایر مایحتاج ضروریه در بنای آن مدرسه مینمود و در آن حال صیغه وقف آن املاـك را بـاین جهت مخصوصه جاری نمود قبل از انقضاء مدت اجاره آن شخص در ضمن عقد وقف تولیت وقف را ما دام حیاته بجهت نفس خود قرار داد و بعد از خود بدیگری وهکذا و بعد از آنکه چندی گذشت که هنوز مدرسه بنحویکه باید و شاید با تمام نرسیده بود آن شخص واقف فوت شد قبل انقضاء مدت اجاره . آیا املاک مذکوره محکوم به وقفیت است و عمل بمقتضای آن لازم است یا مال وارث است. نظر بعدم تحقیق اقباض وقبض . الجواب – الخ (نقل از خط آقای دکتر تویسرکانی).

نویسنده گوید : در ألسنه وافواه بسیاری از مردم اصفهان از عوام و خواص معروفست که در اواخر زمان صفویه در اصفهان وحوالی آن و روستاها زمینی که وقف نباشد (شش دانگ آزاد و غیر وقف باشد) موجود نبوده است و بعد عده ای از مردم این موقوفات را من غیر حق تصرف نموده اند و بملکیت خویش در آورده اند. اکنون با توجه به نظریه مرحوم سید حجه الاسلام راجع به وقف بر نفس و اولاد معلوم میشود که عده ای از این موقوفات جزو این دسته از اوقاف بوده که مرحوم حجه الاسلام آنرا وقف نمیدانسته و طبق فتوی و دستور ایشان به ملکیت و ارثین برگشته است . همچنانکه علامه صاحب روضات الجنات (ص ۱۲۵) نیز باین نکته اشاره میفرماید .

پرسش و پاسخ

پرسشها و پاسخهای فقهی و گاهی از اصول فقه و با اصول اعتقادات است که از مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی اصفهانی نموده اند و ایشان بدان سؤالها جواب داده اند . برخی از این سؤال وجوابها فارسی و بعضی عربی وعده ای استدلالی و مفصل است که یکی از شاگردان ایشان که نامش ذکر نشده است آنها را بترتیب کتب فقهی تنظیم نموده است .

نسخه این پرسشها و پاسخها به شماره (۲۵۴۲) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (ص ۱۲۵ هفتم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی) .

نویسنده گوید : احتمالا این کتاب همان سؤال وجواب مطبوع است که بعدا ذکر خواهیم نمود و ممکن است تأليف دیگری باشد باید مطابقت آندورا با یکدیگر سنجید .

ص: ۲۷

۶- تحفه الأبرار الملتقط (المستنبط) من آثار الائمه الاطهار علیهم السلام

رساله فارسی مبسوطی است که گاهی به ادله حکم نیز اشاره شده و مختص به نماز است .

کتاب مرتب شده است بریک مقدمه در مسائل تقلید واجتهاد و سه باب و هر بابی مشتمل بر چندین مبحث . باب اول مقدمات نماز باب دوم افعال نماز باب سوم خلل وشکوک نماز کتاب بفارسی است لکن از مسئله موجبات سجده سهو به بعد عربی میباشد .

علامه صاحب روضات الجنات در کتاب شریف خود پس از ذکر مطالع الانوار میفرماید (ص ۱۲۵): کتاب دیگری بهمین رویه (یعنی مانند مطالع الانوار) نوشته نام آن تحفه الابرار است این کتاب قریب بیست هزار بیت است و ابواب تعقیب را بانجام رسانیده و در آن فوائد مهمه و فروع نادره های متعرض گردیده و گرچه بعنوان رساله عملیه برای مقلدین تصنیف فرموده لکن باندازه ای مطالب عالیه در آن ایراد نموده که در هیچ یک از کتب و رسائل عملیه وجود ندارد (ص ۲۹۲ دوم ترجمه روضات الجنات بقلم عالم بزرگوار حاج شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی).

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله الذی توحد بالملک فلاندله فی ملکوت سلطانه و تفرد بالعز فلا ضدله فی جبروت کبریائه ...

از این کتابت نسخه های فراوانی در کتابخانه های عمومی و خصوصی یافت میشود . در پشت یکی از نسخه هائی که بنظر علامه طهرانی رسیده بوده است کاتب نوشته بوده : این سی و چهارمین نسخه از این کتا بست که نوشته ام .

ص: ۲۸

تحفه الابرار جزو رساله های عملیه و مورد توجه عموم از علماء و دیگران بوده و بدین لحاظ عده ای از دانشمندان و علماء بزرگوار از شاگردان سید حجه الاسلام و دیگران آنرا مختصر نموده و منتخباتی از آن گرد آورده اند که ذیلا بنام عده ای از آنها و نام کتابشان اشاره می نمائیم :

۱- الاستقبال بشرح مبحث قبله از کتاب تحفه الأبرار مرحوم سید حجه الاسلام تألیف مفتی میر محمد عباس شوشتری (۱۲۲۴-۱۳۰۶) مؤلف قریب یکصد و سی کتاب و رساله (صفحه ۳۳ تکمله نجوم السماء) .

۲ - تلخیص تحفه الابرار تألیف مولی محمد تقی هروی اصفهانی حائری شاگرد مرحوم سید حجه الاسلام شفتی .

۳- تلخیص تحفه الأبرار تألیف حاج ملا محمد جعفر آباده ای اصفهانی شاگرد مرحوم حجه الاسلام .

۴- جواهر المسائل تألیف مولی محمد مهدی بن مولی محمد علی محلاتی شاگرد مرحوم حجه الإسلام .

۵- خلاصه و منتخب تحفه از خود مرحوم سید حجه الاسلام :

۶- سراج المتهجدین فقه فارسی طبق فتوای مرحوم سید حجه الاسلام و فرزندش مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی تألیف عالم فاضل مرحوم ملا نوروز علی بسطامی فرزند محمد باقر معروف به فاضل بسطامی مؤلف کتب عدیده که معروفترین آنها کتاب : فردوس التواریخ در تواریخ مربوط به مشهد مقدس رضوی می باشد و متوفی بسال ۱۳۰۹ بسن ۸۵ سالگی ومدفون در قبرستان معروف به قتلگاه پشت سر قبر مرحوم شیخ طبرسی رضوان الله علیه می باشد .

تذکر : قبرستان قتلگاه در حال حاضر بصورت چمن در آمده و فقط سکوئی که قبر مرحوم شیخ امین الدین طبرسی در روی آن قرار دارد از آن باقیمانده است و علت شهرت آن به قتلگاه جهت مدفون گردیدن کسانی است که در فتنه

ازبکها و بدست آنان شهید گردیده اند می باشد .

مرحوم فاضل بسطامی در این کتاب (سراج المتهجدین) بیشتر توجه به کتاب تحفه الابرار مرحوم سید حجه الاسلام داشته است پایان تالیف سه شنبه ۱۱ ذی القعده الحرام ۱۲۶۵ ه.ق

۷- فروعات فارسی ملخص از تحفه الابرار تألیف بعضی از شاگردان آن مرحوم . علامه طهرانی در الذریعه (صحفه ۱۸۴ شانزدهم) می نویسد که نسخه آن در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است .

۸- کاشف الاستار تألیف مولی محمد تقی هروی اصفهانی سابق الذکر

۹- منتخب تحفه الابرار در طهارت و صلوه باضافه احکام شک جداگانه و آنرا دانشمندی که نام آن در کتاب ذکر نشده است و در جمعه ۱۳ رمضان سال ۱۲۴۱ گردآوری و انتخاب آن پایان یافته است .

نسخه کتاب بشماره (۳۱۳) در کتابخانه حضرت آیت الله گلپایگانی در قم موجود است (صحفه ۲۷۰ یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی)

آغاز : الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفی اما بعد چون عالیجناب شامخ الالقاب نتیجه الاطیاب العالم العامل .

انجام: بلکه تا حال کسی که تصریح به صحت نماز نموده باشد بر نخورده ایم.

در پایان پس از احکام شک فوائد فقهی است که بصورت پرسش و پاسخ از مرحوم شفتی یا از مؤلف .

۱۰ منتخبی از تحفه الأبرار از دانشمندی ناشناس ضمن مجموعه شماره (۱۳۷۷) در کتابخانه حضرت آیت الله گلپایگانی در قم (صفحه ۲۵۰ دوم فهرست کتابخانه حضرت آیت الله گلپایگانی) .

۱۱ - الوجیزه تألیف مرحوم حاج محمد جعفر آباده ای اصفهانی (غیر از

تلخیص تحفه الابرار سابق الذکر) در این کتاب مرحوم آباده ای مسائل نماز را بطور فتوائی از تحفه الابرار استادش استخراج نموده است .

نسخه ای از آن بشماره (۲۵۹۷) مورخ بسال ۱۲۵۴ در کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (صفحه ۱۸۳ هفتم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی) و همچنین کتاب بدون تاریخ چاپ بخط بابا معصوم بن حاج محسن بازواری چاپ سنگی شده است (صفحه ۴۲۶ دوم مؤلفین کتب چاپی تألیف مرحوم مشار).

۱۲ – وسیله النجاه در مسائل نماز استخراج شده از کتاب تحفه الابرار تألیف سید هاشم حسینی از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام شفتی .

۷– تحفه الابرار

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۴۰۳ سوم) و الکرام البرره (ص) می نویسد :

رساله فارسی فتوائی است جهت مقلدین و این کتاب را سید حجه الاسلام شخصا از کتاب مطالع الانوار خویش استخراج نموده است .

آغاز : نحمدك اللهم

نسخه آن را علامه طهرانی در کتابخانه مولی محمد علی خونساری در نجف اشرف دیده است .

۸ – ترجمه حال ابان بن عثمان (رساله در ...)

در جزو مجموعه رجالیه از صفحه یک تا صفحه ۸

آغـاز : بسم الله الرحمن الرحيم . الحمـد لله الـذى لو حمـدته دوام خلود ربوبيته بكل شـعره فى كل طرفه عين يحمـد الخلايق وشـكرهم اجمعين لكنت جلالـه مقصـرا عن بلـوغ شـكر اخفى نعمه من نعمه على و الصـلوه والسـلام على اكمـل خليقته واخلص بريته وسـيد رسـله محمـد و آله و اصـحابه اجمعين، وبعد يقول العبد الملتجى الى باب سيده الغافر ابن الواصل الى رحمه ربه الساتر محمد نقى الموسوى محمد باقر وقاه الله تعالى من سوء الباطن والظاهر هذه مقاله ...

نويسـنده گويد : ابو عبد الله ابان بن عثمان البجلى الكوفى البصـرى الأحمر از حضـرت صادق و حضـرت كاظم عليهما السلام روايت مى كند و اقوال نويسـندگان كتب رجال در باره او مختلف است برخى او را از ناووسـيه دانسـته و در حديثش قدح كنند و جمعى و يرا از اصحاب اجماع از طبقه دوم دانسته و توثيقش نمايند .

ويراكتابى است در مبعث و مغازى ووفاه وسقيفه ورده و غيره (ص ۱۰ رجال نجاشى) براى آگهى بيشتر از شرح حالش به كتب مربوط مراجعه فرمايند .

۹- ترجمه حال ابراهيم بن هاشم قمى

ضمن مجموعه رجاليه از صفحه ۹ تا صفحه ۲۴ بچاپ رسيده است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم ومنه الاعانه فيما يقتفر اليه فى الدنيا و الدين الحمد لله المتأبد مملكته بالخلود و الدوام و الممتع سـلطنته بغير جنود ولاـ اعوان وعلى اكمـل انبيائه و افضل او صـيائه آلاف التحيه والسـلام و عترته الاطائب الاماجـد العظام الفخام و بعـد المسـئى المتمسك باذيال رحمه ربه العالى محمد باقر بن محمد نقى الموسوى حشرهما الله تعالى مع سادات الاعالى والادانى لما كتبت فى سالف الزمان رساله فى تحقيق الحال فى ابراهيم بن هاشم ....

نويسنده گويد : ابو اسحق ابراهيم بن هاشم كوفى قمى در محضر مبارك

حضرت رضا وحضرت جواد علیهما السلام را نموده و حدیث او را علماء رجال حسن کالصحیح میدانند و از شیخ بهائی علیه الرحمه نقل شده که پدرش جناب شیخ حسین بن شیخ عبد الصمد عاملی فرموده است که من حیا می کنم حدیث ابراهیم بن هاشم را صحیح بشمرم .

وی اول کسی است که حدیث کوفیان را در قم نشر داد و از کتاب رواشح نقل شده است که این فضیلت جامعترین فضائل است برای صاحب عنوان .

محدث قمی علیه الرحمه در هدیه الزائرین (ص ۲۲۲) در ضمن اعمال مسجد سهله از قول جناب علی بن ابراهیم قمی از قول پدرش ابراهیم بن هاشم می گوید: در سالی بقصد تشرف بمکه وارد کوفه شدم و جهت انجام اعمال مسجد سهله بدانجا رفتم (با جمعی از اصحاب) در آن مکان شخص بزرگواری را دیدم که مشغول نماز و دعا و مناجات بود با او مشغول شدیم تا آخر مطالب و ادعیه ای که نقل می کند سپس می گوید : احتمال میرود که آن شخص بزرگوار جلیل القدر حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است و در تحفه الاحباب (ص ۹) می نویسد: ممکن هم هست که حضرت خضر علی نبینا و آله و علیه السلام بوده باشد .

محدث قمی از رجال بحر العلوم نقل می کند که وی ثقه صحیح الحدیث است .

ویرا تألیفاتی است از آنجمله : ۱- کتاب قضایا امیر المؤمنین علیه السلام

۲ - النوادر (ص ۱۲ رجال نجاشی ص ۸۰ یکم مجمع الرجال) .

۱۰- ترجمه حال ابی بصیر

« ارشاد البصیر الخبیر الی تحقیق الحال فی ابی بصیر» در ضمن رسائل رجالیه از صفحه ۲۴ تا صفحه ۳۹ بچاپ رسیده است .

ص: ۳۳

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم بعد الحمد المنعم المفضال العلام و الصلوه على مفخر الرسل اكمل الانام و آله سادات البريه فى البدايه والختام يقول الملتجى الى رحمه ربه الغافر ابن محمد نقى الموسوى محمد باقر هذه رساله الارشاد البصير الخبير الى تحقيق الحال فى ابى بصير فاعلم ...

انجام : وله الحمد فى كل آن وحال وصلواته على اكمل خليقته و اشرف البريه وعترته الاماجد الاطايب الاطهار ما غسق الليل و اشرق النهار ومنه استعين.

نويسنده گويد : همانگونه كه سيد حجه الاسلام ميفرمايد ابا بصير مشترك است بين :

۱- ابو محمد يا ابو بصير اصغر ليث بن البخترى المرادى كه از حضرت باقر وحضرت صادق عليهما السلام روايت مى كند و ثقه و از اصحاب اجماع مى باشد.

علامه در خلاصه ميفرمايد : كل اوله اللام ثقه و سليم الا ليث بن ابى سليم.

۲- ابوبصير و گفته شده است ابو محمد يحيى بن قاسم (يحيى بن ابى القاسم اسحق) اسدى كه او نيز مخلط و ضعيف نوشته اند لكن نجاشى (ص ۳۰۸) گويد وى ثقه ووجيه است و مرحوم سيد حجه الاسلام در اين رساله از وجيزه علامه مجلسى نقل مى كند (ص ۳۹ رساله) كه وى على الاظهر ثقه است .

ويرا كتابى است در : عمل يوم وليله و همچنين كتابى در مناسك حج فوت ابى بصير را در سال ۱۵۰ نوشته اند .

چهار نفر ديگر از اصحاب ائمه اطهار عليهم السلام كنيه هايشان ابو بصير است (ص ۲۲ پنجم ريحانه الادب) بدين شرح:

۱- حماد بن عبد الله قدرى غير مشهور

۲- حماد بن عبيد الله بن اسيد هروى غير مشهور

۳- عبد الله بن محمد الاسدی ثقه ثقه ثبت له کتاب

۴ - یوسف بن الحرث (حارث)

۱۱ – ترجمه حال احمد بن محمد برقی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۳۹ تا ۴۲ بچاپ رسیده است

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی فضل مداد العلماء علی دماء الشهداء وختم النبوه باحمد المحمود فی السموات العلی علیه وعلی آله اکمل التحیه والصلوه والثناء بعد یقول المستولی بانواع نعم ربه العلی العالی ابن محمد نقی محمد باقر الموسوی هذه رساله فی تحقیق الحال فی احمد بن محمد بن خالد البرقی ...

نویسنده گوید : ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی کوفی

جدش محمد بن علی پس از شهادت جناب زید بن علی بن الحسین علیهما السلام بدست یوسف بن عمرو ثقفی والی عراق از طرف بنی امیه گرفتار گردیده وبشهادت رسید و فرزندش عبدالرحمن وخالد از ترس گرفتاری از عراق فرار کرده در برق رود از توابع قم ساکن گردیدند و بدین جهت به برقی شهرت یافتند

وی شخصا ثقه و مورد اعتماد است لکن از ضعفاء ومراسیل روایت می کند و بدین جهت محدثین بزرگوار و یرا مورد طعن و ایراد قرار داده اند تا جائیکه ابو جعفر احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی رئیس المحدثین قم ویرا بهمین علت از شهر قم اخراج می نماید و بعدا ویرا عودت داده و از او پوزش می طلبد فوت برقی را در سال ۲۷۴ یا ۲۸۰ نوشته اند و گویند که جناب احمد بن محمد بن عیسی با سر و پای برهنه در تشییع او شر کت نمود قبرش در قم بوده و فعلا آثاری از آن باقی نیست کتب زیادی قریب هشتادمجلد تألیف نموده که معروفترین

آنها : ۱- کتاب خصایص ۲- کتاب محاسن می باشد(ص ۵۵ رجال نجاشی)

۱۲ – ترجمه حال احمد بن محمد بن عیسی قمی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۴۳ تا ۴۵ بچاپ رسیده است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد المنعم المفضال و الصلوه علی سید البریه وعترته اشرف الال یقول المفتاق الی رحمه ربه الغنی ابن محمد نقی محمد باقر الموسوی هذه مقاله فی تحقیق الحال فی احمد بن محمد بن عیسی..

نویسنده گوید : ابو جعفر احمد بن محمد بن عیسی بن عبد الله بن سعد بن مالك بن الاحوص بن السایب بن مالك بن عامر اشعری قمی.

خاندان اشعری قمی از خاندانهای معظم و معروف و مفاخر شیعه بوده و از روزانه اول بدوستی اهل بیت رسولخدا صلی الله علیه و آله وسلم شهرت داشته اند اول کسی که از این خاندان بقم مهاجرت نمود سعد بن مالك در بین اشعریین قم دمها محدث و فقیه وجود دارد که از آنجمله است صاحب عنوان .

وی شیخ قمیها ورئیس محدثین و فقیه بوده و خدمت حضرت رضا و حضرت جواد و حضرت هادی علیهم السلام تشرف حاصل نموده و از آنان نقل حدیث می کند

ویرا تألیفاتی است : بدین قرار : ۱- الاظله ۲ – التوحید ۳ – الحج ۴ – فضایل العرب – فضل النبی صلی الله علیه و آله وسلم ۶ المتعه ۷- المسوخ ۸ – الناسخ والمنسوخ ۹ – النوادر .

۱۳ – ترجمه حال اسحاق بن عمار ساباطی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۴۵ تا صفحه ۸۰ بچاپ رسیده است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم . الحمد لله المنقذ عباده من الجهاله ووفق لاصابه

الحق من طلب بالجدوالطاعه وصلواته علی اکمل من ختمت به الرساله و آله اصحاب العصمه و الطهاره سیما بن عمه الخلیق من طینته الملتجی لاو لیائه من الضلاله و بعد یقول المعتصم بادیال رحمه ربه الباقی ابن محمد نقی محمد باقر الموسوی حشرهما الله مع اجدادهما یوم یؤخذ بالنواصی هذه رساله فی ....

انجام : و الحمد لله رب العالمین والصلوه علی خیر خلقه و آله الطاهرین .

نویسنده گوید : نجاشی (ص ۵۱) می نویسد :

ابو یعقوب اسحق بن عمار بن حیان صیرفی شیخ من اصحابنا ثقه و برادرانش یونس و یوسف و قیس و اسماعیل و برادرزادگانش علی بن اسماعیل و بشیر بن اسماعیل همگان از وجوه اصحاب وثقه و از خاندانی بزرگ از شیعه می باشند و صاحب عنوان را کتابی است بنام النوادر .

نقل شده است که هر گاه حضرت صادق علیه السلام اسحق و اسماعیل پسران عمار را می دیدند میفرمودند:

قد یجمعهما الاقوام یعنی خداوند تبارک وتعالی گاهی دنیا و آخرت را برای بعضی جمع میفرماید .

شیخ بهائی و عده ای دیگر از محدثین (ص ۱۹ تحفه الاحباب) می گویند دو نفر اسحق بن عمار در سلسله رواه می باشند که هر دو ثقه یکی اسحق بن عمار بن حیان ساباطی امامی المذهب و

دیگری اسحق بن عمار بن موسی فطحی المذهب لکن مرحوم سید بحرالعلوم میفرماید : اسحق بن عماریک نفر بیش نیست و انهم امامی المذهب وثقه .

مرحوم سید حجه الاسلام میفرماید: اسحق بن عمار بن موسی فطحی المذهب نامش در سند اخبار ماذکر نشده و هر چه نقل شده است از اسحق بن عمار بن حیان امامی ثقه است و اما آنچه محقق در کتاب خود نسبت داده بواقفی

بودن اسحق آنهم بدون اصل است و قبل از جناب محقق کسی چنین نسبتی به اسحق بن عمار نداده است و در امامی و ثقه بودن صاحب عنوان خلافی نیست (ص ۷۲ رجال سید).

۱۴ – ترجمه حال حسین بن خالد

ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۸۰ تا ۹۷ بچاپ رسیده است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم ومنه الاعانه للفوز بجنات النعیم وبه الاستعاذه الحذر من الشیطان الرجیم والیه الالتجاء للخلاص من عذاب الحمیم و بعد یقول المتغمر فی بوادی الغی و الضلال والمنهمک فی فیافی الجهاله و الوبال ابن المستغرق فی بحار معرفه رب الغافر محمد نقی الموسوی محمد باقر و قاهما الله تعالی من سوء الباطن والظاهر هذه رساله فی تحقیق الحال فی حسین بن خالد ...

در این رساله سید حجه الاسلام بحث می کند که آیا حسین بن خالد یک نفر است یا چندین نفر و دیگر اینکه حسین بن خالد از حضرت صادق وحضرت کاظم و حضرت رضا علیهم السلام روایت می کند و اینکه حسین بن خالد صیرفی وحسین بن خالد بن طهمان همان حسین بن ابی العلاء می باشد و اینان دو نفر یا یک نفر می باشند حاصل کلام اینکه حسین بن خالد بن طهمان غیر از حسین بن ابی العلاء می باشد .

سید حجه الاسلام از اکمال الدین صدوق از حسین بن خالد صاحب عنوان روایت می کند که :

حضرت رضا علیه السلام فرمودند : لادین لمن لاورع له و لا ایمان لمن لا تقیه له وان اکرمکم عند الله عزوجل اعملکم بالتقیه قیل له یابن رسول الله الی متی قال الی یوم الوقت المعلوم وهو یوم خروج قائمنا اهل البیت فمن ترک التقیه قبل خروج قائمنا فلیس منا ... (ص ۸۷ رسائل رجالیه)

۱۵ – ترجمه حال حماد بن عیسی الجهنی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۹۷ تا صفحه ۱۰۵بچاپ رسیده است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمـد لله رب العالمین حمـدا کثیرا فوق حمـد الحامـدین و الصـلوه والسـلام علی اکمل الخلایق اجمعین و شافع العصـاه یوم الـدین و آله الطیبین الطـاهرین و بعـد یقول العبـد الخاسـر العـاثر ابن محمـد نقی الموسوی محمـد باقر هـذه مقاله ابر زناها فی هـذه الصفحات لتحقیق الحال فی حماد بن عیسی الجهنی ..

نویسـنده گوید : ابو محمد حماد بن عیسـی جهنی کوفی ساکن بصره زمان چهار امام از ائمه معصومین یعنی حضرت صادق و حضرت کاظم و حضـرت رضا وحضـرت جواد علیهم السلام را درک نموده و در نقل حدیث بسیار محتاط بوده چنانکه گوید : هفتاد حدیث از حضرت صادق علیه السـلام حفظ کردم و اکنون در بیست تای آنها شک و تردید ندارم و آنها را نقل می کنم و از حضرت رضا وحضرت جواد علیهما السلام حدیثی نقل ننموده و در زمان آنحضرت وفات یافته و ثقه و صدوق است .

از حماد نقل شده است که خدمت حضـرت کاظم علیه السلام عرض کردم دعا فرمائید که خداوند به من خانه ای و عیالی و فرزندی و خادمی وحج در تمام سالها نصـیب فرماید حضرت دعا فرمودند که خداوندا به او خانه ای و عیالی و فرزندی وخادمی و پنجاه حج نصیب گردان چون حضـرت این دعا فرمود دانسـتم که عمر من بیشتر از پنجاه حج نباشد در سـفر پنجاه و یکم در وادی قناه در موقع احرام حج ناگهان سیل آمد و او غرق شده وفات یافت و این در سال ۲۰۸ یا ۲۰۹ بود وسنش نود و چند سال بود کتابهای زیر از تألیفات اوست : ۱- کتاب الزکوه ۲- کتاب الصلوه ۳ – کتاب النوادر (ص ۱۰۳ رجال نجاشی ص ۲۳۰ دوم

مجمع الرجال) .

:

۱۶ – ترجمه حال سهل بن زیاد الادمی الرازی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۱۰۵ تا صفحه ۱۱۱ بچاپ رسیده است.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله المنفرد بالقدم و الکمال المتقدس بقدس جماله عن مضاهیه الاشیاء والامثال المتنزه بسطوه جلاله من معانده الاضداد والابطال و الصلوه والسلام علی من اصطفاء الله تعالی نجاه من الضلال و آله و عترته الهداه الماینجی من شدائد الاصفاد و الانکال سیما ابن عمه الخلیق من طینته المنجی اولیائه من السلاسل والاغل و بعد یقول المنغمر فی بوادی الغی و الضلال المفتقر الی رحمه ربه الغنی المتعال ابن محمد نقی الموسوی محمد باقر حشرهما الله تعالی مع اجدادهما اعضاء العبید و الاحرار هذه مقاله فی تحقیق الحال فی سهل بن زیاد الادمی ...

نویسنده گوید : ابو علی سهل بن زیاد رازی از حضرت جواد و حضرت هادی و حضرت عسکری علیهم السلام نقل حدیث می کند برخی ویرا ثقه و عده ای او را ضعیف و غیر معتمد دانسته و نسبت غلو به او داده اند و گویند که جناب احمد بن محمد بن عیسی اشعری ویرا از قم اخراج نمود مشارالیه درری سکونت نمود و بدین جهت به رازی شهرت یافت در ۱۵ ربیع الثانی سال ۲۵۵ توسط محمد بن عبد الحمید عطار باحضرت عسکری علیه السلام مکاتبه ای نمود کتب زیر از اوست : ۱- کتاب التوحید ۲- کتاب النوادر (ص ۱۳۲ رجال نجاشی ص ۱۷۹ سوم مجمع الرجال)

محدث قمی در تحفه الاحباب (ص ۱۴۱) میفرماید : مجلسی اول در شرح فقیه در باب صلوه برمیت توثیق او را فرموده و روایت را از جهت او صحیح شمرده و از او بسی تجلیل فرموده .

۱۷– ترجمه حال شهاب بن عبد ربه

ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۸ تا ۹ و صفحه ۱۱۱ تا ۱۱۲ (دوبار) بچاپ رسیده است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم

اختلاف العلماء فی شأنه فقیل ان حدیثه معدود فی الحسان

نویسنده گوید : شهاب بن عبد ربه بن ابی میمونه بن یسار اسدی صیرفی کوفی خود و سه برادرش عبد الخالق وعبد الرحمن ووهب از بزرگان محدثین وثقات رواه بوده و صاحب عنوان از حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام روایت می کند و زمان حضرت کاظم علیه السلام را نیز درک نموده لکن روایتی از آنحضرت نقل ننموده است .

داود می گوید در خدمت امام ششم علیه السلام بودم که نامی از شهاب برده شد حضرت فرمودند: والله الذی لا اله الا هو لاقتلنه والله الذی لا اله الا هولاضربنه . نقل است که محمد بن عبد الله بن حسن مثنی ویرا هفتاد تازیانه زد .

نجاشی (ص ۱۳۹) و دیگران گویند و یرا کتابی است .

نجاشی (ص ۲۰) در ضمن بیان شرح حال اسماعیل بن عبد الخالق بن عبد ربه گوید :

او از خاندان شیعه و عموهایش شهاب وعبد الرحیم ووهب و پدرش همگان ثقه می باشند .

۱۸ – ترجمه حال عبد الحمید بن سالم العطار

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۱۱۲ تا صفحه ۱۱۳ بچاپ رسیده است.

آغاز : فی حال عبد الحمید بن سالم العطارو حال ابنه محمد بن عبد الحمید فنقول اما عبد الحمید فالظاهر انه ثقه .

نویسنده گوید : عبد الحمید بن سالم عطار کوفی از رواه حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و ثقه و مؤلف کتاب: النوادر است (ص ۲۳۹ رجال نجاشی).

و فرزندش ابو جعفر محمد بن عبدالحمید بن سالم بن عبدالرحمن وکیل حضرت هادی علیه السلام و جلیل القدر وثقه می باشد و به حمیدی معروف بوده و یراکتابی است (ص ۶۸ چهارم) و سالم نیز از ثقاه اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام است .

صفحه ۲۵۱ پنجم مجمع الرجال

۱۹ – ترجمه حال عمر بن یزید

در ضمن رسائل رجالیه از صفحه ۱۲۴ تا صفحه ۱۲۶ بچاپ رسیده است

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد الملک الفیاض العلام و الصلوه علی سید الرسل و اشرف الانام و آله الاماجد الافاخم العظام یقول العبد الظالم علی نفسه المعترف بالتقصیر فی خدمه سیده محمد باقر بن محمد نقی الموسوی عاملهما الله بلطفه الخفی هذه کلمات وافیه وعبارات شافیه فی تحقیق حال عمر بن یزید ...

سید حجه الاسلام در این رساله میفرماید در تحت نام عمر بن یزید پنج عنوان است:

۱- عمر بن یزید بیاع سابری

۲- عمر بن محمد بن یزید

۳- عمر بن یزید ثقفی

و این سه عنوان از یک نفر می باشد و عمر بن محمد بن یزید همانست که امام صادق علیه السلام درباره او فرمودند : انت و الله منا اهل البیت .

۴- عمر بن یزید بن زمیان الصیقل

۵- عمر بن یزید الصیقل ایندو عنوان نیز از یک نفر می باشد .

نویسنده گوید : ابو الاسود عمر بن محمد بن یزید بیاع السابری ثقه و از اصحاب حضرت صادق علیه السلام و حضرت کاظم علیه السلام بوده و کتابی در مناسک حج ومستحبات آن دارد (ص ۲۶۵ چهارم مجمع الرجال و ص ۲۵۷ تحفه الاحباب)

و ابوموسی عمر بن یزید بن الصیقل از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند وثقه و جلیل القدر وواسطه بین مردم و امام علیه السلام بوده و یرا کتابی است (ص ۲۰۴ رجال نجاشی و ص ۲۶۸ چهارم مجمع الرجال) .

۲۰- ترجمه حال محمد بن احمد

راوی از عمر کی بن علی بن محمد البوفکی در ضمن مجموعه رجالیه مرحوم سید حجه الاسلام از صفحه ۱۳۱ تا ۱۳۴ بچاپ رسیده است.

آغاز : بسمله یقول المفتقر الی ربه الغافر ابن محمد نقی الموسوی محمد باقر عفی عن جرائمهما یوم تبلی السرائر قد تکرر و کثر فی الاسانید روایه محمد بن احمد عن العمرکی ...

مرحوم سید حجه الاسلام در این رساله میفرماید مراد محدثین از محمد بن احمد راوی از عمر کی همانا محمد بن احمد یحیی بن عمران الاشعری است .

نویسنده گوید : در رجال نجاشی (ص ۲۴۵) می نویسد :

ابو جعفر محمد بن احمد بن یحیی بن عمران بن عبد الله بن سعد بن مالک

الاشعری القمی کان ثقه فی الحدیث جز اینکه بزرگان محدثین درباره او می گویند وی از ضعفاء نقل حدیث می کند و به احادیث مرسل اعتماد می نماید و توجه نمی کند که از چه کسی نقل روایت می نماید لکن در خود او ایرادی نیست و یرا تألیفاتی است از آنجمله : ۱- کتاب الامامه ۲- کتاب الانبیاء۳-کتاب الایمان ۴ - کتاب الاوقات ۵ - کتاب التوحید - کتاب الحج ۷ - کتاب الحدود والدیات ۸- کتاب الزکوه ۹ - کتاب السکنی ۱۰ - کتاب الصلاه ۱۱- کتاب الصوم ۱۲ -کتاب الطلاق ۱۳ - کتاب الطب ۱۴ - کتاب العتق ۱۵- کتاب فضل العرب ۱۶ - کتاب الفضل العجمیه و العربیه ۱۷ - کتاب الفرائض ۱۸ - کتاب القضایا والاحکام ۱۹ - کتاب مقتل الحسین علیه السلام ۲۰ - کتاب المزار ۲۱ -کتاب الملاحم ۲۲ - کتاب مناقب الرجال ۲۳ - کتاب النحل و الهبه ۲۴ - کتاب النذور والایمان والکفارات ۲۵ - کتاب النکاح ۲۶ - کتاب الوصایا و الصدقه ۲۷ -کتاب الوضوء و مخفی نمانند که مجموعه این کتابها رانو ادر الحکمه نامیده است (ص ۱۴۳ پنجم مجمع الرجال)

واما ابو محمد عمر کی بن علی بن محمد بوفکی نیشابوری از اصحاب حضرت عسکری علیه السلام است نجاشی درباره او گوید : شیخ من اصحابنا ثقه (ص ۲۱۵ نجاشی) کتابهای : ۱- ملاحم ۲- نوادر از اوست. بوفک از قرای نیشابور است .

۲۱ – ترجمه حال محمد بن اسماعیل (رساله در...)

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۱۳۳ تا ۱۴۰ بچاپ رسیده است .

آغاز : بسمله الحمد لله الذی انشأ السموات والارضین وجعلها وما فیها مسالک لاهتداء المهتدین وصلی الله علی سید الاولین والاخرین و آله و اصحابه

ص: ۴۴

مصابیح مشکوه الدین و بعد یقول العبد الملتجی الی باب سیده الغافر ابن محمد نقی الموسوی محمد باقر وفاه الله من سوء الباطن و الظاهر ...

انجام : والحمد لله العزیز الغفار وصلواته علی سیدنا محمد المختار و آله وعترته الاماجد الاطهار مرحوم سید حجه الاسلام در حاشیه این رساله میفرماید :

به گمانم تألیف این رساله در سال ۱۲۰۶ بوده و در سحر شب جمعه ۱۰ محرم ۱۲۳۳ بر آن حواشی مرقوم فرموده است.

سید حجه الاسلام پس از نقل اقوال مختلف درباره محمد بن اسماعیل میفرماید :

انچه محقق است و در قبول آن چاره ای نیست آنکه محمد بن اسماعیل مذکور در صدر بسیاری از روایت کافی: ابو الحسن محمد بن اسماعیل نیشابوری است نه محمد بن اسماعیل بن بزیع .

(حدیث فیه تنبیه و ارشاد) : بعضی از جوانهای احساساتی زمان ما که از اخبار و احادیث و دستورات ائمه طاهرین علیهم السلام کمتر آگاهی دارند و همه چیز را از جنبه منفی آن نظر می کنند بمجرد آنکه بشنوند عالمی ویا دانشمندی در دستگاه حاکمی جباروستمگر خدمت میکرده او را مورد انتقاد قرار داده و هدف تیر ملامت قرار می دهندذیلا جهت توجه اینگونه مسلمانان انقلابی ذکر این حدیث شریف را مناسب میدانیم .

در روایت از محمد بن اسماعیل بن بزیع از حضرت رضا علیه السلام نقل شده است که فرمودند :

ان الله بابواب الظالمین من نور الله له (به) البرهان و مکن له فی البلاد لیدفع بهم عن اولیائه ویصلح الله به امور المسلمین الیهم ملجأ (یلجأ) المؤمن من الضر والیهم یفزع ذو الحاجه من شیعتنا وبهم یؤمن الله روعه المؤمن فی دار الظالمه

اولئک المؤمنون حقاً اولئک امناء الله فی ارضه اولئک نور فی رغبتهم (نور الله فی رعیتهم) یوم القیمه و یزهر نورهم لاهل السموات کما تزهر الکواکب الدریه لاهل الارض او لئک من نورهم یوم القیمه تضیء منهم القیمه خلقوا والیه للجنه وخلقت الجنه لهم فهنیئاً لهم فاعلی احدکم ان لو شاء لنال هذا کله .

قال : قلت بماذا جعلنی الله فداک ؟ قال : یکون معهم فیسرنا بادخال السرور علی المؤمنین من شیعتنا فکن منهم یا محمد (الحدیث)

روایت شده است که در خدمت حضرت رضا علیه السلام نام محمد بن اسماعیل بن بزیع برده شد حضرت فرمودند : دوست میدارم که در بین شما کسی مانند او باشد

(ص ۲۳۳ رجال نجاشی)

واین محمد بن اسماعیل همانست که از حضرت جواد علیه السلام پیراهنی گرفت که کفن خود نماید و در فید که منزلی است در راه مکه معظمه وفات یافت رحمه الله علیه

ویرا تألیفاتی است از آنجمله ۱ - کتاب ثواب الحج ۲ - کتاب الحج

(ص ۳۱۶ تحفه الاحباب)

۲۲ – ترجمه حال محمد بن خالد البرقی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۱۴۰ تا صفحه ۱۴۲ بچاپ رسیده است

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم بعد حمدالله المنعم بکل الالاء و الصلوه من التجی الیه قاطبه البریه حتی الانبیاء و آله الاکرمین الاطیبین الامناء علیهم آلاف التحیه والشرف و السلام و الثناء یقول الخاسر العاثر ابن محمد نقی الموسوی محمد باقر حشر هما الله تعالی مع سادات الاوایل والاواخر هذه مقاله فی تحقیق

الحال فی محمد بن خالد البرقی ...

انجام : فالظاهرانه ثقه فحدیثه معدود فی الصحاح وهو مختار المحققین من المتأخرین ایضاً .

نویسنده گوید : ابو عبدالله محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی منسوب به بر قرود از قرای شهر قم مردی ادیب و آگاه به اخبار و علوم عرب بوده و از حضرت کاظم و حضرت رضا و حضرت جواد علیهم السلام روایت می کند برخی از صاحبان کتب رجال ویرا ضعیف دانسته لکن مرحوم سید حجه الاسلام او را از ثقات میشمارد

کتب زیر از اوست : ۱- کتاب التفسیر ۲- کتاب التنزیل والتعبیر ۳ - کتاب الخطب ۴ - کتاب حروب الاوس والخزرج ۵ - کتاب العلل ۶- کتاب فی علم الباری ۷ - کتاب مکه و المدینه ۸ - کتاب النوادر ۹- کتاب یوم ولیله (ص ۲۳۶ رجال نجاشی و ص ۲۰۵ پنجم مجمع الرجال)

برادرش ابو علی حسن بن خالد از ثقات وویرا کتابی است بنام النوادر ونواده برادرش علی بن علان بن فضل بن خالد فقیه بوده است (رجال نجاشی).

۲۳ – ترجمه حال محمد بن سنان

ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۱۴۲ تا ۱۴۹ بچاپ رسیده است .

آغاز : بسمله الحمد لله الذی جعل منازل الرجال علی قدر روایتهم عن النبی و آله الائمه الاطهار صلواته علی اکمل الخلیقه و عترته الاماجد الاطهار علیه وعلی آله آلاف التحیه من الله العزیز الغفار و بعد یقول الملتجی الی باب سیده المعالی ابن محمد نقی محمد باقر الموسوی هذه رساله فی...

نویسنده گوید : ابو جعفر محمد بن حسن بن سنان بن عبدالله بن زاهر مولی

عمرو بن الحمق الخزاعی شهید طف و چون پدرش در کودکی او فوت شد وجدش سنان متکفل امورات وی گردید به نسبت جد خود محمد بن سنان شهرت یافت .

اقوال نویسندگان کتب رجال درباره وی مختلف است و او از اصحاب حضرت کاظم وحضرت رضا و حضرت جواد علیهم السلام بوده و یکی از معجزات حضرت جواد علیه السلام درباره او ظاهر گردید چه آنکه وی نابینا شده بود و در اثر مسح کردن حضرت جواد علیه السلام چشم او را بدست مبارک شفا یافت و این معجزه را حمیری در قرب الاسناد از حضرت رضا نقل می کند (ص ۵۵۶ پیشگوئیهای پیشوایان)

درباره او از حضرت جواد علیه السلام نقل شده است که چون در سال ۲۲۰ فوت شد و خبر مرگش به آنحضرت رسید فرمود رضی الله عنه برضائی عنه فما خالفنی وما خالف ابی قط .

ویرا تألیفاتی است بدین شرح : ۱- الاظله ۲ - الحج ۳ - الشراء والبیع ۴ - الصید والذبائح ۵ - الطرائف ۶- المکاسب ۷ - النوادر ۸ - الوصیه (رجال نجاشی صفحه ۲۳۱)

۲۴ – ترجمه دال محمد بن الفضیل

راوی از ابی الصباح کتابی مذکور در من لا یحضره الفقیه در ضمن مجموعه رجالیه مرحوم حجه الاسلام از صفحه ۱۵۶ تا ۱۵۸ بچاپ رسیده است .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین والعاقبه للمتقین و الصلوه والسلام علی اشرف البریه اجمعین محمد و آله و عترته الطیبین الطاهرین و بعد یقول العبد الملتجی الی باب ربه الغفور العلی محمد باقر بن محمد نقی الموسوی لقد اکثر

شیخنا الصدوق الروایه ....

مرحوم سید حجه الاسلام در این رساله میفرماید : مراد از محمد بن فضیل که شیخ صدوق علیه الرحمه در کتاب من لا یحضره الفقیه از او روایت می کند همانا : محمد بن قاسم بن فضیل است که ثقه و جلیل القدر و از اصحاب حضرت رضا علیه السلام می باشد مرحوم حجه الاسلام در این رساله نقل از کتاب فقیه در باب حق المراءِه علی الزوج می نویسد :

روی ابی الصباح الکنانی عن ابی عبدالله علیه السلام قال :

اذا صلت المراءه خمسها وصامت شهرها و حجت بیست ربها و اطاعت زوجها وعرفت حق علی فلندخل من الی ابواب الجنان ان شاءِت .

نویسنده گوید : محمد بن الفضیل وهو محمد بن القاسم بن الفضل (الفضیل) بن یسار النهدی ثقه در رجال نجاشی (ص ۲۵۶) گوید : خود و پدر و عمویش علاء وجدش فضیل همگان از ثبات بوده و محمد از اصحاب حضرت رضا علیه السلام و او را کتابی است .

و مراد از ابی الصباح ابراهیم بن نعیم العبدی کنانی است در رجال نجاشی گوید (ص ۱۵) حضرت صادق علیه السلام او را بخاطر وثاقتش میزان مینامید حضرت باقر علیه السلام را دیده و از حضرت صادق و حضرت کاظم علیهما السلام روایت می کند ویرا کتابی است .

۲۵ – ترجمه حال محمد بن عیسی الیقطینی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۱۴۹ تا صفحه ۱۵۶ بچاپ رسیده است

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین والصلوه علی اشرف الاولین و الاخرین محمد خاتم النبیین وعترته الاماجد الطاهرین و بعد یقول العبد

المسئی الملتجی الی بـاب سـیده الکریم الغنی ابن محمـد نقی محمـد باقر الموسوی لما اختلفت مقاله العلماء فی محمـد بن عیسـی الیقطینی ای محمد بن عیسی بن عبید یقطین ...

نامه حضرت جواد علیه السلام

انجام : مرحوم سـید حجه الاسلام در آخر این رساله نامه حضرت جواد علیه السلام را به بعضی از شیعیانش در بغداد درباره مخلوق بودن قرآن بنا بروایت محمد بن عیسی نقل می فرماید بدینگونه :

بسم الله الرحمن الرحیم عصـمنا الله و ایـاک من الفتنه فـان یفعـل فاعظم بها نعمه وان لا یفعل فهی الهلکه نحن نری ان الجـدال فی القرآن بـدعه اشترک فیهـا السائـل والمجیب فتعـاطی السائـل ما لیس له وتکلف المجیب ما لیس علیه و لیس الخالق الا الله عزوجل و ماسواه مخلوق و القرآن کلام الله لا تجعل له اسماً من عندک فتکون من الضالین جعلنا الله و ایاک من الذین یخشون ربهم بالغیب وهم من الساعه مشفقون.

نویسـنده گوید : ابو جعفر محمد بن عیسـی بن عبید بن یقطین بن موسی ینطینی یونسی بغدادی برخی از بزرگان محدثین ویرا از ضعفاء شمرده و نسبت غلو به او داده و عـده ای نیز همچون نجاشـی ویرا توثیق نموده انـد و گوید (ص ۲۳۵) جلیل فی اصـحابنا ثقه عین کثیر الروایه حسـن التألیف. از حضرت جواد علیه السلام نقل روایت می کند مکاتبه و مشافهه (یا از حضرتش شنیده و یا با آن بزرگوار مکاتبه نموده).

کتـب زیر از اوست : ۱ – الامامه ۲ – الامـل و الرجاء ۳ – بعد الاسناد ۴ – التجمـل و المروه ۵ – التفسیر ۶ – التوقعیات ۷ –ثواب الاعمال ۸ – الرجال ۹ – الزکوه ۱۰ – الضیاء ۱۱ – الظرائف ۱۲ – الفیء و الخمس ۱۳ – قرب الاسناد ۱۴ – اللؤلؤه ۱۵ – المسائل المحرمه ۱۶ – المعرفه ۱۷ – النوادر ۱۸ – الواضح المکشوف فی الرد علی اهل الوقوف ۱۹ – الوصایا و غیره (ص ۲۳۵ نجاشی صفحه ۱۷ پنجم مجمع الرجا ل)

علامه فقیه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی متعنا الله بطول بقائه الشریف در کتاب معجم رجال الحدیث (ص ۱۲۷ هفدهم) ویرانفر (۱۱۵۱۳) از رجال شیعه قرار داده و درباره او بسط کلام فرموده طالبین مراجعه فرمایند

۲۶ - ترجمه حال معروفین به ماجیلویه

در ضمن رسائل رجالیه از صفحه ۱۲۷ تا صفحه ۱۳۲ بچاپ رسیده است

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم المعین لمن استعانه فی کل شده وصعاب و الهادی لمن استهداه فی کل ظلمه الی الصواب والصلوه والسلام علی افضل السفن النجاه فی کل باب و آله الهداه لإصابه الحق و الرشاد وحسن المآب و بعد یقول الملتجی بذیل رحمه به الغنی ابن محمد نقی محمد باقر الموسوی ان ماجیلویه لقب الاربعه .....

نویسنده گوید : سید حجه الاسلام در این رساله میفرماید :

ماجیلویه لقب چهار نفر از محدثین است بدین قرار :

۱- محمد بن علی بن ابی القاسم اخباری از او نقل می کند از آنجمله به اسنادش از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند من انصف الناس من نفسه ورضی به حکماً لغیره

۲- عموی نفر اول محمد بن ابو القاسم است به اسنادش از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند المرءه قلاده فانظر ما تتقلد .

۳- فرزند او ابو الحسن علی بن محمد بن ابوالقاسم (عموزاده نفر اول) به اسنادش از ائمه طاهرین علیهم السلام نقل می کند که جناب جبرئیل بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و گفت :

السـلام يقرءِك السلام ويقول خلقت السموات السبع ومافيهن والارضين السبع وما عليهن وما خلقت موضعاً اعظم من الركن والمقام و لوان عبداً دعانی هناك منذ خلقت السموات و الارضین ثم لقینی جاحداً لولایه علی علیه السلام لاکبنه فی سقر

۴ - فرزند او یعنی محمد بن علی بن محمد بن ابوالقاسم به اسنادش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمودند ما من مؤمن یقعد ساعه عند العالم الا ناداه ربه عزوجل جلست الی حبیبی فوعزتی وجلالی لاسکنتک الجنه معه ولاابالی

نجاشـی درباره ابو عبـدالله محمد بن ابی القاسم عبید الله ملقب به بندار بن عمران جنانی برقی (نفر دوم) می نویسد: سـید من اصـحابنا القمیین ثقه عالم فقیه و گوید داماد احمد بن محمد برقی است (ص ۲۵۰ نجاشی) و ابوالحسن علی (نفر سوم) از این مادر است .

نویسنده گوید : علامه طهرانی در کتاب : نوابغ الرواه فی رابعه المئات (ص ۲۲۵) به خلاصه می فرماید :

حدیث

معروفین به ماجیلویه در بین محدثین بزرگوار پنج نفر می باشند بدین شرح:

۱- ابو عبـدالله محمـد بن ابی القاسم عبید الله (عبد الله) ملقب به بندار بن عمران جنابی برقی داماد ابی عبدالله احمد بن محمد بن خالد برقی و اول کسی که به ماجیلویه ملقب گردید .

۲- ابو الحسن علی بن محمد بن ابی القاسم عبید الله (فرزند نفر اول و نواده ابی عبدالله برقی) از مشایخ کلینی

۳- محمد بن علی بن ابی عبدالله محمد بن ابی القاسم عبید الله از مشایخ صدوق .

ص: ۵۲

۴ – محمد بن علی بن ابی القاسم عبیدالله بندار از مشایخ صدوق .

۵ – یحیی بن محمد بن علی بن ابی القاسم عبیدالله از مشایخ صدوق .

علامه طهرانی در نوابغ الرواه (ص ۳۳۳) می فرماید : یحیی بن محمد بن علی ماجیلویه از مشایخ صدوق و او از محمد بن یحیی العطار روایت می کند پدرش نیز از مشایخ صدوق بوده و از محمد بن یحیی العطار روایت می کند و روایت صدوق از صاحب عنوان در مجلس ۸۱ کتاب امالی است .

علامه طهرانی در همان کتاب و صفحه می فرماید :

ماجیلویه لقب : محمد بن ابی القاسم است مطابق تصریح نجاشی وبعداً فرزندش علی سپس نواده اش محمد بن علی .... وهمچنین این لقب گفته میشود بر فرزندش .

۶– علی بن محمد بن علی بن ابی عبدالله محمد بن ابی القاسم عبید الله بندار و مخفی نماند که در کتب رجالیه نام علی بن ابی القاسم عبیدالله ذکر نشده است.

در معجم رجال الحدیث (ص ۲۰۱ هفدهم) فرماید : محمد بن ماجیلویه از مشایخ صدوق برای اگهی بیشتر به کتب رجال مراجعه شود .

۲۷– ترجمه حال معویه بن میسره (و اینکه او همان معویه بن شریح است)

این رساله در جزو رسائل رجالیه مرحوم حجه الاسلام از صفحه ۱۵۸ تاصفحه ... بچاپ رسیده است . .

آغاز: بسمله الحمدلله الخالق الارضین والسموات و الصلوه والسلام علی سید رسله شافع العرصات وعترته التی حبهم مفتاح الخیرات و بعد یقول المعتصم بفضل ربه الباقی محمد باقر بن محمد تقی الموسوی ...

ص: ۵۳

نویسنده گوید : ابو عبدالله معویه بن میسره بن شریح (که گاهی او را به نسبت جد معویه بن شریح گویند) ابن الحارث الکندی القاضی الکوفی از اصحاب حضرت صادق علیه السلام و از آن حضرت روایت می کند ویرا کتابی است (ص ۲۹۲ رجال نجاشی).

در نخبه المقال (ص ۱۰۰) درباره او گوید :

سبط شریح و ابوه میسره

ممدوح القاضی وطق معتبره

* تعلیقات بر شرح سیوطی علامه فقیه صاحب روضات الجنات (ص ۱۲۵) می نویسد:

سید حجه الاسلام در آغاز یکدور بلده طیبه کاظمین علیهما السلام مشرف بود تعلیقانی مدون و مرتب که خود بمنزله شرح بر کتاب سیوطی

تألیف فرمود لکن آنرا با تمام نرسانید .

نویسنده گوید: این تعلیقات « الحلیه اللامعه » نام دارد که بعدا بآن اشاره میشود . . .

۲۸ – تطهیر العجین بتبخیره وعدمه (رساله در ...)

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۴۹ یازدهم) می نویسد :

نسخه ای از این رساله در ضمن مجموعه ای در کتابخانه مدرسه بروجردی در نجف اشرف موجود است و این همان رساله : القدریه است که بعداً بدان اشاره میشود .

موضوع رساله انکه هرگاه قطره خون در دیگ بیفتد و آن دیگ بجوشد تا خون از بین برود(از بین رفتن خون در اثر جوشش باشد نه بهم خوردن چیزهائیکه

در دیگ است) دیگ و آنچه در آنست به تبعیت آن پاک می شود (ص۲۹۴ مقدمه مناهج المعارف)

۲۹– تقدیم الید علی الاستصحاب (رساله در ...)

مسئله استصحاب از مسائلی علم اصولست که علماء بزرگوار درباره آن از تعریف در تقسیمات و اعتبار وعدم اعتبار آن در کتب اصولی خود بطور اجمال و یا تفصیل بحث نموده اند از آنجمله مرحوم سید حجه الاسلام رساله ای در تقدیم الید علی الاستصحاب در حدود چهار هزار بیت تألیف نموده است .

این کتاب بطوریکه علامه سید محمد صادق موسوی خونساری برادر علامه صاحب روضات الجنات در رساله «ذکر مشایخ » مرقوم فرموده در رد میرزای قمی اعلی الله مقامه الشریف می باشد .

(ص ۲۹۴ مقدمه مناهج المعارف) ۳۰

۳۰ – التقلید

در مسائل تقلید (الذریعه ص ۳۸۹ چهارم)

علامه طهرانی در الذریعه می نویسد:

میرزا عبدالوهاب شریف فرزند میرزا محمد علی قزوینی دو رساله در مسائل تقلید یکی بعربی مفصل و دیگری بفارسی مختصر تألیف نمود و بعداً همانگونه که خود او می نویسد رساله مرحوم سید حجه الاسلام را در مسئله تقلید دید که میفرماید :

بر مکلف واجب است که بمجرد فوت مجتهد به مجتهد زنده عدول کند بنابراین کتاب : هدایه المسترشدین را در رد آن نوشت تاریخ تألیف هدایه ۱۲۴۲ می باشد.

۳۱– تمییز مشترکات الرجال (رساله در ...)

یا رساله مشترکات الرجال علامه خونساری در روضات الجنات (ص ۱۲۵) می نویسد :

بـدیهی است که معظم له از همه متقـدمین ومتأخرین در احوال رجال دقیق تر و صاحب نظرتر و کاملا از اشـتباهات پیشـینیان با خبر و آنها را با تحقیق و تتبع خاصی تصحیح میکرد (ص ۲۹۳ دوم ترجمه روضات از فاضل ارجمند حاج شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی)

نام این کتاب در تاریخ زنجان (ص ۲۷۵) وریحانه الادب (ص ۳۱۳ دوم) و فوائد الرضویه (ص ۴۲۷ دوم) نیز ذکر شده است .

۳۲ – جوابات المسائل

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۱۹۵ یکم) تألیفی باین نام برای سید حجه الاسلام ذکر می کند و آنرا غیر از سؤال و جواب میداند .

ظاهرا این کتاب همان پرسش و پاسخ باشد که قبلا به آن اشاره شد

۳۳ – جواز هبه ولی مدت منقطعه را (رساله در...)

در قصص العلماء (ص ۲۲) می نویسد :

حاج ملا محمد تقی بن مولی محمد برغانی معروف به شـهید ثالث قائل بعدم جواز هبه ولی صـغیر مدت منقطعه بود و در این باره رساله نوشته لکن بیشتر علماء زمان از آنجمله حاج ملا عبد الوهاب قزوینی ولی سید محمد مجاهد قائل بجواز می باشند

ص: ۵۶

سید حجه الاسلام نیز از جمله علمائی است که قائل بجواز بوده و در این باره رسالهای مرقوم فرموده است .

علامه حاج سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه (ص ۱۱۲ چهل و دوم) ضمن اسامی مؤلفات مرحوم حجه الاسلام می نویسد « رساله فی انه هل یجوزان یهب المده فی العقد المنقطع»

و مرحوم تنکابنی در قصص العلماء می نویسد : رساله در ابراء ولی مدت منقطعه مولی علیه را (ص ۱۳۶ قصص العلماء)

۳۴ – الحدود

رساله در حدود – حکم اقامه حدود در عصر غیبت .

مرحوم سید حجه الاسلام شفتی اقامه حدود رادر زمان غیبت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مجتهدین واجب میدانسته و خود نیز آنرایا بنفسه و یا بفرمانش عمل مینموده و مشهور است که عده جانیان وسارقین وزنادهندگان و ... که بحکم ایشان محکوم شده اند وحد شرعی از تعزیر تا قتل درباره آنان اجرا گردیده است هشتاد یا نود و حتی یکصد و بیست نفر نیز گفته اند بوده اند و اغلب مقتولین در گورستانی که نزدیک منزلش بود بنام قبله دعا مدفون شده اند معروفست که مرحوم حجه الاسلام پس از آنکه محکوم بقتل را می کشت پا می کشتند خود بر جنازه او نماز میخواند و در حال نماز با گریه و تضرع از خداوند متعال جهت او طلب مغفرت و آمرزش مینمود .

آغاز : الحمد لله المتفرد بالقدم و الکمال المتقدس بقدس جماله عن مشابهه الاشیاء والامثال والصلوه والسلام علی من اصطفاه الله ...

ص: ۵۷

انجام: فالحکم فی المسأله مما لا ینبغی التأمل فیه فلله الحمد والشکر والمنه .

از این کتاب نسخه های زیادی موجود است از آنجمله نسخه ای بشماره (۳۷۱۲) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم (ص ۱۱۱ دهم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی) و نسخه ای در کتابخانه مرحوم حجه الاسلام حاج سید محمد رضا شفتی در اصفهان می باشد .

۳۵ – حرمه فی رم الموطوء علی الواطی (رساله در ....)

و آنها عبارتند از : مادر و خواهر و دختر .

آغاز : الحمد لمن ابدع السموات والارضین ....

این رساله که جزو کتاب : سؤال و جواب مرحوم سید حجه الاسلام بچاپ رسیده است .

(ص ۱۷۵ یازدهم الذریعه)

۳۶ – حکم تزویج خواهر مطلقه (رساله در ...)

در اعیان الشیعه (ص ۱۱۲ چهل و دوم) می نویسد:

رساله فی العقد علی اخت الزوجه المطلقه .

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص) و مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص۱۳۶) از این کتاب بنام : حکم عقد براخت مطلقه نام برده اند .

۳۷ – الحلیه اللامعه

حواشی و تعلیقات بر کتاب سیوطی .

این کتاب را مرحوم سید حجه الاسلام موقع تحصیل در نجف اشرف بر

حسب خواهش یکی از شاگردان تالیف فرموده و در آن از اول کتاب تا معرف به (ال) و بعداً باب استثناء تا آخر حروف جر می باشد .

حجه الاسلام می نویسد: در این موقع مبتلا بمرض حرقه البول شدم وجهت معالجه و مداوا به بغداد رفته و مدت چهار ماه در آنجا به معالجه اشتغال داشتم و در این مدت کتابرا از مسوده به مبیضه آورده و این کار در تاریخ اواسط رجب سال ۱۲۰۴ بپایان رسید.

در قصص العلماء (ص ۱۳۶) می نویسد : مسموع شد که ایام تألیف انجناب در بغداد بوده و از کتب فقط ترکیب خالد را داشته است .

از این کتاب نسخه های متعددی در ایران و عراق در کتابخانه های عمومی و خصوصی موجود است از آنجمله است : ۱ - نسخه کتابخانه مرحوم حجه الاسلام حاج سید محمد رضا شفتی ۲ - نسخه کتابخانه علامه مفضال آقای حاج سید محمد علی روضاتی هر دو در اصفهان ۳ - نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره (۴۷۷۶) (صفحه ۱۷۳ سیزدهم فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی) و غیره

نویسنده گوید : ظاهرا این کتاب اولین تألیف مرحوم سید حجه الاسلام شفتی می باشد .

* حواشی برنسیوطی

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۱۹۵ یکم) نامی از این تألیف برده و می نویسد در ابتدای تحصیل نوشته است .

عالم جلیل مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۶) آنرا بنام حاشیه بر سیوطی ذکر نموده است و گوید قدری از آن را دارم که بعضی از مواضع خط

والـد ماجدم و بعضـی از مواضع خط حجه الاسـلام است که باهم نوشـتند چون میان والد و او صداقت و محبت بسـیاری بود و مسـموع شد که خلف با شرفش حاجی سید اسد الله بامر او آن حاشیه را تمام نمود.

نویسنده گوید : این کتاب همان : الحلیه اللامعه سابق الذکر می باشد که بنامهای تعلیقات بر سیوطی و شرح بر سیوطی نیز نامیده شده است .

۳۸ – حواشی بر کتاب فروع کافی

کتاب شـریف کافی از سه قسـمت (اصول – فروع – روضه) ترتیب یافته و از امهات کتب حـدیث شـیعه و یکی از کتب چهار گانه محمـد بن ثلثه اوائل است.

این کتاب شریف در کلیه ادوار مورد نظر و عنایت علماء بزرگوار واقع گردیده و حواشی و شروع زیادی برای آن نوشته اند. از آنجمله :

حواشی مختصری است بر قسمت فروع آن (کتاب الطهاره تا پایان کتاب الحج)

نسخه آن بشماره (۲۲۰۳) در کتابخانه آیت الله مرعشـی نجفی در قم موجود است. حواشـی نامبرده با نشانی : محمـد باقر الموسوی می باشد و نویسنده محترم فهرست احتمال داده اند که از مرحوم سید حجه الاسلام باشد.

روی برگ اول کتاب تملك سید حجه الاسلام شفتي و مهر بیضوی ایشان (محمد باقر بن محمد نقی الموسوی) نیز دیده میشود .

(ص۱۹۶ ششم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی – قم)

۳۹ – خلاصه و منتخب تحفه الابرار

نسخه ای از این کتاب در کتابخانه فاضل ارجمند جناب آقای حاج سید

مرتضی شهشهانی فرزند واعظ زاهد خبیر مرحوم آقا میرزا سید محمد صدر الواعظین ابن آقا میرزا یحیی بن آقا میرزا سید جعفر شهشهانی (شرح حالش در جمله شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام ذکر گردیده) موجود است در پشت این نسخه آقا سید محمد جواد موسوی درب امامی نوشته است که :

خلاصه و منتخب تحفه الابرار از خود سر کار شریعت مدار خلایق افتخار ... صاحب المناقب والمفاخر السید حجه الاسلام والمسلمین خاتم المجتهدین ... از کتاب تحفه الابرار خود مختصر فرموده اند و بقیه آنرا هم انشاء الله با تمام خواهند رسانید .

کتاب در حدود دو هزار و نهصد بیت است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم وبه ثقتی . کتاب الصلوه و این مرتب است بر چند باب ، باب اول در بیان مقدمات است . .

انجام نسخه موجود: چنین است جامه قیطان ابریشم در آن دوخته باشندخواه در اطراف جامه دوخته باشد با عدم میل بظاهر مثل اطراف بدن عربی یا چوخا بارانی یا با میل بظاهر .

۴۰ – رد بر مولی علی اکبر اژه ای درباره سلام نافله (رساله در ...)

در قرن ۱۳ هجری در یکی از مسائل فرعی نماز (سلام نافله) ما بین دو نفر از علماء بزرگوار اصفهان مرحوم مولی علی اکبر اژه ای و مرحوم سید حجه الاسلام اختلاف نظر پیدا شد اولی یک سلام را کافی میدانست و مرحوم حجه الاسلام خلاف آن میفرمود وهر یک درباره این موضوع دو رساله مرقوم داشتند مرحوم مولی عبدالکریم خبری در تذکره القبور (ص۳۴) پس از نقل مطالب بالامیفرماید:

ظاهر این است که حق با سید است و آخوند ظاهر متفرد است .

مرحوم حاج آقا منیر الدین بروجردی (۱۳۴۲ - ۱۲۶۹) در رساله : الفرق بین الفریضه و النافله در فرق ۶۵ (ص ۱۶) می نویسد:

قد وقع النزاع فی اوائل القرن السابق بین الفاضل المتکلم الحاج المرودشتی الاصفهانی والسید النبیه الفقیه الذی انتهت الیه ریاسه الامامیه فی زمانه السید الشفتی الجیلانی فی مسأله سلام النافله فجزم الاول بکفایه سلام و احد و کون الاکثر من التسلیمه وهو قول السلام علیکم ورحمه الله و برکاته بدعه وجزم الثانی بکون القول بذلک من البدع الواقعه فی الشریعه فانجز الکلام الی کتابه رسالتین من الطرفین فنسأل الله العصمه من الخطأ فی البین . ولا یخفی ان هذا القول و ان کان ضعیفاً الا انه لیس مما لم یذهب الیه احد من الامامیه لذهاب شیخ الطائفه شیخنا المفید الی وحده التسلیم لکن المشهور علی خلافه و لهذه اشهدانی کنت مقتصراً فی النافله بتسلیمه واحده فی اکثر من اربعین سنه فحصل الفرق بین النافله و الفریضه سواء قلنا بالوحده و التعدد.

۴۱ - الزهره البارقه

در مجاز و حقیقت در اصول بعربی

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۷۲ دوازدهم) می نویسد :

در هشت هزار بیت مشتمل بر بسیاری از مباحث علم اصول و همو می گوید که پس از وفات مرحوم سید حجه الاسلام بامر داماد و شاگرد او آقا محمد مهدی کلباسی بچاپ رسیده است .

کتاب مشتمل است بر یک مقدمه و چندین باب و خاتمه .

آغاز : الحمد لله الذی تنزهت عن مجازیه العقول القادسه ...

علامه صاحب روضات الجنات (ص ۱۲۵) می نویسد : کتاب در خصوص

مطالب حقیقت و مجاز تألیف شده و بسیاری از مسائل اصولی و قواعد عربی و مباحث الفاظ و مبادی لغویه را در آن گنجانیده و مشتمل بر هیجده هزار بیت است .

نویسنده گوید : مرحوم خانبا با مشار در کتاب : فهرست کتب عربی چاپی نامی از این کتاب نبرده است .

نسخه ای از این کتاب ضمن مجموعه شماره (۱۱۶) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است (ص ۱۱۲ یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی) تاریخ نسخه هشتم ذی الحجه سال ۱۲۲۶ می باشد .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۵۱ هفتم و ۱۵۷ پانزدهم) نام این کتاب را :الطراز فی الحقیقه والمجاز می نویسد.

۴۲ – زیارت عاشوراء (رساله در باره ...)

این رساله در جزو کتاب سؤال و جواب سید حجه الاسلام بچاپ رسیده است

مرحوم سید حجه الاسلام در این رساله ثابت نموده است که نماز این زیارت دو رکعت است و آن را باید بعد از لعن و سلام ودعاء اللهم خص انت اول ظالم ... ودعاء سجده بخوانند .

سؤال : زید زیارت عاشورا را مستمری باذن یکی از مجتهدین که حال آن متجهد دارفانیرا وداع گفته باینطریق عمل می آورد که بعد از زیارت لعن و سلام را یک دفعه میخواند و در آخر هر یک از آنها مأته مره می گوید و بعد از آن دعای سجده میخواند. آیا ملازمان اذن میفرمایند.

جواب : حقیر را اعتقاد اینست نظر بحدیثی که مرحوم شیخ طوسی در مصباح ذکر فرموده اتیان بزیارت عاشوراء مأثور موقوفست بر اینکه هر یک از لعن معهود و سلام محمود راصد مرتبه اتیان نماید و بعد از قراءت لعن یک مرتبه اتیان بمأته مره کفایت نمی کند و همچنین است امر سلام .

(ص ۲۸ کتاب سؤال و جواب)

۴۳ – سلام نماز نافله (رساله درباره ...)

قبلا بنام : ردبر مولی علی اکبر اژه ای در باب سلام نماز نافله (رساله در ...) نوشتیم که علامه فقیه زاهد عابد نامبرده رساله ای مرقوم داشته در آن فرموده است که : سلام در نمازهای نافله یکی بیشتر نیست و آنهم السلام علیکم ورحمه الله و برکاته می باشد .

چون رساله مزبور بنظر مرحوم سید حجه الاسلام رسید رساله ای مرقوم داشتند و در آن فرمودند که:

سلاـم ر نماز نافله سه سلام می باشد این رساله بنظر مرحوم علامه اژه ای رسید دیگر بار در تأیید رساله اولیه خود رساله ای نوشت و نظریه مرحوم سید حجه الاسلام را رد نمود چون این رساله بنظر مرحوم سید حجه الاسلام رسید ثانیاً رساله ای در رد گفتار مرحوم اژه ای و اثبات نظریه خویش مرقوم فرمود که قبلا بدان اشاره شد .

تاریخ فراغت مرحوم سید حجه الاسلام از تألیف رساله نامبرده : شب ۲۵ محرم الحرام سال ۱۲۲۵ قمری می باشد .

۴۴ – سؤال وجواب

مجموعه سؤالاتی است که در موضوعات مختلف در طول زمان از مرحوم

سید حجه الاسلام پرسیده اند و ایشان بدانها جواب فرموده بعضی جوابها فارسی و برخی عربی عده ای مختصر و عده ای از آنها مفصل و استدلالی است که خود شایسته است رسانه ای مستقل باشد .

این سؤالات را یکی از شاگردان ایشان جمع آوری نموده و در دو مجلد بر حسب ترتیب کتب فقهی منظم نموده است

جلد اول آن در سال ۱۲۴۸ چاپ شده و تا کتاب ودیعه است لکن جلد دوم آن بچاپ نرسیده است .

مرحوم خانبابا مشار باستناد عبارت آخر جلد یکم می نویسد جلد دوم نیز بچاپ رسیده است.

از مجلد اول که چاپ شده نسخه های خطی نیز در کتابخانه های عمومی و خصوصی موجود است .

نسخه ای از جلد دوم که مشتمل بر بیست و چند کتابست و از کتاب وصیت شروع شده و به کتاب حدود ودیات خاتمه می یابد را علامه طهرانی در نجف نزد دانشمند بزرگوار آقای حاج سید محمد جزائری (فعلا ساکن طهران می باشند) دیده اند و در پشت آن تملک حاج سید محمد باقر ثانی بید آبادی فرزند مرحوم حاج سید اسد الله حجه الاسلام ثانی بوده نسخه ای دیگر در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار در طهران موجود است.

نسخه ای نیز از کتاب وصایا تا آخر میراث که فهرست ابواب در اول کتاب نیز نوشته شده است به شماره (۲۹۸۰) در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است (ص ۱۱۰ فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی اصفهان جلد یکم) وهمچنین جلد اول و دوم بشماره (۵۱۹۹) بخط نسخ عبد الرحیم بن محمد کریم هرندی در تاریخ ۱۸ ربیع الثانی ۱۲۶۴ کتابت آن خاتمه یافته

ص: ۶۵

و حاشیه هایی با امضاء دام ظله دارد در همان کتابخانه موجود است سومین نسخه کتابخانه عمومی اصفهان بشماره (۵۴۳۱) و از کتاب حج شروع شده و ابواب آن نا مرتب است .

(فائده) : در این جا بی مناسبت نیست که عین مطالبی را که ادوارد برون انگلیسی در کتاب : تاریخ ادبیات ایران تألیف خود راجع به این کتاب می نویسد نقل شود ، او می نویسد :

رساله سؤال وجواب بعد از سال ۱۲۳۶ (در این جا سال میلادی نیز نقل شده که ما از نقل آن بی نیازیم و تا کنون در هیچ یک از مؤلفات خود آنرا ذکر نکرده ایم) تحریر یافته و در (سال) ۱۲۴۷ بطرزی مطبوع چاپ شده است ظاهراً محل طبع آن اصفهان و مباشر چاپ میرزا زین العابدین تبریزی بوده که این صنعت را او بایران وارد نموده است .

این تألیف مشتمل بر ۱۶۲ ورق بطول ۶ / ۲۹ و عرض ۲۰/۵ (سانتی متر) است و هر ورقی ۲۸ سطردارد . حروف س و ج (یعنی سؤال و جواب) درسرتاسر کتاب میان هلالین سرخ جای داده شده است (در هیچ جای کتاب علامت س و ج بین هلالین قرار نگرفته و اصل این دو حرف با جوهر قرمز بچاپ رسیده است.مهدوی).

من (یعنی ادوارد برون) فقط یک جلد از آن دارم و قاعده بایستی جلد دوم نیز داشته باشد لیکن نمیدانم تهیه شده یا خیر مباحث کتاب بترتیب عددی مرتب شده است (کتاب مطابق ترتیب کتب فقهی مرتب شده است نه عددی . مهدوی)

بدواًبشرح عبادات مثل طهارت - صلوه - صدقه - صوم - حج پرداخته و در آخر قسمتی بنام کتاب الودایع راجع به اصول در ابتدای مباحث است . و در هر بابی از ابواب بطور سؤال وجواب مسائل مختلفه راجعه بآن مبحث با عقیده

مؤلف قید گردیده است .

مثلا در مقدمه بدون هیچ در حمدو منقبت و دعا و غیره بلافاصله شروع به مسائل ذیل می کند :

(س) هرگاه شخصی تقلید مجتهدی را از مجتهدین زاد الله امثالهم نماید در حال حیات آن مجتهد آیا بعد از ممات او جایز است از برای او تقلید او و عمل بقول او یا نه ؟

(ج) جواب این سؤال که تقریباً یک صفحه را فرا میگیرد و خلاصه اش اینکه تقلیدمیت جایز نیست و باید به یکی از مجتهدین زنده مراجعه کند .

ادله و شواهد کثیره در تأیید این قول ذکر نموده و از جمله اقوال محمدباقر (ظاهراً مجلسی) (نویسنده گوید بظن قریب به یقین مراد از محمد باقر مؤسس بهبهانی مرحوم آقا باقروحید کرمانشاهی است) و سید محمد مهدی (علامه حاج سید مهدی بحرالعلوم طباطبائی. مهدوی) و شهید ثانی و محقق ثانی را نقل می کند

(ممکن است : شماره «۳۰ – التقلید» همین سؤال وجواب باشد و العلم عند الله.

ابواب این کتاب از حیث تفصیل خیلی مختلف است. باب صلوه تقریباً هفتاد ورق را فراگرفته اما سایر ابواب با ین تفصیل نمیرسند مثلا کتاب الودایع که باب آخر است بیش از نیم صفحه نیست (تاریخ ادبیات ایران ص ۲۶۸ جلد چهارم)

۴۵ – سؤال وجواب

فارسی درباره بعضی از عقاید شیخیه که از مرحوم سید حجه الاسلام شده و ایشان بدانها جواب فرموده اند .

علامه طهرانی در الذریعه (ص۲۴۳ دوازدهم) می نویسند که : کتاب

نامبرده در سال ۱۲۶۱ پس از فوت مرحوم حجه الاسلام بچاپ رسیده است .

۴۶ – شرح بعضی از مسائل

علامه طهرانی (ص۱۹۵ یکم الکرام البرره) در باره این تألیف می نویسند :

بامر استادش میرزای قمی تألیف گردیده است لکن ذکری از این مسائل و تاریخ تألیف ننموده و نسخه ای از آن را نشان نداده اند .

۴۷ – شرح تهذیب الاصول

کتاب « تهذیب الاصول » از تألیفات علامه حلی است

در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم است به شماره (۲۲۱۲) که در فهرست نامبرده بدین شرح معرفی گردیده است .

شرح تهذیب الاصول ... انطور که روی جلدش نوشته از حجه الاسلام شفتی (اگر درست خوانده باشم)

آغاز موجود بحث مفصلی است راجع به بسم الله الرحمن الرحیم در شش مقام .

اول و آخرش ناقص است ، ۸۲ صفحه جیبی

(ص ۱۹۵سوم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی)

۴۸ – شکیات (رساله در ...)

یا رساله در احکام شك و سهو در نماز

علامه خونساری در روضات الجنات (ص ۱۲۵) می نویسد :

این رساله بزرگی است با وضع و تفریع خاصی ترتیب یافه و مرحوم سید

حجه الاسلام آنرا متمم کتاب تحفه الابرار خود قرار داده است .

۴۹ – صلح حق الرجوع فی الطلاق (رساله در ...)

این رساله در فقه بعربی در پاسخ سؤالی است در پیرامون اینکه : اگر کسی زن خود را طلاق داد وحق رجوع راصلح نمود آبا این زن متعلق به شوهر اول یا شوهر دوم خواهد بود.

آغاز : شخصی زوجه خود را مطلقه نمود ...

جواب : تنقیح الحال فی جواب هذا السؤال یستدعی رسم مقدمات ...

انجام : هذا ما جری به القلم ... وعلی آله آلاف السلام و الثناء و التحیه متن پرسش فارسی وجواب عربی و استدلالی است .

نسخه آن ضمن مجموعه (۳۳۹۳) در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم از صفحه ۱ تا صفحه ۳ تاریخ تحریر روز دوشنبه هفتم جمادی الثانیه ۱۲۳۱ در مزرعه تندران از مزارع اصفهان

* الطراز فی الحقیقه والمجاز

رساله در حقیقت و مجاز (ص ۵۱ هفتم الذریعه) نام آن « الطراز فی الحقیقه والمجاز » می باشد .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۵۷ پانزدهم) می فرماید : در نسخه میرزا محمد طاهر تنکابنی معاصر در طهران کتاب باین نام نوشته شده است .

نویسنده گوید : این کتاب همان « الزهره البارقه » می باشد که قبلا در باره او بحث کردیم .

۵۰ – عدم امکان تحقق عموم مطلق وعموم من وجه (رساله در بیان...)

در آخر نسخه ای از رجال مرحوم سید حجه الاسلام اصفهانی که به شماره (۷۸) خصوصی و شماره عمومی (۶۶۹۸) عمومی در کتابخانه آستان قدس رضوی (ص ۶۰۹ ششم فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی) موجود است رساله ای ناقص در موضوع فوق وجود دارد که نویسنده محترم فهرست احتمال داده است که از جمله (اجوبه المسائل) تألیف مرحوم سید حجه الاسلام شفتی می باشد.

آغاز : الحمد لله الذی لو حمدته دوام خلودر بوبییته ...

انجام : ومن لم یضعفه الاصحاب فیما علمته .

آخر نسخه : فهذا مما لاشک و لاریب یعتبر به .

۵۱ – عدم جواز بقاءِ بر تقلید مجتهد میت (رساله در ...)

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۸۱۰ دوم) در ضمن شرح حال مولی عبدالوهاب قزوینی بخلاصه می نویسد که :

« هدایه المسترشدین » نام رساله ای است که مولی عبدالوهاب در موضوع فوق در رد بر سید حجه الاسلام نوشته است و از قول مولی عبدالوهاب نامبرده نقل می نماید که :

رساله ای فارسی و رسانه ای عربی در موضوع جواز بقاء بر تقلید مجتهد فوت شده نوشته ام ولی چون رساله سید حجه الاسلام شفتی را درباره عدم جواز بر بقاء تقلید دیدم این رساله را در رد بر آن نوشتم .

بنابراین حاجی ملاعبدالوهاب قزوینی سه رساله در موضوع جواز بقاء بر

ص: ۷۰

تقلید از مجتهد فوت شده نوشته است.

۵۲– عدم لزوم القبض فی الوقف المختص (رساله در ...)

از مباحث فقهی و بزبان عربی تألیف گردیده است.

نسخه ای از آن در ۹۲ صفحه ضمن مجموعه شماره (۳۱۹۲) کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (ص ۴۱۲ هشتم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی).

نویسنده محترم فهرست در پاورقی صفحه نامبرده می نویسد: گویا این رساله در رد بر رساله ملا احمد نراقی است .

۵۳ – عمر مبارک امام چهارم حضرت سجاد علیه السلام

(رساله در باره ...)

در مجموعه ای که قبلا متذکر شدیم که در کتابخانه علامه مفضال جناب حاج سید احمد تویسرکانی موجود است و چهار رساله از تألیفات مرحوم سید حجه الاسلام را شامل است . یکی از این رسائل در موضوع نامبرده بالا میباشد

رساله فوق در ۱۱ صفحه خدود سیصد بیت و بفارسی است .

آغاز : سؤال – التماس این است که بیان فرمایند عمر شریف جناب علی بن الحسین امام زین العابدین علیه السلام در واقعه کربلای معلی بر چه حد بوده.

انجام : اما هر گاه در سال چهارم بوده باشد (یعنی تولد حضرت سید الشهداء علیه السلام) مدت عمر شریف ایشان پنجاه و شش سال و نه ماه و کسری یا پنجاه و شش سال و پنج ماه و کسری میشود . اللهم اغفر لمن استغفر لکاتبه

ص: ۷۱

ولوالدیه فی محرم ۱۲۳۹ . (نقل از نوشته آقای دکتر سید احمد تویسرکانی)

۵۴ – قبول قول نسوان (رساله در باره ...)

در قصص العلماء (ص ۱۳۹) و در اعیان الشیعه (ص ۱۱۲ چهل و چهارم) والکرام البرره (ص۱۹۵ یکم) ضمن مؤلفات مرحوم سید حجه الاسلام می نویسند:

رساله فی قبول قول المرأه فی عدم المانع لها من النکاح.

* القدریه (رساله در ...)

این رساله همان رساله «تطهیر العجین بتبخیره وعدمه » مذکور گردید

مرحوم آقا سید محمد صادق بن آقا سید زین العابدین موسوی خونساری اصفهانی آنرا بدین نام متذکر شده است .

(ص۲۹۴ مقدمه مناهج المعارف)

۵۵ – قضاء وشهادات

علامه فقیه مؤلف روضات الجنات (ص ۱۲۵) میفرماید :

این کتاب استدلالی است و مرحوم سید حجه الاسلام آنرا در موقعیکه در کاظمین از محضر مرحوم آقا سید محسن کاظمینی استفاده میکرده تألیف نموده است.

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۴۱ هفدهم) می نویسد :

آقا سید حسن صدر کاظمینی می نویسد که این کتاب از تقریرات استادش مرحوم آقا سید محسن اعرجی است.

در هر حال کتاب در موقع تحصیل در شهر مقدس کاظمین تألیف شده است . بنابراین کتاب نامبرده پس از الحلیه اللامعه تألیف گردیده و دومین اثر علمی

مرحوم سید حجه الاسلام شفتی می باشد.

۵۶ – قضا وشهادات و برخی از فروع آن (رساله در ....)

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۴۱ هفدهم) می نویسد :

نسخه آنرا ضمن مجموعه ای با رساله وقف مرحوم سید حجه الاسلام در کربلا در کتابخانه میرزا علی شهرستانی دیدم .

و این رساله غیر از رساله سابق الذکر در همین موضوع است (ص ۴۲۷ دوم فوائد الرضویه)

بنابراین مرحوم سید حجه الاسلام در موضوع : قضاء وشهادات دو رساله مرقوم فرموده یکی از تقریرات استاد بزرگوار خود مرحوم آقا سید محسن کاظمینی و دیگری مستقلا .

* مشترکات الرجال

این همان کتاب : تمییز مشترکات الرجال است که علامه طهرانی در الکرام البرره (ص) به این نام ذکر فرموده است .

۵۷ – مشتق (رساله ای در ...)

مشتق یکی از مباحث علم اصول است که علماء و دانشمندان در کتب اصولی خود از آن بحث کرده انـد و گاهی بطور استقلال رساله و یا کتابی درباره آن تألیف نموده اند.

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۴۱ بیست و یکم) در موضوع مشتق ومشتقات

جمعا بنام سیزده کتاب اشاره نموده است که از آنجمله است کتابهای :

شیخ انصاری و میرزای بزرگ شیرازی و شیخ هادی طهرانی و آخوند خراسانی ۰

در کتابخانه دانشکده حقوق طهران رساله ای در موضوع مشتق از تألیفات مرحوم سید حجه الاسلام شفتی موجود است

ص ۴۶۴ فهرست کتابخانه دانشکده حقوق)

۵۸ – مطالع الانوار فی شرح شرایع الاسلام

در هفت مجلد فقه عربی .

علامه فقیه صاحب روضات الجنات (ص ۱۲۵) در باره این کتاب میفرماید :

بیش از مقاصد کتاب صلوه تا آخر احکام اموات را ندارد در پنج مجلد و در عین حال اغلب قواعد فقه را دارا بوده و ضوابط کلیه آنها را در بر دارد و بسیاری از مسائل متفرقه طهارت تا دیات را در آن کتاب نوشته است و نهایت تحقیق و تدقیق را در مقاصد و تذییل آن رعایت نموده و به پایه ای رسیده که دست و دل هیچ یک از اکابر بدان نرسیده است (ص ۲۹۲ دوم ترجمه روضات)

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۵) گوید : شرح بر کتاب صلوه شرایع است مشتمل بر هفت مجلد و صلوه را تمام نکرده و هر مجلدی تقریباً بیست هزار بیت است و رر آنجا در هر علمی که بواسطه ای از وسایط مسئله اتفاق افتاده آن مسئله را باستدلال نوشته چه در اصول و چه در نحو و چه در لغت و چه در رجال .

نویسنده گوید : نسخه اصل مطالع الانوار در جزو کتب مرحوم آقای حاج میرزا محمد حسین جعفری در شش مجلد بر روی کاغذ آبی بخط شریف

مؤلف بود که بعداً به کتابخانه مرحوم آقا سید فرج الله و پس از فوت مشار الیه به کتابخانه مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی عطر الله مضجعه الشریف منتقل گردید .

وکتاب صلوه تا احکام سجود بخط مؤلف بزرگوار و در حاشیه تصحیح شده با اضافات بشماره (۲۷۹۹) در کتابخانه ایت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (ص ۳۶۷ هفتم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی)

یک دوره کامل هفت جلدی « مطالع الانوار » که مجلد هفتم فهرست مطالب مجلد است ششگانه می باشد در کتابخانه علامه مفضال حجه الاسلام آقای حاج میر سید احمد روضاتی در طهران موجود است .

از کتاب مطالع الانوار در برخی از کتابخانه های عمومی و خصوصی نسخه هائی موجود است و اخیراً چهار مجلد آن (تاکنون) به سعی و اهتمام نواده مؤلف فاضل محترم آقای حاج آقا مهدی شفتی نجل جلیل حجه الاسلام مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی در طهران و اصفهان بچاپ رسیده بقیه مجلدات نیز بخواست خداوند متعال قریباً چاپ خواهد شد .

این دوره مطبوعه از روی خط عبدالکریم بن محمد اسماعیل شاگرد سید حجه الاسلام و بخط نسخ زیبا و جدول کشی میباشد (خط وجدول کشی و تذهیب همه از عبدالکریم بن محمد اسماعیل است)

نسخه اصل متعلق به کتابخانه آیت الله مرعشی.

جلد اول و دوم بتاریخ ۳ شنبه ۱۸ ذی القعده ۱۲۵۶ (ص ۶۶ نهم فهرست کتابخانه مرعشی قم)

جلد سوم و چهارم و پنجم بتاریخ ۴ شنبه ۱۶ ذی القعده ۱۲۶۳ (ص ۶۷ نهم فهرست کتابخانه مرعشی قم)

از همین نویسنده جلد اول بهمین کیفیات نسخه ای در کتابخانه دانشمند محترم آقای حاج سید مرتضی شهشهانی در اصفهان موجود می باشد

نویسنده گوید : همانگونه که گفته شد تا کنون بحمدالله چهار مجلد از کتاب بچاپ رسیده است و در آخر هریک از مجلدات چهارگانه عالم جلیل حجه الاسلام آقای آقا احمد فقیه امامی فرزند مرحوم عالم عامل حاج آقا عطاء الله امامی درب امامی فهرستی جامع ترتیب داده و بچاپ رسیده است

در اول مجلد اول حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی مقدمه مختصری مرقوم فرموده که بچاپ رسیده است

آغاز مجلد اول : بسم الله الرحمن الرحیم ومنه الاعانه فهو المعین

بعد حمدالله علی آلائه و افضاله و الصلوه علی مفخر فطان ارضه وسمائه محمد سید رسله و آله واصحابه یقول المستغرق فی بحار الجرائم والمناهی و المنهمک فی بوادی الملاعب و الملاهی المعتصم بحبال نفضل سیده الباری المتشبث باذیال ترحم ربه الباقی محمد باقر بن محمد نقی (تا آخر نسب نامه خود تا حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام را نقل می کند).

انجام : قال ففعلت ذلک فکانما نشطت من عقال .

آغاز مجلد دوم : بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمدلله الذی احکم شرایع الدین بمطالع الانوار و مسالک الیقین واتقنها بمدارک الاحکام و قواعد الارشاد تهذیباً للعالمین والصلوه والسلام علی من هو لاستبصار الانام لمعه اللامعین وعلی ابن عمه و آله الذین هم تذکره وذکری للمتقین و بعد یقول احوج العباد الی غفران ربه الغافر ابن محمد نقی الموسوی محمد باقر هذا هو المجلد الثانی من مجلدات مطالع الانوار المدون فی کتاب الصلوه ....

از این مجلد نسخه ای تا احکام سجود بخط مرحوم سیدحجه الإسلام بشماره (۲۷۹۹) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است که در حاشیه تصحیح و اضافه شده است (ص ۳۶۷ هفتم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی)

جلد دوم و سوم در یک مجلد چاپ شده است

آخر مجلد سوم : وستقف علی تمام الکلام فی مباحث الجماعه باعانه الله سبحانه .

آغاز مجلد چهارم : بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمدلله الذی هدانا الی تنقیح سرائر شرایع الاسلام بنبیه الذی هو منتهی فضیله الانام و من بیان مسالک مدارک قواعد الاحکام یتذکره الائمه الهداه الذین هم مطالع الانوار و مفاتیح معالم الحلال والحرام و نور قلوب العلماء باستبصار الدین وتهذیب الاخلاق لارشاد الانام الی دار السلام وبعد یقول المسئی الملتجی الی باب سیده الغافر ابن محمد نقی الموسوی محمد باقر حشرهما الله تعالی بفضله مع سادات الاوائل و الاواخر هذا هو المجلد الرابع ...

انجام : فرع من کتابه هذه الکلمات فی لیله الاضحی من شهور سنه تسع و عشرین و مأتین بعد الالف من الهجره المعلومه علی هاجرها آلاف السلام و الثناء والتحیه ۱۲۲۹ .

تذکر : یک دوره پنج جلدی از این کتاب در دو مجلد (جلد اول و دوم در یک مجلد و سوم و چهارم و پنجم نیز در یک مجلد) بخط زیبای : عبد الکریم بن محمد اسماعیل شاگرد سید حجه الاسلام اولی بشماره (۳۲۸۰) و دوم بشماره (۳۲۸۱) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (ص ۶۶ نهم فهرست).

فائده ۱: در مقدمه جلد چهارم مطالع الانوار بشمار ه (۳۳۰۴) کتابخانه آیت الله مرعشی در قم سه صفحه است دارای چندین فائده از سید حجه الاسلام که کاتب آنها را بصورت مسجد و صراحی و غیره ترسیم و نقاشی نموده است . کاتبه این نسخه همان عبدالکریم بن محمد اسماعیل وسال کتابت ۱۲۴۵ می باشد.

فائده ۲: نسخه ای از مجلد پنجم مطالع الانوار بخط مرحوم آقاسید مؤمن فرزند سید حجه الاسلام در کتابخانه علامه مفضال آقای حاج سید محمد علی روضاتی در اصفهان موجود است .

فهرست مطالع الانوار

قبلا متذکر شدیم که نسخه ای از مطالع الانوار در هفت مجلد در کتابخانه علامه محقق حجه الاسلام آقای حاج میر سید احمد بن عالم فاضل آقا میرزا محمد باقر بن عالم جلیل آقا جلال الدین ابن علامه محقق فقیه صاحب روضات الجنات موجود است که جلد هفتم آن بشرح زیر می باشد :

۱- موضوع : فهرست مجلدات شش گانه و خلاصه مطالب کتاب

۲- مؤلف ناشناس از شاگردان سید حجه الاسلام مطابق تصریح خود او در اول صفحه جلد پنجم .

۳- سال تألیف ۱۲۳۴ قمری.

۴- اوراق کتاب (۳۱۰) صفحه .

۵ - تا کنون از این فهرست نسخه دیگری سراغ نداریم و نسخه بخط مؤلف است .

۶ - از خصوصیات این نسخه آنکه قبلا در تملک علامه جلیل فقیه متکلم مرحوم حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی اصفهانی بوده و در صفحه (۱)

در حاشیه خط و امضای ایشان دیده می شود.

۷- آغاز : اللهم وقفنی لاتمامه بحق محمد و آله صلی الله علیه و آله

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمدلله الذی هدینا الی ما یوجب النجاه من العبادات ووفقنا لما یغفر به الزلات من الخیرات و الصلوه والسلام علی اشرف البریات و اکمل اهل الارض و السموات محمد و آله الذین بموالاتهم تقبل الصلوات و ببزاءه اعدائهم تستجاب الدعوات وبعد فان الله سبحانه من وفور کرمه وجزیل عطائه رزقنا صحبه العلماء والفقهاء ورفع قدرنا بمجالسه الفضلاء والامناء الذین بوجودهم فی زمن الغیبه یسمع الدعاء و ببرکاتهم یرفع البلاء (یرفع البلاء) وبتألیفاتهم یکشف الظلماء جزاهم الله تعالی عن التابعین خیر الجزاء.

انجام : الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین المعصومین و استعین به علی اخراج المسائل التی فی المجلد الخامس من مجلداته ادام الله جل جلاله ظلاله و افاداته و جعل افئده من الناس تهوی الیه وجزاه الله سبحانه افضل ماجزی مصنفاً عن تصنیفاتهم بحق محمد و آله الطاهرین وکان الفراغ فی سنه ۱۲۳۴.

توضیح : مرحوم آیت الله حاج میر سید علی نجف آبادی در حاشیه صفحه اول آنجائیکه مؤلف مرحوم سید حجه الاسلام را به (ثانی آیه الله فی العالمین) وصف می کند مرقوم فرموده است : لو ابدله بمقدم علی آیه الله فی العالمین فی ابلاغ الشرع والدین علی اهل المله وقاطبه المسلمین لکان احق بمحرره علی نجف آبادی

ص: ۷۹

وجوب اقامه حدود بر مجتهدین وفقهاءِ در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف .

علامه طهرانی در الکرام البرره بنام : رساله فی اقامه الحدود فی عصر الغیبه ذکر می کند و این همان رساله حدود و یا الحدود است که سابقا متذکر شدیم .

یکی از مسائلی که در بین فقهاء شیعه مورد بحث ودقت قرار گرفته است

موضوع : جواز و یا عدم جواز اقامه حدود است برای فقهاء در عصر غیبت کبری عده ای از مجتهدین آنرا جائز ندانسته و لکن اکثر قائل بجواز شده اند و عده ای نیز حکم بوجوب (با شرایط خاصی) نموده اند و می گویند :

در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مجتهدین جامع الشرایط مبسوط الید واجب است که اقامه حدود شرعیه نموده و نگذارد احکام وحدود خداوند تبارک و تعالی معطل بماند.

یکی از مجتهدینی که قائل بوجوب بود و خود بدان عمل میفرمود مرحوم سید حجه الاسلام شفتی می باشد در موضوع جواز و عدم جواز اقامه حدود از طرف علماء بزرگوار در طول زمان کتابها ورسائلی تألیف گردیده که مقام گنجایش ذکر اسامی آنها را ندارد .

۵۹ – مناسک حج (رساله در ...)

فارسی مرتب بر یک مقدمه و سه مقصد و خاتمه و در آن واجبات و مستحبات حج را بیان فرموده است .

ص: ۸۰

نسخه ای از این مناسک مورخ بسال ۱۲۵۸ در کربلاء بنظر علامه طهرانی رسیده است (ص بیست و دوم الذریعه) و نسخه ای از آن که بخط زیبا نوشته شده و در پشت آن خط مرحوم سید حجه الاسلام بوده در کتابخانه علامه متتبع محدث قمی رضوان الله علیه بوده است (ص ۴۲۷ دوم فوائد الرضویه)علامه خونساری در روضات الجنات (ص ۱۲۵) در باره این کتاب می نویسد :

از بهترین کتبی است که در این باره نوشته شده و در این روزگار بسیاری از حاجیان مطابق با آن عمل می کنند .

مرحوم حاج سید شفیع جاپلقی بر این رساله حواشی مرقوم (ص ۴۲ یکم احسن الودیعه) نموده است و این کتاب را حاج میرزا فتح الله مرعشی معروف به کیمیائی تستری بامر و دستور حاج سید احمد تستری مختصر نموده و در روز سه شنبه ۴ شوال سال ۱۲۵۸ هجری از آن فراغت یافته است نسخه این مختصر در کتابخانه علامه مفضال حاج سید محمد جزائری موجود است .

آغاز این مختصر : احمده علی کماله واصلی علی احمده و آله (ص ۲۵۷ بیست و دوم الذریعه).

۶۰- مناظره شاه با سید

در کتابخانه آستان قدس رضوی مجموعه ای است بنام : جنگ مفصل به شماره (۴۴۸۵) و آن مشتملست بر مرقعات و بعضی رسایل و تصاویر و احادیث و اخبار و نوشته های مختلف و متفرق به انواع خطوط بتازی و پارسی - خطی و چاپی که اوراقی پراکنده بوده و همه را در یک دفتر بین الدفتین فراهم آورده اند

در جنگ مفصل عنوانیست که در کتابخانه به آن داده شده است و متجاوز از یک هزار برگ است و از محتویات آن :

مناظره شاهنشاه اعلم .... با جناب .... مجتهد العصر والزمان حاجی سید محمد باقر گیلانی است که از صفحه ۱۸ تا صفحه ۲۷ مجموعه و ناقص الاخر می باشد (ص ۲۶۱ یکم از مجلد هفتم فهرست کتابخانه)

نویسـنده گوید : ظاهراً این مناظره عبارت از گفتگوها و سـخن هائی است که ما بین مرحوم سـید حجه الاسـلام و محمد شاه در سـفر اصـفهان نامبرده انجام گردیده است .

ص: ۸۲

فصل پانزدهم:(مسجد سید حجه الإسلام)

اشاره

بی مناسبت نیست که قبل از شروع در این مبحث توجه خوانندگان عزیز را به چند خبر زیر معطوف دارم :

ذکر چند حدیث

۱- عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم :

« من بنی مسجداً ولو کمفحص قطاه بنی الله له بیتاً فی الجنه »

۲ – وعنه صلواه الله علیه و آله :

« من بنی مسجداً فی الدنیا اعطاه الله بکل شبر منه (او قال بکل ذراع منه) مسیره اربعین الف عام مدینه من ذهب وفضه و در ویاقوت و زمرد و زبرجد ولؤلؤ..»

۳- وعنه صلواه الله علیه : قال الله تبارک و تعالی :

« ألا ان نبوتی فی الارض المساجد یضئی لاهل السماء کما یضئی النجوم لاهل الارض » (الی آخر الخبر)

۴- و عنه علیه الصلوه والسلام :

« المسجد بیت کلی تقی »

۵ – عن الصادق علیه السلام :

«علیکم باتیان المساجد فانها بیوت الله فی الأرض – الخ .»

ص: ۸۳

شنیدمت که در آفاق نیستت ثانی

چو دیدمت به حقیقت هزار چندانی

وصف مسجد

عموم نویسندگان کتب تراجم رجال که ذکری از مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام نموده اند در جزو آثار باقیه آن مرحوم نام مسجد سید را برده وهریک بگونه ای از آن وصف نموده و همگان بالاتفاق درباره عظمت بناء وهمت عالی بانی سخن گفته اند.

از آنجمله مرحوم آقا محمد مهدی ارباب در کتاب : نصف جهان فی تعریف الاصفهان (ص ۶۴) که در سال ۱۳۰۸ تألیف فرموده گوید:

صحن وسیع و مهتابیها و حوض بزرگ در آن ساخته و گنبدی بقاعده در سمت قبله و دو طرف آن چهل ستون کرده اند و در شبستان مواجه مشرق و مغرب (یکی کو چک و دیگری بزرگ) برای آن ساخته و بر بالای آنها مهتابی وحجرات برای طلبهٔ علم مهیا داشته اند ...

بالجمله مسجد مذکور کمال تعریف را دارد و حکایت همت این سید بزرگ را مینماید و هیچ دخلی به مسجد حکیم ندارد و بدرجات از آن بهتر و خوشنما تر و جامعی نیکو است و از برکت این مسجد پیش روی دروازه های شمالی آن

ص: ۸۴

بازاری درست شده و ببازارچه بید آباد اتصال یافته است .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۹۶) در ضمن شرح حال مرحوم سید می نویسد :

بنای جامع بیـد آباد بر علوهمتش فریاد میزند زیرا مساجد بزرگی را شاهان متعدد ساخته اند و این مسـجد را آن پادشاه علماء به تنهایی کفالت فرمود .

علامه صاحب روضات الجنات درباره او می نویسد:

حجه الاسلام در میان قاطبه مردم معروف و آثار خیریه او مشهور بود بلکه باید گفت :

دیوان عرف بوجود او مزین و بعنوان او مـذیل بود تنها مسـجد اعظم او که در اصـفهان بنیان شـد شاهد علو مقام و دلیل بر رفعت بنیان او سـت بلکه مسجد مزبور آیتی از آیات ملك و نشانی از نشانه های سلطنت معنوی اوست . (ص ۲۹۰ دوم ترجمه روضات الجنات)

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۹) می نویسد:

(مرحوم سید حجه الاسلام) در محله بید آباد مسجدی بنا کرد که گویا در عالم چنین مسجدی بنا نکردند.

نویسـنده گوید: آنچه در تعریف و سـتایش مسجد سید گفته اند جزئی از حقایق است که نویسندگان بمناسبت ذکر نموده اند مثلا در روضات الجنات وروضه البهیه وقصص العلماء و دیگر کتب فقط ذکری از این مسجد شده و گفته اند مسجد باعظمتی است اما حقیقت آنست که :

محمد دیدن و موسی شنیدن

شنیدن کی بود مانند دیدن

این مسجد با عظمت را باید از نزدیک مشاهده کرد تا آنچه گفته اند که دلیل بر همت بلند بانی است را برأی العین مشاهده نمود

طول و عرض مسجد

مرحوم حاج میر سید علی جناب در کتاب الاصفهان (ص ۵۴) طول مسجد را ۹۵و عرض آنرا ۸۵ متر می نویسد ، بنابراین مساحت مسجد از قسمت جنوبی (زیر گنبد و چهلستونها) و شبستانها و صحن و ایوانهای شمالی مسجد (ایوان مقابل مقبره - ایوان زیر گلدسته - ایوان قرینه ایوان مقابل مقبره) جمعاً حدود ۸۰۷۵ متر می گردد .

مرحوم انصاری نیز در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۸۶) مساحت مسجد را هشت جریب و کسری می نویسد .

درهای ورودی مسجد

در ساختمان مسجد سید برای آن چهار دروازه تعیین شده که سه تای آنها اصلی و یکی فرعی می باشد بدین قرار :

۱- درب سمت جنوب شرقی در جنب حمام دوقلی و تقریباً مقابل کوچه مشایخ بید آباد معروف به درب حمام دو قلی دارای کاشیکاری نفیس و تا قبل از احداث خیابان جنوبی مسجد مهمترین درهای مسجد بشمار میرفت . کاشیکاری و تزئینات از زمان مرحوم حاج سید جعفر فرزند مرحوم سید حجه الاسلام می باشد.

۲ - دروازه در سمت جنوب غربی که کوچکتر از درب اولی بوده و بکوچه فرعی باز میشود . این درب موسوم است به در ملاعلی میرزا (مشار الیه در زمان سید ثانی مؤذن مسجد بوده و دارای صدائی رسا و گیرنده بوده است معروفست که صدای اذان او را هنگام سحر تا مسافت زیادی می شنیدند و شاید از روی

اغراق گفته اند تا قصبه رنان (رهنان) صدای او شنیده می شده است) .

این در نیز دارای کاشیکاری است .

۳- دروازه شمالی مسجد معروف به (در زنجیر) که از موقعیکه خیابان جنوبی مسجد احداث گردید در اصلی مسجد و مهمترین ابواب آن بشمار میرود در جلو آن قبلا جلوخانی کوچک داشت و بعد از احداث خیابان آنرا وسعت داده و به خیابان منتهی ساختند . کاشیکاری آن مربوط به زمان معاصر و تا کنون اندکی ناقصی دارد . درب این دروازه بسیار نفیس و زیبا می باشد و اکنون پس تعمیرات لازم جلوه مخصوص دارد.

۴ - دروازه شمالی معروف به در مقبره که به مقبره سید حجه الاسلام منتهی می شود و بواسطه دو درب کوچک در طرفین به مسجد راه می یابد . (این درب را در فرعی نامیدیم).

زمین مسجد

در کتاب آثار ملی اصفهان . (ص ۶۴۷) به نقل از تاریخ ابنیه تاریخی اصفهان (ص ۱۷۷) می نویسد که:

. و معروفست که زمین مسجد را در زمان شاه سلطان حسین فتح علیخان اعتماد الدوله وزیر شاه مزبور خریده بود که در آن مسجدی بنا کند ولی در اثر هجوم افغانها موفق نگردید تا اینکه حجه الاسلام شفتی مبادرت به این کار بزرگ کرد .

تذکر : توجه خوانندگان محترم را باین نکته معطوف میدارد که جملات نقل شده است - معرو فست - می گویند - و امثال آن هیچگونه ارزش و مفهومی ندارد

معروفست : در کجا معروف است و چه کسانی میگویند

نقل شده است : ناقل آن کیست

همه اینها مجهول است و از مجهول نتیجه ای حاصل نمیشود آنچه مسلم است آنکه عده ای حاضر نشده اند که بگویند و یا بنویسند مجتهدی بزرگوار بنیان مسجدی بزرگ و استوار نهاده است هر کدام بنوعی نیش میزنند تا این حد که زمین آنرا نیز از ملکیت مرحوم سید حجه الاسلام خارج می کنند

نویسنده گوید : قبل از احداث خیابان شرقی غربی مقابل دروازه زنجیر یعنی در اصلی مسجد سید مقابل این در کوچه ای بود بنام : اعتماد الدوله و عده ای از محترمین و بزرگان محله بید آباد در آنجا سکونت داشتند که ظاهراً از اعقاب و اخلاف اعتمادالدوله بودند و بهمین مناسبت نام خانوادگی خود را اعتمادی نیز قرار داده بودند و معروف این بود که منزل اعتمادالدوله نیز در همین کوچه بوده است .

اگر نوشته : ابنیه تاریخی اصفهان راجع به زمین مسجد هستند به مأخذی مستدل باشد و زمین مسجد را روزانه اول فتح علیخان اعتماد الدوله جهت بنای مسجد تهیه نموده باشد محقق است که آن زمین باندازه زمین مسجد کنونی نبوده بلکه بسیار کوچکتر بوده است و دلیل بر آن مطلب وجود قبر مرحوم میر محمد سعید موسوی بحرینی است در زاویه چهلستون جنوب غربی مسجد که قبر در خانه عالم مزبور بوده وورثه آنجناب خانه را بشرط بقای قبر مرحوم سید حجه الاسلام فروخته اند .

برای آگاهی از وضع ساختمان مسجد طالبین به کتاب نفیس : گنجینه آثار تاریخی اصفهان مراجعه فرمایند

ابتدای شروع ساختن مسجد سید

علامه صاحب روضات الجنات شروع ساختمان مسجد سید راحدود دو هزار

و دویست و چهل و پنج می نویسد (ص ۲۹۴دوم ترجمه روضات الجنات) .

مرحوم انصاری در کتاب تاریخ اصفهان وری (ص ۲۸۸) می نویسد :

ساختمان مسجد آغازش ۱۲۴۰بوده (است).

تکمیل ساختمان و تزئینات و تعمیرات :

اصل ساختمان مسجد سید در زمان حیات مرحوم حجه الاسلام تمام شده و سالها در آنجا اقامه جماعت میشده و در حجرات آن طلاب علوم ساکن بوده وخود آن مرحوم در مدرس مسجد که در روی طاق شبستان بزرگ (شرقی) قرار داشته درس می گفته و ظاهرأ محل رسیدگی بامور مردم نیز همانجا بوده است .

لیکن تزئینات کاشیکاری قسمتهائی از مسجد ناتمام مانده بود که پس از وفات او بوسیله :

۱- مرحوم حاج سید اسد الله انجام گردید و پس از فوت ایشان بقیه تزئینات را

۲- مرحوم حاج سید جعفر کوچکترین فرزند سید حجه الاسلام انجام داد پس از ایشان

۳- مرحوم حاج سید محمد باقر دوم نیز در مقبره مرحوم سید کارهائی از قبیل نصب ضریح وغیره انجام داده و همچنین برای مسجد ساعت تهیه نمود که در بالای ایوان جلو گنبد نصب شد

۴- در زمان مرحوم حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام نیز تعمیراتی در دهلیز مقابل مقبره انجام شد

۵ - در زمان تولیت مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی سنگ فرش مسجد عوض شده –و در حوض آب وسط مسجد - خوضخانه و طهارتخانه تعمیراتی اساسی

انجام شد همچنین کاشیکاری سر در جنوبی (در زنجیر) شروع گردید لکن تا کنون ناتمام مانده است ، کاشیکاری داخل هشت و دالان مسجد (همین در) نیز انجام گرفت

ائمه جماعت مسجد سید :

در تفسیر ابو الفتوح (ص ۴۷۰جلد پنجم) در تفسیر آیه شریفه « انما یعمر مساجد الله ... » (سوره التوبه آیه ۱۸) می فرماید :

و از جمله عمارت مسجد تعهد او باشد بنماز جماعت و به انبوه نماز گزاران آبادان شود.

در منهج الصادقین (ص ۲۳۰ جلد چهارم) در تفسیر آیه مذکور می نویسد :

مراد آنست که عمارت مساجد در خور کسانیست که جامع کمالات عملیه وعلمیه باشند و از جمله عمارت آن تزئین آنست بفرش و تنویر آنست به سراج و ادامه عبادت و ذکرو درس علوم شریعت در آن وصیانت آن از آنچه بنای آن بجهت آن نباشد چون سخن دنیا نگفتن در آن و غیر از آن ، از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم مرویست که : قال الله تعالی : « ان بیوتی فی الارض المساجد و ان زواری فیها عمارها فطوبی لعبد تطهر فی بیته ثم زارنی فی بیتی فحق علی المزور ان یکرم زائره »

بطور قطع و یقین باید گفت یکی از معمور ترین مساجد اصفهان که از بدو ساختمان تا کنون بحمد الله همیشه آباد بوده و جمعیت نماز گزاران آن از حیث کمیت و کیفیت بر بیشتر مساجد اصفهان برتری داشته است مسجد سید حجه الاسلام می باشد .

ص: ۹۰

از برکت وجود این مسجد و تربیت صحیح پیشوایان آن مردم این ناحیه عموما مردمانی وقت شناس وسحر خیز بوده و نماز در اول وقت در مسجد و جماعت را حتی المقدور ترک نمی کنند

وجود مسجد سید و علمای اولاد مرحوم سید حجه الاسلام وحسن آموزش دینی آنان سبب شده است که مساجد نزدیک این مسجد (مسجد میرزا باقر – مدرسه میرزا مهدی – مسجد شیش و غیره) نیز آباد و معمور باشد اینک اسامی ائمه جماعت مسجد به تربیب زمانی:

۱- مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام عطر الله مضجعه الشریف .

۲ – مرحوم حاج سید اسد الله بید آبادی معروف به حجه الاسلام ثانی.

۳ – مرحوم حاج سید محمد علی فرزند سید حجه الاسلام نمازهای صبح را امامت مینموده است .

۴ – مرحوم حاج آقا سید مؤمن فرزند سید حجه الإسلام .

۵ – مرحوم حاج سید جعفر فرزند سید حجه الاسلام .

۶ – مرحوم حاج سید محمد باقر دوم فرزند حاج سید اسدالله .

۷ – مرحوم حاج آقا حسن ملاذ الاسلام فرزند حاج سید جعفر .

۸ – مرحوم آقا سید محمد جعفر معروف به علم الهدی فرزند حاج سید محمد باقر دوم .

۹ – مرحوم حاج میرزا محمد حسین جعفری فرزند آقا میرزا هاشم بن حاج سید جعفر .

۱۰ – مرحوم آقا حسین موسوی بید آبادی فرزند سید ابو القاسم بن حاج سید محمد علی .

۱۱ – مرحوم حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام فرزند آقا میرزا هاشم .

۱۲ - مرحوم آیت الله العظمی حاج میر سید علی بهبهانی در ایام توقفشان در اصفهان .

۱۳ - مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی فرزند حاج سید محمد باقر دوم

۱۴ - مرحوم حاج آقا میرزا (سید مرتضی) دهکردی

۱۵ - مرحوم موحدی نجف آبادی به نیابت مرحوم آقای شفتی در ایام مسافرت ایشان

۱۶ - مرحوم حاج آقا حسین خادمی مدت سه سال در ایام ماه مبارك رمضان

مراسم احیا شب ۲۳ ماه مبارك رمضان بوسیله مرحوم آقا جمال الدین بن میرزا عبدالرحیم بن آقا سید مؤمن بر گزار می شد .

در حال حاضر ائمه جماعت مسجد عبارتند از :

۱ - حاج سید محمد تقی موسوی بید آبادی نجل جلیل مرحوم آقاحسین علیه الرحمه .

۲ - حاج آقا مهدی شفتی فرزند مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی رحمه الله علیه .

۳ - آقـای حاج آقا جواد شـفتی فرزنـد مرحوم حاج سـید محمـد رضا نیز در زمان حیات پـدر بزرگوار خود و قبل از انتقال و مهاجرت بطهران مدتی در مسجد امامت مینمودند .

هر موقع یکی از ائمه جماعت مسـجد بمسافرت بروند کسـیر از اطراف خود به نیابت معین می کنند که هیچگاه نماز جماعت در مسـجد تعطیل نشود .

ذکر دو نماز جماعت

بی مناسبت نسیت که از سه نماز جماعت مسجد یادی شود :

۱– نماز جماعت صبح در مسجد بوسیله مرحوم حاج سید اسد الله بید آبادی در ضمن شرح حال ایشان مفصلا نوشته میشود .

۲– در سالهائیکه مرحوم آیت الله بهبهانی (حاج میر سید علی) بر حسب تجویز طبیب و خواهش حوزه علمیه و تجار و محترمین اصفهان در ایام تابستان به این شهر تشریف می آوردند. مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی لدی الورد و ایشان در ضمن دیدار و احوالپرسی از ایشان دعوت و تقاضا میکردند که شبها جهت اقامه نماز جماعت به مسجد سید تشریف بیاورند (ظهرها در مسجد شیخ لطف الله و بعداً در مسجد شاه اقامه جماعت میفرمودند)

بطور قطع و یقین میتوان ادعا کرد که پس از اعتاب مقدسه که نمازهای جماعت آن همیشه از جمعیت زوار وساکنین زیاد بوده و هست در هیچ کجای از شهرهای اسلامی (بر حسب آنچه مطلعین و سفر کرده ها نقل نمودند) و یا لااقل شهرهای ایران نماز جماعتی بدین اهمیت و کیفیت و کثرت جمعیت منعقد نمی شد مؤمنین و مقدسین از گوشه کنار شهر جهت درک فیض وثواب باین مسجد روی آورده و تمام صحن مسجد از مردم نماز گزار و مأمومین پر می شد

دانشمند بزرگوار آقای حاج شیخ علی دوانی صاحب تألیفات کثیره در کتاب « شرح حال ، آثار و افکار ایت الله بهبهانی » (ص ۵۶) در این باره می نویسد :

کثرت جمعیت برای نماز در پشت سر آیت الله بهبهانی در مسجد سید بقدری بود که واقعاً هر بیننده ای را سخت تحت تأثیر جنبه های معنوی قرار میداد ...

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۷) در ضمن بیان حالات مرحوم سید حجه الاسلام می نویسد:

در مسجد حجه الاسلام در روزی از ایام صیام نماز گزاران بشماره بیست

و دو هزار نفر بودند .

نویسنده گوید: با توجه به موقعیت زمان و کم بودن جمعیت اصفهان و همچنین وجود علماء بزرگوار همچون حاجی کلباسی و دیگران جمعیتی معادل بیست و دو هزار نفر عدد قابل توجهی می باشد و شاید در آن روزها نیز کم نظیر و یا بی نظیر بوده است .

مؤذن مسجد سید

یکی از مستحبات مؤکده در مقدمات نماز اذان و اقامه است که فرموده اند: گر چه مستحب است اما ترک نشود و برخی از علماء بزرگوار (ابن عقیل) آنرا در نماز مغرب و صبح واجب دانسته اند در هر صورت استحباب آن مسلم بوده وفقهاء اسلام در کتب فقهیه برای آن مسائلی بیان فرموده اند طالبین بدانها مراجعه فرمایید .

(اقسام اذان) : اذان غیر از آنچه گفته شد از واجب و مستحب (واجب بر حسب نظریه عده ای از مجتهدین) بر دو گونه است : ۱- اذان اعلامی ۲- اذان نماز واجب (نمازهای مستحبی اذان و اقامه ندارند)

در اذان اعلامی هیچ شرطی غیر از اول دقت بودن در آن معتبر نیست بخلاف اذان نماز که چون مقدمه نماز است قصد قربت در آن شرط است

آنکس که اذان می گوید (برای اذان گفتن معین شده) مستحب است که عادل و بصیر به اوقات اذان بوده و دارای صدائی بلند و رسا باشد و بر مناره یا گلدسته مسجد و یا جائی بلند اذان بگوید که صدایش به مردم برسد.

از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند : المؤذنون اطول اعناقاً یوم القیامه (نهج الفصاحه صفحه ۶۲۶ دوم)

ص: ۹۴

مؤذنین مسجد سید تا آنجا که آگهی داریم بقرار زیر می باشند:

۱ – سید علی نقی عرب کاظمینی در زمان مرحوم سید حجه الاسلام .

۲ – ملا علی بن صادق بن ملا علی در زمان سید ثانی (ص ۸۰ بخش اول آتشکده اردستان).

۳ – ملا یوسف بن ملا علی (ص ۸۱ بخش یکم آتشکده اردستان).

۴ – ملا علی میرزا که شغل او کتابفروشی بوده و در زمان مرحوم حاج سید جعفر مؤذن مسجد بوده است .

۵ – میرزا عبد الرحیم فرزند ملا علی میرزا

۶ – حاج میرزا علی حریری بزاز

۷ – میرزا عبدالرحیم بن ملا علی میرزا (چندین سال در خوزستان ساکن بود و در این مدت مرحوم حاج میرزا علی حریری در مسجد اذان می گفت).

۸– آقا محمد حسین

مدرسین مسجد سید

بطوریکه قبلا متذکر شدیم در ساختمان مسجد سید در قسمت شرقی و غربی دو شبستان یکی بزرگ و دیگری کوچک ساخته شده و در روی آن در طبقه دوم چهار عدد مهتابی وسیع و در عقب آنها حجراتی جهت سکونت طلاب ساخته شده است که علاوه بر آنکه مدرسه علمیه سید نیز ضمیمه مسجد می شود بر زیبائی و شکوه آن نیز می افزاید.

در وسط طاق شبستان بزرگ (شبستان شرقی) مدرس یعنی محل تدریس و رسیدگی به امور طلاب بنا گردیده است که نمای داخل مسجد در زیر درب ورودی شبستان و در بالای آن ارسی است و قرینه غربی آن یعنی وسط طاق شبستان

کوچک (شبستان غربی در زیر درب ورودی شبستان و در بالا حجره برای سکونت طلاب بنا گردیده است .

فائده لغوی : کلمه «ارسی » از زمان قاجاریه متداول گردیده و این سنگ ساختن درب با داشتن بالارو (گاهی دو پوسته)مخصوص ممالک سردسیر بوده و از موقعیکه روسیان در امور ایران غیر مستقیم مداخله یافتند یعنی بعد از صلح ننگین ترکمنچای در این مملکت رواج یافت (در آن زمان مردم ایران مردم روسیه را ارس می گفتند و قندارسی و کفش ارسی نیز از همین دوره شهرت و عنوان یافته است)

برگشت بمطلب :

در زمان مرحوم سید حجه الاسلام احتمالا آن مرحوم در محلیکه برای تدریس بنا فرموده بود درس می گفت .

۲ - پس از وفات ایشان مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی در آنجا تدریس میفرموده .

۳ - مرحوم آقا سید مؤمن نجل جلیل سید حجه الاسلام نیز بر حسب آنچه روایت شده در آنجا تدریس می نموده و آقا در حجرات عده ای از فضلاء سکونت داشته اند که علاوه بر تحصیل تدریس نیز می کرده اند از آنجمله است:

۱ - آخوند ملاحسین نائینی از اساتید مرحوم عالم بزرگوار حاج میرزا محمد رضا کلباسی

۲ - شیخ عبدالصمد بن حسین محلاتی اصفهانی از شاگردان مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی و مرحوم ملاخدابخش (از اساتید فن قراءت و تجوید اصفهانی) از آثار او کتابت مجموعه ای است در فن تجوید و قراءت که در آخر یکی از آنها می نویسد :

تمام شد کتابت این کتاب در یوم دوشنبه شانزدهم شهر شوال المکرم سنه ۱۲۸۴در مدرس مولائی و آقانی حاج سید اسد الله سلمه الله (نسخه در کتابخانه نویسنده موجود است)

۳- مرحوم شیخ عبدالوهاب زاهدی عالم فاضل ادیب از فضلاء معاصرین سالها در دبیرستان علیه (از مدارس جدید) ادبیات فارسی و عربی و فقه تدریس مینمود و در مسجد سید نیز جمعی در خدمت او به تحصیل اشتغال داشتند و مشار الیه از فضلاء و سلسله مشایخ بید آباد می باشد .

مکاتب مسجد سید

تا قبل از تأسیس مدارس جدید در بسیاری از مساجد اصفهان از آنجمله در مسجد سید جهت تحصیل نو آموزان کلاسهائی بود که آنرا مکتب خانه می گفتند(برای دختران نیز مکتب خانه های زنانه زیر نظر بانوانی مسلمان و نسبتاً تحصیل کرده وجود داشت که آنها را: ملاباجی - خانم باجی و غیره می گفتند و در هر محله ای از محلات اصفهان چند عدد از آنها بر قرار بود و تعداد شاگردان آنجا بر حسب شخصیت بانوی مربی و مدرس فرق می کرد و گاهی به هشتاد و نود نفر نیز میرسید که خواندن و اندکی نوشتن می آموختند و عمده مقصود در این مکاتب یاد گرفتن قرآن مجید و کتب ادعیه و برخی از کتب فارسی بود)

این مکتب خانه ها زیر نظر معلمی اداره می شد که معمولاـ آنرا : آخوند - میرزا - جناب میرزا ،.. می نامیدند . در این مکتب خانه ها توجه اسناد به خواندن و نوشتن و حفظ کردن کتب بود .

معمولا مکتب خانه ها به چند دسته تقسیم می شد :

۱ - مکتب خانه های مقدماتی که عموماً کودکان شش یا هفت ساله و بیشتر

در آنجا بودند و بیشتر وقت آنها صرف یاد گرفتن الف باء و نوشتن مشق خط و دیکته و اندکی حساب و سیاق و یاد گرفتن اصول و فروع دین و آموختن نماز از جنبه دانستن مسائل مقدماتی که مناسب سن و سال کودکان بود و قسمت عمده یاد گرفتن آن از جنبه عملی بود

۲- مکتب خانه های درجه دوم که دانش آموزان آن عموما فارسی را می خواندند و می نوشتند در این مکاتب و قت محصلین بدو قسمت ممتاز تقسیم میشد:

اول صبح ها که وقت درس خواندن و درس حاضر کردن بود جناب آخوند شاگردان را یک یک درس می داد و از یک یک آنها درس می پرسید (صبح اول وقت درس میداد و قبل از ظهر درس میپرسید) در فاصله این دو کار شاگردان باید درسهای خود را حاضر کنند و اگر سوالی دارند از معلم بپرسند شاگردان قوی و نیزهوش به آنها ضعیف و کم حافظه اند کمک و یاری دهند. در هر حال درس هر روز را همان روز باید امتحان بدهند و به اصطلاح آن زمان : پس بدهند .

بعداز ظهرها موقع نوشتن دیکته ومشق خط و مشق سیاق بود جناب آخوند تمام دیکته ها را خود شخصاً تصحیح می کرد و مشق ها را رسیدگی می نمود و اگر شاگردی صبح درس خود را حاضر نکرده بود باید بعد از ظهر حاضر کند و تا امتحان نمیداد اجازه رفتن به خانه نداشت .

البته نماز دانش آموزان زیر نظر مستقیم جناب معلم به جماعت برگزار می گردید و شاگردان ضمن انجام این فریضه مذهبی به مسائل آن نیز اشنا میشدند..

مهمترین مکتب خانه در مسجد سید : مکتب آخوند ملا تقی دهنی بود .

مشار الیه بطوریکه مرحوم آقای معزالدین مهدوی برادر دانشمند و بزرگوارم در کتاب : « داستانهائی از پنجاه سال » (ص ۱۲) می نویسد صاحب معلومات قدیم و خط وربطش برای تنظیم اوراق شرعی خوب بوده و خطوط را خوب

می نوشته مخصوصاً در خط نسخ استاد بوده است .

برنـامه درسـی در این مکتب بقرار زیر بـوده : ۱- قرآن همه شاگردان بایـد قران یاد بگیرنـد و آنرا با رعایت قواعـد تجویـدی بلنـد بخوانند . از کتابها : گلسـتان - بوستان — حافظ - جودی - جوهری - صدیقه الشیعه - حلیه المتقین - حق الیقین - حیات القلوب - تاریخ معجم - شاهنامه و بالاـخره معراج السـعاده (خوانـدن این کتابهـا برای دانش آمـوزان آزاد بود هر کس هر کتـابیرا که داشت و یـا میخواست می توانست در نزد استاد بخواند) از کتابهای صرف و نحو عربی حدود جامع المقدمات تدریس می شد

اگر دانش آموزی می توانست از روی کتاب تاریـخ معجم (بـدون غلط) دیکته بنویسـد و کتاب معراج السـعاده و یا گلسـتان را بـدون اشـتباه بخوانـد و شـرح تصـریف و صـمدیه را نیز بداند و از عهده امتحان جناب آخوند ملا تقی بر آید از فضـلاء مکتب خانه بشـمار می آمد و دیگر فارغ التحصیل بود و باید به نزد استاد دیگری جهت تکمیل برود .

استاد دیگر مرحوم آقا شیخ ابو القاسم فره ای عالم فاضل ادیب زاهد واعظ بود که در منزل خود تدریس می کرد .

یکی دیگر از مکاتب این مسجد : مکتب خانه مرحوم آقا شیخ عزیز الله بید آبادی

از اعقاب علامه فیلسوف آقا محمـد بیدآبادی بود (آقا شـیخ عزیز الله فرزند شـیخ محمد حسـین بن شـیخ عزیز الله بن شـیخ محمد حسن فرزند علامه حکیم عارف بید آبادی)

دیگر از مکاتب این مسجد : مکتب خانه مرحوم حاج میرزا محمد بود

خطاطین ونویسندگان کتیبه های مسجد سید

کتیبه های مسجد بر دیوار در این نوع است:

۱- کتیبه هائیکه مشتمل بر آیات قرآن کریم بوده مانند :

الف : کتیبه نمای ایوان جنوبی (ده قسمت)

ب : کتیبه داخل ایوان جنوبی

ج: کتیبه داخل گنبد و اطراف هلالها و اطراف محراب و داخل محراب کوچک .

د : کتیبه داخل ایوان جنوبی (زیر گلدسته) و غیرها

۲ - کتیبه های مشتمل بر اسامی خداوند تبارک و تعالی مانند :

یا سامع المناجات . یا مجیب الدعوات . یا من هو خالق لکل شیء . یا قاضی الحاجات و یا کافی المهمات

۳ - حدیث معروف نبوی صلی الله علیه و آله و سلم : و برخی از اذکار

« انا مدینه العلم وعلی بابها » سبحان ربی الا علی و بحمده - سبحان ربی العظیم وبحمده

۴ - اشعار فارسی و عربی در مدح و ستایش مسجد و باقی ساختمان مرحوم سید حجه الاسلام و فرزند ایشان مرحوم حاج سید جعفر که تزئینات و کاشیکاری در زمان ایشان و بامر وی انجام گردیده است

اینک اسامی خطاطین : ۱- اسدالله رجالی در سالهای ۱۳۰۸ و ۱۳۱۱ و ۱۳۱۳ و ۰۱۳۱۸

۲ - محمد باقر شریف آتشی شیرازی از سال ۱۲۵۵ تا ۱۲۹۸ .

۳ - حبیب الله بن محمد ابراهیم فضائلی استاد خط از معاصرین .

۴ - عبد الجواد بن عبدالحمید در سال ۱۲۹۷ . (پدر اسدالله رجائی خطاط معروف)

۵ - کهرنگی و جواد علی کربلائی دو خطاط معاصر دیگر می باشند که

نامشان با نام آقای فضائلی در کتیبه سردر شمالی مسجد سید (در زنجیر) ذکر شده و تاریخ آن ۱۳۷۷ می باشد .

توضیح: محمدباقر شریف آتشی شیرازی خطاط معروف قرن سیزدهم هجری ساکن اصفهان از آثار او در مساجد اصفهان (مسجد سید – مسجد حکیم – مسجد آقا نور و غیره) از سال ۱۲۵۴ تا سال ۱۳۰۸ دیده میشود .

ظاهراً وی غیر از خطاط معروف دیگری بهمین نام : محمد باقر است که او نیز در اصفهان بوده و مرحوم استاد جلال همائی در مقدمه دیوان طرب (ص ۸۸) ذکری از او نموده است و گوید : (با اندکی تصرف)

مرحوم طرب در خط شاگرد میرزای افسر بود ... ومدتها از روی خطوط میر عماد – محمد صالح – آقا محمد باقر سموری ورضاقلی ادیب شیرازی .... مشق کرد

در پاورقی گوید : آقا محمد باقر سموری منسوب به قریه : سمور با تلفظ کسر سین اول از قرای معروف بلوک جی اصفهانست ... از اعاظم نستعلیق نویسان اصفهان در قرن سیزدهم هجری زمان فتح علیشاه و محمد شاه بوده و ناصر الدینشاه را نیز درک نموده .

نمونه خطش سنگ نبشته قبر مادر شاهزاده در تخت فولاد است تاریخ آن ۱۲۴۶یعنی سال فوت دایه سیف الدوله محمد میرزا می باشد.

این دو خطاط هم نام و معروف همچنان در بین نویسندگان تذکره خطاطین مجهول مانده اند

نویسنده محقق آقای ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی در کتاب « خط و خطاطان» نام چهار نفر خطاط که موسوم به محمدباقر و اصفهانی و یا ساکن اصفهان بوده اند را در قرن سیزدهم ذکر نموده لکن از این دو نویسنده و خطاط با همه اهمیتشان

ص: ۱۰۱

ذکری نفرموده است آن چهار نفر عبارتند از :

۱ – محمد باقر اصفهانی نویسنده خط نستعلیق ۱۲۲۳

۲ – محمد باقر سپاهانی نویسنده خط نسخ ۱۲۵۹

۳– محمد باقر بن ارنیه جرفاد قانی مقیم اصفهان نویسنده خط نسخ ۱۲۴۵

۴ – محمد باقر بن ملا احمد گیلانی مقیم اصفهان نویسنده خط نسخ ۱۲۱۵

اسامی شعرائیکه اثری از آنها در مسجد سید حجه الاسلام باقی است

بطوریکه بعداً در فصل مداحین مرحوم سید حجه الاسلام ذکر خواهیم نمود عده زیادی از شعرای زمان مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی در مدح ایشان و بنای مسجد سید اشعاری و ماده تاریخ هائی سروده اند که برخی از آنها در کاشیکاریها نوشته شده و بر دیواره های مسجد نصب گردیده است از آنجمله است :

۱ – بانی شاعری بدین تخلص در قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم در اصفهان میزیسته و او قطعه ای در ستایش حاج سید جعفر بید آبادی و تاریخ کاشی کاری سال ۱۳۰۵ می باشد

مطلع قطعه نامبرده بقرار زیر است :

ایوان این گلدسته را پرداخت از حسن عمل

سید محمد جعفر آن بدر امم صدر ملل

مقطع (پس از چهار سطر یعنی قطعه جمعاً شش بیت می باشد)

تاریخ اتمامش یکی میخواست بانی گفتمش

«گاه نماز آمد بگو:حی علی خیر العمل»

تاریخ ۱۳۰۵ می شود و باید همزه آمد را یک حساب نمود و یاء مشدد (حی)

را نیز ده بحساب آورد.

(درباره این تخلص وشاعر باید تحقیق بیشتری شود)

۲ – طغرل : میرزا علی محمد فرزند میرزا محمود چهارمحالی متولد در ۱۲۷۴ و متوفی در ۱۳ رجب سال ۱۳۳۲شاعر ادیب

از این شاعر در مسجد سید فقط یک ماده تاریخ نقل گردیده است که ظاهراً در مقطع قطعه ای بوده که نقل شده است :

رواج مذهب جعفر چو شد پیدا از این مسجد

بگو تاریخ او طغرل « رواج مذهب جعفر »

(سال ۱۳۱۰) این کتیبه در دو لوحه بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ در زیر گلدان اسپر بالای کتیبه سر درب جنوب شرقی مسجد قرار دارد . (درب حمام دو قلو)

۳- حاج میرزا فتح الله سراینده اشعار عربی در ستایش مرحوم سید حجه الاسلام و مقبره و تاریخ کاشیکاری ایوان مقابل آن (ایوان شمال شرقی مقابل مقبره) مشتمل بر هشت بیت :

مطلع آن : هنا مصرع العلم و القدس والتقی

هنا مطلع الانوار من جهه العلی

مقطع : سئلت عن التاریخ قال کما بدا

« هنا مصرع العلم و القدس والتقی »

(۱۳۱۳)

۴ – گویندگانی ناشناس که نویسنده نام و نشان و تخلص آنان را نمیداند. این اشعار که بعربی و فارسی سروده شده عموماً در مدح بنا و بانی تعمیرات می باشد بدین شرح :

ص: ۱۰۳

الف – چهار سطر شعر در داخل ایوان شمالی مسجد کاشیکاری در زمان مرحوم حاج سید جعفر

ماده تاریخ این است :

پا بنه اندر مقامان بهر تاریخش بگو

«صفه مسجد میامد قبله گاه خاص وعام »

(۱۳۰۷ مساوی ۳ – ۱۳۱۰)

ب – نه سطر شعر کتیبه سر در جنوب شرقی (درب حمام دو قلو) از تزئینات زمان حاج سید محمد جعفر

ماده تاریخ این است :

در آن محفل یکی از اهل دل داخل شد و گفتا

بسوی ما گشود ابواب رحمت لطف یزدانی

(۱۳۱۱)

ج – شش سطر شعر کتیبه در اطراف حاشیه های اسپرهای طرفین همین سردر از آثار دوره تولیت مرحوم حاج سید محمد جعفر رحمه الله علیه

ماده تاریخ این است : هاتفی از پی تاریخ ندا داد زغیب

فتح الباب الی الجنه امناً للناس

(۱۳۱۱)

د – سه سطر شعر کتیبه در دو اسپر طرفین سر درب جنوب غربی (درب ملا علی میرزا)

از آثار دوره تولیت مرحوم حاج سید محمد جعفر علیه الرحمه .

ماده تاریخ آن چنین است:

یکی ز غیب بتاریخ آن در آمد و گفت

گشود باز خدا باب کعبه اجلال

(۱۳۱۱)

ه – هلال : آقا محمد حسین فرزند آقا محمد علی مذهب (صاحب تذکره یخچالیه و غیره) تخلص او هلال وهمت بوده و ظاهراً اوایل قرن چهاردهم هجری را نیز درک نموده است

از آثار او در مسجد سید حجه الاسلام پنج بیت شعر است که در بالای اسپرهای در طرف ایوان جنوبی (ایوان مقصوره – ایوان زیر ساعت) بخط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوری نوشته شده است .

ماده تاریخ آن چنین است :

چو شد معمور این معبد هلال از بهر تاریخش

بگفتا : « شد بنای کعبه ثانی باصفاهان »

(۱۲۵۵)

اسامی کارگران و هنرمندانی که نامشان در کتیبه های مسجد سید حجه الاسلام ذکر شده است

اسامی این دسته افراد را بپاس خدمت آنان به مسجد یعنی پایگاه توحید وهمچنین بخاطر هنرمندی آنان ذکر می کنیم

۱– آقا جان کاشی پز سال ۱۲۹۹ .

۲ – محمد اسماعیل (ظاهرا حجار).

۳– حاجی اسماعیل حجار سال ۱۳۰۹.

۴ – حسن بن حسینعلی حجار سال ۱۳۰۹ .

۵ – حسن بن استاد علی کاشیکار .

۶- حاجی سید حسین موسوی زاده کاشی ساز .

۷- مشهدی حسینعلی خادم سال ۱۳۰۸ .

۸ – استاد محمود نجار .

۹ – معصوم کاشی پز سال ۱۲۵۵ .

۱۰ – میرزا هاشم نقاش بر حسب نقل نبیره ایشان کلیه نقاشیهای روی کاشی مسجد از مشار الیه می باشد .

ص: ۱۰۶

یکی از مستحبات فراموش شده

(اعتکاف)

(تعریف) : اعتکاف عبارتست از توقف کردن و ساکن بودن بمدت سه روز یا بیشتر با شرائط خاص آن در مسجد جامع بقصد قربت و عبادت .

اعتکاف یکی از عبادات مستحبه ومؤکده است و برای آن از طرف رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیهم السلام اجر و پاداش زیادی نقل گردیده است . از آنجمله :

عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم : اعتکاف العشر الاواخر من شهر رمضان یعدل حجتین و عمرتین . یعنی (ثواب) اعتکاف ده روز آخر ماه رمضان برابر است با (ثواب) دو حج و دو عمره (ص ۲۱۷ جلد دوم سفینه البحار)

اعتکاف را در هر وقتی میتوان انجام داد و بهترین اوقات آن ده روز آخر ماه مبارك رمضان است .

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند : رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در یک سال ده روز اول ماه رمضان

را اعتکاف میفرمود و در سال بعد ده روز وسط را در سال سوم جنگ بدر واقع شد و بمناسبتی سالهای بعد همیشه ده روز آخر ماه را معتکف بود (در سال بعد از جنگ بدر بیست روز اعتکاف نمود ده روز قضای سال قبل و ده روز برای همانسال)

اعتکاف از اعمال مستحبه است و ممکن است به نذر و عهد و قسم وعلل دیگر واجب گردد و روزه از شرایط آنست و روزه روز سوم آن واجب است ،

جهت اگهی از مسائل اعتکاف طالبین به کتب فقهیه مراجعه فرمایند .

(علت تعطیل موضوع اعتکاف) :

برای این موضوع میتوان علل زیادی نام برد لکن مهمتر از تمام آنها بسته شدن درهای مساجد بزرگ (و حتی مساجد کوچک) است در زمان حکومت سابق.

درب بسیاری از مساجد بزرگ را بعنوان : آثار ملی و باستانی بستند و حتی از نماز جماعت در آن جلوگیری نمودند و خویشتن را مشمول آیه شریفه « ومن اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمه » نمودند.

تا قبل از آن تاریخ رفت و آمد در مساجد آزاد بود و مؤمنین و مقدسین بدون هیچگونه مانع میتوانستند گاه و بیگاه به مسجد رفته و بعبادت مشغول شوند و وجود اطاقها در مسجد شاه و مسجد حکیم ومسجد سید علاوه بر آنکه محل سکونت طلاب و دانشجویان علوم دینی بود برای شب زنده داران و معتکفین نیز جایگاه مناسبی بود که در زمستان از سرما و در تابستان از گرما و در تمام دوره سال از دید بینندگان آنان را نگاه می داشت . خداوند متعال میفرماید :

فادعواربکم تضرعاً وخفیه

(مساجد جامع اصفهان) : علامه مجلسی رضوان الله علیه در زاد المعاد در بیان مکان اعتکاف پس از نقل اقوال مختلف می فرماید و ظاهراً در هر مسجد جامعی

اعتکـاف توان کرد و مراد مسـجد جـامع مسـجد بزرگی است در بلادی که در آنجا نماز جماعت می کننـد و مخصوص محله نباشـد و از اکثر محلات شـهر به آنجا برای اقامت جمعه یا جماعت حاضـر شوند مگر متعدد باشد مثل مسـجد جامع عباسـی و مسـجد جامع قدیم در اصفهان و سایر آنها مثل مسجد آقا نور و مسجد عباس آباد محل تأمل است .

نویسنده گوید : مسجد عباس آبادی که علامه مجلسی علیه الرحمه ذکر میفرماید اکنون خراب شده و امروز اثری از آن باقی نیست .

مرحوم آقا محمد مهدی ارباب در کتاب : نصف جهان فی تعریف الاصفهان (ص ۶۰) بخلاصه می نویسد :

در اصفهان چهار صد مسجد جامع بزرگ و یک مسجد قابل ذکر هست .

۱ - مسجد جامع عتیق که مخصوصاً به مسجد جامع (جمعه) موسوم است

۲ - مسجد جامع عباسی که به مسجد شاه معرو فست (ص ۶۲)

۳ - مسجد جامع سیم مسجد موسوم و مشهور به مسجد حکیم است (ص ۶۴)

۴ - مسجد جامع چهارم مسجدی است که مرحوم حاجی سید محمد باقر مجتهد رشتی رحمه الله در محله بید آباد ساخته است.

فصل شانزدهم :(در ذکر اسامی برخی از شعراء و مداحین)

اشاره

(از مرحوم سید حجه الاسلام بید آبادی)

مدیحه سرائی و ستایش از پادشاهان ووزراءِ و بزرگان بمناسبت شخصیت اجتماعی آنان یکی از روش های معمول شعر ای زمان بوده و نام بسیاری از افرادی که بنحوی در اجتماع مؤثر بوده اند باقی مانده است.

اشعار مدیحه روزانه اول مربوط به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و خاندان عصمت و طهارت و اهل بیت بود - پادشاهان ووزراء صاحبان قدرت را نیز می ستودند حکام و فرمانروایان را مدح می گفتند و در این دو مورد اخیر (مدح سلاطین ووزراء و حکام و فرمانروایان) راه مبالغه و گزاف می پیمودند و اغلب آنان را بصفاتی بر خلاف صفات ذاتی آنان مدح میکردند .

از این مراحل گذشته علماء و دانشمندان را نیز بخاطر مقام علمی و خدمات دینی و فریاد رسی از مظلومین در برابر ستمگران وجود و بخشش و دیگر صفات

ص: ۱۱۰

ممتازه مدح می گفتند شرح این موضوع خود کتابی مفصل است طالبین به مآخذ ومصادر لازم مراجعه فرمایند .

برخی از تـذکره نویسان مجموعه ای از این مدایح و سـتایش ها که جهت فردی گفته شده است را در کتابی گرد آورده اند از آنجمله در قرن سیزدهم یعنی در دوران زنـدگانی مرحوم حاج سـید محمـد باقر شـفتی و بعـد از آن چنـدین تذکره در همین موضوع گرد آمده که اینک بنام برخی از آنها اشاره می شود :

۱ – تذکره ثمر تألیف سید حسن ثمر نائینی متوفی بسال ۱۲۸۲ و آن شرح حال چهل نفر از مداحین حاج محمد حسین خان صدر اعم اصفهانی است . نسخه خطی آن بشماره (۸۹۸) در کتابخانه مجلس شورای ملی در طهران موجود است (ص ۴۷ تذکره الاطیاب)

۲ – تذکره لطایف المدایح و ظرائف المناقب تألیف میرزا محمد اشراق بروجردی در سال ۱۲۳۸ تألیف شده و حاوی احوالات و شرح حال ۴۴ نفر شـعرائی است که محمد تقی میرزا حسام السـلطنه متخلص به شرکت فرزند فتح علیشاه و حاکم بروجرد را ستایش کرده اند (ص ۵۹ تذکره الاطیاب تألیف فاضل محترم آقای محمد حسن رجائی زفره ای)

۳- گنج شایگان تألیف میرزا طاهر شعری بید آبادی بچاپ رسیده است

۴ – مآثر الباقریه تألیف میرزا محمـد علی وفا زواره ای اصـفهانی و در آن شـرح حال و نمونه اشـعار عـده زیادی از شـعراء و گوینـدگانست که بعربی و فارسی در مدح مرحوم حجه الاسلام شعر گفته اند .

۵ – مدایح احتشامیه تألیف میرزا نصر الله شهاب لادی اصفهانی .

۶ – مدایح امینیه تألیف سید عبد الباقی اصفهانی و در آن شرح حال بیشتر

از هفتاد نفر شاعر و نمونه اشعار آنها می باشد که حاج محمد حسین خان امین الدوله اصفهانی را مد ح گفته اند تاریخ تألیف ۱۲۲۲ نسخه بخط مؤلف بشماره (۲۹۶۹) در کتابخانه دانشگاه و نسخه دیگری بشماره (۵۵۶۴) در کتابخانه مجلس شورای ملی در طهران موجود است . (ص ۲۴۲ بیستم الذریعه) این کتاب بنام مدایح حسینیه و تذکره باقی نیز نامیده شده است .

۷ - مدایح حسامیه مجموعه قصائد شعرائی است که حسام السلطنه و الی فارس را مدح گفته اند نسخه آن بشماره (۵۳۸۷) در کتابخانه ملک در تهران موجود است (ص ۲۴۳ بیستم الذریعه)

۸- مدایح الخاقان تألیف محمد صادق همای مروزی و در آن اشعاری که در مدح فتح علیشاه قاجار گفته شده است را جمع آوری نموده کتاب بنام زینه المدایح نیز خوانده می شود (ص ۹۵دوازدهم و صفحه ۲۴۳ بیستم الذریعه)

۹ - مدایح سعیدیه مجموعه سی و دو قصیده است که شعراء فارس و غیره در مدح سعید السلطنه امیر تومان و سردار کل عساکر سروده اند . نسخه بشماره (۵۱۰۳) در کتابخانه ملک در تهران موجود است (ص ۲۴۳بیستم الذریعه) .

نویسنده گوید : فتح الله خان سعید السلطنه فرزند میرزا رفیع نظام العلماء تبریزی است در ۱۲۸۸ متولد و در ۱۳۴۵در طهران وفات یافته در دز آشوب مدفون گردیده شرح حالش بطور اجمال در کتاب شرح حال رجال ایران در سه قرن اخیر مذکور است (ص ۱۷۴ پنجم) .

* مدایح السلطان (مثنوی مدایح السلطان از عوفی شاعر معروف (ص ۲۹۰ نوزدهم و صفحه ۲۴۳ بیستم الذریعه) از موضوع بحث ما خارج است .

۱۰- مدایح معتمدیه از میرزا محمد علی بن ابیطالب مذهب اصفهانی متخلص به بهار و در آن شرح حال و نمونه اشعار هشتاد و هفت نفر شاعر که معتمد الدوله

منوچهر خـان گرجی راستایش نموده انـد جمع آوری کرده است و یراکتـاب دیگری است بنـام : تـذکره یخچالیه که بچاپ رسـیده است . در نسخه دانشکده ادبیات تهران تعداد شعراء ۹۹ نفر می باشد .

۱۱ - مدایـح المؤیدبه (تذکره) و آن اسامی شـعراء و نمونه اشـعار کسانی است که طهماست میرزا مؤید الدوله قاجار متخلص به سـرور فرزند محمـد علی میرزا دولتشاه را مدح گفته اند (ص ۶۱ تـذکره الاطیاب) فوت مؤید الدوله در سال ۱۲۹۷ بوده و او را « فقیه القاجـار » لقب داده اند و کتاب فقه مؤیدی از تألیفات اوست برای شرح حالش به کتاب: شرح حال رجال ایران (ص ۱۹۵ دوم) مراجعه شود .

بیان مؤلف قصص العلماء :

مرحوم تنکابنی علیه الرحمه در قصص العلماء (ص ۱۴۵) می نویسد :

در مدایـح او آنقـدر از قصاید از عرب و عجم گفته اند که جمع کردند و آن دیوان بزرگی شد که یک مصـرع از اشـعار عربی که در مدح او ساخته اند :

أنا الذی احتاج ما یحتاجه (می باشد)

یعنی من به لفظ (الذی) می مانم چنانکه او احتیاج به صله دارد. من هم احتیاج بصله و انعام دارم .

اینک اسامی برخی از شعراء که آن مرحوم را مدح گفته اند :

۱– سید محمد ابراهیم موسوی

سراینـده یـازده بیت در تقریـظ کتـاب : مطالع الانوار و آنها را روی برگ اول جلـد دوم مطالع الانوار نسـخه شـماره (۱۹۱۳) کتابخـانه آیت الله مرعشی نجفی نوشته است . (ص ۲۸۵ پنجم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی – قم).

۲ – اختر

قصیده ای در مدح آن مرحوم سروده و آنرا در پشت کتاب : عدم

جواز شرب قلیان در ماه رمضان تألیف محمد صادق بن محمد حسن طهرانی از علماء قرن سیزدهم هجری نوشته است . نسخه به شماره (۱۶۴) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است (ص ۱۵۳یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی).

نویسنده گوید : احتمالا شاعر مذکور : احمد بیک (احمد) فرزند فر امرز بیک گرجی متخلص به اختر و مؤلف کتاب : تذکره اختر می باشد وی در سال ۱۲۳۲ قبل از آنکه تذکره خود را بپایان رساند وفات یافته است کتاب تذکره اختر بچاپ رسیده است .

۳– علامه فقیه زاهد مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی

مؤلف روضات الجنات شاگرد و مجاز از مرحوم سید حجه الاسلام دو قصیده عربی در مدح سید حجه الاسلام و مرثیه او و تاریخ وفات سروده که یکی از آنها را خود در روضات الجنات نقل فرموده و دیگری را دانشمند بزرگوار نویسنده محقق آقای حاج سید احمد روضاتی در مقدمه رساله النهریه ورساله میزان الانساب از بیاض آن مرحوم نقل نموده انـد که بعداً در فصل مربوط به وفات مرحوم سـید حجه الاسـلام قسـمتی از آنرا نقل خواهیم کرد .

۴– بیدل :

ملا قربانعلی قزوینی شاعر ادیب .

۵ – جوهری :

محمد ابراهیم بن محمد باقر قزوینی مؤلف کتاب معروف طوفان البکاء در مصـیبت و مقتل بفارسی و متوفای سال ۱۲۵۳ هجری قمری در موقع تسـطیح قبرسـتان خوشبختانه قبر وی در گوشه زمینی قرار گرفت که جهت ساختن مدرسه در اختیار تاجر دیندار مرحوم حاج ابوالقاسم تبریزی واگذار شده بود تاجر نامبرده قبر را همچنان محفوظ نگاهداشته و جهت او اطاقی ساخت که به کوچه مجاور راه دارد و این از اثر خلوص نیت مرحوم جوهری و دیانت

حاجی نامبرده است .

وفات مرحوم جوهری در سال ۱۲۵۳رویداده و اعقاب واحفادش تا کنون بهمین شهرت (جوهری) در اصفهان معروفند . ماده تاریخ وفات او را میرزا محمد باقر بهار گوید :

کلک سحر انگیز او بنوشت این مصرع تمام

« همره سلطان دین آید بمحشر جوهری »

۶ – خلف :

مرحوم میرزا سلیمان خان فرزند محمد کاظم در سال ۱۲۵۴در شیراز متولد گردیده و از سال ۱۲۸۱ تا آخر عمر در اصفهان ساکن و نایب الحکومه و پیشکار ظل السلطان حاکم اصفهان بوده خدماتی از قبیل ساختمان مسجد و تکیه و تعمیرات در مساجد و مدارس و چاپ قرآن و زاد المعاد و جامع عباسی و صحیفه مبار که سجادیه و غیره نموده سرانجام در سه شنبه ۷ جمادی الاولی سال ۱۳۳۱ وفات یافته در اطاقی مخصوص در طرف چپ وارد شونده به مسجد او در اول تخت فولاد مدفون گردید .

اشعار مرثیه و ماده تاریخ وفات مرحوم سید حجه الاسلام که بر لنگه چپ درب ضریح آن مرحوم بخط نستعلیق طلائی نوشته شده است از وی می باشد (اشعار در فصل مربوط به بقعه مرحوم سید حجه الاسلام نقل می شود).

۷ – سروش : محمد علی فرزند قنبر علی سدهی اصفهانی ملقب به شمس الشعراء از نسل میر یار احمد نجم ثانی خوزانی در سال ۱۲۲۸ متولد شده و در ۱۲۸۵وفات یافته است . دیوانش بچاپ رسیده است .

سروش مرحوم سید حجه الاسلام را در چندین قصیده مدح گفته است از آنجمله :

قصیده اول در هیجده بیت مطلع آن :

بر سپهر قدر دیدم گشته برج دین عیان

و اندر آن دیدم فروزان اختری خورشید سان

قصیده دوم سیزده بیت مطلع آن این است:

تا شکر آن شیرین سخن زان لعل گویا ریخته

دلها بدورش چون مگس بر گرد حلوا ریخته

قصیده سوم ۲۶ بیت و قصیده چهارم سی بیت طالبین بدیوان مطبوع او مراجعه کنند .

۸– عبد الکریم بن محمد اسماعیل (اصفهانی) شاعر – ادیب – خطاط نقاش از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام از آثارش ده بیت شعر در پشت جلد اول مطالع الانوار در تقریظ کتاب ومدح مؤلف نوشته شده است . در پشت جلد در اول کتاب نوشته است:

هست این کتاب مخزن اسرار کردگار)

انوار حق زمطلع انوارش آشکار

از خازن ریاض هدی آسمان فیض

گلزار دین و روحیه اسلام را بهار

قطب سماء ملت و دین باقر العلوم

سالار موسوی نسب وسید کبار

فخر انام وقدوه ناس و پناه خلق

مهر سپهر شرع مبین عالم وقار

فرموده زان مطالع الانوار نام آن

کش شرق تا بغرب سپهریست نوربار

و در قسمت داخلی پشت جلد در آخر کتاب نوشته است :

رمزی نهاده و عدم آورده در وجود

نقشی کشیده و قلم صنع را نگار

عبد الکریم کاتب آن مخزن علوم

بر پای این خزانه اسرار جان نثار

خطی در آن نوشته که یا قوت از آن خجل

برده هم از طلای تجلی در آن بکار

ص: ۱۱۶

جلدی بر آن صحیفه زده چون در بهشت

نقشی بر آن کشیده که مانی از آن فکار

رنجی کشیده زین همه صنعت بدست خویش

گنجی ربوده زین همه همت بروزگار

۹– عشرت فسائی

در فصل مربوط به وفات حجه الاسلام ذکر می شود .

۱۰ – حاج میرزا فتح الله بن میرزا کوچک میر محمد صادقی حسینی

ادیب شاعرو گوینده ماهر بفارسی و عربی شعر می گفته و اشعار ماده تاریخ وفات مرحوم علامه فقیه آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی (۱۳۱۳) از مشار الیه می باشد .

از آثارش هشت بیت عربی است که در ایوان جلو بقعه مرحوم سید حجه الاسلام در شمال مسجد سید بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بخط مرحوم میرزا اسد الله رجالی خطاط معروف مورخ بسال ۱۳۱۸ کتیبه شده است . بدین شرح :

هنا مصرع الحلم والقدس والتقی

هنا مطلع الانوار من جهه العلی هنا بیت معمور وواد مقدس

وجنت عدن انزلت جانب الثری

هنا معدن التقوی وکنز فتوه

هنا مخزن التوفیق والرشد والهدی

ایا قبه النور من فیک ضاجع

أباقر علم الله أم ایه النهی

ایا قبره ان الذی قد صمنته

لحجه الاسلام و منتخب الوری

نضمنت بحر الجود والعلم والکرم

وواریت نور الله فی اظلم الدجی

وزینها بالنقش سید ولده

ابو جعفر السامی مقتدی الوری

سئلت عن التاریخ قال کما بدا

هنا مصرع الحلم والقدس والتقی

(۱۳۱۳)

۱۱- کفاش شاعر اصفهانی

ص: ۱۱۷

از آثار او سه ماده تاریخ در اصفهان موجود است .

۱- دو ماده تاریخ درباره بنای بقعه مرحوم سید حجه الاسلام و تاریخ وفات آن بزرگوار که در دو ضلع شمال وجنوب گوشواره غربی داخل بقعه مرحوم سید حجه الاسلام بخط نستعلیق طلائی رنگ بر زمینه سفید گچبری شده است (اشعار در فصل مربوط به بقعه مرحوم سید حجه الاسلام نوشته می شود) تاریخ آن ۱۲۶۰ ه.ق

۲ - تاریخ تعمیرات عمارت عالی قاپو مورخ بسال ۱۲۷۴ ه.ق

۳- ماده تاریخ وفات ملا اسماعیل ثانی خواجوئی مورخ بسال ۱۲۸۲ ه.ق در تخت فولاد اصفهان .

نام و نشان مرحوم کفاش در تذکره های شعراءِ قرن سیزدهم دیده نمی شود لکن نسخه ای از دیوان اشعارش بشماره (۸۵) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است (ص ۸۹ یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی) این دیوان حاوی هفت هزار بیت شامل: مثنوی و ترجیع بند ، ترکیب بند ، مراثی، نضمین اشعار سعدی و حافظ و یغما و دیگران و قصاید در تاریخ می باشد در ۲۵۶برگ و هر برگ ۱۴ سطر .

آغاز دیوان :

نخستین بنام خداوند پاک

که ما را بر انگیخت از آب و خاک

علیم و عظیم و قدیم وودود

نگارنده آسمان کبود

۱۲- گوینده ای ناشناس

قصیده ای بعربی در مدح سید حجه الاسلام شفتی سروده و خود نیز آنرا بفارسی شرح نموده است . نسخه بشماره (۴۸۶۰) در کتابخانه آستان رضوی موجود است .

آغاز : الحمدلله الباریء الرزاق و الصلوه والسلام علی محمد و آله ذوی الارتقاء و الاستباق .

ص: ۱۱۸

انجام : الذینهم آل طه و یس آمین یا رب العالمین .

نسخه بخط نسخ و نستعلیق تحریری: علی اکبر بن محمد کریم سالیانی گیلانی مورخ ۱۷ ربیع الثانی ۱۲۶۲ . نسخه در ۱۹ برگ (ص ۶۲۰قسمت دوم مجلد هفتم فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی).

۱۳ – گوینده ای ناشناس

سراینده اشعاری بعربی در جزو کتیبه های مسجد ذکری از او شد.

۱۴ – گوینده ای ناشناس

سراینده اشعاری بفارسی در جزو کتیبه های مسجد مذکور گردید .

۱۵– حاج ملا علی نوری حکیم معروف.

در قصص العلماء (ص ۱۵۰) می نویسد : در وصف مسجد سید اشعاری گفت و برای سید حجه الاسلام فرستاد. مرحوم سید فرمود: من چیزی قابل برای جایزه این اشعار ندارم و اگر ما یملک خود را نثار این اشعار نمایم کم است .

۱۶ – وفا زواره ای:

مرحوم میرزا محمد علی بن سید محمد بن میرزا احمد بزرگ بن میرزا رفیعا بن زین الدین (ضیاء الدین) ابن علی بن محمد بن کمال الدین حسین طباطبائی زواره ای در ۲۹ صفر سال ۱۱۹۵در اصفهان متولد گردیده و در این شهر تحصیلات خویش را بپایان رسانیده و بسرودن اشعار پرداخته و به ستایش شاه وصدر اعظم و دیگران اشتغال جسته و از اینرو مورد عنایت و توجه همگان قرار گرفته از آثار او غیر از دیوان اشعار کتاب : مآثر الباقریه که در آن مدایحی را که شعراء درباره مرحوم سید حجه الاسلام سروده اند را جمع آوری نموده است و آن خود تذکره ای از شعرای معاصر او یعنی شعرای قرن سیزدهم می باشد نسخه این تذکره در کتابخانه علامه مفضال ومحقق ارجمند جناب آقا سید محمد محیط طباطبائی در طهران موجود است .

مرحوم وفای زواره ای در ماه صفر سال ۱۲۴۸در اصفهان در مدرسه کاسه گران وفات یافته و در تخت فولاد در داخل بقعه میرزا رفیعاء نائینی مدفون گردید (ص ۴۹۱ سوم آتشکده اردستان).

در آتشکده اردستان (ص ۴۹۶ سوم) قصیده مشتمل بر ۱۹ بیت در مدح مرحوم سید حجه الاسلام از او نقل می کند بدین مطلع :

این سال پنجه است که شد در جهان پیر

جان فکار زار به زندان تن اسیر

تا آنجا که گوید :

نه یک تن از ثوائب دهر است پایمرد

نه یک کس از شداید چرخ است دستگیر

جزسروری که منکر و معروف دهر را

قهرش بود نذیر و بود لطف او بشیر

یعنی سمی قبله پنجم که از ازل

آمد معین ملت و اسلام را ظهیر

گیتی زملک عزت او کلبه ای حقیر

گردون زکاخ رفعت او یله ای قصیر

در عرصه خیال نگنجد مدیح او

دریا چگونه جای توان داد در غدیر

۱۷ – هلال :

آقا محمد حسین در فصل مربوط به مسجد سید نام او منکور گردید .

۱۸ – هما شیرازی اصفهانی

مرحوم رضا قلی خان هما شاعر عارف معروف در مدح و مرثیه مرحوم سید حجه الاسلام قصایدی سروده که در دیوان او بچاپ رسیده و از آنجمله قصیده ای از آن در بقعه مرحوم حجه الاسلام کتیبه شده است.

قصیده مرقوم شامل ۷۴بیت و قصیده دیگر در ۵۵ بیت – قصیده دیگر شامل ۵۳ بیت قصیده چهارم شامل ۴۲بیت پنجمین قصیده شامل ۲۷ بیت.

مطلع قصیده کتیبه شده در داخل بقعه :

قدم زروی ادب نه در این خجسته مقام

که جایگاه کرام است و قبله گاه انام

۱۹ – میرزا مهدی یموت زواره ای

برادر مرحوم وفا زواره ای سابق الذکر از معاصرین سید حجه الاسلام بوده و در این شهر میزیسته و هم در اصفهان وفات

ص: ۱۲۰

یافته در قبرستان آب بخشان که در دوره حکومت قبل تسطیح گردیده و اکنون به نام میدان شهداء معروفست مدفون گردید (ص ۲۳۳ رجال اصفهان) در آتشکده اردستان (ص ۵۱۵ سوم) ویرا عنوان نموده و نمونه ای از اشعارش در آنجا ذکر نمی کند.

واما از شعرای معاصر :

۱ – صغیر اصفهانی

مرحوم آقا محمد حسین شاعر معروف دیوان اشعار و کتاب مراثی او بارها در اصفهان و تهران بچاپ رسیده است .

مرحوم صغیر در موقع تعمیرات داخل رواق بقعه مرحوم سید حجه الاسلام اشعاری سروده که بر دیواره درب ورودی بقعه کتیبه شده است بدین شرح : آنکه این مسجد زیمن همتش بر پا بود

تا قیامت آستانش قبله دلها بود

زین بنا باشد صفای باطن بانی پدید

باطن جنت بلی از ظاهرش پیدا بود

کرد آباد این جهان و آن جهان را زین بنا

مسجد اینجا و بهشت جاودان آنجا بود

حوض آبش میدهد گوئی خبر از سلسبیل

صحن آن چون ساحت فردوس روح افزا بود

گنبد پر نقش و ایوان رفیعش بین چسان

از بلندی طعنه زن بر گنبد خضرا بود

گر گشائی گوش جان گلدسته اش روز و شبان

خلق را داعی بسوی خالق یکتا بود

همچو طرف گلشن از هر صفه اش نقشی بدیع

می کند جلب نظر بس دلکش وزیبا بود

هر بنا باشد برای حق گر از حق نگذری

بهر بانی بهتر از دنیا وما فیها بود

جنه ابر همت این سید عالی نسب

کز شرافت افتخار دودهٔ طاها بود

نام نیکش باقر و کنز علوم دین وشرع

شرح احوالش رقم بر صفحه دنیا بود

تا قیامت گشت اندر مسجد خود معتکف

بندگی را باید اینسان بنده ها بر جا بود

جلوه حق کرده مدهوشش تو گوئی تا ابد

او بود موسی و این بیت الشرف سینا بود

مجری احکام جدش مصطفی بی خوف وبیم

پور موسی شبل حیدر زاده زهرا بود

گفت این تاریخ در تعمیر در گاهش صغیر

حکم سید نشر شرع سید بطحا بود

(۱۳۶۸)

۲ – مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر

فرزند مرحوم حاج شیخ محمد باقر واثق فرماید :

لهفی لفقدان مولی اعطی النعما

العلم والمال والترویج والکرما

السید الحجه الاسلام فی الزمن

و باقر منه کان الشرع منتظما

یدعوا لاله ویبکی وتهجده

یجری الحدود من الخوان منتقما

و مسجداً جامعاً فی اصفهان بنی

یعد تا لله فی الغبراء منعدما

میراث اولاد زهراء استرد لهم

من غاصبی فدک فی طوفه الحرما

ص: ۱۲۲

الموسوی الذی قد عاش حضرته

فی مذهب الجعفری شاخصاً علما

راحت الی الروح روح منه ثاویه

و استوطن الخلد بالاجداد معتصما

بدر المضیء مضی شمس العلما افلت

من موته صار حبل الدین منقصما

بحر السخاجف عین الدهر باکیه

فقال بالفضل عند الله مستسما

نجم الهدی غاب کنز المجد یستتر

ویعجز المدح عنه اللوح والقلما

و کوکب القدس والتوحید منتشر

فی فوته فتری الاسلام ملتطما

یا نیر اکتبه للتاریخ من سنته

« من فقد سیدنا رکن التقی هدما »

(۱۲۶۰)

یا ایها الزائر انظر ذی البناء تجد

لدی التشرف فیها جنه ارما

لما انقضت مأه من عام رحلته

بالامر من سبطه تغییر ختما

اشعار فوق بر جبهه فوقانی سر در مقبره و دیوار جنوبی بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشتی لاجوردی بخط مرحوم نیر سراینده اشعار کتیبه شده است و مراد از سبط مرحوم سید که در شعر آخر بآن اشاره شده است مرحوم حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام جعفری متولی مسجد می باشد که شرح حالش در اولاد و اعقاب مرحوم حجه الاسلام مذکور خواهد شد.

مطلع اشعار که در کتاب معادن (ص ۲۳ جلد یکم) ذکر نشده از اینقرار است :

روض قدسی ام هنا جنات عدن سرنا

قف لک البشری وزر من فیه تلت المنی

فصل هفدهم: (وفات – محل دفن)

اشاره

(ماده تاریخها ومرثیه ها)

سئل رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم :

کیف یتوفی ملک الموت المؤمن ؟ فقال :

ان ملک الموت لیقف من المؤمن عند موته موقف العبد الدلیل من المولی فیقوم هو واصحابه لا یدنوا منه حتی یبداء بالتسلیم ویبشره بالجنه .

(ص ۲۱۸ مجموعه تاج نقل از بحار الانوار)

ص: ۱۲۵

حدیث

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند :

« اذا مات المؤمن الفقیه ثلم فی الاسلام ثلمه لا یسدها شییء ».

چون مؤمن دانشمند و فقیهی بمیرد در اسلام سوراخ و شکستی پدید آید که هیچ چیز آنرا اصلاح و ترمیم نمی کند (اصول کافی باب فقد العلماء حدیث ۲)

و هم از آنحضرت روایت شده است که فرمودند :

« ما من أحد یموت من المؤمنین أحب الی ابلیس من موت فقیه » .

مرگ هیچ مؤمنی نزد ابلیس خوشایندتر از مرگ دانشمند فقیه نمی باشد . (اصول کافی - باب فقد العلماء حدیث ۱ و ۴)

آری چرا چنین نباشد این علماء و دانشمندان دینی و روحانیون حقیقی و واقعی هستند که از اسلام حمایت نموده و با ادله علمی شبهات مخالفین و معاندین را جواب می گویند و چون بمیرند یکی از سنگرداران اسلام از دست رفته و در دیوار محکم اسلام سوراخی پدید آمده و از اینرو همه دشمنان اسلام برهبری شیطان و شیطان صفتان خوشنود می شوند. غافل از وعده حضرت حق جل وعلا که میفرماید : ما ننسخ من ایه أو ننسها نأت بخیر منها أو مثلها (سوره بقره آیه ۱۰۶) .

ص: ۱۲۶

فوت

مرحوم سید حجه الاسلام اعلی الله مقامه الشریف در سه ساعت بغروب مانده روز یک شنبه سوم ماه ربیع الثانی سال ۱۲۶۰در اصفهان به بیماری استسقاء وفات یافت و شب ۴ شنبه ششم در مقبره مخصوص که خود قبلا جهت دفن مهیا ساخته بود مدفون گردید .

در روز وفات و ماه آن همچنین سال فوت اختلاف است که برخی از آنها سهو القلم و عده ای غلط و اشتباه می باشد اینک

نقل اقوال :

۱ - علامه صاحب روضات می نویسد :

حجه الاسلام به بیماری استسقاء مبتلا بود و عصر روز یک شنبه دوم ربیع الاول سال ۱۲۶۰(غرس) رحلت کرد . در چاپ دوم روضات الجنات شرحی از علت اشتباه و تحقیق درباره وفات نوشته و آنرا به ربیع الثانی اصلاح نموده است تمام کتابهائیکه بعد از روضات الجنات بچاپ رسیده (یا تألیف شده) ماه وفات مأخوذ از همین مأخذ می باشد و احتیاج به ذکر اسامی آنها نیست .

درسال فوت هیچگونه شک و تردیدی نیست که فوت در سال ۱۲۶۰رویداده و آنچه در منتظم ناصری وفات را بسال ۱۲۵۸می نویسد یقیناً اشتباه بوده و هیچ

ص: ۱۲۷

راهی جهت توجیه آن تا کنون نیافته ایم و کلیه کتابهائیکه فوت را در ۱۲۵۸ نوشته اند مأخوذ از همین کتاب می باشد .

رفع اشتباه :

در تعمیرات سالهای اخیر و کاشیکاری داخل مقصوره مقابل مقبره مرحوم سید حجه الاسلام در بالای سر در ورودی بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشتی لاجوردی رنگ تاریخ وفات مرحوم سید حجه الاسلام باین گونه نوشته شده است :

تاریخ وفات آیت الله العظمی فقیه اهل بیت طه ویس و ملاذ الشیعه و حامی الشریعه الحاج سید محمد باقر الموسوی الرشتی حجه الاسلام اعلی الله له المقام دوم ربیع المولود سنه ۱۲۶۰.

اختلاف در روز و ماه :

بطوریکه قبلا گفته شد علامه صاحب روضات الجنات روز وفات را دوم ربیع الاول (و پس از اصلاح در چاپ دوم ربیع الثانی) می نویسد و در کشف الحجب روز سوم ماه ربیع الثانی میداند .

در کتابخانه مجلس شورای ملی(مجلس شورای اسلامی) نسخه ای از کتاب سؤال و جواب مرحوم سید حجه الاسلام می باشد بشماره (۴۹۲۴) در صفحه اول کتاب نامبرده این عبارات بخط سید دیده میشود .

اعلام برادران دینی میدارد که عالیجناب مقدس القاب آخوند ملا محمد زید توفیقه امین و معتمد میباشند . مسائلیکه از این خادم شریعت تبلیغ شماها نمایند از ایشان قبول خواهید نمود ۲۳ ربیع الاول ۱۲۶۰- بعداً نوشته است.

فوت یک شنبه ۲۴ربیع الثانی ۱۲۶۰.

همچنین در پشت نسخه ای از کتاب سؤال و جواب مرحوم سید حجه الاسلام

ص: ۱۲۸

متعلق به کتابخانه علامه مفضال جناب حاج سید محمد علی روضاتی عبارات زیر نوشته شده است :

وفات مرحمت و غفران پناه جنت ورضوان آرامگاه فخر المجتهدین وقدوه العارفین وزین المحققین و بدر السماء العلم والفضیله و الفقاهه فخر دودمان شریعت سالک راه طریقت حجه الاسلام و نایب الامام مرحوم مغفور حاجی سید محمد باقر نور الله مرقده و مزجعه (کذا) بتاریخ یک شنبه سیم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۰.

مراجعه به تقویم

در تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله در سال ۱۲۶۰می نویسد :

غره ربیع الاول ۵ شنبه بوده است .

بنابراین یک شنبه چهارم می شود و دوم نمی باشد .

و غره ربیع الثانی را روز شنبه می نویسد .

بنابر این یک شنبه دوم خواهد بود نه سوم مگر آنکه گفته شود عصر روز یک شنبه سوم ماه ربیع الثانی و همچنین یک شنبه ۲۳ خواهد بود نه ۲۴ .

علیهذا تاریخ صحیح فوت مرحوم سید حجه الاسلام عصر روز یک شنبه دوم ربیع الثانی ۱۲۶۰بوده است و مؤید این قول ماده تاریخی است که مرحوم هما شیرازی اصفهانی در این باره گفته که بعداً نقل خواهد شد.

اشتباه بزرگ :

در کتاب معارف الرجال (ص ۵۲ یکم) در ضمن بیان شرح حال میرزای قمی وذکر اسامی شاگردان ایشان می نویسد :

و سید محمد باقر معروف به حجه الاسلام رشتی متوفی حدود سال ۱۲۰۲ در قم به محضر او وارد گردید . در غلطنامه نیز ذکری از این اشتباه نشده است.

(به حافظه نباید مطمئن شد) :

ص: ۱۲۹

یکی از دوستان نقل کرده که :

کتابی تألیف کرده بودم و مطالبی از گوشه و کنار از کتابهای مختلف و نویسندگان متعدد و همچنین مسموعات و مشهودات خود در آن گرد آورده بودم.

کتابرا جهت مطالعه و اظهار نظر نزد مرحوم میرزا محمد خان قزوینی بردم و نظر ایشان را درباره آن جویا شدم .

مرحوم علامه قزوینی با لطف مخصوص که از سجایای اخلاقی ایشان بود از من و نوشته ام تعریف کرد و ضمناً مطالبی و انتقاداتی که بنظرش رسیده بودند تذکر داد . در بین سخن پرسید آنچه از کتابها نقل کرده اید خود دیده و نوشته اید و یا از جائی رو نویس کرده و یا قبلا مطالعه نموده و در موقع تألیف از خاطر خود استفاده کرده اید . جواب ایشان را دادم . ایشان ضمن پند و اندرز فرمودند:

اکنون شما جوان هستید و حافظه شما قوی است ممکن است مطالبی را از چندین کتاب بخاطر بسپارید و پس از گذشت ماهها بلکه سالها آنها را بدون کم و کاست نقل کنید اما اگر خواستید همان مطالب را در جائی بنویسید حافظه خود را متهم کنید و بگوئید ممکن است فراموش کرده باشم و اکنون به طور دیگری بنظرم آمده باشد و با آنکه مطلب بطور کلی اشتباه باشد و من آنرا صحیح بدانم سپس از باب تأکید گفتند :

فی المثل اگر خواستید سوره قل هو الله احد راکه هر روز چندین بار در نماز میخوانید در جائی بنویسید قر آن را باز کرده و از روی آن بنویسید تا هرگز اشتباه نشود.

این یک نکته بسیار دقیق و صحیح است و باید سر مشق کلیه نویسندگان بوه باشد بسیار اتفاق افتاده است که انسان کتابی را از نویسنده ای دانشمند میخواند در ضمن قراءت متوجه میشود که مثلا آیه ای از آیات قرآن مجید یا حدیثی از

بزرگان دین اشتباه نقل شده است و یا عبارات کم و زیاد و پیش و پس نقل گردیده فوراً متوجه میشود که نویسنده بحافظه خود قناعت نموده و حافظه او خطا کرده است

یکی از این موارد تاریخ فوت مرحوم سید حجه الاسلام می باشد .

علامه محقق متتبع صاحب روضات الجنات با آنهمه احاطه و تتبع و با وجودی که خود از شاگردان و مجازین از مرحوم سید حجه الاسلام می باشد و مورد توجه و عنایت آن استاد بزرگوار بوده و بقیناً در مراسم تشییع و دفن استاد شرکت داشته و در بیاض خود دقیقاً وقت و ساعت و روز آنرا تعیین نموده در موقع نوشتن کتاب روضات الجنات بعلت تراکم کار و اطمینان بحافظه ماه وفات را ربیع الاول (بجای ربیع الثانی) مرقوم فرموده است ، همچنین ممکن است این لغزش را سهو القلم بدانیم .

تذکر :

اول کسی که متوجه اشتباه وفات در ماه ربیع الاول گردیده است علامه طهرانی در الذریعه (جلد یکم) می باشد .

آخرین ملاقات :

مرحوم تنکابنی در قصص العلماءِ (ص ۱۶۸) می نویسد:

مرحوم سید حجه الاسلام در آخر عمر او را از ارسوءِ القنیه عارض گردید اطباءِ به معالجه آن پرداختند مفید نیفتاد پس در روز پنج شنبه بمرض حبس البول گرفتار شد در نزدیک زوال حاجی کلباسی به عیادت آنجناب آمد زمانی نشست و در اول زوال آن جناب را وداع کرده مراجعت نمود. سید وضو ساخته نوافل ظهر و نماز ظهر را ایستاده بجای آورده پس بی طاقت شد در بالای جای نمازیک حب از تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام تناول نمود و فی الفور طایر روحش بآشیان قدس پرواز نمود. حاجی کلباسی هنوز بخانه نرسیده (در مسجد حکیم نماز ظهر و عصر را به جماعت خوانده بود و قصد رفتن بمنزل داشت) در اثناءِ

راه به او خبر دادند که سید به نزد اشراف اجداد اطهار شتافت .

حاجی از این خبر وحشت اثر بیهوش گردید پس از آنکه بهوش آمد بخانه سید آمد و بر او گریه وزاری نمود .

تذکر : مرحوم تنکابنی به روز فوت و ماه و سال آن اشاره ای ننموده است.

مراسم تغسیل و تکفین و نماز

بنا بنوشته مرحوم تنکابنی مرحوم آخوند ملا علی اکبر خونساری مرحوم سید حجه الاسلام را غسل داده و از آن پس دستهای مبارک آنجناب را بوسیده و کفن نمود .

علامه صاحب روضات الجنات می نویسد :

حجه الاسلام را در منزلش غسل دادند سپس او را به مسجد آوردند و فرزند افضلش سید اسد الله بر او نماز کرد.

روز وفات :

در روضات الجنات می نویسد :

روز رحلت حجه الاسلام روز عظیمی بود به مجردیکه مردم از رحلت او باخبر شدند تعطیل عمومی اعلام شد تمام کوچه ها مملو از زن و مرد و چنان در مصیبت مرگ او می گریستند که گوئیا پدر مهربانی فرزند جوانش را که بی اندازه مورد علاقه اش بوده از دست داد.

همهمه مردم که بگریه و ناله بلند بود از پشت دیوارهای شهر بگوش میرسید

پس از شرحی که درباره مرحوم حاج سیداسدالله می نویسد مطلب بدینگونه ادامه می دهد روز وفاتش تعطیل عمومی بود و دکانها تا چند روز متوالی بسته بودند بعد از آن خبر رحلتش بسایر شهرها رسید و در همه جا مخصوصاً مشاهد مشرفه بمنظور تجلیل از مقام محترم او مجالس ترحیم برپا کردند حتی در سرزمین

ص: ۱۳۲

هنـد و شـهرهای ترکسـتان وما وراءِ النهر مراتب عزاداری و سوگواری او را رعایت نموده و مجالس شـکوهمندی از جهت ترویـج روح او بر پا داشتند و تا یک سال مجالس عزاداری بنام او منعقد بود .

استجابت دعا و طلب مرگ نمودن مرحوم سید :

تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۶۷) در ضمن شرح حال آن مرحوم ومخالفتهای محمد شاه و حاج میرزا آقاسی با آن بزرگوار می نویسد :

وقتی سـلطان (یعنی محمـد شاه) بدیـدن آن زبـدهٔ علماءِ عیان با نقاره تا بدر سـرای آن جناب آمد. سـید برای اسـتقبال سـلطان خواست تا بدر سرای آید در میان (راه) صدای نقاره بگوشش رسید . دستها را باسمان برداشت و عرض کرد :

خداونـدا ذلت اولاـد زهرا علیهـا سـلام را بیش از این مخواه پس بخـانه بـازگشت از کرامت آن جناب در همان چنـد روز دار دنیا را بـدرود و بمحاسبه با حضرت معبود نشست .

(نکته تاریخی) :

مسافرت محمد شاه باصفهان در ذی حجه سال ۱۲۵۵ و مراجعت او در ۱۲۵۶بوده است بنابراین فوت مرحوم سید حجه الاسلام در حدود چهار سال و نیم پس از مسافرت شاه بوده است نه در همان چند روز .

تاریخ دفن :

علامه صاحب روضات الجنات (ص ۲۹۵دوم ترجمه روضات) می نویسد:

پس از سه روز که از رحلت او گذشـته(بود) او را در آن بقعه منور (که خود در جنب مسجد جهت مدفن خود ساخته بود) مدفون ساختند و آن بقعه

اکنون بمنزله مشهدی و زیارتگاهی از زیارتگاههای انبیاءِ و ائمه طاهرین علیهم السلام بشمار می آید و مردم در پنج وقت از نماز بزیارت او میروند و مرقد او را مطاف دلهای خود میدانند بلکه مردم از راههای دور بعزم زیارت او بار سفر می بندند .

(نکته ای مجهول) :

خوانندگان محترم توجه دارند که نوشتیم مرحوم سید حجه الاسلام در عصر روز یک شنبه وفات یافته و جسد مبارکش را در روز چهارشنبه دفن نموده اند . لکن علامه صاحب روضات علت تأخیر در دفن را ذکر نمی کند فرض کنیم که روز دو شنبه مراسم تشییع و عزاداری انجام یافته باشد چرا در همان روز دفن نکردند و این تأخیر سه روزه به چه علت و دلیل بوده است . این نکته مجهول است که تا کنون جواب آنرا نمیدانیم .

در مقدمه مناهج المعارف (ص ۲۲۵) می نویسد :

جسد آقا میرزا زین العابدین خونساری سه روز روی زمین ماند . باز هم در این جا عالم بزرگوار آقای حاج میر سید احمد روضاتی نویسنده مقدمه علت تأخیر را ذکر نمی نماید .

فائده :

در پاورقی صفحه ۵۳ یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی می نویسد:

روی برگ ۱۳۶ مجموعه شماره (۴۲) کتابخانه بخط حسین بن محمد ابراهیم قزوینی مؤلف رساله « بطلان القول بتأثیر الکواکب » مؤلف از دوست دانشمندش ملا علی میرزا زنجانی یاد می کند و می گوید :

در زنجان در فتنه اکراد یزیدیه بتاریخ اواخر شعبان ۱۱۳۶شهید شد و جنازه اش سه روز بروی زمین بود تا در قریه قبچقی دفن شد.

مرحوم علامه امینی رحمه الله علیه ویرا در کتاب: شهداءِ الفضیله پانزدهمین

ص: ۱۳۴

نفر از شهداءِ قرن دوازدهم ذکر نموده و عده ای از علماءِ بزرگوار از اولاد و اعقاب او را نام برده است طالبین مراجعه نمایند .

همچنین مرحوم حاج ملاـ علی کنی در ۲۷ ذی حجه وفات یافت و در غره محرم بخاك رفت علت تأخیر سه روزه چه بوده نمیدانیم . اینها مطالبی است که باید تحقیق و بررسی شود.

مدفن مرحوم سید حجه الاسلام

مرحوم حجه الاسلام در موقع ساختن مسجد در گوشه شمال شرقی محلی را برای دفن خود ساخته بود که پس از فوت در همانجا بخاك رفت .

این مقبره عبارتست از :

۱– بقعه ۲ – رواق مقابل آن

یکی از درهای چهارگانه مسجد سید که در ضلع شمالی قرار دارد به در مقبره شهرت دارد . از این در که وارد شونداول رواق مسقف است که در ضلع جنوبی آن بقعه مرحوم سید حجه الاسلام قرار دارد از دو طرف بقعه دو در به مسجد باز می شود .

داخل بقعه در وسط ضریح فولادی روی قبر قرار گرفته و خود بقعه با تزئینات کاشیکاری و گچ بری و نقاشی آراسته گردیده است .

اصل بقعه و رواق از آثار مرحوم سید حجه الاسلام بوده و پس از فوت ایشان بوسیله اولاد و اخلافش تعمیرات اساسی در آن انجام یافته است .

تزئینات اطراف بقعه و کتیبه ها از آثار مرحوم حاج سید اسد الله و نصب ضریح فولادین از آثار مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی و کاشیکاری رواق مربوط به مرحوم

حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام و کاشیکاری سردرب بقعه بوسیله مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی انجام یافته است . در زمان مرحوم حاج سید جعفر و مرحوم حاج میرزا محمد حسین جعفری نیز تعمیراتی در این قسمت مسجد انجام یافته است .

دانشمند محترم جناب آقای دکتر لطف الله هنر فر در کتاب بسیار نفیس و ارزشمند : گنجینه آثار تاریخی اصفهان (از صفحه ۷۶۴تا صفحه ۷۸۸) شرح آثار مسجد سید و آنچه از نظر علمی و فنی و دینی قابل ذکر بوده بیان نموده اند طالبین مراجعه کنند. همچنین دانشمند بزرگوار آقای ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی از نویسندگان محقق و متتبع در کتاب : آثار ملی اصفهان (ص ۷۲۸) شرح مبسوطی راجع به مسجد سید و آثار تاریخی آن مأخوذ از کتاب آقای دکتر هنر فر مرقوم داشته اند . کتاب بوسیله انجمن آثار ملی ایران بچاپ رسیده است طالبین مراجعه نمایند .

مرثیه ها و ماده تاریخها :

در فوت مرحوم سید حجه الاسلام عده زیادی از شعراءِ بزبان فارسی و عربی مرثیه و ماده تاریخ گفته اند از آنجمله :

الف : مرثیه های فارسی

۱– مرحوم عشرت فسائی

(حاج میرزا عبد الرحیم بن میرزا مهدی متولد در ۱۲۱۰و متوفی بسال ۱۲۶۳) در مرثیه و تاریخ وفات مرحوم سید حجه الاسلام می گوید:

کهف عالم جحه الاسلام عهد

باقر علم واهم خاص و عام

هم افاضت را مفیضی در حدیث

هم افادت را مفیدی در کلام

شخص دانش معنی خلق کریم

کف جودش معنی کأس کرم

گر نه ممکن تحت واجب آمدی

در تمامی گفتمش فوق التمام

ص: ۱۳۶

قاب قوسین وجودش کرد جمع

هم سعادت هم سیادت والسلام

طاقدیس عالم تقدیس بود

از علایق خواستی تجرید تام

بود : من خاف مقام ربه

جنت المأوی از آتش شد مقام

سال تاریخ وفاتش خواستم

گفت عشرت «حجت دین شد تمام »

(نقل از دانشمندان و سخن سرایان فارس صفحه ۶۴۱جلد سوم)

۲- کفاش (شاعر گمنام اصفهانی)

که خوشبختانه دیوان اشعارش نسخه ای در کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی در مشهد بشماره (۱۵۲) که تاریخ تحریر آن ۳ شنبه ششم ربیع الاول ۱۲۹۳ قمری می باشد و نسخه بشماره (۸۵) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است ظاهراً نام دیوان : « زینه الانجمن » باشد (ص ۸۹) جلد یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی و نسخه ای در کتابخانه حجه الاسلام اقا سید محمد جزائری (ص ۹۱۲ نهم الذریعه) موجود است . در کتاب : گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص ۷۸۴) می نویسد :

بر دو ضلع شمال و جنوب گوشواره غربی داخل بقعه بخط نستعلیق طلائی رنگ بر زمینه سفید اشعار ذیل از اثر طبع شاعر اصفهانی (کفاش) گچ بری شده است :

دلانجله برین خواهی ار گذاری کام

قدم گذار بدرگاه حجه الاسلام

کجا بلند تراز بارگاه رفعت اوست

ز بعد قبه شاهنشهان عرش مقام

هزار قرن کند مرغ دهم اگر پرواز

بشرط آنکه نگیرد به یک نفس آرام

هنوز مانده باول مقام رفعت او

دو صد هزار حجاب و دو صد هزار مقام

بظل پرچم امرش قلمرو خورشید

که از سفیده صبح است یا بظلمت شام

برای مژده شهان تخت و تاج میدادند

که آورند زخدام در گهش پیغام

ص: ۱۳۷

چو آن همای بلند آشیان پاک سرشت

بعزم سیر بهشت برین پرید از لام

نوشت از پی تاریخ رحلتش کفاش

که درج در کرم « جنان نمود مقام »

۳ – ماده تاریخ و مرثیه دیگری از کفاش از دیوار بقعه

ولا قدم چو گذاری در این بلند مقام

بکن سلام نخستین به حجه الاسلام

سمی قبله پنجم محیط علم وعمل

طراز مسند اکرام حجه الاسلام

کجاست چشم حقیقت که بیندش در خلد

بصدر بزم تقرب نشسته با اکرام

چشیده از لب یاقوت نام حورا قوت

کشیده از کف گوهر فشان حیدر جام

کسیکه جد کبارش حبیب حضرت حق

کسیکه جده او دختر رسول انام

روا بود که برو بند حوریان بهشت

غبار بارگهش را ززلف عنبر فام

غرض رسیدچو آن گلین ریاض رسول

خزان بگلشن عمرش ز گردش ایام

خرد سرود بتاریخ او کدای کفاش

« مقام را بجنان کرده حجت اسلام »

۴ – ماده تاریخی از گوینده ای نامعلوم که برلنگه راست در ضریح مرحوم سید حجه الاسلام نوشته شده است :

مر برج ایمان که در گاه اوست

سپهر برین از هجوم نجوم

زبعدش برفت از حقیقت نشان

زفقدش نماند از شریعت رسوم

فلک تیره گردیده و تاریخ گشت

«شد اندر سحاب افتاب علوم »

۵- مرحوم رضا قلیخان هما قصیده ای در ۷۴ بیت در توصـــیف بقعه متبرکه مرحوم سید حجه الاسلام و تاریخ وفات ایشان سروده که در دیوانش بطبع رسیده است در آنجا گوید:

قدم زروی ادب نه در این خجسته مقام

که جایگاه کرام است و قبله گاه انام

صفای کعبه و پاکی زمزم ار خواهی

مقیم باش دلا اندر این خجسته مقام

* * * *

ص: ۱۳۸

حریم کیست که آمدیی زیارت او

زچرخ روح قدس با فرشتگان عظام

مکان کیست کزو لامکان گرفت شرف

مقام کیست که از وی فزود کعبه مقام

حریم حجه الاسلام باقر ثانی

که هست حرمت او همچو کعبه اسلام

* * * *

زمدحت علماءِ چشم میشود روشن

ز صحبت فضلا قلب میشود آرام

مدادشان چو بود افضل از دم شهداءِ

مدیحشان نبود در خور ذوی الافهام

* * * *

از آن خجسته شد این بقعه شریف که هست

خجسته مدفن نوباوه رسول انام

ابو الفضایل والمجد باقر ثانی

که همچو عقل نخستین ستوده بود تمام

* * * *

برفت انکه از او تازه بود شاخ کرم

بمرد آنکه از او زبده بود نام کرام

ز گلستان نبی نو گلی فتاد بخاك

که همچو لاله بود داغدار او ایام

بداغ آن خلف نامور عجب نبود

که خون بگرید آبای سبعه تا بقیام

چنان فسرده بلاغش جهان که پنداری

گسسته رشته پیوند روح از اجسام

برفت شوکت اسلام و رونق علماءِ

که رونق علماءِ بود و شوکت اسلام

دریغ و درد که بنهفت رخ بخاك سیاه

مهی که بود چو خورشیدفیض بخش انام

بخاك تیره نهان گشت همچو گنج گ□ر

شهی که گنج گهر بود در کفش چورخام

نگشت تیره چرا آفتاب و چهره ماه

که آفتاب شریعت نهفت رخ بغمام

کسی نکرد در ایام او زمعن حدیث

کسی نبرد بدوران او زحاتم نام

* * *

در این سرای پستجی نیست دل آری

کجا به جیفه کند میل مرغ عرش مقام

پیام ارجعی آمد بگوش او چوز دوست

پرید طایر روحش زشوق آن پیغام

ص: ۱۳۹

چو بود تشنه تسئیم وقرب کوثر وصل

گرفت از کف ساقی باغ رضوان جام

چو بود روضه فردوس منزلش ز آغاز

بسوی اصل خود آهنگ کرد در انجام

* * * *

کجاشد آنکه از او کاخ شرک شد ویران

کجا شد آنکه از او دین حق گرفت قوام

سمی قبله پنجم زنسل هفتم ماه

که هفته ای جهان بود و حجت الاسلام

زدامگاه جهان شد چودر ریاض جنان

ز سر گرفت جهان ماتم رسول انام

ز شهر نبد فنا شد بدار ملک بقاء

ندیم بزم خواص و قرین کأس کرام

در اول حمل ودوم ربیع دوم

زدامگاه جهان شد بسوی دار سلام

بلفظ تازی تاریخ رحلتش گفتم

چو بشمری مأتین است و الف وستین عام

خجسته مرقد او باد مطلع انوار

چنانکه پاک دلش بود مهبط الهام

(قابل توجه) : مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۱۶۱۴پنجم) می نویسد :

روز اول برج حمل در سال ۱۲۲۳ شمسی مطابق با پنج شنبه غره ربیع المولود سال ۱۲۶۰بوده بنابراین دوم ربیع الثانی مصادف با روز اول حمل که در اشعار هما به آن تصریح شده نبوده است و ممکن است شعر مرحوم همارا بدینگونه اصلاح نمود (در آخر حمل) اگر چه آنهم یک روز اختلاف دارد . و یا بگوئیم (اواخر حمل).

نکته دیگر اینکه مقداری از اشعار این قصیده در اطراف بقعه مرحوم سید حجه الاسلام کتیبه شده است و نویسندگان کتابهای : آثار ملی اصفهان و گنجینه آثار تاریخی اصفهان به آن اشاره نموده اند .

ب: مرثیه های عربی .

عده ای از بزرگان علماءِ و ادبا و شعراءِ در مرثیه و ماده تاریخ فوت مرحوم سید حجه الاسلام اشعاری

سروده اند از آن جمله :

ص: ۱۴۰

مرثیه صاحب روضات

۱ – علامه فقیه محقق صاحب روضات الجنات در مـدیحه و مرثیه اسـتاد بزرگوار خود دو قصـیده بعربی سـروده اولی در حـدود ۸۰ بیت وچند بیت آنرا در روضات الجنات (ص ۱۲۶) نقل نموده و دومی شامل ۴۹ بیت و آنرا حفید جلیل او حجه الاسلام حاج میر سید احمد روضاتی در مقـدمه کتاب میزان الانساب (ص۶) وهم در مقـدمه رسـاله النهریه (ص ۱۹) از تألیفـات علامه صاحب روضات که بسـعی و اهتمام ایشان در سال ۱۳۷۷ در اصفهان بچاپ رسیده است .

قصیده اول قصیده رائیه با این مطلع :

لمن الغراء وهذه الزفرات ماهی فی الزمر

تبکی السماءِ له وفی الارض الفساد به ظهر

وجرت عیون الدمع من صم الجبال وحاولت

لتزول وانشقت حبیب الصبر واشتمل الضرر

واغبرت الافاق و اختل السیاق باسره

و تغیرت شمس المشارق منه و انخسف القمر

ما اکثر الحزن الجدید واکبر الهول الشدید

واعظم الرزءِ المفخم فی الخلائق للبشر

من فقد سیدنا الامام الباقر العلم الذی

جلت عن المعد المحامد منه و الکرامات الکبر

بکاءِ جوف اللیل من خوف الاله و مقتدی

طول النهار علی مانیابنه الامام المنتظر

تا آخر قصیده که اشاره به تاریخ می کند و میفرماید :

وسألت طبع القرم عن تاریخ رحلته فجر

ذیلا وقال الله « انزله کریم المستقر »

ص: ۱۴۱

دوم قصیده عینیه که در بیاض خود مرقوم نموده است با این مطلع :

عظم البلاءِ بلا رجاءِ المدفع

وبدت کریهه ماله من مطلع

و بدت بلاد المسلمین بصر صر

عصفت بهن من الجهات الاربع

فرمت بمکرمه الخلایق جانباً

وبمجدهم و بهائهم فی موضع

* * * *

و کان من افق الخلائق ناعیاً

ینعا هم بأشد ما اذن تعی

ینعاهم بفجیع رزء سانح

ینعاهم ببدیع امر مفجع

تخریب دین الله والدنیا معاً

وتباب مامع ذی قرار او معی

ینعاهم بوفاه مولی کامل

بر جواد واسع متوسع

جرئبیل جامع متبحر

ندس خبیر بارع متورع

یدل جلیل صالح متعبد

عدل حمید خاضع متخشع

العالم العلم الامام الاقدم

العالی المقامه بعد عشرواربع

وخلیفه الرحمن طول حیاته

عن ذی الزمان الغائب المتبرفع

ختم الافاضل باقر العلم الذی

اسری بخاتم ما علی فی اصبع

الهاشمی الفاطمی الموسوی

اللوذعی الاحوزی الالمهمی

تا آخر قصیده و در این قصیده تاریخ فوت ذکر نشده است .

۲- در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص ۷۸۷) می نویسد :

بر لنگه راست در نفیس ضریح بخط نستعلیق طلائی بر زمینه مشکی اشعار ذیل نوشته شده است :

بحر الندی باب الهدی شرعته

ما وافق السنه والکتابا

لما دعاه ربه مبادراً

الی جنان خلده اجابا

فعطلت کل الوری لفقده المسجد والمنبر و الحرایا

وقد تواری نوره مستتراً

عن الوری ارخت « نور غابا »

و باقر العلم الذی علومه

قد فتحت الی الهدی ابوابا

و نوره ان اشکلت عویضه

یرفع عنه الستر والحجابا

لو شجر البر غدت رافمه

والانس والجن معاً کتابا

یدها البحر لحصر فضله

لما رأو لفضله حسایا

گوینده اشعار نامی از خود نبرده و در جائی نیز ذکری از او نشده است .

۳– در نخبه المقال می نویسد :

سیدنا السید محمد باقر

ک�ف الانام وله مفاخر

مفخر الناس بلا التباس

مقبضه یا غیاب کهف الناس

در حاشیه نخبه المقال نوشته است توطن در اصفهان حدود ۱۲۱۷.

۴ – مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر

از دانشمندان و فضلاءِ و ادباءِ معاصر اصفهان در سال ۱۳۶۰که تعمیراتی در رواق بقعه مرحوم سیدحجه الاسلام انجام یافته اشعاری در مدح و مرثیه آن مرحوم بدین شرح سروده که بر جبهه فوقانی سر در مقبره و دیوار جنوبی رواق بقعه به خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بخط خود مرحوم نیز نوشته و نصب گردیده است . اشعار ذکر شده بدین گونه است (ص ۷۸۰ گنجینه آثار تاریخی اصفهان :)

روض قدس ام هنا جنات عدن سرنا

قف لك البشری وزرمن فیه قد نلت المنی

لهفی لفقدان مولی اعطی النعما

العلم والمال والترويج والكرما

ص: ۱۴۳

السید الحجه الاسلام فی الزمن من (۱)

و باقر منه کان الشرع منتظما

یدعو الاله ویبکی فی تهجده

یجری الحدود من الخوان منتقما

و مسجداً جامعاً فی اصفهان بنی

یعد تالیه فی الغبراء منعدما

میراث اولاد الزاءِ استرد لهم

من غاصبی فدک فی طوفه الحرماً

الموسوی الذی قد عاش حضرته

فی مذهب الجعفری شاخصاً علماً

راحت الی الروح روح مند ثاویه

واستوطن الخلد بالاجداد معتصماً

بدر المضئی مضی شمس العلی افلت

من موته صار حبل الدین منفصماً

بحر السخاجف عین الدهر باکیه

فنال با لفضل عند الله مبتسماً

نجم الهدی غاب کنز المجد یستتر

و یعجز المدح منه اللوح والقلماً

ص: ۱۴۴

۱- (صفحه ۲۳ جلد یکم معادن الجواهر تألیف مرحوم نیر) خود مرحوم نیر در صفحه ۱۴ جلد سوم کتاب معادن این مصرع را بدینگونه اصلاح نموده است : من سید حجه الاسلام فی الزمن .

و کو کب القدس والتوحید منتشر

فی قوته فتری الاسلام ملئطما

یا نیر اکتب للتاریخ من سنته

« من فقد سیدنا رکن التقی هدما »

یا ایها الزائر انظر ذی البناء تجد

لدی التشرف فیها جنه ارما

لما انقضت مأه من عام رحلته

بالامر من سبطه تمیرها ختما

تذکر :

اصل بنای بقعه و رواق از خود مرحوم سید حجه الاسلام می باشد و تزئینات داخلی و کتیبه های آن مربوط به زمان مرحوم حاج سید اسدالله می باشد.

در سال ۱۳۲۲ مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی نجل جلیل مرحوم حاج سید اسد الله برای مرقد جد خود

ضریحی فولادی

ساخته و بر روی قبر نصب نموده است و این ضریح خود یکی از آثار هنری و نفیس می باشد و بر آن چندین کتیبه نوشته شده است . اکنون شرح آن کتیبه ها نقل از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص ۷۸۵):

در اطراف ضریح فولادی نفیس آرامگاه بخط ثلث طلائی بر زمینه مشکی (آیه الکرسی) وسوره اخلاص نوشته شده در آخر آن نام کاتب (کاظم شریف) و سال ساختن (۱۳۲۲) را بدین گونه نوشته است: من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب . کتبه سلطان الکتاب کاظم شریف (۱۳۲۲) .

کتیبه دیگر ضریح بخط نستعلیق طلائی بر زمینه مشکی شجره نامه سید حجه الاسلام می باشد در آخر آن : ۱۳۲۲ کتبه الاثم فتح الله .

بر اضلاع عمودی ضریح بخط نستعلیق طلائی رنگ بر زمینه مشکی اشعار

زیر نوشته شده بدین شرح ؛

هذا ضریح الثریا سما

وشأنه فاق ضراح السما

الحجه الاسلام اعنی به

العالم العلامه العیلما

باقر علم الله مستودع

امین سر الغیب حامی الحمی

ناب عن الحجه فی عصره

فکان عنه النائب الاعظما

عمل کمترین حاجی اسد الله

سپس هفت سطر دیگر و در آخر تاریخ آن بدین شرح

وقد تعالی شأنه رفعه

ارخه « فاق ضراح السما»

(۱۳۲۲)

این ضریح دارای دری بسیار نفیس می باشد :

عمل استاد رمضان طلاکوب بر لنگه راست آن هشت سطر شعر عربی و سه سطر شعر فارسی نوشته شده (اشعار قبلا نوشته شده است) و بر لنگه چپ در ضریح بخط نستعلیق طلائی اشعار زیر از مرحوم میرزا سلیمان خان رکن الملك شیرازی نایب الحکومه اصفهان متخلض به خلف بشرح زیر نوشته شده است :

این بقعه که خلق را شب و روز

از بهر زیارتش هجوم است

محشر زتوجه نفوس است

غوغا زتراکم نجوم است

هر کس که دعا کند باخلاص

این جا به اجابتش لزوم است

از باقر علم مصطفی آنک

معروف جهان بروس وروم است

مشکوه هدی نبیره او

باقر که امام بر عموم است

آ راست ضریح او زپولاد

کش علم بکف بسان مومست

پرسید خلف که این کرامات

ظاهر زکدام مرز و بومست

ص: ۱۴۶

دانائی گفت بهر تاریخ

زاین مرقد باقر علوم است

(۱۳۲۲)

باقر علم آسمان حلم که خورشید

پرتو رایش بود بچرخ مقرنس

ساخت ضریحی ز بهر مرقد جدش

کامده محمود نه رواق مسدس

فرد وجود است و عقل گفت بتاریخ

کلما ابجادی ای ضریح مقدس

(۱۳۲۲)

بر دماغه در ضریح بخط نستعلیق طلائی بر زمینه مشکی اسامی هنرمندانی که در ساختن ضریح شرکت داشته اند بشرح زیر نوشته شده است :

عمل استاد رمضان طلاکوب اصفهانی - مباشر عبد الباقی- عمل حاج غلامعلی کارخانه اعلا - عمل استاد ید الله .

آخرین کتیبه : بر یک لوح کوچک کاشیکاری بخط خوش نسخ که در قسمت فوقانی سر در ورودی رواق شرقی مشرف به صحن نصب شده دو سطر شعر بشرح زیر نوشته شده است

بنده اهل حقیقت خادم اهل یقین

صانع نقش علما نام اقل المؤمنین

هفت بر اعداد تا در ریخش بیفزود و بگفت

دار امن فادخلوها بسلام آمنین

(۱۳۲۲ مساوی ۷ باضافه ۱۳۱۵)

مدفونین در بقعه

پس از وفات مرحوم سید حجه الاسلام و دفن در این بقعه عده ای از اولاد

و اعقاب آن مرحوم که وفات یافتند در آنجا بخاک سپرده شدند در صحن رواق و راهروها و دو مقبره دیگر یکی در شمال و دیگری در مشرق راهرو شرقی نیز عده ای از علماءِ و بزرگان و بنی اعمام مرحوم سید حجه الاسلام دفن شده اند . اینک اسامی مدفونین در بقعه .

۱- میرزا ابو الفضل فرزند میرزا زین العابدین .

۲- سید ابو القاسم بن حاج سید محمد علی

۳- حاج سید محمد باقر ثانی بید آبادی .

۴ - حاج میرزا محمد حسین جعفری .

۵ - حاج سید محمد رضا شفتی .

۶ - آقا میرزا زین العابدین .

۷ - حاج سید محمد علی فرزند سید حجه الاسلام .

۸ - حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام جعفری .

۹ - آقا سید مؤمن .

۱۰ - میر محمد مهدی.

و احتمالا جمعی دیگر که اسامی آنان فعلا بر نویسنده مجهول است . تعداد قبور قریب ۲۵قبر می باشد که ظاهراً همه پسران مرحوم سید (غیر از حاج سید اسد الله و حاج سید جعفر) در بقعه می باشند

سؤالی از مرحوم حاجی کلباسی وجواب ایشان

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۸۸) می نویسد :

از حاجی کلباسی که احتیاط و زهد و علمش بیان سخنوران جهان را عاجز مینمود پرسیدند : در اصفهان کدام یک از امامزاده ها بالاتر است ؟ در جواب

فرمودند :

من خود دیدم سید را بخاك سپردند .

نویسنده گوید من خود از یکی از علمای اصفهان که عالمی بزرگوار و محقق و از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی بود و کمتر به این گونه مطالب معتقد بود (زیارت امامزاده هائیکه نسبشان مجهول است) پرسیدم :

بنظر شما در اصفهان کدامیك از امامزادهها من جمیع الجهات از دیگران برتر است و خود شما بزیارت کدامیک از امامزاده های مدفون در اصفهان میروید در جواب سه مرتبه گفت : مرحوم حاج سید محمد باقر بید آبادی - حاج سید محمد باقر شفتی - سید حجه الاسلام .

(ذکر حدیثی در باره زیارت قبور مؤمنین) : محدث جلیل شیخ ابن قولویه (ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی متوفی بسال ۳۶۷مدفون در قم) در کتاب کامل الزیارات (ص ۳۱۹) از حضرت رضا علیه السلام نقل می کند که :

« من لم یقدره ان یزورنا فلیزر صالحی موالینا یکتب له ثواب زیارتنا ومن لم یقدر علی صلتنا فلیصل علی صالحی موالینا یکتب له ثواب صلتنا »

ذکر یک حدیث:

و در حدیث دیگر از همین راوی (عمرو بن عثمان رازی) با تقدم صله بر زیارت : حضرت رضا علیه السلام در این حدیث ثواب زیارت قبر صلحای مؤمنین و شیعیان را برابر با ثواب زیارت قبور ائمه اطهار علیهم السلام دانسته است بنابراین مؤمنین نباید از این فیض عظمی غفلت نمایند و زیارت قبور علماءِ بزرگوار که فرد اکمل واتم صلحای مؤمنین و شیعیان بشمار میروند را ترک نمایند .

مدفونین در بقعه کوچک وحوالی مقبره مرحوم سید حجه الاسلام

پس از وفات مرحوم سید حجه الاسلام و اولاد و اعقاب ایشان و مدفون گردیدن

آنها در این بقعه این محل یکی از مزارات مورد توجه مؤمنین و مقدسین قرار گرفت و عده زیادی از علماءِ و طلاب و تجار و بستگان و متعلقان این سلسله در حوالی آن مدفون گردیدند اینک بذکر اسامی چند نفر اشاره می شود :

۱- آقا سید ابراهیم موسوی کابلی از بنی اعمام مرحوم سید حجه الاسلام

۲- حاج میرزا بهاء الدین فرزند آقا سید محمد علی صدر معروف به آقا مجتهد

۳- میرزا محمد تقی موسوی کابلی از بنی اعمام مرحوم سید حجه الاسلام مدفون در رواق مسقف جلو بقعه

۴- ملا محمد تقی بن ملا محمد شفیع خوئی مدفون در مقبره کوچک در دالان بیسجل

۵ - شیخ محمد حسن بن شیخ عباس بن شیخ جعفر کاشف الغطاءِ نجفی متوفی بسال ۱۳۲۳ مدفون در مقبره کو چک .

۶- آخوند ملا محمد حسین بن مولی علی اکبر خونساری مدفون در مقبره کوچک .

۷- حاج میرزا محمد حسین زواره ای فرزند میر سید محمد طباطبائی

۸- ملا محمد شفیع خوئی فوت ۱۲۶۵مدفون در مقبره کوچک .

۹- آقا عبد الحسین امین العلماءِ فرزند ملا محمد شفیع متوفی بسال ۱۲۹۳ مدفون در جنب پدر

۱۰ - ملا علی محمد گلپایگانی

۱۱- آقا لطفعلی زاینانی از شاگردان سید حجه الاسلام متوفی بسال ۱۲۶۲

۱۲- آقا وجه الله فرزند حاج میرزا بهاءِ صدر .

ص: ۱۵۰

مرجعیت شیعه پس از فوت مرحوم سید حجه الاسلام

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۰) بخلاصه می نویسد :

پس از مرحوم حجه الاسلام رساله مرحوم استاد (آقا سید ابراهیم قزوینی فرزند آقا سید محمد باقر موسوی) را در قزوین چاپ کردند کفایت همان شهر نکرد دوباره همان رساله را بچاپ رساندند در میان چاپ آن جناب وفات یافت (فوت ۱۲۶۲) پس از وفات آن بزرگوار مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجفی اعلی الله مقامه علم اشتهار بر افراخت (و از آن پس نوبت به مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری رسید).

مرحوم آقا سید ابراهیم قبل از فوت مرحوم حجه الاسلام در نجف مرجعیت علمی و تدریسی داشت و قریب هزار نفر از بزرگان علماءِ و مجتهدین بدرس ایشان حاضر می شدند و در مجلس درس شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام شصت یا هفتاد نفر می نشستند و در مجلس درس شیخ مرتضی اعلی الله مقامه تا بیست نفر تقریباً جمع می شدند .

ص: ۱۵۱

فصل هیجدهم : (در ذکر اولاد و اعقاب مرحوم سید حجه الاسلام)

مقدمه :

ذکر یک حدیث:

در عیون اخبار الرضا علیه السلام روایت شده است که حضرت فرمودند :

« النظر الی ذریتنا عباده » نگاه کردن به اولاد وذریه ما عبادت است

راوی گفت : النظر الی الائمه منکم أو النظر الی ذریه النبی صلی الله علیه و آله و سلم ؟ فقال علیه السلام : بل النظر الی جمیع ذریه النبی صلی الله علیه و آله وسلم عباده مالم یفارقوا منهاجه ولم یتلوثوا بالمعاصی .

حسین بن خالد (راوی حدیث) پرسید که آیا دیدار امامان عبادت است یا دیدار همه اولاد پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم ؟ حضرت در جواب فرمودند : بلکه نگریستن به تمام اولاد رسولخدا علیه السلام عبادت است تا زمانیکه از راه

ص: ۱۵۲

خارج نشده باشد (از راه امامت یعنی شیعه باشد) و خود را الوده به گناه ننموده باشد.

***

در این فصل نام اولاد پسر و دختر مرحوم سید حجه الاسلام و اجمالی از شرح حال هر یک از آنان و برخی از اعقاب و اخلافشان ذکر می شود .

از اعقاب مرحوم سید بنام کسانی اشاره می شود که اهل علم و دانش بوده و حتی المقدور از زنده ها بمناسباتی که ذکر آن لزومی ندارد نام برده نمیشود .

شاید عده ای این فصل را زائد بدانند و ممکن است بعضی از فضلاء نیز همین عقیده را داشته باشند و آنرا غیر ضروری قلمداد کنند اما بنظر نویسنده وهمچنین بسیاری از صاحبان کتب تراجم بیان این فصل و شرح و توضیح هر چه بیشتر درباره آن نه تنها لازم است بلکه شرط کمال زندگینامه و ضروری است .

تعداد اولاد مرحوم سید حجه الاسلامی

آنچه از کتابها و مطلعین از خاندان مرحوم سید حجه الاسلام بدست می آید مرحوم سید حجه الاسلام جمعاً سیزده نفر اولاد از پسر و دختر بدین شرح داشته است

۱– آقا سید ابوالقاسم

۲– حاج سید اسد الله

۳– حاج سید جعفر

۴– آقا سید زین العابدین

۵– آقا سید عبد الله

۶– حاج سید محمد علی

۷– آقا سید مؤمن

۸– آقا میر محمد مهدی

۹ – آقا سید هاشم

۱۰– آقا سید هاشم

و اما دختران مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام

۱- زوجه آقا سید محمد صادق کتابفروش حسینی . بنام گوهر سلطان . ۲- زوجه آقا سید محمد علی عاملی معروف به آقا مجتهد . بنام زینب بیگم .

۳- زوجه آقا محمد مهدی کلباسی (کرباسی)

اینک شرح حال هر یک از آنان

۱- سید ابو القاسم

علامه طهرانی در الکرام البرره (صفحه ۵۱) می نویسد :

از علماء بارع و پس از وفات پدر مرجع امور در اصفهان بوده و سالها قبل از فوت برادرش مرحوم حاج سید اسد الله (سال ۱۲۹۰) وفات یافته است .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۱۶۱۹ پنجم) می نویسد : در حاشیه « هدایه الانام : ۴۴ » وفاتش را در ۲۸ صفر سنه ۱۲۶۲ نوشه

حجه الاسلام حاج شیخ علی نمازی شاهرودی در کتاب : مستدرک سفینه البحار (ص ۲۰۵پنجم) در ضمن وقایع سال ۱۲۶۲وفات مشار الیه را نوشته است و گوید : وفیه فی ۲۸ صفر توفی السید الجلیل ابو القاسم بن حجه الاسلام الرشتی . انتهی

حجه الاسلام نمازی در روز ۲ ذی حجه سال ۱۴۰۵در مشهد مقدس بمرض سرطان وفات یافته در یکی از اطاقهای صحن نو مدفون گردید رحمه الله علیه .

۲ – حاج سید اسد الله

شرح حال آن مرحوم در خاتمه این کتاب مفصلا بیان خواهد شد .

مرحوم حاج سید اسد الله از دختر علامه فقیه حاج ملا علی بن حاج میرزا خلیل طهرانی وزوجه ای دیگر پنج فرزند (یک پسر و چهار دختر) یافت بدین شرح

۱– حاج سید محمد باقر دوم معروف به حاج آقا

۲ – زوجه آقا محمد ابراهیم قزوینی .

۳– زوجه آقا سید محمد باقر معروف به آقا محمد عماد الاسلام فرزند حاج سید جعفر

۴ – زوجه آقا شیخ عبد الجواد فرزند آقا محمد مهدی کلباسی (کرباسی)

۵ – زوجه مرحوم آقا سید ابو جعفر صدر بطوریکه علامه طهرانی در الکرام البرره می نویسد و ظاهراً اشتباه باشد بطوریکه فرزندان مرحوم آقا سید ابو جعفر اظهار بی اطلاعی می کنند .

شرح حال آنان بعداً نوشته میشود .

۳– حاج سید جعفر

از رؤساءِ علماء اصفهان در محله بید آباد پس از فوت آقا سید مؤمن ریاست و عنوان کلی یافته و در مسجد سید تعمیراتی اساسی و قسمت عمده کاشیکاری در زمان تولیت ایشان بوده است

در عاشوراءِ سال ۱۳۲۰ در مسافرت عتبات در کربلا وفات یافته در نجف اشرف در جنب برادر مدفون گردید.

ص: ۱۵۵

تصویر



مرحوم حاج سید محمد جعفر فرزند مرحوم سید بزرگ

مرحوم حاج سید جعفر دارای ۳ فرزند پسر و ۹ دختر از زنهای متعدد بوده بدین شرح :

۱ ــ آقا میرزا هاشم که در زمان حیات پدر وفات یافته ودر نجف درجنب حاج سید اسدالله مدفون گردید .

۲ ــ حاج آقا حسن ملاذالاسلام .

مرحوم حاج سیاد محمد جعفر فرزند مرحوم سید بزرگ

مرحوم حاج سید جعفر دارای ۳ فرزند پسر و ۹ دختر از زنهای متعدد بوده بدین شرح:

۱- آقا میرزا هاشم که در زمان حیات پدر وفات یافته و در نجف درجنب حاج سید اسدالله مدفون گردید .

۲- حاج آقا حسن ملاذ الإسلام.

۳ - سید محمد باقر معروف به آقا محمد عماد الاسلام.

و اما دختران :

۱- زوجه آقا میر سید محمد طباطبائی زواره ای مادر مرحوم حاج میرزا محمد حسین زواره ای .

۲ - زوجه مرحوم حاج میرزا عبدالرزاق رشتی .

۳- زوجه مرحوم آقا شیخ محمد حسین جویباره ای .

۴ - زوجه مرحوم آقا سید محمد تقی کتایی .

۵ - زوجه مرحوم آقا میرزا علیرضا کتایی .

۶ - زوجه مرحوم ( ) مادر آقای حاج میرزا علی آقا جعفری .

۷- زوجه مرحوم ( ) مادر مرحوم آقا میرزا محمد تقی کابلی از عموزادگان مرحوم حجه الاسلام .

۸ و ۹ - دو دختر که شوهر انتخاب نکردند.

۴- آقا سید زین العابدین

عالم و فاضل بوده و در شورش مردم اصفهان در سال ۱۲۶۵هجری که مردم بی پناه بدو پناه بردند از دستگاه حکومت ظلم ها کشیده و ستمها دیده است .

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۵۸۹ دوم) در باره او می نویسد :

از اهل فضل وبراعت و علم و کمال و شهرت ووجاهت و اعتبار بوده و قبل از برادرش حاج سید اسدالله (۱۲۹۰) وفات یافته است .

در تذکره القبور (ص ۱۴۶ رجال اصفهان) می گوید : قبر میرزا زین العابدین جلو قبر سید حجه الاسلام رو به دم ارسی قرار دارد . در المآثر والاثار (ص) می گوید از علماء معتبر اصفهان بود و این

مطلب را صاحب تکمله نجوم السماء (ص ۳۶۸ یکم) عیناً نقل نموده است .

مرحوم آقا سید زین العابدین صاحب سه فرزند بوده بدین شرح :

۱- میرزا ابوالفضل معروف به آقا جان .

۲- زوجه آقا میرزا ابو المعالی کلباسی (کرباسی).

۳- زوجه آقا سید ابو جعفر بن سید صدرالدین عاملی . مادر آقا میر سید علی خادم الشریعه .

مرحوم آقا میرزا ابو الفضل در موقع شورش مردم اصفهان علیه حاکم ستمگر و پناه آنان به اولاد مرحوم سید حجه الاسلام به احتمال دینداری شاه و وزیر (محمد شاه - حاج میرزا آقاسی) و بست نشستن آنها در مسجد سید که شرح آن اجمالا در فصل مربوطه نوشته شد از مأمورین دولت اهانت دید و اذیتها کشید که بیان آن موجب ملالت خاطر خوانندگان دیندار خواهد شد.

وی پس از وفات در بقعه مرحوم سید حجه الاسلام پشت سر پدر مدفون گردید.

۵- آقا حاج سید عبدالله

مؤلف تکمله نجوم السماء (ص ۱۲۸ یکم) در ضمن شرح حال سید اسماعیل طباطبائی اصفهانی می نویسد:

خواهرش در حبا له عقد حجه الاسلام آقا سید محمد باقر رشتی بوده و حاج سید عبدالله فرزند آقا سید محمد باقر خواهر زاده آنجناب بوده

مرحوم حاج سید اسد الله دستور چاپ کتاب حقایق الاصول تألیف حاج ملا عبدالرحیم نجف آبادی را داده و پس از طبع مرحوم آقا سید عبدالله طبق وصیت مرحوم نجف آبادی مؤلف سیصد مجلد آنرا وقف بر طلبه علوم نموده تاریخ

وقف شعبان ۱۲۸۹

بنا بر این مؤلف کتاب بین سالهای ۱۲۸۶و ۱۲۸۹ وفات یافته و مرحوم حاج سید عبدالله تا این تاریخ در قید حیات بوده و ظاهراً بدستور مرحوم حاج سید اسد الله کتابها را وقف نموده است .

مرحوم حاج ملا۔عبدالرحیم بن علی نجف آبادی از رؤساء علماء وفقهاء و از شاگردان شریف العلماءِ بوده در سال ۱۲۷۹ جهت مرحوم حاج شیخ عبد النبی تویسرکانی مؤلف لئالی الاخبار اجازه مرقوم داشته که در آخر آن کتاب با اجازه حاج محمد جعفر آبادهای جهت همو بچاپ رسیده است .

۶- حاج سید محمد علی

در تذکره القبور (ص ۱۴۸رجال اصفهان) می نویسد :

از اهل علم و فضل بوده و صبح مسجدسیدرا امامت داشته نقل عبادت و تقوی از او می شود . قبرش در جنب قبر آقا میر محمد مهدی است .

مرحوم حاج سید محمد علی دارای پنج فرزند پسر بشرح زیر بوده است .

۱- آقا سید ابو الحسن پدر آقا سید حسین شفتی ساکن طهران و آقا سید فرج الله ساکن قم و مدفون در آنجا .

۲- آقا سید ابو القاسم پدر آقا حسین موسوی بید آبادی معروف به پدرجان

۳- آقا سید علی

۴- آقا سید مهدی مؤلف کتاب غرقاب

۵- آقا سید محمد

در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم مجموعه ای بشماره (۱۹۹۵) می باشد شامل چهار رساله از تألیفات مرحوم حاج سید محمد علی صاحب عنوان بدین شرح:

۱- اتلاف العبد مال المولی و جنایته علیه

۲ - الصلاه فی مکان المغصوب

۳- شرح شرایع الاسلام محقق اول

۴ - شرح لمعه دمشقیه

در ضـمن این مجموعه صورت اجازه مرحوم آقا شـیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام جهت مرحوم حاج سید محمد علی نقل گردیده و از رسـاله شـرح لمعه مسـتفاد میشود که آنهـا تقریرات اسـتادش مرحوم صـاحب جواهر می باشـد و دو رسـاله دوم و سوم در سـال ۱۲۶۳در نجف اشرف نوشته شده است . (ص ۳۶۶پنجم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی - قم)

۷- آقا سید مؤمن

در تذکره القبور (ص ۱۴۸رجال اصفهان) گوید :

از اهـل علم و فضـل بوده است و بعـد از مرحوم حـاج سـید اسـد الله مرجع ریـاست بیـد آبـاد و امـام مسـجد و پناه خلق و با علم و فضل بوده و تدریس هم داشت بعد از مرحوم حاج سید اسد الله او اعلم از سایر اولاد سید بوده است.

قبرش طرف پائین پای سید است قدری رو بجلو و سنگ و نشانی کمی بالاتر قرار گرفته است .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۱۱۷) درباره او می نویسد :

بزرگواری در علم و تقوی مشـهور و بصـلابت در دین مذکور چون مادر آن حضرت حبشیه بوده رنگ بشره ایشان بسواد دیده و سویدای قلب مینمود .

روزی ظـل السـلطان تعریضـاً بحضـرتش اظهار نمود که : چه شـد که حجه الاسـلام بتاریکی تیر انداختنـد فوراً (در جواب) فرمود تا عالمی را روشن سازد

در المآثر والاثار (ص ۱۸۴) گوید : از عظماء علماء اصفهان بود و مؤلف تکمله نجوم السماء (ص ۴۰۰ یکم) نیز عین عبارت المآثر والاثار را نقل نموده است .

مرحوم آقا سید مؤمن دو فرزند پسر داشته است :

۱- آقا سید عبد الرحیم دارای ۳ فرزند پسر اول مرحوم آقا جمال الدین داماد مرحوم حاج آقا مجلسی فرزند سید ابو جعفر صدر دوم - آقا سید حسن از علماء ساکن مورچه خورت سوم - اقا محمد پدر آقا سید محمد باقر موسوی

۲- آقا سید عبد الله پدر مرحوم آقا سید عبد الحسین ودختری که زوجه مرحوم آقا کمال الدین خونساری فرزند ملا حسین بن ملا علی اکبر بن ملا ابراهیم خونساری بود.

۸- میر محمد مهدی

در تذکره القبور (ص ۱۴۶ رجال اصفهان) می نویسد :

پسر بزرگ مرحوم سید حجه الاسلام و از اهل علم و فضل بوده .

قبرش دم ارسی رو بمسجد که قدری بلند بسته است واقع شده است .

وی دارای یک فرزند پسر بنام : سید عبدالوهاب

و یک دختر بوده که زوجه مرحوم آقا سید ابو جعفر صدر دومین فرزند مرحوم آقا سید صدرالدین محمد عاملی بوده است (ص ۱۶۱۹پنجم مکارم الاثار)

۹ - آقا سید هاشم

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۸) می نویسد :

سید حجه الاسلام هیچگاه در نماز دچار شک وسهو نشد مگر در روز وفات

فرزندش سید هاشم عین عبارت او چنین است :

گویند که حجه الاسلام در این مدت که بمسجد نماز جماعت میگزارد هرگز در نماز سهو نکرد مگر یک روز که فرزندش سید هاشم وفات کرده بود در آن روز در وقت ظهر در نماز سهو کرد (انتهی)

بیشتر از این از حالات این فرزند آگهی نداریم و بطور احتمال مشار الیه در سنین کودکی یا جوانی وفات یافته و در اصفهان مدفون گردیده است .

فوت او قبل از سالهائی است که مرحوم تنکابنی در اصفهان تحصیل مینموده است و آن سالهای آخر عمر مرحوم سید حجه الاسلام بوده است (مرحوم تنکابنی در سال ۱۲۶۰یعنی سال وفات مرحوم سید حجه الاسلام در اصفهان بوده است)

۱۰- آقا سید هاشم

مؤلف دانشمند و بزرگوار کتاب نفیس و ارزشمند : آثار ملی اصفهان آقای ابو القاسم رفیعی مهر آبادی در کتاب نامبرده (ص ۱۹۳) بنقل از کتاب : جغرافیای اصفهان (ص ۹۶) می نویسد :

آقا سید هاشم بن حجه الاسلام حاج سید محمد باقر شفتی بید آبادی متوفی پیش از (۱۲۹۳ ه. ق) از مجتهدان عصر خود بوده است .

تا کنون بیشتر از این از حالات مشار الیه اگهی نداریم و به احتمال قوی او نیز یکی از مدفونین در بقعه مرحوم سید حجه الاسلام می باشد و بظن قوی مرحوم حاج سید جعفر برای احیاء نام این برادر دانشمند خود نام اولین فرزند خود را « هاشم » قرار داد و العلم عند الله تبارک وتعالی

و باز میتوان از روی قرائن حدس زد که تولد او پس از وفات فرزند دیگر

مرحوم سید حجه الاسلام « سید هاشم » بوده است و اینها احتمالات است وتا دلیلی قاطع بر صحت آن بدست نیاید نمیتوان درباره درستی و نادرستی آن قضاوتنمود .

***

و اما دختران مرحوم سید حجه الاسلام علیه الرحمه والرضوان :

۱۱- گوهر بیگم (سلطان)

زوجه مرحوم آقا سید محمد صادق حسینی معروف به کتابفروشی زنی فاضله و عابده بوده و فی الجمله تحصیلاتی نموده شرح حال شوهرش در ضمن اسامی شاگردان و مجازین از مرحوم سید حجه الاسلام ذکر گردید .

مرحومه گوهر سلطان از این شوهر سه فرزند برومند بهمرسانید :

۱- میرزا علیرضا

عالم فاضل داماد مرحوم حاج سید جعفر شفتی پدر مرحوم حاج آقا هلال الدین کتابی پدر دانشمند بزرگوار آقای حاج آقا

بدر الدین

کتابی از فضلاء معروف اصفهان متولد در ۱۳۳۰ قمری و مؤلف کتب عدیده از آنجمله ۱- ترجمه آداب المتعلمین منسوب به خواجه طوسی

۲ - ترجمه اخلاق تألیف پیرژانه ۳- ترجمه بسوی اصفهان نوشته پیرلوتی ۴- ترجمه پیرامون سیره نبوی نوشته دکتر طه حسین سه مجلد ۵ - ترجمه فروغ خاور در زندگانی و آئین بودا نوشته هرمان الدنبرک ۳ مجلد ۶ - مقالات زیادی در مجلات اصفهان و غیره

۲- حاج سید محمد تقی

عالم فاضل داماد مرحوم حاج سید جعفر بیدآبادی (دائی خود) سه فرزند پسر از این مخدره یافته : ۱- حاج میرزا ابوالفضل کتابی داماد مرحوم حاج آقا حسن ملاذ الاسلام ۲- حاج میرزا محمد صادق کتابی داماد مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقه الاسلام مسجد شاهی

مرحوم حاج میرزا ابوالفضل دارای دو فرزند پسر بنامهای : مهندس علیرضا

کتابی و دکتر محمد کتابی می باشد و اما مرحوم حاج میرزا محمد صادق دارای چهار فرزند پسر بنامهای: مرحوم آقا میرزا محمد علی – دکتر محمد باقر محمد تقی – محمد حسین می باشد

۳– آقا علاء الدین که فرزند پسر نداشته و فقط یک دختر از او مانده است .

۳– حاج سید محمد جواد

کتابی متوفی بسال ۱۳۳۸ دارای سه فرزند پسر بنامهای : آقا میرزا ابو الحسن کتابی ۲– آقا میرزا محمد حسین ۳ – آقا میرزا محمود رحمه الله علیهم اجمعین

خاندان کتابی از قدیم الایام تاکنون بفضل ودانش وزهد و تقوی شهرت داشته و دارند .

۱۲ – زینب بیگم

زوجه آقا سید محمد علی اقامجتهد فرزند آقا سید صدر الدین محمد موسوی عاملی

مادر مرحوم آقا مجتهد دختر شیخ جعفر کبیر کاشف الغطاء نجفی و موسوم به جان جان خاتون بوده است

شرح حال آقا مجتهد در ضمن شاگردان و مجازین از مرحوم سید حجه الاسلام ذکر گردید.

مرحومه زینب بیگم زنی عاقله وعالمه وفاضله بوده و از مرحوم آقا مجتهد به فرزند بنامهای :

۱– آقا میرزا بهاء الدین ۲– رباب سلطان بیگم ۳ – فاطمه سلطان بیگم آورد

و اما مرحوم آقا میرزا بهاء الدین سید جلیل و فاضلی کامل و شاعر و ادیب

بوده و در شعبان سال ۱۳۲۱ بمرض سکه وفات یافته در مقبره مسجد سید مدفون گردید فرزند او مرحوم آقا وجه الله نیز سیدی ساده لوح وفاضل بود و بعد از سال ۱۳۴۵بلا عقب وفات یافته در مقبره مسجد سید مدفون شد رحمه الله علیهما .

دختر مرحوم آقا میرزا بهاء الدین عیال اقا میرزا سید حسن مدرس فرزند آقا میر محمد تقی مدرس میر محمد صادقی بود،

واما رباب سلطان مشار الیها زوجه مرحوم حاج شیخ محمد حسین فرزند حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی بوده و مرحوم علامه فقیه آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی از او متولد گردیده است . (و دو دختر)

و دومین دختر مرحوم آقا مجتهد فاطمه سلطان (جان) بیگم زوجه مرحوم شیخ محمد حسین طریحی حلی بوده است و فرزندش مرحوم آقا نجم الدین طریحی که فاضلی ادیب بود و در مدرسه میرزا مهدی حجره داشت و درس نیز می گفت عالمی ساده لوح وصادق (ساده) بود و بعد از سال ۱۳۵۰وفات یافته در تخت فولاد مدفون گردید . فرزندانش در اصفهان ساکن و به مشاغل گوناگون گرفتارند.

۱۳–مرحوم کلباسی

زوجه مرحوم آقا محمد مهدی

کلباسی (کرباسی) فرزند حاجی کلباسی اعلی الله مقامهما

مشار الیها نیز چون دو خواهر خود زنی عالمه وفاضله و عابده بوده و از مرحوم کلباسی چهار پسر و دختر یافت بشرح زیر : (ص ۷۷ یکم نقباءِ البشر)

۱– مرحوم آقا شیخ ابو القاسم شیخ العراقین کلباسی نجفی

۲– مرحوم میرزا محمد حسین .

۳- مرحوم آقا میرزا عبد الجواد .

۴ - مرحوم آقا میرزا محمود .

شرح حال هر یک از آنان بعداً نوشته خواهد شد .

زوجات مرحوم سید حجه الاسلام

بطور یقین از تعداد زوجات مرحوم سید حجه الاسلام و تعداد و اسامی اولادان هر یک از آنها آگاهی نداریم اما آنچه از روی قرائن و شواهد و اطلاعات متفرقه بدست می آید آنست که :

مرحوم سید حجه الاسلام از سه عیال دارای فرزند بوده است بدین شرح :

۱- خواهر آقا سید اسماعیل زواره ای مادر آقا سید عبدالله که مؤلف تکمله نجوم السماء در کتاب نامبرده (ص ۱۲۸ یکم) در ضمن شرح حال آقا سید اسماعیل اشاره بآن می کند.

۲- دختر میرزا کاظم بن سید رضا طباطبائی زواره ای اصفهانی مدفون در مقبره آب بخشان در جنب قبر مرحوم سید زاهد آقا سید ابراهیم حسینی ساوجی اصفهانی معروف به مقدس .

۳- عیالی حبشیه ای مادر مرحوم آقا سید مؤمن علیه الرحمه ،

مرحوم سید حجه الاسلام جمعاً از این سه عیال (و شاید عیالاتی دیگر) سیزده فرزند یافته ده نفر پسر و سه دختر اسامی آنان بشرحی است که قبلا نقل گردید وغیره از آقا سید عبد الله و آقا سید مؤمن مادر هیچ یک را نمی شناسیم .

فصل نوزدهم

(در منتسبین به مرحوم سید حجه الاسلام)

(نوادگان - دامادها - بنی اعمام)

آقا محمد ابراهیم قزوینی

از علماء و فضلاء ساکن اصفهان و داماد مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی بوده و بعد از سال ۱۲۹۰ یعنی سال وفات مرحوم سید ثانی بلا عقب وفات یافته احتمالا در قبرستان آب بخشان مدفون گردید از شرح حال و نسب او فعلا هیچگونه اطلاعی نداریم جز آنکه :

مرحوم معلم حبیب آبادی در ضمن شرح حال مرحوم حاج محمد ابراهیم قزوینی عالم معروف در مکارم الاثار (ص ۱۶۴۰پنجم) بنقل از مرحوم حجه الاسلام حاج آقا کمال الدین قزوینی می نویسد :

مرحوم قزوینی دارای یک فرزند پسر بنام حاج آقا محمد و یک دختر بوده . مرحوم حاج آقا محمد دارای سه فرزند پسر بنامهای : ۱- آقا محمد ابراهیم

ص: ۱۶۷

۲- آقا محمد جواد ۳- آقا محمد خلیل بوده که آقا محمد جواد دارای دو فرزند پسر بنامهای : ۱- حاج آقا باقر ۲- حاج آقا کمال الدین بوده است .

نویسنده گوید : محتمل است که آقا محمد ابراهیم قزوینی صاحب عنوان فرزند حاج آقا محمد بوده باشد

موضوع قابل تحقیق و بررسی است که باید مورد مطالعه و دقت قرار گیرد.

آقا محمد ابراهیم و آقا محمد خلیل هر دو بدون اولاد بوده اند .

سید ابراهیم کابلی

فرزند سید ابوالحسن موسوی عالم فاضل از بنی اعمام مرحوم سید حجه الاسلام و مورد توجه و عنایت مخصوص آن مرحوم و از طرف ایشان سرپرست و ناظر قسمتی از بنائی مسجد سید بوده است.

در اشعاریکه میرزا محمد حسین هلال شاعر در ماده تاریخ اتمام بنای ساختمان مسجد سید گفته و در بالای اسپرهای طرفین ایوان جنوبی مسجد کتیبه شده در شعر چهارم که گوید :

سزد گر کعبه اش خوانی که شد سر کار اتمامش

سمی زاده آزر سلیل خواجه کیهان

مراد از « سمی زاده آزر » همین آقا سید ابراهیم می باشد.

مشار الیه تا سالهای پس از وفات مرحوم حجه الاسلام حیات داشته و پس از فوت در مقبره کوچک در انتهای دالان شمال شرقی مدفون گردید. ظاهراً وفات او در سال ۱۲۷۴می باشد .

مرحوم آقا محمد (سید محمد باقر معروف به آقا محمد)عماد الاسلام فرزند مرحوم حاج سید جعفر در آخر نسخه ای از کتاب : هدایه السالکین فی

احادیث الائمه الطاهرین سلام الله علیهم اجمعین (ص ۱۹۸ نسخه خطی کتابخانه نویسنده سطور) که بخط مرحوم آقا میرزا محمد علی کابلی است و در سال ۱۳۱۶تألیف و کتابت آن بپایان رسیده شرحی در علت شهرت او به کابلی مرقوم داشته است .

شرح آن در ضمن بیان حالات مرحوم آقا میرزا محمد علی موسوی کایلی نوشته میشود .

مرحوم آقا سید ابراهیم دارای دو فرزند پسر بنامهای : ۱- سید ابو الحسن مدفون در قریه هاردنگ از بلوک لنجان در دامنه کوه جنب امامزاده هادی ۲ - سید عبدالرحیم بوده است.

شیخ محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی)

فرزند شیخ علی بن میرزا محمد حسین بن آقا محمد مهدی بن علامه حاج محمد ابراهیم کلباسی (از اسباط سید حجه الاسلام)

علامه طهرانی در نقباء البشر (ص ۱۸ یکم) می فرماید :

در سال ۱۳۲۲ در نجف متولد گردیده و از محضر درس میرزای نائینی و آقا ضیاء الدین عراقی بهره مند شده و تقریرات اصولی مرحوم نائینی و تقریرات ققهی مرحوم عراقی رانوشته و آنراء هدایه المسترشدین نام نهاده و همچنین ویرا کتابی است بنام : درر المقال در شرح درایه ورجال .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۳۵هشتم) می نویسد :

درر المقال فی علمی الدرایه و الرجال تألیف شیخ محمد ابراهیم کلباسی نجفی و آن تقریرات درس استادش سید ابی تراب خونساری متوفی در ۹ جمادی الاولی ۱۳۴۶می باشد

ص: ۱۶۹

آقا سید ابو جعفر صدر موسوی عاملی (خادم الشریعه)

فرزند علامه فقیه رجالی مرحوم آقا سید صدر الدین محمد عاملی .

مادرش جان جان خاتون دختر شیخ کاشف الغطاء بوده و خود در حدود سال ۱۲۴۵در اصفهان متولد گردیده و در نزد پدر دانشمندی خود و مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی و جمعی دیگر از بزرگان تلمذ نموده و بطوریکه علامه طهرانی در نقباء البشر (ص ۳۱ یکم) می نویسد بعضی از تألیفات خود را بنظر سید استاد رسانیده و آن مرحوم تقریظی بر آن نوشته و از صاحب عنوان مدح و ثنای زیادی نموده است .

مرحوم آقا سید ابو جعفر از علماء محترم اصفهان بوده و در محله چهارسوق درب شیخ از متفرعات محله بید آباد سکونت داشته و در ۱۴ صفر سال ۱۳۲۴در این شهر وفات یافته در تخت فولاد مدفون گردید و بعداً فرزندش مرحوم حاج آقا مجلسی برای او تکیه و بقعه بنا نهاد و جمعی از فرزندانش و اعقابش در بقعه و خارج آن مدفون می باشند .

وی دو دختر از اعقاب سید حجه الاسلام را (یکی پس از وفات دیگری) در حباله نکاح در آورده :

۱- دختر مرحوم حاج سید اسد الله بید آبادی بنابر آنچه علامه طهرانی در نقباء البشر (ص ۳۱ یکم) می نویسد :

۲ - دختر مرحوم آقا سید زین العابدین بید آبادی

و از ایندو و زنانی دیگر جمعاً هشت فرزند پسر و چندین دختر یافته

۱

۱- آقا نور الدین داماد حاج شیخ محمد حسین نجفی شوهر رباب بیگم دختر آقا مجتهد موسوم به خانم آقا

۲- آقا صدر الدین داماد حاج شیخ محمد حسین نجفی شوهر رباب بیگم دختر آقا مجتهد موسوم به آغا بی بی

۳- آقا سید علی از دختر مرحوم آقا سید زین العابدین بید آبادی

۴ - حاج آقا حسن

۵ - حاج آقا شمس الدین

۶- حاج آقا حسین

مادر ایندو (حاج اقا شمس الدین وحاج اقا حسین) دختر مرحوم صدر الاسلام نصیری بوده است .

۷- (@@)

۸-(@@)

سید ابو الحسن موسوی

فرزند حاج سید محمد علی فرزند سید حجه الاسلام شفتی

از علماء و فضلاء بوده و در اصفهان خدمت جمعی از دانشمندان این شهر تلمذ نموده سر انجام در سال ۱۳۲۰ وفات یافته است

فرزند آقا سید محمد حسین از علمای ساکن طهران و به شفتی معروفست اولادش در طهران ساکن می باشند

فرزند دیگرش آقا فرج الله در اواخر عمر در قم ساکن بوده و هم در آنجا بدون اولاد وفات یافت .

میرزا ابو الفضل بید آبادی

فرزند حاج میرزازین العابدین فرزند مرحوم سید حجه الاسلام شفتی معروف

به آقاجان بوده و در قضایای شورش مردم اصفهان در سال ۱۲۶۵ گرفتار مصائب زیادی شده ورنجها کشیده و شرح اجمالی آن را در خاتمه کتاب در ضمن شرح حال مرحوم سید حجه الاسلام ثانی حاج سید اسد الله بیان خواهیم نمود.

در این جا بطور اجمال گوئیم آنچه بنی امیه لعنهم الله اجمعین نسبت به اسراء اهل بیت علیهم السلام پس از وقعه کربلا انجام دادند مأمورین حکومت محمد شاه و حاج میرزا آقاسی نسبت به حاج سید اسدالله و آقاسید زین العابدین و میرزا ابوالفضل و دیگران از اصحاب و یاران حاج سید اسدالله انجام دادند.

در تذکره القبور (ص ۱۴۶رجال اصفهان) گوید : قبرش دم در ارسی رو بمسجد جنب قبر عموی خود آقا میر محمد مهدی است .

حاج میرزا ابوالقاسم کلباسی

معروف به : شیخ العراقین فرزند آقا محمد مهدی بن علامه حاج محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی) در اصفهان از دختر سید حجه الاسلام بدنیا آمده و مقدمات علوم را در این شهر نزد علماء و فضلاء فرا گرفته سپس جهت تکمیل مراتب علمی به اعتاب مقدسه رهسپار شده و در آنجا خدمت علامه انصاری حاج شیخ مرتضی و پس از وفات او خدمت علامه شیخ محمد حسن کاظمینی تلمذ نموده تا بمقامات عالیه علم و فقاهت رسید .

مرحوم شیخ العراقین عالمی بزرگوار و صاحب اخلاق حسنه و مورد قبول و توجه علماء نجف اشرف بوده و در آن ارض مقدس در سال ۱۳۰۸ یعنی سال وفات استادش مرحوم کاظمینی وفات یافته و مدفون گردید فرزندش مرحوم میرزا اسماعیل نیز از فضلاء بوده است .

ویرا آثار علمیه ای است از آنجمله :۱- شرح بر اصول پدرش در چندین

مجلد ۲ - کتاب الصلوه و آن کتابی بزرگ است و در آن از استاد خود مرحوم شیخ انصاری زیاد نقل می کند . (نقباء البشر ص ۷۶یکم و صفحه ۱۸۲ شخصیت و زندگانی شیخ انصاری)

حاج میرزا ابوالمعالی کلباسی (محمد)

کوچکترین اولادان مرحوم حاجی کلباسی (کرباسی) اعلی الله مقامهما . عالم عامل وفقیه کامل عابد زاهد متقی در شب چهار شنبه ۷ شعبان سال ۱۲۴۷متولد و در چهار شنبه ۲۷ ماه صفر سال ۱۳۱۵در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه ای مخصوص مدفون گردید که بنام خود انجناب شهرت دارد .

شرح حال آن بزرگوار در بسیاری از کتب تراجم رجال بطور تفصیل و یا اجمال نوشته شده و عموماً مراتب علم وفضل و تقوای او را ستوده اند . مرحوم مولی عبد الکریم جزی در تذکره القبور (ص @@) می نویسد :

مراتب زهد و تقوی و اخلاق کامله و گوشه نشینی و کثرت اشتغال بفکر در علوم و نوشتن کتب علمیه از وی بیش از آنست که در این مختصر گنجد . مجلس آن مرحوم مصداق حدیث حواریین و حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام بود که عرض کردند: من نجالس ؟

حضرت عیسی علیه السلام در جواب فرمود: من یذکر کم الله رؤیته ویزیدکم فی العلم منطقه و یرغبکم فی الآخره عمله .

مرحوم کلباسی تألیفات زیادی (متجاوز از پنجاه کتاب و رساله) در موضوعهای مختلف دارد که از آنجمله است : ۱- رساله ای در استخاره ۲- شرح زیارت عاشوراء ۳- رساله در شرح احوال شیخ بهائی ۴- رساله در شرح حال آقاحسین خونساری و غیره .

ص: ۱۷۳

اساتید عمده او عبارتند از : آقا میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی ۲- آقا میر سید محمد شهشهانی .

وی دختر مرحوم آقا میرزازین العابدین فرزند سید حجه الاسلام را بزوجیت داشته و از آن سه فرزند بشرح زیر یافته است :

۱ - حاج میرزا جمال الدین .

۲- حاج میرزا کمال الدین معروف به ابوالهدی داماد آقا میر سید علی بن سید ابوجعفر .

۳- دختری که زوجه مرحوم حاج میرزا احمد ملاباشی فرزند میرزا سید محمد حسن بن محمد علی بن عبد الله حسینی تفرشی شیرازی اصفهانی متوفی در روز پنج شنبه ۱۱ ربیع الثانی سال ۱۳۳۱ بوده .

(تذکره القبور - رجال اصفهان - مکارم الاثار - المآثر والاثار - نقباء البشر دانشمندان و بزرگان اصفهان - البدر التمام و برخی کتب دیگر).

حاج میرزا احمد ملا باشی (منجم باشی اصفهانی)

فرزند مرحوم میرزا محمد حسن (فوت ۱۲۹۸) فرزند میرزا محمد علی (فوت ۱۲۸۲) فرزند حاج میرزا عبد الله حسینی تفرشی اصفهانی .

در کتاب المآثر والاثار (ص ۲۱۱) شرحی راجع به پدران او و مهارت واستادی آنان در نجوم و انتسابشان بخاندان خاتون آبادی نوشته و درباره صاحب عنوان گوید : پس از وفات پدر منصب ولقب منجم باشیگری یافته است (انتهی)

مرحوم حاج میرزا احمد عالم و فاضل ادیب وفقیه و منجم و در اصفهان مصدر امور شرعیه و عرفیه بوده و در نزد جمعی از بزرگان از فحول علماء همچون پدر خود و دیگران تلمذ نموده و بمصاهرت مرحوم آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی مفتخر

گردیده و سرانجام در روز۵ شنبه ۱۱ ربیع الثانی سال ۱۳۳۱ در اصفهان وفات یافته در داخل بقعه مرحوم آقا میرزا ابوالمعالی در تخت فولاد مدفون گردیده سپس به اعتاب مقدسه حمل گردید .

از آثار مرحوم حاج میرزا احمد ساختمان بقعه تکیه مرحوم آقا میرزا ابو المعالی کلباسی (کرباسی) در تخت فولاد اصفهانست

میرزا اسماعیل موسوی

از بنی اعمام مرحوم سید حجه الاسلام و ساکن در اصفهان بوده است

نسخه ای از کتاب : تحریر اقلیدس از کتابهای مرحوم سید حجه الاسلام در نزد او امانت بوده و مشار الیه در پشت صفحه اول کتاب یادداشت نموده که :

امانت از عموزاده سید محمد باقر رشتی .

بنابر این مرحوم آقا سید اسماعیل از علماء ریاضی بوده است . نسخه تحریر اقلیدس در کتابخانه نویسنده سطور می باشد .

اگهی بیشتری از صاحب عنوان تاکنون نداریم .

حاج سید محمد باقر ثانی بید آبادی

فرزند مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی و معروف به « حاج آقا » .

عالم فاضل از جمله ادباء و شعراء و فضلاء بوده پس از وفات پدر (سال ۱۲۹۰) باتفاق مادرش که دخترعلامه فقیه زاهد حاج ملا علی بن حاج میرزاخلیل طهرانی بود به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آنجا در حدیث جمعی از بزرگان اهل علم به تکمیل فضائل و معلومات خود پرداخته که از آنجمله است مرحوم آقا شیخ محمد حرز الدین (۱۲۷۳ - ۱۳۶۵) مؤلف کتاب : معارف الرجال (ص

ص: ۱۷۵

تصویر



آیت الله حاج سید محمد باقر شفتی

۹۸ یکم معارف الرجال) و در فقه و اصول و کلام صاحب نظر گردیده و از علماء مورد توجه گردیده خانه او مجمع علماء و ادباء و شعراء گردیده و خود بفارسی و عربی در نهایت خوبی وروانی شعر میسروده و با جمعی از ادباء زمان همچون سید جعفر حلی و دیگران در مجلس انس خود مقطعاتی میسروده اند.

مرحوم حاج سید محمد باقر پس از فوت عموی خود مرحوم حاج سید جعفر بیدآبادی (۱۳۲۰) در اوایل مشروطیت به ایران مهاجرت نموده و مورد توجه و عنایت عموم طبقات بالاخص علماء و بزرگان واقع شده و در محله بیدآباد مرجعیت کلی یافته و منشأ خدماتی در مسجد سید از قبیل تعمیرات و تزئینات در داخل مسجد - نصب ضریح جهت قبر مرحوم سید حجه الاسلام و نصب ساعت برای مسجد و غیره گردیده در موقع استبداد صغیر و انقلاب ایران و اختلاف مستبدین و مشروطه خواهان مجدداً به نجف مهاجرت فرموده در سال ۱۳۳۳ بر حسب خواهش و اصرار مردم به ایران و اصفهان معاودت فرموده لکن پس از شش ماه (روز) که از ورود او گذشته در روز سوم ماه مبارک رمضان بمرض سکته وفات یافته در مقبره مسجد سید مدفون گردید . رحمه الله علیه .

مرحوم حاج سید محمد باقر دوم دارای چهار فرزند پسر از زنهای متعدد و یک دختر داشته باینقرار :

۱- مرحوم آقا سید محمد جعفر علم الهدی شفتی که پس از پدر مدتی در مسجد امامت نموده و بعداً ترک آن گفته در سال ۱۴۰۴ در طهران وفات یافت .

۲- حاج سید محمدرضا شفتی عالم فاضل متولی موقوفات مسجد سید و امام جماعت (شرح حالش بعداً نوشته میشود).

۳- سید محمد علی فرزندانش در مشاغل حساس دولتی انجام وظیفه می کنند وفقهم الله تبارک وتعالی .

۴ - سید کریم .

۵ - دختری که زوجه مرحوم حاج آقا جلال الدین حسینی کلیشادی گردید.

(کتابخانه حاج سید محمد باقر)

(ثانی بید آبادی در نجف اشرف) : دانشمند محترم آقای جعفر خلیلی در کتاب موسوعه العتبات المقدسه : قسم النجف (ج

ص: ۱۷۷

۲ ص ۲۹۲) در ضمن بیان کتابخانه های خصوصی در شهر نجف به خلاصه می نویسد :

کتابخانه سید محمد باقر اصفهانی رشتی فرزند زعیم روحانی مرحوم حاج سید اسد الله ... پدرش ویرا جهت تحصیل به نجف فرستاد و او از علماء آن شهر گردید و بجمع کتاب میل و رغبت زیاد داشت و همه نوع وسائل نیز برای او فراهم بود بخصوص پس از فوت پدرش که کلیه عواید املاک موروثی او را جهت وی میفرستادند و او کتابهای نفیس و نادر الوجود زیادی فراهم آورد.

خانه او در جنب خانه شیخ جواهری کبیر (حاج شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام) و در پشت خانه آل زینی قرار داشت و خانه ای وسیع و بزرگ بود . روزها در آنجا مجمعی علمی و ادبی از علماء و شعراء زیر و جمعی دیگر تشکیل میشد :

سید جعفر حلی – شیخ جواد شبیبی . شیخ عبد الکریم جزائری – شیخ هادی (بن) شیخ عباس وقتی که مرحوم حاج سید محمد باقر عازم معاودت بایران گردید باندازه بار چند قاطر از آنها را همراه خود به اصفهان آورده و بقیه را در سردابی در منزل قرار داد و برای آن پنجره ها درست کرده و جهت حفظ از اسیب موریانه آنها را با ماده ای بیالود .

پس از فوت مرحوم حاج سید محمد باقر کتابها را از سرداب خارج نموده و فروختند و در خانه فضلاء نجف متفرق گردید. تعداد کتابها را چندین هزار مجلد گفتند که بیشتر آنها از کتب خطی و نفیس و کمیاب میبود .

نمونه اشعار

نمونه ای از اشعار مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی بید آبادی :

در مدح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گوید :

یا ابن عم النبی ای معال

لک فی أرفع المدائح تذکر

بعد ما أنزل الاله کتاباً

فیک لایستطاع للقوم تنکر

و ثناءِ النبی فیک فأبدی

یوم خم ثنی اناب و بکر

هو فی مطعم المعادین صاب

وهو فی مطعم الموالین سکر

أی فضل یزویه عنک معاد

أو تزوی شمس الضحی لوتفکر

کذب العاذلون فیک وقالوا

قول زور بهم یحاط ویمکر

قد اتوا منکراً فحسبهم الله

تعالی یوم المعاد و منکر

(ص ۱۳۸ اول معارف الرجال)

سید محمد باقر عماد الاسلام

معروف به آقا محمد فرزند مرحوم حاج سید جعفر بید آبادی عالم فاضل ادیب شاعر .

در حدود سال ۱۲۹۵ در اصفهان متولد گردیده و در نزد فضلای این شهر تلمذ نموده و از ابتدای جوانی به تألیف کتب پرداخته از آنجمله : ۱– فصول العلیه در آداب نماز شب در سال ۱۳۲۳ قمری بچاپ رسیده است ۲ – هدایه السالکین در اخبار ائمه طاهرین و آن شرح چهل حدیث است که صاحب عنوان آنها را ترجمه و شرح نموده و تألیف آن در جمعه ۱۳ شهر محرم الحرام سال ۱۳۱۶بپایان رسیده است نسخه ای از آن بخط مرحوم آقا میرزا محمد علی کابلی در نزد نویسنده موجود است .

مرحوم عماد الاسلام گاهی شعری گفته وفخر تخلص مینموده و خویشتن را بفخر الشعراء وصف وملقب نموده است .

مرحوم عماد الاسلام در سال ۱۳۴۰ قمری در شیراز وفات یافته و در شاه

چراغ حضرت احمد بن موسی الکاظم علیه السلام مدفون گردید .

از آن مرحوم یک فرزند پسر بنام : آقا سید جعفر عمادی و سه دختر بجای ماند.

۱- مرحوم آقا سید جعفر در سال @@۱۳ در قم وفات یافت .

۲- زوجه مرحوم حاج میرزا قوام الدین رشتی فرزند مرحوم حاج میرزا عبد الرزاق .

۳- زوجه مرحوم آقا مهدی طباطبائی در میانی .

۴ - زوجه مرحوم آقا میرزا علی محمد بن میرزا عبد الجواد کلباسی.

(نکته) :

مرحوم عماد الاسلام در آخر هدایه السالکین درباره وجه شهرت آقا سید ابراهیم کابلی به (کابلی) مطالبی مرقوم فرموده و در آنجا خویشتن بدینگونه نام برده است :

وانا العبد الذلیل الفاقر ابن محمد جعفر محمد باقر الموسوی الشفتی الرشتی المحلاتی الاصفهانی فی شهر رجب المرجب سنه ۱۳۱۶ .

وجه انتساب به محلات را تاکنون ندانسته ایم .

سید محمد باقر موسوی

فرزند آقا سید محمد بن سید عبد الرحیم بن سید مؤمن بن سید محمد باقر حجه الاسلام

مرحوم صدر هاشمی در تاریخ جرائد و مجلات (ص ۱۰ چهارم) می نویسد: (با اندکی تصرف)

روزنامه عراق در شهر اراک بمدیری و مؤسسی آقای باقر موسوی تأسیس شده و شماره اول آن در اول اسفند سال ۱۳۱۲ شمسی منتشر شده است . روزنامه در

چاپخانه ای که خود ایشان تهیه و تأسیس نموده و بنام (چاپخانه موسوی) دایر نموده بود چاپ میشده است .

مشار الیه پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی چاپخانه را بطهران منتقل نموده و روزنامه را در آن شهر منتشر میساخت

مرحوم صدر هاشمی درباره آقای سید محمد باقر موسوی می نویسد :

آقای موسوی جوانی است فعال و در امور چاپ و مطبعه کمال بصیرت را دار است .

حاج آقا حسن ملاذ الاسلام

فرزند مرحوم حاج سید جعفر بید آبادی عالم فاضل . مشار الیه از علماء صاحب نفوذ و معتبر اصفهان و در محله بید آباد مرجعیت وریاست کلی داشته و داماد مرحوم حاج شیخ محمد نقی مسجد شاهی معروف به ؛ آقا نجفی بوده و قبل از ۱۲۹۰ متولد گردیده و در ۱۷ شعبان سال ۱۳۳۶در سفر زیارت در مشهد مقدس وفات یافته در دارالحفاظ مدفون گردید (ص۱۸۳ دانشمندان و بزرگان اصفهان - تاریخ علمای خراسان صفحه ۲۵۴)

مرحوم ملاذ الاسلام از دو دختر مرحوم آقا نجفی (پس از فوت زوجه @@ خود دختر دیگری از مرحوم آقا نجفی اختیار نمود) دو پسر و دو دختر پیدا کرد .

۱- حاج میرزا محمد مهدی جعفری .

۲- حاج میرزا محمد جعفری متوفای سال ۱۴۰۴.

۳- زوجه مرحوم حاج میرزا ابو الفضل بن میر محمد تقی کتابفروش(کتابی)

ص: ۱۸۱

۴ – زوجه مرحوم حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام فرزند آقا میرزا هاشم بن حاج سید جعفر بیدآبادی .

(تذکر) :

دانشمند محترم حجه الاسلام حاج سید محمد باقر ساعدی خراسانی در ضمیمه تاریخ خراسان (۲۵۴) ویرا تحت عنوان : اصفهان ملاذالانام ذکر نموده که صحیح آن ملاذ الاسلام می باشد.

فایده۱و۲

(فائده ۱) : در جمادی الاولی سال ۱۳۲۴ جمعی از علماءِ اصفهان قراردادی بین خود منعقد ساختند و در آن استعمال امتعه خارجی و منسوجات آنان را منع کردند یکی از این علماء مرحوم حاج آقا حسن ملاذ الاسلام بید آبادی می باشد

(فائده ۲): مرحوم میرزا سلیمان خان رکن الملک (۱۲۵۴– ۱۳۳۱) نایب الحکومه اصفهان که مردی ادیب و شاعر و مسلمان ووطن خواه و روشنفکر وترقیخواه بود بیشتر از دیگران متوجه نقشه شوم استعمار گران در زیر پوشش تجارت و اقتصاد و زیانهای ناشی از این راه به مردم و مملکت و اسلام گردید او تاریخ هندوستان و دیگر مستعمرات ممالک خارجی و استعمارگر را خوانده و شنیده بود که راه نفوذ بیگانگان در داخله ممالک تجارت است و بعداً اسارت بفکر چاره افتاد و برای بریدن یکی از دستاویزهای آنان به ایجاد و تأسیس شرکت اسلامیه همت گماشت (شرح این شرکت ووظائف آن و کارهای انجام شده بوسیله آن خارج از حوصله کتاب و بحث ما می باشد) تاریخ افتتاح شرکت روز ششم شوال ۱۳۱۶ بوده در این روز عده ای از علماء و تجار و محترمین شهر در منزل رکن الملک حضور یافته و پس از مطالبی که آن مرحوم درباره اوضاع دنیا و تجارت خارجیها و آثار مترتبه آن بیاد داشت اعلام داشت که شرکتی بنام شرکت اسلامیه جهت تهیه پارچه های داخلی در شرف تأسیس است و از حاضرین استمداد کرد مرحوم ثقه الاسلام حاج اقا نور الله مسجد شاهی با بیانات خود و سپس با خریدن تعداد زیادی از سهام

شرکت در این امر پیشقدم گردید سپس علماء و تجار و محترمین علی قدر مراتبهم از سهام شرکت خریدند .

از کارهای مرحوم رکن الملك یکی آن بود که درباره استعمال پارچه های وطنی در برابر پارچه های خارجی از علماء و مراجع تقلید نجف و کربلا و سایر اماکن و بلاد سؤالاتی نمود که عموماً جواب مساعد داده و فرمودند که با بودن هر چه مشابه داخلی استعمال منسوجات خارجی ممنوع بلکه حرام است برخی از این علماء عبارتند از : ۱- آخوند خراسانی ۲- شیخ الشریعه اصفهانی ۳- حاج میرزا حسین نوری ۴ - حاج شیخ عبد الله مازندرانی ۵ - ملا محمد علی خونساری ۶- ملا علی نهاوندی ۷- حاج سید عبدالحسین لاری و غیره .

دنباله اقدامات فوق در سال ۱۳۲۴عده ای از علماء اصفهان انجمنی تشکیل داده و قراردادی در چندین ماده امضاء کردند که یکی از مواد آن مربوط به استعمال پارچه های بافت داخلی در برابر منسوجات خارجی و ترغیب و تحریص مردم در استعمال ان ومنع استعمال امتعه خارجی بود اسامی این علماء برحسب حروف تهجی عبارت است از :

۱- سید ابوالقاسم دهکردی ۲- حاج میرزا ابوالقاسم زنجانی ۳- میرزا محمد باقر بروجردی ۴ - شیخ محمد تقی اقا نجفی ۵ - میرزا محمد تقی مدرس میر محمد صادقی ۶ - اقا محمدجواد قزوینی ۷- حاج اقا حسن بید آبادی (ملاذ الاسلام) ۸- آخوند ملا حسین (ابن جعفر فشارکی) ۹ - سید محمد رضا مسجد شاهی معروف به اقا میرزا ۱۰ - میرزا سلیمان خان رکن الملك ۱۱ - میرزا علی محمد(اژه ای) ۱۲ - شیخ مرتضی ۱۳ - حاج میرزا مهدی جویباره ای ۱۴ - حاج اقا نورالله (ثقه الاسلام تاریخ ورقه ۱۷ جمادی الاولی ۱۳۲۴ هجری قمری .

ص: ۱۸۳

شیخ محمد حسین کلباسی

فرزند مرحوم آقا محمد مهدی بن علامه حاج محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی)

علامه طهرانی در نقباء البشر ص ۶۶۲دوم) می نویسد : عالم جلیل وورع صالح در مشهد حضرت رضا علیه السلام بوده و در سال ۱۲۸۵به نجف مهاجرت فرموده و در آنجا دختر علامه فقیه اقا شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام را بزوجیت اختیار نموده و نزد جمعی از بزرگان علماء زمان همچون مرحوم شیخ محمد حسین کاظمینی تلمذ نموده در سال ۱۳۳۶ به مشهد مقدس مراجعیت نموده و ریاستی و مرجعیتی کامل یافته در سال ۱۳۴۰وفات یافته و در دار السیاده مبارکه مدفون گردید .

فرزندش مرحوم آقا شیخ علی نیز از علماء بود و در سال ۱۳۵۴ وفات یافته است .

آقا سید حسین موسوی بیدآبادی

فرزند مرحوم آقاسید ابوالقاسم بن حاج سید محمد علی بن حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی بید آبادی علیهم الرحمه .

مرحوم آقا سید ابو القاسم از فضلاء و علماء اصفهان بوده و ظاهراً در خدمت پدر بزرگوار وعم عالیمقدارخود مرحوم حاج سید اسدالله و دیگر بزرگان اصفهان تلمذ نموده و احتمالا پس از وفات در بقعه مرحوم سید حجه الاسلام مدفون گردیده است. مشارالیه داماد مرحوم حاج میرزا ابوالفضل فرزند حاج میرزا زین العابدین فرزند مرحوم سید حجه الاسلام بوده است .

ص: ۱۸۴

مرحوم آقا حسین در قبل از ۱۳۰۰ در اصفهان متولد گردیده و در نزد علماء اصفهان تحصیل نموده و اساتید ایشان مرحوم آقا سیدابوالقاسم دهکردی و آقا سید محمد باقر درچه ای و آقا شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی و جمعی دیگر از بزرگان می باشند .

مرحوم آقا حسین عالم فاضل ظهرها در مسجد سیدامامت میفرموده و در صبح و مغرب در مساجد محله لرها (مسجد حاج جمال) اقامه جماعت مینموده و مورد احترام ووثوق عموم اهل محل بود. و با همه سختیها که در دوره رضا خانی به اهل علم وروحانیون و ارد میشد تحمل نموده و ترک مسجد و محراب نفرمود و در شبهای ۱۹ ماه مبارک رمضان در مسجد سید مراسم احیا بپا میداشت .

سرانجام در سال ۱۳۵۶ بسن قریب به هفتاد وفات یافته در تخت فولاد در تکیه مرحوم بروجردی در خارج بقعه سمت جنوب مدفون گردید .

فرزند ایشان ووارث بالاستحقاق انجناب آقای حاج سید محمد تقی موسوی یکی از ائمه جماعت فعلی مسجد سید میباشند ایده الله تبارک و تعالی .

زوجه ایشان (مرحوم آقا حسین) دختر مرحوم آقا سید مهدی بن حاج سید محمد علی بن سید حجه الاسلام شفتی بوده است.

شیخ محمد حسین جویباره ای

فرزند مولی محمد صالح بن مولی محسن بن مولی عبد الفتاح مازندرانی اصفهانی .

پدرش مولی محمد صالح از علماء و بزرگان اصفهان بوده و کتابهای : ۱- اصول الفقه ۲ - کواشف الحجب در اصول فقه در چندین مجلد از تألیفات اوست و در غره محرم ۱۲۸۵ بسن متجاوز از هشتاد سال در اصفهان وفات یافته در بقعه تکیه

مادر شاهزاده در تخت فولاد مدفون گردید . مشار الیه داماد علامه فقیه رجالی اقا سید صدر الدین محمد عاملی بوده و از عیال خود (زینب بیگم) دو فرزند پسر یافته که او این صاحب عنوان یعنی اقا شیخ محمد حسین می باشد که بمناسبت سکونت در محله جویباره به جویباره ای معروف شد.

مرحوم اقا شیخ محمد حسین عالم فاضل زاهد محقق در اصفهان و نجف تحصیل نموده پس از مراجعت به اصفهان در مسجد معروف به شیره پزها و مسجد شیشه گری امامت میفرموده و مورد وثوق مؤمنین و مقدسین بوده است و دختر مرحوم حاج سید جعفر بید آبادی را بزوجیت اختیار نموده است .

فرزندش مرحوم عالم فاضل زاهد

حاج شیخ محمد رضا صالحی

جویباره ای از علماء اخیار و در استخاره و تفادل از قرآن شهرت کامل داشت و الحق استخارات او عموماً قرین صواب و مطابق واقع بود در شب غره ماه رجب سال ۱۳۸۶ بسن متجاوز از نود و پنج سالگی در اصفهان وفات یافته جنازه با تشییع عظیم و حضور هزاران نفر از مؤمنین و مقدسین وعلماء وطلاب به تخت فولاد نقل شده در مقبره خانوادگی در جنب اباء و اجداد مدفون گردید . رحمه الله علیه .

(تذکر) :

آنچه معروفست و در کتب اهل فن مضبوط خاندان معروف به جویباره ای (صالحی جویباره ای) از اعقاب علامه فقیه مولی محمد بن عبدالفتاح تنکابنی معروف بفاضل سراب می باشند لکن در جائی اتصال نسب آنان به فاضل سراب دیده نشده است بظن نویسنده (فقط احتمالی بیش نیست و باید درباره آن تحقیق شود) مولی عبدالفتاح جداین سلسله مذکور در نسب نامه فوق فرزند مرحوم فاضل سراب می باشد بنابراین نسب مرحوم اقا شیخ محمد رضاجویباره ای چنین است:

حاج شیخ محمد رضا بن شیخ محمد حسین بن مولی محمد صالح بن مولی

ص: ۱۸۶

محسن بن مولی عبدالفتاح بن مولی محمد معروف به فاضل سراب فرزند عبدالفتاح تنکابنی اصفهانی رحمه الله علیهم اجمعین .



تصویر

حاج میرزا محمد حسین جعفری

فرزند آقا میرزا هاشم فرزند حاج سید جعفر رحمه الله علیهم اجمعین .

عالم فاضل از ائمه جماعت مسجد سید و مسجد علی قلی آقا در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان همچون اقاسید ابوالقاسم دهکردی و اقاسید محمد باقر درچه ای و اقا میر محمد تقی مدرس و آخوند ملا محمد کاشانی درس خوانده و در مدرسه میرزا حسین با جمعی از افاضل حوزه مباحثه داشت .

در حدود سال ۱۳۰۳متولد و در ۱۰ ربیع الثانی سال ۱۳۶۹در اصفهان وفات یافته در بقعه سید حجه الاسلام مدفون گردید .

مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر در تاریخ وفات او گوید :

انما الدهر سراب وغدور فان

فاحذروا الفتنه والغفله یا اخوانی

انظروا کیف مضی اول عشر السبعین

من هو الطائف للبیت عظیم الشأن

سید ناصر شرع وملاذ الاسلام

یحفظ الدین ویستأنس بالرحمن

وهو للباقر سبط وحسین فی الاسم

جعفری النسب الکامل فی الایمان

ارخ النیر للعام وشهر والیوم

تنقص العشره من «شهر ربیع الثانی»

(ص ۲۱ جلد سوم معادن العلوم تألیف مرحوم نیر)

مرحوم حاج میرزا محمد حسین دو فرزند پسر بنامهای: ۱- علیرضا ۲- محمد باقر داشت که هردو بلاعقب در اوایل جوانی وفات یافته و در تکیه گلزار در تخت فولاد مدفون شدند و دو دختر ۱- زوجه فاضل محترم مرحوم حاج اقا میرزا منیر صادقی متوفی در شعبان ۱۴۰۴فرزند مرحوم عالم جلیل حاج سید محمد باقر میر محمد صادقی احمد آبادی ۲ - زوجه اقای حاج میرزا علی اکبر زواره ای فرزند مرحوم حاج میرزا محمد حسین زواره ای طباطبائی .

حاج سید محمد رضا شفتی

فرزند عالم فاضل ادیب شاعر حاج سید محمد باقر دوم شفتی بید آبادی رحمه الله علیهما .

تصویر



مرحوم حجه الاسلام حاج سید محمد رضا شفتی

از فضلاء خاندان شفتی در حدود سال ۱۳۲۰ در اصفهان متولد گردیده و در این شهر در نزد عده ای از فضلاء همچون آخوند ملا تقی دهقی و حاج آخوند زفره ای و اقا شیخ علی مدرس یزدی و اقا سید میرزا اردستانی مقدمات و سطوح را فرا گرفته سپس جهت تکمیل تحصیلات به نجف اشرف مهاجرت نموده و پس از آنکه برادر بزرگ ایشان مرحوم علم الهدی بعللی ترک جماعت در مسجد سید نموده ایشان را از نجف دعوت باصفهان کرده قبل از سال ۱۳۴۶مراجعت نموده و تا هنگام وفات در مسجد سید به اقامه جماعت پرداخته و پس از فوت مرحوم ملاذ الاسلام امر تولیت موقوفات مسجد معوض بایشان گردیده و به بهترین صورت بوظیفه شرعی خود با وجود تمام مشکلات و موانعیکه اداره اوقاف زمان برای ایشان ایجاد میکرد انجام وظیفه نمود .

ص: ۱۸۹

اساتید ایشان پس از مراجعت از اعتاب مقدسه در اصفهان عبارتند از : اقا میرزا احمد مدرس - آقاشیخ محمد رضا مسجد شاهی- مرحوم حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی و با لخصوص مرحوم اقا سید مهدی درچه ای و غیره

مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی عالمی جلیل و فاضلی خلیق بود در سالهائیکه مرحوم آیت الله حاج سید علی بهبهانی اعلی الله مقامه الشریف مدت شش ماه باصفهان تشریف میآوردند مشار الیه در همان ساعات اول ورود خدمت ایشان شرفیاب شده و ضمن عرض تبریک ورود از ایشان دعوت مینمود که شبها جهت اقامه جماعت به مسجد سید تشریف فرما شوند. این ایثار و گذشت سبب محبوبیت بیشتر ایشان شده و اهمیت و اعتبار ویرا نزد عموم طبقات بالاخص مقدسین و متدینین بدرجات زیاد بالا برد .

مرحوم شفتی در نیمه شب ۵ شنبه ۳ ذی الحجه ۱۳۹۶ پس از یک عمل جراحی در بیمارستان وفات یافته جنازه با کمال احترام و تشییع شایسته به مسجد سید منتقل و در بقعه مرحوم سید حجه الاسلام مدفون گردید. رحمه الله علیه .

از مرحوم شفتی از دو نفر عیال سه فرزند پسر بنامهای : حاج سید محمد جواد - حاج آقا مهدی - احمد اقا و چندین دختر باقیمانده است .

فاضل محترم آقای

حاج آقا مهدی شفتی

جوان مؤدب و آراسته و از مشتغلین و طلاب علوم دینیه اصفهان است که پس از فوت پدر بزرگوار به افتخار تلبس به لباس روحانیت نائل گردیده و تحصیلات علوم قدیم راضمیمه علوم جدید نموده ودر ظهر و عصر و مغرب و عشاء در مسجد سید بجای پدر اقامه جماعت می نماید و مورد توجه و عنایت مردم بید آباد می باشد و تاکنون موفق بطبع چهار مجلد از مجلدات شش گانه مطالع الانوار گردیده و کتاب حاضر نیز بر حسب خواهش ایشان تألیف شده است .

ص: ۱۹۰

تصویر



حاج آقا مهدی شفتی

اقای شفتی نامبرده داماد حجة الاسلام اقای حاج سید حسن فقیه امامی می‌باشند و ایشان داماد ثقة الاسلام واعظ محترم وشفیق مکرم جناب اقای حاج اقا رضا مظاهری واقای مظاهری صهر جلیل عالم فاضل مرحوم اقا شیخ اسماعیل بن حاج اقا منیر الدین بروجردی ومرحوم اقا شیخ اسماعیل نیزداماد عالم فاضل

- ۱۹۱ -

حاج آقا مهدی شفتی

اقای شفتی نامبرده داماد حجه الاسلام آقای حاج سید حسن فقیه امامی می باشند و ایشان داماد ثقه الاسلام واعظ محترم و شفیق مکرم جناب اقای حاج اقا رضا مظاهری و اقای مظاهری صهر جلیل عالم فاضل مرحوم آقا شیخ اسماعیل بن حاج اقا منیر الدین بروجردی و مرحوم آقا شیخ اسماعیل نیز داماد عالم فاضل

زاهـد حجه الاسـلام و المسـلمین مرحوم آقای حاج میرزا حبیب الله روضاتی فرزنـد علامه جلیل اقا میرزا هـدایه الله ابن علامه فقیه زاهداقا میرزا محمد باقر چهارسوقی صاحب کتاب روضات الجنات می باشند .

زاهد حجة الأسلام والمسلمین مرحوم اقای حاج میرزا حبیب الله روضاتی فرزند علامه جلیل‌اقا میرزا هدایة الله‌ابن علامه فقیه زاهداقا میرزا محمد باقر چهارسوقی صاحب کتاب روضات الجنات می‌باشند .



حاج سید محمد منجم باشی

- ۱۹۲ -

حاج سید محمد منجم باشی

ص: ۱۹۲

واما اقای حاج سید محمد جواد شفتی عالم فاضل از فضلاء اصفهان بشمار میرفت و اکنون سالهاست که در طهران ساکن و بوظائف دینی و اجتماعی اشتغال دارند . مشار الیه داماد عالم فاضل مرحوم حاج اقا محمد آل رسول فرزند عالم فاضل کامل اقا میرزا ابراهیم شمس آبادی می باشند و مرحوم آل رسول نیز خود داماد علامه جلیل عالم فاضل محقق مرحوم حاج شیخ جمال الدین نجفی مسجد شاهی اصفهانی بودند رحمه الله علیهم اجمعین .

مادر مرحوم شفتی صاحب عنوان دختر فاضل محترم مرحوم حاج سید محمد منجم باشی (فرزند میرزا سید محمد حسن بن سید محمد علی بن سید عبد الله حسینی تفرشی شیرازی اصفهانی) بوده و زوجه اول ایشان دختر مرحوم حاج اقا فضل الله نجومی فرزند حاج سید محمد منجم می باشد .

حاج میرزا عبد الجواد کلباسی

فرزند مرحوم آقا محمد مهدی کلباسی (کرباسی) از دختر مرحوم سید حجه الاسلام شفتی

عالم فاضل جلیل در اصفهان متولد گردیده و در این شهر در نزد پدر و جمعی دیگر از فحول علماء تلمذ نموده و پس از وفات پدر در مسجد حکیم امامت مینموده و در ایام تحصیل نزد پدر کتاب : تذهیب الاصول در شرح تهذیب الاصول علامه حلی تألیف نموده تاریخ فراغت از تألیف ۱۹ شعبان ۱۲۷۸ می باشد

مرحوم

آقا میرزا عبد الجواد شفتی

در سال ۱۳۱۴در اصفهان وفات یافته و در مقبره جد بزرگوار خود مرحوم حاجی کلباسی اعلی الله مقامه مدفون گردید .

وی دارای چندین فرزند بوده بدین شرح :

۱- مرحوم آقا میرزا علی محمد امام مسجد حکیم مدفون در بقعه تکیه اقا

میرزا ابو المعالی داماد مرحوم آقا محمد عماد الاسلام

۲- مرحوم آقا میرزا محمد علی از علماء صاحب نفوذ اصفهان متوفی در شب ۲ شنبه ۱۲ صفر المظفر سال ۱۳۴۲مدفون در مقبره حاجی کلباسی

۳- مرحوم آقای حاج میرزا هاشم عالم فاضل زاهد امام مسجد حکیم متوفی بسال ۱۳۵۸مدفون در بقعه تکیه کازرونی در تخت فولاد .

فرزندش مرحوم حاج میرزا عبد الجواد از علماءِ اصفهان و امام مسجد حکیم عالمی خلیق و مهربان و خدمتگزار مردم بود در روز شنبه ۱۹ جمادی الاولی سال ۱۳۸۷ در جاده تهران بقم در اثر تصادف وفات یافته و در روز ۲ شنبه ۲۱ جمادی الاولی در قم مدفون گردید .

مرحوم کلباسی (حاج میرزا عبد الجواد بن حاج میرزا هاشم) مؤلف کتابی است بنام : منهاج السالکین در آداب حج و زیارات مدینه منوره که بچاپ رسیده است .

حاج میرزا عبدالرزاق رشتی

فرزند حاج میرزا محمد کاظم .

از علماء وفضلاء و اجلاء بوده در خدمت جمعی از فضلاء و علماء اصفهان همچون مرحوم حاج سید اسد الله و اقا شیخ محمد باقر نجفی تلمذ نموده و بشرف مصاهرت مرحوم حاج سید جعفر بید آبادی مفتخر گردیده است .

مرحوم رشتی از علماء صاحب مکنت و ثروت بوده و ظاهراً تولیت مدرسه در کوشک (مدرسه باقریه) از طرف مرحوم سید ثانی بایشان محول گردیده است.

مرحوم رشتی دارای دو فرزند فاضل و متقی بنامهای ۱ - حاج اقا مرتضی ۲- حاج میرزا قوام الدین از خود بجای گذاشت .

مرحوم حاج اقا مرتضی رشتی

داماد عالم جلیل ورئیس مطاع مرحوم حاج اقا جمال الدین نجفی مسجد شاهی بود و مرحوم حاج میرزا قوام الدین متوفی در ماه صفر ۱۳۶۵ در طهران ومدفون در قم داماد مرحوم آقا محمد عماد الاسلام دائی خود گردید ومرحوم

آقا میرزا محمد مهدی

ادیب و فاضل متوفی در ۴ شنبه ۲۹ ربیع الثانی سال ۱۳۷۷ مدفون در تکیه گلزار داماد علامه فقیه مرحوم آقا میرزا احمد مدرس ۲- دانشمند محترم اقای حاج میرزا محمد حسین رشتی از فضلاء معاصر اصفهان .

مرحوم حاج میرزا عبد الرزاق صاحب عنوان در سال ۱۳۱۹در مسافرت عتبات مقدسه در نجف اشرف وفات یافته در وادی السلام مدفون گردید .

حاج ملا علی خلیلی طهرانی

فرزند حاج میرزا خلیل طبیب طهرانی نجفی فرزند علی بن ابراهیم بن علی رازی

مرحوم حاج میرزا خلیل (۱۲۸۰ - ۱۱۸۰) طبیب زاهد شرح حالش در کتاب ادباء الاطباء (ص ۱۴۴ یکم)

مرحوم حاج ملا علی خلیلی

عالم فاضل فقیه مجتهد محدث رجالی زاهد در ۲۸ جمادی الاولی سال ۱۲۲۶ متولد و در ۲۵ ماه صفر سال ۱۲۹۷ وفات یافته در وادی السلام مدفون گردید .

مرحوم خلیلی در نزد عده کثیری از فحول علماء تلمذ نموده و برخی از بزرگان از علماء نیز در خدمت او درس خوانده اند تألیفات او عبارتست از :

۱- تعلیقاتی بر بسیاری از کتب

۲ - خزائن الاحکام در شرح کتاب : تلخیص المرام در معرفت احکام تألیف

علامه حلی

۳- کتابی در رجال

۴ - سبیل الهدایه در علم درایه

۵ - غصون الاریکه الغرویه در اصول فقه

ویرا فرزندان چندی از پسر و دختر بوده از آنجمله :

۱- دختری که زوجه مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی و مادر حاج سید محمد باقر ثانی بید آبادی بوده است .

۲- دختری که زوجه مرحوم آقا شیخ محمد علی شا عبد العظیمی(۱۲۵۸ - ۱۳۳۴) بوده است

(ادباء الاطباء - معارف الرجال - الذریعه - مکارم الاثار - معجم رجال الفکر و الادب - ماضی النجف وحاضرها - اعیان الشیعه - الکرام البرره)

میرزا محمد علی موسوی کابلی

فرزند سید عبدالحفیظ موسوی کابلی از بنی اعمام مرحوم سید حجه الاسلام .

ادیب و فاضل وخطاط از شاگردان مرحوم حاج سید اسد الله و از مخصوصین مرحوم حاج سید جعفر بید آبادی بوده و بامر او چندین کتاب و رساله کتابت نموده است که ذیلا بنام دو کتاب اشاره می شود :

۱- جلد دهم بحار الانوار است که بدستود مرحوم حاج سید جعفر بید آبادی بخط نسخ و شکسته از روی نسخه ای که در سال ۱۱۳۲نوشته بوده استنساخ کرده است. کتاب به شماره (۵۲۶۵) در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است (ص ۱۸۹ یکم فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی اصفهان).

فائده : در کتابخابه عمومی اصفهان چندین مجلد از کتاب بحار الانوار بخط نسخ محمد تقی بن محمد حسن خو نساری موجود است که در یکی از آنها تصریح شده است که بر حسب دستور مرحوم حاج سید محمد جعفر مجتهد نوشته شده و احتمالا بقیه مجلدات نیز بدستور ایشانست و آنها عبارتست از:

۱- جزء اول (کتاب العقل و العلم) وجزء دوم (کتاب التوحید) بشماره (۵۱۸۷) تاریخ ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ .

۲- مجلد سوم (عدل و معاد) بشماره (۵۱۷۵) بدون تاریخ .

۳- مجلد پنجم (قصص انبیاء) بشماره (۵۲۳۰) بسال ۱۳۰۸ بدستور حاج سید محمد جعفر .

۴ - مجلد ششم جزء سوم (حالات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از غزوه بدر کبری تا آخر) بشماره (۵۱۸۵) تاریخ ۱۳۰۰.

۵ - مجلد نهم حالات امیر المؤمنین علیه السلام بشماره (۵۲۷۰) تاریخ ۱۳۰۳ .

۶ - مجلد هفدهم : کتاب الروضه بشماره (۵۱۸۸) تاریخ ۱۲۹۷.

۷ - مجلد نوزدهم جزء ثانی بشماره (۵۱۳۲) تاریخ غره جمادی الاولی ۱۲۹۸

۸ - مجلد بیستم اعمال سنین وشهور و ایام بشماره (۵۲۶۶) تاریخ صفر ۱۲۹۲

۹ - مجلد بیست و دوم کتاب المزار بشماره (۵۲۶۸) تاریخ ۱۳۰۰٠

۲ - کتاب : هدایه السالکین فی احادیث الائمه الطاهرین سلام الله علیهم اجمعین از تألیفات مرحوم آقا محمد (سید محمد باقر) عماد الاسلام .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوه والسلام

ص: ۱۹۷

علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین الطاهرین المعصومین و بعد چنین گوید محمد باقر بن محمد جعفر بن محمد باقر ... (سپس نسب نامه خود را تا حضرت آدم علیه السلام نقل نموده است) که چون روایت شده است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که فرموده است : من حفظ اربعین حدیثاً وجبت له الجنه ..

انجام : تمت الرساله فی ۲۱ شهر محرم الحرام ۱۳۱۶.

بسم الله الرحمن الرحیم برادران خود را زحمت افزا میشود که این نسخه بسیار مختلف بود با نسخه اصل و با زحمات چندی خود این داعی مقابله کردم انرا با نسخه اصل و نویسنده این نسخه عالیجناب سلاله السادات العظام اقا میرزا محمد علی زید مجده میباشد ولد ارجمند مرحوم مغفور جنت مکان اقا سید عبد الحفیظ رحمه الله علیه خلف مرحوم جنت مکان اقا سید ابراهیم اصفهانی المعروف بکابلی غفر له است و جهت منسوب بکابلی شدن آن مرحوم بجهت این میباشد که مرحوم آیت الله فی الارضین حجه الاسلام و المسلمین جدابی این داعی المسمی بالحاج السید محمد باقر اعلی الله مقامه در صدد این بودند که کتاب مدینه العلم مرحوم صدوق رحمه الله علیه را بدست آورده و گویا مفقود بود در این ولایات خدمت آن بزرگوار عرض شد که کتاب مزبور در کابل قندهار در خزانه سلاطین آنجاها یافت میشود و آن بزرگوار اقا سید ابراهیم مرحوم را بکابل روانه فرمودند و زمانی هم در صدد بود آن سید مرحوم و سفر آن مرحوم هم بطول انجامید و عاقبت پیدا نشده بود و خیال بر قرار گرفت که حرکت باصفهان نماید و محض آنکه هر گاه مشرف خدمت سید حجه الاسلام اعلی الله مقامه شود دست خالی نباشد تفسیر امام فخر رازی را از کابل در همراهی خود آورد و در وقت ورود او را بر تخت گذارد و سید حجه الاسلام اعلی الله مقامه بسیار خرج فرمود

ص: ۱۹۸

بجهت یافت شدن کتاب مذکور و بسیار بسیار در صدد بود عاقبت امر آن کتاب مستطاب یافت نگردید و علی الاتصال آن بزرگوار در خیال وجدان آن کتاب مستطاب والامقام بود اخر الامر مأیوس از وجود آن شد. اللهم اغفر له اللهم لاتویسنا من کل امر بمحمد وعترته الطیبین الطاهرین المعصومین و انا العبد الذلیل الفاقر ابن محمد جعفر ابن محمد باقر الموسوی الشفتی الرشتی المحلاتی الاصفهانی فی شهر رجب المرجب سنه ۱۳۱۶ .

توضیحاً : عین عبارات مرحوم عماد الاسلام نقل گردید .

حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام

فرزند اقا میرزا هاشم فرزند حاج سید جعفر بید آبادی داماد عموی خود مرحوم حاج اقا حسن ملاذ الاسلام بوده و پس از فوت مشار الیه به لقب او ملاذ الاسلام شهرت یافت

قبل از سال ۱۳۰۵ در اصفهان متولد گردیده و در این شهر نزد فضلاء و علماء فی الجمله تحصیلاتی نموده از علماء مورد توجه مردم و خدمتگزاران به دین و اجتماع بشمار میرفت. طبع شعری داشت و در اشعار عاصی تخلص مینمود . دیوان مختصری قریب یکهزار و سیصد بیت دارد در ۲۱ ربیع الاول سال ۱۳۷۲ در اصفهان و فات یافته در بقعه مرحوم سید حجه الاسلام مدفون گردید .

مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر در ماده تاریخ وفات او گوید :

غدر الدهر بنا صب علینا الالام

و ابتلانا بشجی سود منا الایام

حیث قد اخرتنا الایام بفقد العالم

ناصر المذهب و الشیعه فی کل مقام

سید کان علیا هو للباقر سبط

جعفری نسباً مشتهر فی الاعلام

طائف الکعبه والمشهدعون الضعفا

وملاذ لهم استقبلهم بالاکرام

حائز الفضل بمجد و علو و شرف

قلما يتفق المثل له فی الاعوام

فائم اللیل یناجی بخضوع وخشوع

وبكاءِ وركوع وسجود و قيام

یذکر الله ویستغفره بالاسحار

فی صلوه ودعاءِ واذان بدوام

نیر نقص الاثنين فصار التاريخ

«جعل القدس مكاناً لملاذالاسلام»



مرحوم حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام

ص: ۲۰۰

(ص ۲۲ سوم معادن العلوم) صاحب عنوان پس از فوت برادرش مرحوم آقا حاج میرزا محمد حسین جعفری صبح ها در مسجد سید امامت مینمود . وی دارای دو فرزند پسر و دو دختر بود بدین شرح

۱ - میرزا محمد حسن که در اوائل جوانی وفات یافت

۲ - میرزا محمد هاشم

۳- زوجه عالم جلیل مرحوم حاج آقا حسین خادمی فرزند آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه

۴ - زوجه مرحوم آقا سید ریحان الدین مهدوی (۱۳۹ - ۱۳۱۳)

دکتر عیسی صدیق

ملقب به صدیق اعظم فرزند (@@) صدیق التجار اصفهانی .

در سال ۱۲۷۳ خورشیدی متولد گردیده در ایران و فرانسه تحصیلات خود را بپایان رسانیده و پس از مراجعت به ایران مشاغل مختلفی را دارا بوده که مهمترین آنها ریاست دانشسرای عالی بوده است . مشار الیه در سال ۱۳۹۸ قمری وفات یافت . مادر دکتر صدیق دختر آقا سید ابراهیم کابلی بوده است .

دکتر عیسی صدیق دارای تألیفات عدیده است : ۱ - تاریخ فرهنگ ایران ۲ - تاریخ مختصر آموزش و پرورش ۳- حقوق بین الملل ۴ - روش نوین در تعلیم و تربیت ۵ - سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین ۶ - یادگار عمر یا خاطراتی از گذشته ۷ - یکسال در آمریکا و متجاوز از ده کتاب دیگر (ص ۶۵۰ چهارم مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی تألیف مرحوم خانبابا مشار با اندکی تصرف و اضافه).

آقا سید محمد طباطبائی زواره ای

فرزنـد سـید عبـدالکریم ، فاضل و دانشـمند بوده و در خدمت جمعی از علماء وفضـلاء اصـفهان از آنجمله مرحوم حاج سـید اسد الله بیدآبادی تحصیل نموده و مورد وثوق و اطمینان مرحوم سید بوده بالاخره بدامادی مرحوم حاج سید جعفر مفتخر گردیده است. پس از فوت در بقعه آقا محمد بید آبادی در تخت فولاد مدفون گردید .

فرزندش فاضل محترم مرحوم حاج میرزا محمد حسین زواره ای از مخصوصین خاندان سید حجه الاسلام بوده و سالها در کمال عزت و احترام نزد عموم طبقـات بالاـخص علماء و بزرگان زنـدگانی نموده و سـرانجام در (شـبه ۲۳ صفر۱۳۷۸) وفـات یـافته در تخت فولادنزدیـک بقعه آقا محمد بید آبادی مدفون شده و پس از تعریض خیابان و احداث فرودگاه و متفرعات آن اسـتخوانها به مسجد سید منتقل و جنب مقبره کوچک مدفون گردید . رحمه الله علیه .

مرحوم زواره ای سیدی بزرگوار دارای ملکات نفسانی از حسن معاشرت وصدق بهجت و زهد و عبادت بود .

آقا سید محمد

فرزند مرحوم حاج سـید محمد علی فرزند سـید حجه الاسـلام . از فضلای سلسله اعقاب مرحوم سید شفتی بوده و دارای چهار فرزند بشرح زیر می باشد :

۱ - آقا منیرالدین

۲ - آقا صدر الدین

ص: ۲۰۲

هر یک از این دو برادر دارای اولاد و اعقابی هستند که همگان به موسوی شهرت داشته و در اصفهان و طهران به کارهای دولتی و مشاغل آزاد روزگار می گذرانند و عموماً مردمانی نیک بیتش وسلیم و متواضع و دوستدار اهل فضل و تقوی و خود نیز متدین و متعهد می باشند .

۳- جهان اقا زوجه مرحوم اقا نصیر الدین موسوی

۴ - زهرا بیگم

حاج میرزا محمود کلباسی

فرزند علامه مرحوم آقا محمد مهدی کلباسی (کرباسی) از دختر مرحوم سید حجه الاسلام شفتی .

مرحوم مولی عبدالکریم جزی در تذکره القبور (ص ۱۰۲) در باره او می نویسد:

چندی در نجف درس خوانده و به اصفهان معاودت نموده مورد توجه و عنایت خاص عموم طبقات قرار گرفته و مردم اخلاص تامی به او داشته و در نماز جماعت او در مسجد حکیم عده زیادی به او اقتداء مینموده اند .

در جوانی وفات یافته و در مقبره پدر بزرگوار خود در جلو روی قبر حاجی طرف بالا سر متصل بدیوار دفن شده قبر او بلند بسته است .

سید محمد مهدی موسوی

فرزند حاج سید محمد علی فرزند حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی عالم فاضل محقق . در سال ۱۲۷۸ متولد گردیده و در ۱۲ شوال سال ۱۳۲۶

وفات یافته در بقعه تکیه آقا سید ابو جعفر در تخت فولاد مدفون گردید.

صاحب عنوان در مسجد سید امامت داشته و مورد توجه مقدسین و مؤمنین بوده و مؤلف کتابی است به نام غرقاب در رجال که در سال ۱۳۰۳ شروع به تألیف آن نموده و تا سال ۱۳۰۹ تألیف آن بطول انجامیده است و آنرا در سن ۲۵ سالگی تألیف نموده است .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۴۴ شانزدهم) می نویسد :

کتاب مشتمل است بر یک مقدمه و دو مرحله و یک خاتمه .

مرحله اول در ذکر علماء قرن یازدهم و مرحله دوم در ذکر علماء متأخر از آنان

آغاز : الحمد لله واجب الوجود المتفرد بالازلیه و الابود ...

نسخه آنرا علامه طهرانی نزد عباس اقبال آشتیانی دیده و نسخه آن در کتابخانه دانشگاه حقوق است که احتمالا همان نسخه مرحوم اقبال آشتیانی می باشد.

(ص ۶۹ و ۱۹۷ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

حجه الاسلام حاج سید محمد تقی موسوی نواده برادر صاحب عنوان فرمودند عمده تحصیلات مرحوم آقا سید محمد مهدی نزد مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی بوده است .

آقا نصیر الدین موسوی

مرحوم حاج سید نصیر الدین فرزند اقا میرزا محمد علی بن سید عبد الحفیظ موسوی کابلی عالم فاضل ادیب از شاگردان مرحوم آقا نجفی و حاج میرزا بدیع درب امامی و جمعی دیگر از بزرگان بوده .

مردی فصیح البیان و شیرین زبان و خوش محاوره و نیکو کلام بود معاشرین او هیچگاه از مؤانست با او خسته نمی شدند وی آنان را با مواعظ و حکایات

و داستانهای عبرت انگیز سر گرم مینمودگاهی منبر رفته و موعظه میفرمود در اواخر عمر در مدارس جدید بکار تدریس مشغول بوده و در سال ۱۳۶۰ و اندی در سفر مکه معظمه وفات یافت .

مشار الیه داماد مرحوم آقا سید محمد فرزند حاج سید محمد علی فرزند سید حجه الاسلام بوده و از این مخدره (دختر اقا جهان اقا) چندین پسر و دختر یافت که از آنجمله است فاضل محترم اقای حاج میرزا محمد علی موسوی رئیس اسبق دانشسرای مقدماتی اصفهان و مرحوم هدایت الله موسوی مدیر کل اسبق آموزش و پرورش استان اصفهان . علیه الرحمه و الرضوان که هر دو برادر از خدمتگزاران صدیق فرهنگ و مورد احترام عموم طبقات مردم اصفهان از علماء و تجار و غیره می باشند .

مرحوم اقا نصیر الدین خاطرات روزانه و پیش آمدها و وقایع را هر روز مرتباً در دفتر می نوشت و این کار شاید متجاوز از چهل سال ادامه داشت که وقایع و خاطرات را یاد داشت مینمود و خود چندین دفتر و کتاب شده بود و دارای فوائد و اطلاعات ذی قیمتی است اکنون نزد ورثه مرحوم آقا سید هدایت الله فرزند ایشان می باشد رحمه الله علیهما .

میرزا یحیی مدرس بید آبادی

فرزند مرحوم میرزا اسماعیل (محمد اسماعیل) ارعقاب علامه مولی محمد باقر سبزواری

عالم فاضل ادیب بارع شاعر فصیح از معاریف علماءِ و فضلاءو ادباء اصفهان در حدود سال ۱۲۵۴در اصفهان متولد گردیده و در اصفهان و نجف از محضر عده زیادی از بزرگان و فحول مجتهدین همچون شیخ انصاری و حاج سید اسدالله بید آبادی و حاج

شیخ محمد باقر مسجد شاهی و آقا شیخ محمد باقر واثق همدانی اصفهانی و آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی و برادر ایشان آقا میرزامحمد هاشم و آخوند ملا محمد کاشانی و علوم غربیه را از ملا هادی سدهی فروشانی فرا گرفته سالهای زیادی در مدرسه میرزا حسین و در اواخر عمر که بواسطه ی ضعف پیری و کسالت از منزل خارج نمیشد عده زیادی در خدمتش ادبیات و مقدمات علوم از صرف و نحو و فقه و اصول فرا می گرفتند که از آن جمله است مرحوم وحید دستگردی (حسن بن قاسم) مدیر مجله ادبی ارمغان .

از آثار مرحوم مدرس ۱ - دیوان اشعار ۲- مرآت المصنف در شرح حال مرحوم حاج میرزا رضا کلباسی بچاپ رسیده است وی در شب ۴ شنبه ۱۵ ذی القعده الحرام ۱۳۴۹ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه میرزا رفیعاء مدفون گردید بعداً که تکیه را بغیر از گنبد آن خراب کرده و قبور آنجا را از بین برده و جزو اراضی فرودگاه شد قبر از بین رفت

مرحوم مدرس داماد مرحوم آقا سید ابو الحسن بن آقا سید محمد علی بن سید حجه الاسلام بوده و پنج فرزند بدین شرح از او یافت

۱- مرحوم آقا حسین مدرس زاده فاضل محترم از وکلای دادگستری مدفون در تکیه میرزا رفیعاء

۲-(@@)

۳- زوجه مرحوم آقا سید ابراهیم موسوی بوده این شاعر متخلص به سری (۱۳۶۹ - ۱۳۱۱)

۴- زوجه کازرونی

۵ - دختری دیگر که شوهر اختیار ننمود .

فصل بیستم: (بید آباد)

(بید آباد)

یکی از محلات قدیمی اصفهان که در طول تاریخ همچون دیگر محلات این شهر تاریخچه ای مجهول و تاریک دارد محله بید آباد است . این محله در شمال غربی اصفهان واقع و در حال فعلی از محلات پر جمعیت و آباد اصفهان محسوب می گردد .

مسجد سید حجه الاسلام و بقعه آن مرحوم در این محله قرار گرفته و در حقیقت تجدید این محله را باید از مرحوم سید حجه الاسلام دانست.

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۸۵) ضمن بنای مسجد سید میفرماید :

قسمت بید آباد و شهیش را که جزو مار بین و باغات حومه شهر میشمردند جزو شهر آورده و محله بزرگی را تشکیل کرد و بر دایره شهر افزود چو مغرب شهر پس از جلوس شاه عباس از طرف در دشت وچملان وسعت یافته دروازه نو و پشت بارو و محله جدید و بباب جدید عباسی شهیر شده و بنهر بابا حسن منتهی

ص: ۲۰۷

گشته اوج آفتاب سید و ساختن آن مسجد بید آباد را بر حد شهر افزود .

بید آباد در قرن پنجم

از تاریـخ این محله (یا دهکده) در قبل از اسـلام اطلاع صـحیحی نداریم همینقدر میدانیم که در قرن دوم و سوم هجری دهکده ای بنام (وید آباد) در مجاورت اصفهان قرار داشته و اهمیت و عظمت زیاد داشته و در قرن چهارم عده ای از بزرگان محدثین در آنجا می زیسته اند.

در موقعیکه علاء الدوله دیلمی باروئی گرد شـهر اصـفهان کشید قسمتی از آن را داخل بارو و نیمی از آن را در خارج بارو قرارداد که با روی او تقریباً در وسط این ناحیه قرار گرفت

از آثار باروی علاء الدوله تا این اواخر قسـمتی باقی بود و کوچه پشت بارو در محله بید آباد که تا کنون معروفست ظاهراً مربوط بهمین باروی علاء الدوله می باشد .

کوچه پشت بارو

این کوچه از لب جوی بابـا حسن شـروع شـده و به بازارچه دروازه نو ختم می شود و در سال ۱۳۱۴ شمسـی که خیابان چهار باغ پائین احداث گردیـد آنرا بدو قسـمت نمود اکنون نیمه اول آن که کوچه ای است شـرقی غربی تقریباً بمحاذات خیابان مسـجد سـید بهمین نام شـهرت دارد (اگر نام آنرا همچون بسـیاری از نامهای قـدیمی که بـدون دلیل و از روی عدم اطلاع عوض نمودند و تاریخچه گویای شـهر را از بین بردند تا کنون عوض نکرده باشند).

ظاهراً نام دروازه تو نیز مربوط بهمین زمان است و کوچه تل عاشقان که همان تل اشکهان است و بمرور زمان تصحیف شده و بدین صورت در آمده است وباب همایون که بعدها بصورت باغ همایون و باغ حاجی (حاج آقا محمد رنانی حاکم اصفهان در زمان زندیه) و اخیراً باغ تختی نیز مربوط بهمین زمان و باروی علاء الدوله می باشد .

نام بید آباد در کتاب محاسن اصفهان

مافروخی (مفضل بن ابو الفضل سعد بن حسین مافروخی اصفهانی از شعراء وادباء و نویسندگان قرن پنجم) در کتاب محاسن اصفهان (ص ۸۱) در ضمن بیان بارو ئیکه علاء الدوله در اطراف اصفهان کشیده نامی از ویذ آباد میبرد و گوید از محلات خارج از بارو می باشد و این محلات عبارتند از : کما ان – بر اان – سنبلان – خرجان –فرسان – باغ عبدالعزیز– جرواآن اشکهان– لنبان – ویذ آباد.

باروی علاء الدوله

امیر علاء الدین (حسام الدین – عضد الدین) علاء الدوله ابو جعفر محمد بن دشمن زیار دیلمی معروف به کاکویه و یا ابن کاکویه از سال ۳۹۸ تا سال ۴۳۳ یعنی تقریباً مدت سی و شش سال حکومت اصفهان را داشته و با کمال قدرت در آنجا حکمرانی مینموده است در سال ۴۲۹ بر گرد شهر جهت محافظت آن از حمله دشمنان باروئی کشید و قسمتی از اصفهان را داخل بارو و قسمتی از آن راخارج بارو قرار داد محیط این بارو را پانزده هزار گام نوشته اند .

(رفع اشتباه) : در کتاب : آثار ملی اصفهان (ص ۱۸۳) در ضمن بیان نام محلات اصفهان می نویسد :

محله اشکهان همان محله شئیش است که در ابتداء ماه برو اسفیش واسفیس و شئیش و شهیش گفته شده و محل آن در بید آباد کنونی بوده است.

نویسنده گوید: همانگونه که تذکر دادیم محله اشکهان همان تل عاشقان فعلی است که از دروازه نو شروع و به خیابان جمال الدین عبد الرزاق منتهی میشود و از کوچه های شمالی جنوبی می باشد .

جمعیت و ثروت مردم بید آباد

در کتاب محاسن اصفهان (ص ۸۹) و در ترجمه کتاب محاسن اصفهان (ص ۷۵) بخلاصه می نویسد :

خبر داد مرا مردی ثقه و مورد اطمینان و همچنین روایات دیگری مؤید آن است که :

روز عیدی در منظر گاهی نشسته بودم از محله بید آباد شمردم فریب دو هزار نفر مرد با لباسهای فاخر و عمامه های قصب و ... به نماز گاه میرفتند .

در باره محله بید اباد (ویذ آباد) می نویسد: اکنون بعضی از آن خارج حصار و برخی دیگر قبرستان شده و باقی همچون دیگر شهر خراب و ویران .

قبرستان بید آباد

بطوریکه معروف و آثار آن تا این اواخر مشهود بود ، باغ مقابل مسجد ذکر الله که اکنون بصورت خانه در آمده و همچنین قسمت غربی جوی بابا حسن و قسمتی از کوچه لزکیها منشعب از کوچه علی قلی آقا و کوچه میرزا اقای چهارسو (کوچه تابش) و... قبرستان بوده و آثار قبرها تا زمان حاضر در برخی از خانه ها ظاهر است همچنین قبرستان در کوشک که در همین اواخر آنرا از

بین بردند و آثار قبرستان تا حدود مدرسه ترکها در این محله در لوله کشی آب مشاهده گردید.

موقعیت جغرافیائی محله بید آباد

آنچه از کتاب : ذکر اخبار اصفهان و دیگر مآخذ و همچنین آثار موجود در این ناحیه استفاده میشود آنست که محله بید آباد از چهار طرف تقریبا باین مجلات رنری محدود بوده است :

مشرق : سنبلان – اشکهان – جورجیر

جنوب : جور جیر – باب کوشک .

مغرب : جوزدان – رباط – طهران

شمال : طهران – مردبان (مورنان فعلی)

توضیح : سنبلان همین سنبلستان فعلی و اشکهان عبارت از تل عاشقان و جور جیر محله حکیم می باشد.

باب کوشک را در قرون بعد باب القصر و در زمان فعلی در کوشک می نامند .

جوز دان ورباط بهمین نام شهرت دارند و طهران همان تیران است (تیران و آهنگران در قسمت شمال غربی خیابان فروغی و میدان جمهوری اسلامی (دروازه طهران)

ومردبان همان مورنان است که در شمال غربی میدان شهداء یعنی آب بخشان قرار دارد و مقبره مردبان همان قبرستان آب بخشان است که در زمان ما از بین رفت .

این حدودی که جهت بید آباد (ویذ آباد) گفته شد تقریبی است و باید درباره آن تحقیق بیشتری بشود.

ص: ۲۱۱

معلوم نیست که این محلات و قرائی که نام بردیم بهمدیگر پیوسته بوده و یا از یکدیگر مجزا بوده است و فاصله بین آنها مزارع و باغات بوده و یا قبرستان.

آثار علاءِ الدوله کاکویه

در زبان دیلمی دائی یعنی خالو را کاکو یا کاکویه می گویند و محتمل است که لفظ «کاکو» تصحیف خالو باشد و چون پدر علاء الدوله یعنی دشمن زیار دائی سیده مادر مجدالدوله دیلمی بوده و بدین سبب اوراکاکویه وابن کاکویه می گفتند . و برخی می نویسند علاء الدوله رائی مجد الدوله و یا پسر خاله مجد الدوله بوده است .

ابن سینا حکیم و فیلسوف وطبیب معروف (۳۷۳ - ۴۲۷) متوفی در اصفهان (تاریخ این اثیر) دو کتاب ۱ ۱ - رساله النبض ۲ - دانشنامه علائی را بنام او تألیف نموده و همچنین ابن مسکویه حکیم و فیلسوف و معلم اخلاق (فوت ۴۲۱) قبرش در نزدیکی امامزاده باقر در محله خواجه قرار داشته است کتاب نزهت نامه علائی را بنام او نوشت .

در زمان او عده زیادی از بزرگان محدثین و علماء و شعراء و ادباء در اصفهان میزیستند که نام آنها در کتب مربوطه ثبت و ضبط گردیده از آنجمله در کتاب ذکر اخبار اصفهان تألیف حافظ ابو نعیم (بضم نون) متوفی بسال ۴۳۰مدفون در قبرستان آب بخشان که در زمان صفویه میر لوحی سبزواری از روی دشمنی که با علامه مجلسی علیه الرحمه داشت آنرا خراب کرد و ظاهراً در نزدیکی مسجد آب بخشان قرار داشته و فعلا اثری از آن موجود نیست .

این قبرستان در اثر احداث خیابان چهارباغ پائین از بین رفت و بقیه آنرا

ص: ۲۱۲

نیز شهرداری تصرف نموده و به اشخاص متفرقه فروخت و اکنون تمام آن بصورت خانه و مغازه و مدرسه در آمده است .

بید آباد در زمان صفویه

از قرن پنجم تا قرن یازدهم اطلاع زیادی از این محله نداریم بطول اجمال و حدس می دانیم که این قسمت از شهر اصفهان چون دیگر قسمت ها دچار سختیها در اثر بروز امراض گوناگون وهمچنین قحط سالیها و از همه بدتر کشت و کشتارهای سلاطین واقع شده است لکن در عهد سلاطین صفویه به خصوص در عهد شاه عباس کبیر و بعد از آن رو به آبادی نهاده است بطوریکه شاردن فرانسوی در سفرنامه خود (ص۱۱۸ جلدهشتم ترجمه آقای محمد عباسی) می نویسد :

این محله دارای ۸۲۲ باب خانه

۸ باب مسجد

۱۱ باب کاروانسرا

۵بازار

۴ باب حمام می باشد

بید آباد در زمان قاجاریه

مرحوم آقا محمد مهدی ارباب در کتاب : نصف جهان در تاریخ اصفهان (ص ۲۵) می نویسد :

آنچه در کتب قدیمه دیده شد و معلوم گشته در زمان سلف تمام این شهر مشتمل و منقسم برشش محله بزرگ بوده : ۱- لنبان ۲- باغ کاران اکنون آنرا خاجو

(خواجو) می نامند ۳- کران ۴ - جنبلان ۵ - جوییاره ۶ - در دشت @@

در زمانهای بعد شانزده محله گردیده از آنجمله : ۱- محله گلبار (گلبهار) ۲- محله قلعه طبرک ۳ - محله در کوشک (باب القصر) ۴- محله بید آباد (ویذ آباد)

در زمان مؤلف کتاب نصف جهان یعنی اواخر قرن ۱۳ چهل محله بزرگ و یا زیاده بوده است .

در طول چهارده قرن تاریخ اسلامی شهر اصفهان بمناسبت بروز حوادث از فتنه ها و آشوب ها وجنگهای دیالمه وقریویان جانشینان ملک شاه سلجوقی و سپس اختلاف شافعیان و خجندیان و بعداً قتل و غارتهای دوران مغول هلاکو و تیمور و سپس فتنه افغان و بعداً جنگ های زندیه و جانشینان کریم خان و ... و در تمام این دوره ها قحط وغلاها و بروز بیماریها بالاخص وبا (برای مثال می نویسند در وبای سال ۴۲۳در شهر اصفهان چهل هزار نفر مردند و در قتل عام سال ۷۸۹ به امر تیمور تعداد هفتاد هزار نفر را کشتند) سبب میشده که عده زیادی از مردم این شهر تلف گردیده و در نتیجه محلات خالی و بدون سکنه و در اثر آن خراب میشده است .

دروازه بید آباد :

مرحوم آقا محمد مهدی ارباب در کتاب نصف جهان فی تعریف الاصفهان در ضمن بیان دروازه های شهر اصفهان (ص ۲۳) می نویسد :

اصفهان دارای چهارده دروازه است (سپس یک یک آنها را ذکر نموده و گوید)

پنجم : دروازه بید آباد با چهار دروازه دیگر در سمت مغرب قرار داشته اند.

انتهی

نویسنده گوید: در زمانهای قدیم که شهرها دارای بارو و حصار بود دروازه ها و محل و کیفیت ساختمان آن جهت دفاع شهر در مقابل تهاجم دشمنان قابل اهمیت

بوده است لکن در زمان حاضر موضوع دروازه برای شهرها از بین رفته است .

محله بیدآباد در قبل از قاجاریه

بطوریکه بیان شد این محله جزو محلات خارج شهر بوده و چندان توجهی بآن نشده است و از آثار قبل از صفویه فقط مسجد در کوشك و مدرسه ترکها و از دوران صفویه مسجد جنب باغ حاجی و مسجد میرزاباقرومسجد علی قلی آقاو مدرسه میرزا حسین را می شناسیم .

بید آباد در پنجاه سال قبل

مرحوم جناب در کتاب الاصفهان (ص ۱۷۶) می نویسد :

بید آباد در سال تألیف کتاب دارای ۱۰۵۵ باب خانه بوده و جمعیت آن ۸۱۸۵ نفر می باشد (البته این مطلب مربوط بزمانی است که محله بید آباد خود به چندین محله کوچك تقسیم شده است)

بید آباد در عهد قاجاریه

از آثاری که میتوان در این محله در دوران سلطنت قاجاریه نام برد مدرسه میرزا مهدی در کنار جوی بابا حسن ومسجد سید حجه الاسلام می باشد .

خیابان مسجد سید

در سالهای اخیر در محله بید آباد وشیش خیابانی شرقی غربی احداث گردید که از جنوب مسجد سید می گذرد و بزرگترین درب مسجد که به درب زنجیر معروفست در آن باز می شود.

ص: ۲۱۵

این خیابان از نظر موقعیت اجتماعی و محلی یکی از مهمترین خیابانهای اصفهان می باشد و از چهار راه @@محرم (چهار راه وفائی) شروع و به چهار راه تختی (چهار راه باب همایون یا باغ همایون) محل تقاطع این خیابان و خیابان چهار باغ پائین منتهی می گردد .

مسجد حاج عباسعلی و مسجد محمدی و مسجد سید و مدرسه میرزا مهدی در کنار این خیابان قرار داشته و مسجد میرزا باقر وحمام آن نیز تقریباً در جنب آن قرار دارد .

مدارس دینی محله بید آباد

سابقاً از قول شاردن فرانسوی تعداد مساجد و حمامها و بازارها و کاروانسراهای محله بید آباد را نقل نمودیم وی برای این محل مدرسه ای ذکر نمی کند

در اواخر عهد صفوی دو مدرسه دینی در این محله ایجاد گردید :

۱ – مدرسه میرزا حسین در بازار بید آباد از آثار باستانی اصفهان

۲– مدرسه میرزا مهدی در کنار جوی باباحسن در بازار چه بید آباد

۳– مرحوم علی قلی آقا در ساختمان مسجد علی قلی آقا جهت سکونت طلاب اطاقهائی ساخته و همچنین جهت آنها در وقفنامه حقوقی معین نموده است .

۴ – مرحوم سید حجه الاسلام نیز در ساختمان مسجد سید جهت سکونت طلاب حجراتی در طاق شبستانها بنا فرموده است

۵ – مدرسه باقریه یا مدرسه در کوشک

۶ – مدرسه ترکها در محله در کوشک هردو از آثار قبل از عهد صفوی را نیز میتوان از مدارس محله بید آباد محسوب داشت

ص: ۲۱۶

مساجد محله بید آباد

شاردن مساجد محله بید آباد را ۸ عدد می نویسد . فعلا مساجد این ناحیه عبارتست از :

۱ – مسجد باروت کوبها واقع در کوچه باروت کویها .

۲– مسجد پشت بارو که در سالهای اخیر آنجا را تغییر ساختمان دادند

۳– مسجد پشت باغ حاجی (خواجه روح الله) سال بنا ۱۰۲۳.

۴ – مسجد حاج عباسعلی از مساجد جدید البناء .

۵ – مسجد سید حجه الاسلام .

۶ – مسجد شیش . واقع در اول محله شیش

۷ – مسجد طیب از مساجد جدید که در مسیر خیابان مسجد سید بکلی خراب شد .

۸ – مسجد علی قلی آقا از آثار باستانی و از مساجد عهد صفوی

۹ – مسجد کوچک بازار چه علی قلی آقا مقابل تیمچه عبا بافی .

۱۰ – مسجد کوچک اقا محمد ربیع جواهری در کوچه علی قلی آقا اخیراً بصورت کتابخانه در آمد.

۱۱ – مسجد محمدی از مساجد جدید البناء

۱۲ – مسجد ملا کاظم واقع در سر جوی بابا حسن .

۱۳ – مسجد میرزا باقر از مساجد عهد صفوی .

مساجد زیر را نیز میتوان جزو مساجد این محله محسوب داشت (بطوریکه شاردن نیز جزو مساجد بید آباد بحساب آورده است)

۱۴ – مسجد در کوشک (پاشیر کوشک – مسجد حاج میرزا ابو الحسن

در کوشکی)

۱۵ – مسجد ذکر الله .

۱۶ – مسجد کوچک بازارچه در کوچک که در سالهای اخیر در آن تعمیرات اساسی و کلی انجام گرفته است .

غیر از مساجد نامبرده در خود محله بید آباد و محلات منشعب از این محله متجاوز از بیست مسجد بزرگ و کوچک دیگر نیز وجود دارد که عموماً در دو وقت ظهر و شب اقامه جماعت در آنها میشود.

قدمگاه :

در بازار چه میرزا باقر به ستون یکی از دکالین سنگی نصب شده است و بر روی آن جای پائی است و معروفست که جای قدم یکی از بزرگان دین می باشد در صحت و سقم آن در انتساب هیچگونه اظهار نظری نمیتوانم نمود توضیحاً آنکه در مسجد آقا نور در محله دردشت در زیر گنبد نیز سنگی بدیوار نصب است و آنهم اثر پائی دارد و به قدمگاه شهرت دارد و حال او همچون دیگر قدم گاه ها می باشد (غیر از قدمگاهیکه در راه مشهد حضرت رضا علیه السلام است که بطوریکه در مطلع الشمس (ص ۳۰ ج ۱) نوشته است انتساب و صحت آن بدون تردید می باشد) و الله العالم

اسامی کوچه های محله بید آباد

محله بید آباد از نظر تقسیمات شهری جزو ناحیه ۲ شهربانی (کلانتری ۲) و ناحیه ۲ شهرداری و ناحیه پنج آموزش و پرورش محسوب میشود و به محلات و کویهای کوچکی تقسیم میشود لکن به مجموعه آن بید آباد گفته میشود وذیلا بجهت اطلاع خوانندگان محترم و همچنین ثبت در تاریخ اسامی کوچه های آن که هر آن ممکن است گرفتاری بیماری تغییر نام گردد اقدام می شود ۱- کوچه آهنی

ص: ۲۱۸

۲- کوچه آسیاب اشتهاردیها ۳ - کوچه اره کشها ۴ - باروت کوبها ۵ - باغ حاجی یا باب همایون یا اخیراً باغ تختی ۶ - باغ کوره ۷- پشت بارو ۸ - پشت مسجد سید ۹ - تاریکی در مسیر خیابان مسجد سید قرار گرفته و از بین رفت ۱۰-ترکها ۱۱ - حبیبیان یا اعتماد الدوله مقابل در بزرگ مسجدسید قرار داشت و در مسیر خیابان قرار گرفت ۱۲ - ساغری چیها۱۳ - سنگ بست ۱۴-سوزنگرها ۱۵-شش انگشتی ها در مسیر خیابان چهارباغ پائین قرار گرفته و از بین رفت ۱۶ - شیش (به کسر شین و سکون یاء و نون) ۱۷ - علی قلی آقا از کوچه های اصلی این محله ۱۸ - قاضی عسکریها ۱۹ - قبله دعا ۲۰ – قمیها ۲۱ - کله پزها ۲۲ - لرها ۲۳ - لکزیها ۲۴ - مشایخ بید آباد (شیخ ها) ۲۰ - مقدس ها ۲۶ - منبر گلی ۲۷ - میرزا باقر ۲۸ - میرزاها (تابش ها - کوچه ملاذ الاسلام نیز گفته میشود) ۲۹ - حاج میرزا یحیی مستوفی (کوچه سرجوی نیز گفته میشود) وغیره

برخی از بازارچه های محله بید آباد

در این محله دو بازار بزرگ و چندین بازار چه قرار دارد از اینقرار :

۱- بازار بید آباد ۲ - بازار علی قلی آقا ۳ - بازار چه باغ حاجی در مسیر خیابان چهارباغ قرار گرفت و خراب

شد و کوچه پشت باغ حاجی و کوچه شش انگشتی ها در جنوب شمال آن قرار داشت و کوچه باغ حاجی و کوچه سینی پائینی یا کوچه شیخ الاسلام در مغرب و مشرق آن بود ۴ - بازارچه چوب بست شیس ۵- بازارچه حبیب الله خان - بازار ریسمان ۷- بازارچه میرزا باقر ۸ - بازارچه شاطر باشی و غیره خیابان مسجد سید قسمتی از بازار بید آباد و چهار سوی آنرا خراب کرد لکن هنوز بازار بید آباد از اهمیت شایسته ای برخوردار است .

کاروانسراها و تیمچه های بید آباد

در زمانهای قدیم که گاراژ و مسافربریها و همچنین مسافرخانه و مهمانسراها وجود نداشت مسافرین اینگونه نیازهای خود را بوسیله کاروانسراها و تیمچه ها بر آورده می نمودند .

کاروانسراها و تیمچه ها بر دو گونه بود:

۱ - کاروانسراها و تیمچه های تجارتی که محل کسب و تجارت ومال التجاره و داد و ستد امتعه بود

۲- کاروانسراها و تیمچه ها مسافرتی که قوافل در آن وارد می شدند و مسافرین در آنجاها منزل می نمودند .

در محله بید آباد و اطراف آن چندین کاروانسرا وجود داشت که عموماً در سالهای اخیر یا بطور کلی از بین رفته و یا تغییر صورت یافته است و آنها بقرار زیر می باشد :

۱- کاروانسرای آفتابگاه (کاروانسرای محمد یوشنی) قسمت عمده آن در مسیر خیابان مسجد قرار گرفت و قسمتی از آن بصورت مغازه و گاراژ در آمد

۲- کاروانسرای کوچک آفتابگاه که در این اواخر بصورت کالسکه خانه در آمده بود و در مسیر خیابان قرار گرفت

۳- کاروانسرای مقابل مدرسه میرزا حسین از موقوفات مدرسه نامبرده

۴ - کاروانسرای ماست بندی

۵ - کاروانسرای اول چهار سوق علی قلی آقا

۶ - تیمچه عبا بافی و احرامی بافی در بازارچه علی قلی آقا

مرحوم حاج میر سید علی جناب در کتاب الاصفهان (ص۵۸) طول و عرض

ص: ۲۲۰

هر یک از این کاروانسراها را معین نموده طالبین مراجعه نمایند

حمامهای محله بید آباد

در محله بید آباد چندین حمام وجود دارد که اسامی آنها بدینقرار است

۱ - حمام چوبی

۲- حمام حاج کاظم

۳- حمام دو قلی زنانه و مردانه

۴ - حمام علی قلی آقا زنانه و مردانه از آثار باستانی مربوط به اواخر عهد صفوی

۵ - حمام قاسم خان واقع در کوچه سادات قاضی عسکر در سالهای اخیر آنرا خراب کردند

۶ - حمام محمد رضا خان زنانه و مردانه

۷- حمام میرزا باقر جنب مسجد و بازار چه میرزا باقر این حمام در سالهای اخیر گرفتار بیماری تغییر نام گرد

ید و اخیراً بنام حمام گلستان خوانده میشود .

چهار راه هفتم محرم

در روز هفتم محرم سال ۱۳۹۷ در این محل مأمورین حکومت سابق جلو تظاهرات مردم حق جو و مسلمان این شهر که قصد راه پیمائی و عزاداری ایام محرم را داشته را گرفته و با کشتن و مجروح کردن عده ای از مردم بی پناه جمعیت را متفرق کردند . بهمین جهت نام این چهار راه را چهار راه هفتم محرم گذاردند که این خاطره فراموش نشود .

ص: ۲۲۱

نامگذاری خیابانها و کوچه ها

از نظر روانشناسی دانشمندان و روان شناسان می گویند :

طرز گفتار و طریقه رفتار و روش راه رفتن و نشستن و خلاصه کلیه اعمال و اطوار اشخاص معرف روحیه آنها می باشد بخیل و سخاوتمند - متکبر ومتواضع و... را میتوان در اولین برخورد با آنها شناخت آنها که به چیزهای کوچک نامهای بزرگ می گذارند یعنی بزرگ را کوچک می بینند نشانه روحیه خودنگری و کوچک بینی آنهاست بطور مثال وقتی به یک کوچه تنگ و تاریک و یا خیابان پیچ در پیچ نام ملا صدرا می گذارند و یا صاحب دکان جگرک فروشی نام مغازه خود را ابن سینا می گذارد معرف جهل و نادانی نام گذاران و کوچک بینی بزرگان است این طرز تسمیه از مقام والای آن بزرگان چیزی نمی کاهد لکن کوتاه فکری و عدم آشنایی بمقام شامخ و شخصیت علمی و اجتماعی اینان را میرساند .

از این طرز نام گذاری بدتر ورسواتر تغییر نام و عوض کردن اسامی است.

مسلم است که باید نام مردم نیکو کار و علماء و دانشمندان زنده بماند و یکی از راههای زنده نگاه داشتن همین نام گذاریها می باشد اما اگر قرار باشد نام کوچه یاخیابانی را که بمناسبتی شهرت یافته برداریم و نام دیگری بگذاریم چند صباحی بیش طول نمی کشد که مجدداً این نام به نام دیگری تغییر می یابد و این عمل بطور مداوم تکرار می شود .

(داستانی شنیدنی) :

نقل است که بعد از آنکه شاه عباس کبیر صفوی مسجد شاه اصفهان را ساخت جهت @@ آن نیاز به سنگ مرمر داشت بعضی از اطرافیان کوته نظر پیشنهاد کردند که سنگهای مسجد جامع را کنده و در این مسجد بکار برده شود. مرحوم شیخ بهائی رحمه الله علیه با این پیشنهاد مخالفت

نموده و گفت: اگر چنین کاری انجام دادید این طرز عمل سنتی می شود و بعد از این دیگران نیز سنگهای مسجدی را که شما بنا کرده اید را از محل خودکنده جای دیگر بکار میبرند .

بنابراین مقتضی است اگر قرار شود نام بزرگی و خدمتگذاری و یا عالم و دانشمندی باقی بماند این نام راروی خیابانها و کوچه های جدید و بی نام بگذارند و اسامی را مرتب تغییر ندهند .

در هر حال نام این خیابان که از جلو مسجد سید عبور میکرد بنام طاغوت زمان بود آنرا بنام خیابان مسجد سید تغییر دادند.

بزرگان محله بیدآباد در دوره اول

ذیلا جهت مزید فایدت به ذکر اسامی چندین نفر از بزرگان علماء و محدثین که در این محله سکونت داشته اند اشاره می شود:

۱- حافظ ابو نعیم احمد بن عبد الله مدفون در آب بخشان (مقبره مردبان).

۲- ابو مسعود احمد بن فرات رازی اقا شیخ ابو مسعود رازی (مقبره او هنوز باقیست).

۳- ابو عبد الله احمد بن محمد ویذ آبادی . متوفی بسال ۴۲۲ ه. ق (ص ۱۹۲- آثار ملی اصفهان)

۴ - ابومحمد جابر بن منصور ویذ آبادی . (آثار ملی اصفهان ص ۱۹۲)

۵ - عبد الله بن احمد بن اسحق پدر حافظ ابو نعیم (۳۶۵ - ۲۳۱).

۶ - ابو محمد عبدالله بن اسحق خیاط ویذ آبادی (ص ۱۹۲ آثار ملی اصفهان).

۷ - ابو عبد الله محمد بن حسن متوفی بعد از سال ۳۵۰ ه . ق (ذکر اخبار اصفهان صفحه ۲۹۳ دوم) .

۸- محمد بن عبد الله بن احمد برادر حافظ ابو نعیم متوفی بسال ۳۹۵ ه .ق (ذکر اخبار اصفهان صفحه ۳۰۷ دوم).

بزرگان محله بید آباد از قرن پنجم تا قرن دوازدهم

در این هفت قرن محله بیـد آبـاد بعلت خـارج بودن از شـهر از اهمیت و موقعیت اولیه خود افتاده بود و مردم بخصوص بزرگان بیشتر در داخل شهر سـکونت داشـتند در عهد ترکمانان آق قویونلو و سـپس در عهد صـفویه که جمعیت شهر روبتزاید گذاشته بود و در اثر کفایت و لیاقت و حسن تدبیر و سیاست پادشاهان صفوی امنیتی برای مردم فراهم شده بود این ناحیه و محله نیز همچون دیگر محلات رو به آبادانی نهاد از آثار قبل از صـفویه بایـد سـر درب در کوشک و مـدرسه ترکها و احتمالا مـدرسه در کوشک را نام برده ضـمناً چون محله بید آباد ابتدای ماربین و جائی خوش آب و هوا بود عـده ای از بزرگان در آنجا باغ و خانه تهیه نموده و اینک بنام عده ای از علماء و بزرگان این ناحیه اشاره می کنیم :

۱ - شیخ ابوطالب زاهدی فرزند ملاعبدالله بن علی بن عطاء الله لاهیجانی از اعقاب شیخ زاهد گیلانی عارف معروف و مراد و مربی شیخ صفی الـدین اردبیلی جد سـلاطین صـفویه . از علماء معروف و صاحب تألیفات متوفی بسالی ۱۱۲۷ (ص ۷۹ بزرگان و دانشـمندان اصفهان) کوچه شیخ ها یا مشایخ مقابل حمام دو قلی جنب مسجد سید منسوب به خاندان شیخ زاهد گیلانی می باشد .

۲- اعتماد الدوله فتح علیخان لکزی (فرزند الخاص میرزا از نسل بنی عباس) وزیر با کفایت شاه سـلطان حسـین که در اثر سعایت مخالفین او را کور کردند . منزل اعتماد الدوله مقابل مسجد سید (در بزرگ مسجد) قرار داشت و در مسیر خیابان مسجد سید قرار گرفت . ظاهراً کوچه باغ که از کوچه های مجاور این

قسمت قرار دارد نیز مربوط به باغ اعتماد الدوله بوده است . وی غیر از فتح علی خان قبه است که او نیز از حکام عهد شاه سلطان حسین صفوی بوده و ظاهراً خانه او در محله قبله دعا نزدیک باغچه چی بوده است .

۳ – میرزا محمد باقر : بازارچه وحمام و مسجد او هنوز باقی و بنامش معروفست.

۴ – حبیب الله خان : بازارچه ای جنب بازارچه میرزا باقر بنام او مشهور ومعروفست.

۵ – محمد رضا خان از بزرگان عهد صفوی حمام او جنب بازارچه شاطر باشی که احتمالا او نیز مربوط بعهد صفوی است باقی و دایر است .

۶ – چهار سلسله از سادات بزرگوار و صحیح النسب حسینی و در این محله سکونت داشته اند که تاکنون اولاد و اعقابشان ساکن می باشند، سادات خاتون آبادی اولاد آقای تکمه حسین– سادات خلیفه سلطانی – قاضی عسکر – سادات میر محمد صادقی .

۷– سید محمد سعید موسوی بحرینی عالم فاضل متقی در فتنه افغان وفات یافته و در منزل خود مدفون سپس قبر در داخل چهلستون مسجد سید قرار گرفت که تا کنون معروف و معین است .

۸ – شیخ محمد علی حزین فرزند شیخ ابو طالب زاهدی سابق الذکر صاحب تألیفات کثیر . (۱۱۰۳– ۱۱۸۱).

۹ – قاسم خان از معاریف عهد صفویه و از آثارش حمام قاسم خان در کوچه سادات قاضی عسکر در جنب باغ همایون (باب همایون) تا این اواخر موجود بود در سالهای اخیر آنرا خراب کردند.

۱۰– لطفعلی خان لکزی سردار معروف زمان شاه سلطان حسین صفوی شوهر

خواهر اعتماد الدوله فتح علیخان لکزی .

یکی از علل ظاهری شکست ایران در برابر افاغنه و انقراض سلسله صفوی برکنار نمودن این سردار دلیر و شجاع و کار آمد از فرماندهی قشون ایران وزندانی ساختن او بود . شرح آنرا باید در کتابهای تاریخ مربوط به آن زمان مطالعه کرد .

ظاهراً خانه لطفعلی خان لکزی در محله قبله دعا در نزدیکی های حمام چوبی و باغچه چی بوده است.

بزرگان و معاریف محله بیدآباد در عهد قاجاریه و بعد از آن

در این زمان بمناسبت وجود مرحوم سید حجه الاسلام این محله آباد وهر روز بر آبادیش افزوده شده و علماء و بزرگان گرد وجود پر خیر و برکت او جمع شدند و تا کنون هر چه هست از آثار وجود ایشانست .

در این قسمت در صدد آن نیستیم که کلیه علماء و بزرگان و شعراء و نویسندگان این محله را نام ببریم فقط بعنوان تیمن و تبرک بذکر اسامی چند نفر اشاره می کنیم .

۱- سید ابو الحسن طبیب حسینی از پزشکان معروف فرزندانش بنام بصیر در طهران و خارج ایران مشهورند.

۲- حاج میرزا ابوالقاسم بن علی اکبر بید آبادی شاعر - ادیب، متوفی بسال ۱۳۰۱ هجری مؤلف : ۱- حقایق ناصری منظوم و مطبوع ۲- حقایق النبویه والعلوم منظوم ۳ - دیوان اشعار ۴ - علاج الامراض ۵ - همیان مثنوی موش گربه در نقد اجتماعی بصورت فکاهی و غیره (الذریعه ص ۱۰۲ دانشمندان اصفهان).

۳- آقا احمد مازندرانی بید آبادی استاد اقا جعفر لاهیجانی گیلانی (ص ۵۱۵ سوم فهرست کتابخانه دانشگاه).

۴ - اقا شیخ احمد بن علامه مولی محمد جواد بن محمد حسن حسین آبادی سرجوئی (سرجوی بید آباد) اصفهانی عالم عامل فقیه محقق زاهد عابد متولد در حدود سال ۱۲۷۹ و متوفی در روز چهارشنبه ۲۱ جمادی الاولی ۱۳۵۷ مدفون در بقعه تکیه مرحوم بروجردی (مرحوم در کوشکی در تخت فولاد) مجاز از پدردانشمند خود و مرحوم اقا میرزا محمد باقر میرزا محمد هاشم چهارسوقی (ص ۱۱۶ دانشمندان و بزرگان اصفهان - ص ۹۲ یکم نقباء البشر - ص @@یکم خلد برین)

۵ - مرحوم آقا شیخ احمد بن اقا شیخ محمد حسین واعظ خونساری اصفهانی از وعاظ معروف متوفی در روز ۱۹ جمادی الاولی ۱۳۴۵ درخونسار داماد فاضل مقدس زاهد اقا شیخ ابو تراب زاهدی از سلسله مشایخ بید آباد (فوت۱۳۶۳).

۶ - امام جمعه بید آباد : مرحوم میرزا حیدر علی مجلسی در رساله تذکره الانساب (ص ۱۰۱) بخلاصه گوید :

علامه مجلسی از عتیقه معقوده دو پسر و دو دختر داشته بدین شرح :

۱- میرزا عبدالله

۲ - میرزا محمد جعفر

۳- زوجه میر زین العابدین بن میر محمد صالح .

۴ - زوجه * دارای شش دختر (نام شوهرش مذکور نیست)

دو دختر از میرزا عبدالله در بیدآباد بشوهر رفته بودند :

۱- زوجه میرزا عبدالله بن میر سید محمد ملا باشی بن میر محمد صالح .

۲- زوجه میرزا محسن بن میر زین العابدین بن میر محمد صالح .

واما امام جمعه بید آباد و او میرزا محمد علی بن میر سید رضا بن میر زین

العابدین بن میر محمد صالح می باشد .

(معنی امام جمعه بید آباد بر نویسنده روشن نیست شاید امام جماعت بوده است).

۷- آقا سید محمد باقر طبیب (ص ۴۶۵ تاریخ و جغرافیای چهار محال جلد اول) از اطباء معروف ساکن محله بید آباد :

۸- حاج میرزا محمد باقر حکیمباشی فرزند آخوند ملا عبدالجواد حکیم (فوت شب غره صفر ۱۲۸۱) فرزند ملا محمد علی بن ملا احمد توتی خراسانی طبیب فقیه ادیب در زمان او تدریس طب قدیم باو اختصاص داشته و خود در آن مهارتی داشته است در ۶ جمادی الاولی سال ۱۳۲۷ وفات یافته در یکی از اطاقهای جنوبی تکیه مرحوم آقا سید ابوجعفر صدر مدفون گردید و بعداً اولاد و اعقاب و نزدیکانش در آنجا بخاک رفتند.

از آثارش رساله در وبا و طرز معالجه آن بچاپ رسیده و نسخه ای از چهل حدیث از فرمایشات بزرگان دین مورخ به غروب ۵ شنبه ۷ جمادی الثانیه ۱۲۸۵ بخط و امضاء محمد باقر بن عبد الجواد در نزد نویسنده موجود است که احتمالا از صاحب ترجمه می باشد.

در محله بید آباد و متفرعات آن چندتن از اطباء قدیم سکونت داشتند که عموماً بخلافت و مهارت در فن طب شهرت و عنوانی داشتند .

۹ – میرزا جعفر بید آبادی . مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۳۶۰) در ذکر اسامی باغهای اصفهان می نویسد :

باغ قورچی باشی علیا که در خیابان چهار باغ بالا قرار داشت و از آثار قورچی باشی شاه عباس دوم بود و مساحت آن حدود بیست و شش هزار ذرع میشد را میرزا جعفر بید آبادی زمان صادر کرد و خراب نمود و این باغ غیر از باغ

قورچی باشی سفلی است که میرزا تقی اشراقی با سه باغ دیگر (۱- با ایشیک آقاسی ۲- باغ قرچقای خان ۳- باغ توشمال باشی) فرمال گرفته و همه راخراب نمود .

(فائده) : قورچی باشی رئیس مسئول سلاح داران و داروغه اسلحه خانه را گویند. را گویند .

نام قورچی باشی ظاهراً میرزا تقی است . نصرآبادی در تذکره (ص ۸۳) گوید : وزارت لاهیجان یافته و معزول گشته سپس استیفاء قورچیان باو محول گردیده و در آن منصب فوت شده از اشعار اوست :

حق را زدل خالی از اندیشه طلب کن

زین شیشه بی @@ بی شیشه طلب کن

۱۰ - شیخ محمد جعفر بن مولی محمد رفیع بن محمد رفیع گیلانی رشتی اصفهانی بیدابادی عالم فاضل برادر عالم فاضل واعظ جلیل آقا شیخ محسن رشتی از شاگردان سید حجه الاسلام . صاحب عنوان نیز احتمالاـ از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام و خود از فضلاء و علماء اصفهان می باشد .

۱۱ - حاج محمد جواد عارف سرجوئی (بمناسبت سکونت او در سرجوی بابا حسن در محله بید آباد) فرزند حاج محمد حسین بن شیخ زین الدین از سلسله مشایخ ذهبیه در اصفهان . پدرش نیز از عرفاء و سالکین بوده و در ذی القعده سال ۱۲۹۳ وفات یافته در ضمن مقبره سر قبر آقا در محله خوابجون (در جنوب شرقی صحن نامبرده) مدفون گردید . صاحب عنوان در دهم ماه صفر سال ۱۳۴۵ بسن قریب به نود سالگی در کربلا وفات یافته در همان ارض مقدس مدفون گردید.

۱۲- خاندانهای : امامی از سلسله سادات حسینی از اعقاب امامزاده و اجب التعظیم والتکریم جناب ابو الحسن زین العابدین علی معروف به درب امام فرزند

جناب نظام الدین احمد بن شمس الدین عیسی ملقب به رومی فرزند جمال الدین محمد بن جناب علی العریضی فرزند حضرت جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام از معروفترین امامزادگان اصفهان می باشد وی در محله چملان (چنبلان - جمبلان @@ سنبلان سنبلستان) ساکن بوده است و پس از فوت در جنب مسجد سعید بن جبیر مدفون گردیده مقبره او از آثار باستانی اصفهان وقبر او از مزارات متبرکه این شهر می باشد .

اعقاب او جمعی در همین محله سکونت دارند و به سادات امامی درب امامی شهرت دارند و عده ای در محله بیدآباد سکونت دارند که معروفترین آنها در این اواخر

عالم فاضل فقیه حکیم حاج میرزا محمد باقر بن اقا سید احمد متوفی در قبل از ظهر چهارشنبه صفر ۱۳۶۴ و مرحوم حاج میرزا آقا فرزند سید محمد حسین بن میرزا جان نقاش از اساتید فن مینیاتور می باشد .

۱۳ - خاندان مرحوم سید حجه الاسلام رشتی .

۱۴- خاندان مرحوم خونساری اولاد و اعقاب مرحوم مولی علی اکبر خونساری علیه الرحمه .

۱۵- خاندان در میانی از اعقاب علامه فقیه حکیم فیلسوف میرزا رفیع الدین محمد بن حیدر طباطبائی نائینی معروف به میرزا رفیعا و از معاریف این سلسله در این اواخر مرحومین حاج سید محمد باقر و حاج میرزا حسن درمیانی می باشند که از فضلاء اصفهان و در جنب مسجد سید سکونت داشته اند .

۱۶- خاندان سادات شهشهانی حسینی از اعقاب مرحوم میرزا جعفرشهشهانی

۱۷ - سادات مقدس از اعقاب مرحوم سید ابراهیم حسینی ساوجی سبزواری مختاری .

ص: ۲۳۰

۱۸- سادات نحوی از اولاد و اعقاب مرحوم آقا سید محمد حسن مجتهد موسوی : مرحوم حاج سید مهدی فرزند ارشد و اعلم آن مرحوم از علماء اخیار و فضلاء ابرار و مدرسین سطوح فقه و ادبیات در اصفهان بوده و بعلت تخصص در تدریس کتب نحو به نحوی شهرت یافته است و او غیر از نحویهای مرندی است که در حدود مسجد جامع سکونت داشته اند مرحوم حاج سید مهدی در حدود سال ۱۲۴۰ و کمی قبل از آن متولد و در ۱۳۰۷ در اصفهان وفات یافته در جنب پدر و آباء کرام خویش در تخت فولاد مدفون گردید رحمه الله علیهم اجمعین .

۱۹- سید رحیم بن محمد شفیع حسینی تنکابنی اصفهانی بیدابادی از شاگردان مرحوم حاج سید یوسف بن محمد حسینی قاینی اصفهانی (متوفی در ۱۴۲۴سال ۱۲۴۶) (ص ۵۳۹ دوم الکرام البرره) .

۲۰- شیخ عزیز الله بیدآبادی از سلسله مشایخ بید آباد . در علم رمل وجفر و اعداد استاد بوده و علاوه بر آنها فقیهی عالیقدر بشمار میرفته در اواخر قرن سیزدهم وفات یافته است (ص ۱۹۳ - آثار ملی اصفهان نقل از جغرافیای اصفهان)

۲۱ - شیخ علی شیشی یزدی عالم فاضل رساله در احکام : رشد و سفاهت تاریخ فراغت از تألیف ۱۲۷۰ - علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۸۲۹ دوم) می نویسد : رساله مزبور را دیدم که دلالت بر تبحر او در فقه مینمود و هم در آن رساله گفته بود که وطنم شیشه و مسکنم یزد است .

بظن نویسنده شیشه و شیش همان محله شیش (بکسر اول و سکون دوم و سوم) از محلات فرعی بید آباداست اگر این احتمال درست باشد مشار الیه نیز بید آبادی خواهد بود .

۲۲- سید علی نقی بن اسماعیل موسوی اصفهانی بیدآبادی در سال ۱۲۳۱ مجموعه ای از چهار کتاب بشرح زیر :

۱ – معارج تألیف علامه حلی ۲– مبادی تألیف علامه حلی ۳ – تهذیب تألیف علامه حلی ۴ – شرح بدایه شهید دوم ترتیب داد – و آنرا بخط نسخ کتابت نموده نسخه بشماره (۱۱۹) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (ص ۱۳۳ یکم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی).

۲۳ – حاج فاضل بید آبادی مرحوم حاج ملا اسد الله بن حاج ملامحمد باقر بن ملا محمد رضا عالم فاضل زاهد از شاگردان مرحوم حاج میرزا بدیع درب امامی و اقا سید محمد باقر در چه ای و اقا نجفی و دیگران بوده و در خدمت اقایان مسجد شاه به امور شرعی و رسیدگی به اختلافات مردم میپرداخته در ۴ شنبه ۲۱ ذی القعده سال ۱۳۶۳ وفات یافته در خارج بقعه مرحوم بروجردی در تخت فولاد مدفون گردید .

۲۴ – قاضیها – خاندان قاضی . دو خانواده در این محله سکونت داشته و دارند که منصب قضاوت اصفهان از بعد از سلاطین صفویه تا قبل از دوران مشروطه و ایجاد عدلیه (دادگستری) در بین آنان بوراثت و لیاقت برقرار بوده است .

۱– اعقاب شیخ زاهد ثانی گیلانی یعنی سلسله مشایخ بید آباد .

۲ – اعقاب محقق سبزواری علامه مولی محمد باقر که عموماً در محله چهار سوی درب شیخ (شیخ ابو مسعود رازی) سکونت داشته و ظاهراً اعقاب دختری قاضی محمد ابراهیم بن غیاث الدین محمد خورانی متوفی بسال ۱۱۶۰ می باشند

۲۵ – میرزا قیصر بید آبادی شاعر لطیفه گوی و ادیب نکته سنج در قرن سیزدهم میزیسته است

این دو سطر شعر از اوست . (ص ۴۶۴ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

هنگام صباح چائی و شیر خوش است

در وقت نهار قند و سرشیر خوش است

چون عصر شود دوباره چائی نیکوست

در آخر شب صدای کفگیر خوش است

ملاصادق ذاکری سدهی در جواب او گوید :

اندر دل شب ناله شبگیر خوش است

در وقت سحر توبه زتقصیر خوش است

مطلوب سحرگهان بود استغفار

چون فجر دهد ضدای تکبیر خوش است

۲۶ - آخوند ملا کاظم بن مشهدی نصر الله مروج بید آبادی عالم فاضل مقدس ادیب شاعر مؤلف متوفی در سال ۱۳۶۳

۲۷ - حکیم فقیه عابد زاهد فیلسوف مرحوم آقا محمد بن محمد رفیع گیلانی معروف به آقا محمد بید آبادی از سلسله مشایخ بید آباد .

مشایخ بیدآباد

سلسله مشایخ بید آباد که بنام عده ای از آنها اشاره شد و میشود عموماً از اعقاب عارف مشهور شیخ زاهد گیلانی اول (شیخ ابراهیم بن روشن امیر) و شیخ زاهد گیلانی دوم که هر دو از بزرگان مشایخ واقطاب عرفاء و صوفیه بوده اند می باشند

اعقاب این دو که در اصفهان و گیلان ساکن بوده و می باشند عموماً از اهل فضل و ادب و شعر و از فقهاء وحکماء محسوب می شوند و جمعی از آنان در علم و زهد و تقوی بمقامات عالیه رسیده اند و نامشان در کتب شرح حال رجال علمی مذکور است.

ذیلا بنام عده ای از آنان اشاره می شود (از اصفهانیها):

۱ - مرحوم آقا شیخ ابو تراب بن محمد علی زاهدی از معاصرین .

۲- مرحوم آقا شیخ ابو جعفر مازندرانی قاضی اصفهان از علماء قرن دوازدهم

(ص ۵۳ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

۳- مرحوم آقا شیخ احمد به ابی تراب بن محمد حسن مدفون در قبرستان آب بخشان (ص ۵۴ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

۴ - مرحوم آقا میرزا اسد الله طبیب از اطباء قدیمی از معاصرین .

۵ - مرحوم اقا شیخ محمد حسن بن ملا عبد الله قاضی اصفهان مدفون در قبرستان آب بخشان ص ۵۳ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

اولین فرد این خاندان است که بمنصب قضاوت این شهر نائل گردیده است (ص ۵۶۶ گنج شایگان)

۶ - شیخ زاهد ثانی گیلانی متوفی بسال ۱۲۲۲ عالم فاضل عارف کامل (ص ۷۵۰سوم مکارم الاثار)

مرحوم معلم حبیب آبادی در ذیل ترجمه شیخ زاهد می نویسد :

۱- ابوالفتح خان بختیاری فرزند قاسم خان حاکم اصفهان در عهد رضا قلی میرزا فرزند نادر شاه و

۲- میرزا حسین تحویل دار از اولاد شیخ زاهد گیلانی می باشند (غیر از میرزا حسین خان سر رشته دار فرزند میرزا مرتضی و متوفی در غره شب سال ۱۳۲۰ می باشد)

۷ - شیخ محمد صالح بن شیخ زین العابدین عالم فاضل ادیب شاعر معلم و امام جماعت مدرسه دارالفنون و مختصر کننده تذکره الخطاطین تألیف میرزا سنگلاخ خراسانی (ص ۴۸۶ گنج شایگان)

۸- شیخ محمد طاهر (میرزا محمدطاهر) معروف به دیباچه نگار فرزند شیخ زین العابدین مؤلف کتاب: تذکره گنج شایگان متولد در ۱۰ ذی الحجه سال ۱۲۲۴ در اصفهان (ص ۵۶۶ گنج شایگان) و متوفی بسال ۱۲۷۵ در تهران (ص ۷۸۰ سوم مکارم الاثار) شاعر متخلص به شعری

۹ – شیخ عبد الله قاضی متوفی در محرم سال ۱۲۹۱ مدفون در رواق حرم کربلا-جنب ضریح حبیب بن مظاهر اسدی (ص ۵۴ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

۱۰ – مرحوم آقا شیخ عبد الوهاب زاهدی عالم فاضل ادیب از معلمین مدرسه علمیه و مدرس سطوح ادبیات از معاصرین

۱۱– شیخ عبدالوهاب بن محمد قاضی متوفی بسال ۱۲۰۶ مدفون در پشت بقعه آقا محمد بیدآبادی در تخت فولاد اصفهان (ص ۵۴ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

۱۲– شیخ عبد الهادی قاضی داماد علامه فقیه اقا سید صدر الدین محمد عاملی . در گنج شایگان (ص ۵۶۷) گوید : وی پنجمین نبیره شیخ محمد حسن قاضی است و تا سال ۱۲۷۳ حیات داشته است (ص ۵۴ دانشمندان و بزرگان

اصفهان)

۱۳ – مرحوم آقا شیخ علی بن شیخ مفید عالم فاضل جلیل از مدرسین مدرسه صدر اصفهان متوفی بسال ۱۳۴۵ مدفون در تخت فولاد نزدیک مقبره اقا محمد بید آبادی (ص۴۹۶ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

۲۸ – مرحوم ملا علی بن محمد حسین محله نوی بید آبادی عالم فاضل از علماء ریاضی و از مفاخر علمی معروف به جمشید ثانی متولد در ۱۲۱۵ در ۳ شنبه ۱۷ صفر سال ۱۲۹۳ در طهران وفات یافت دو فرزند دانشمند و منجم و ریاضی دان:

۱ – میرزا عبد الوهاب منجم باشی (۱۲۸۹ – ۱۳۵۰) ۲ – حاج نجم الدوله میرزا عبد الغفار (۱۳۲۶– ۱۲۵۹) و یک دختر که عیال شیخ عبدالجلیل اصفهانی و مادر دکتر میرزا علی خان ناصر الحکماء و اعلم الممالك (تولد ۱۲۸۴) می باشد مرحوم ملا علی محمد مؤلف کتابی است بنام تکمله العیون و او ظاهراً اولین فردی است که موفق به کشف لگارتیم شده است لکن عنوان و شهرت آنرا اروپائیان بردند .

۲۹ – مرحوم شیخ محمد قاضی متوفی در جمادی الثانیه ۱۲۲۷ مدفون در ایوان علماء در صحن مقدس نجف اشرف (ص ۵۴ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

۳۰– مرحوم آقا میرزا محمد طبیب محله نوی از اطباء و پزشکان معروف معاصر

فائده : اصفهان در حال حاضر دارای سه ناحیه بنام محله نو می باشد :

۱– محله نو بید آباد ۲– محله نو چهار سو شیرازیها ۳– محله نو خواجو.

۳۱ – مرحوم حاج شیخ محمود بن شیخ مفید حکیم فقیه زاهد از مدرسین حکمت و فلسفه در مدرسه صدر بازار و مدرسه چهار باغ و از مفاخر علمی اصفهان در اصفهان وطهران و مشهد تحصیل نموده و در حدود سال ۱۲۹۷ متولد و در بعد از ظهر روز جمعه ۱۱ شوال المکرم ۱۳۸۲ وفات یافته جنازه در روز شنبه با تشییع عظیم وحضورعموم علماء وروحانیون و مدرسین و طلاب علوم دینیه و مؤمنین و مقدسین در داخل بقعه آقا محمد بید آبادی بخاک سپرده شد رحمه الله علیه عالمی بزرگوار و حکیمی خلیق و مهربان و عابد و زاهد بود

۳۲ – مظاهری کرونی – در قریه تهران مرکز بلوک کرون عده کثیری خویشتن را از اعقاب جناب حبیب بن مظاهر اسدی شهید کربلا میدانند و عده زیادی عالم وفاضل و ادیب در بین آنها بوده و می باشد که از آنجمله است :

مرحوم آخوند ملا حسین کرونی فرزند محمد فرزند ملا میرزا عالم فاضل زاهد از شاگردان حاج میرزا بدیع درب امامی و جمعی دیگر از بزرگان فقهاء و مدرسین اصفهان بوده قبل از۱۲۹۵ متولد و در شب ۱۲ ربیع الثانی سال ۱۳۷۵ در اصفهان وفات یافته در خارج بقعه مرحوم حاج میرزا ابوالحسن بروجردی(در کوشک) در تخت فولاد مدفون گردید دو نفر از فرزندانش بحمد الله از وعاظ

وخطباء و محدثین معاصر اصفهان می باشند . سلمهما الله و ابقاهما .

۳۳ - مرحوم آقا میرزا مهدی فرزند شیخ اسماعیل بن شیخ علی محمد اصفهانی مشهدی عالم فاضل محقق مدقق حکیم عارف فیلسوف مجتهد از مدرسین آستان قدس رضوی متوفی در روز ۵ شنبه ۱۹ ذی الحجه الحرام سال ۱۳۶۵مدفون در زیر گنبد اللهوردیخان در آستانه مقدسه رضویه مؤلف کتب عدیده

۳۴ - حاج میرزا نصر الله بن محسن ملک المتکلمین بهشتی از خطباء و گویندگان و از بنیانگزاران مشروطه ایران و ازادیخواهان صدر اول مقتول در سال ۱۳۲۶در زندان باغشاه طهران .

۳۵ - میرزا یحیی (کاشی پز) مدرس بید آبادی فرزند شیخ اسماعیل عالم فاضل ادیب شاعر صاحب دیوان اشعار مطبوع از اعقاب محقق سبزواری در حدود ۱۲۵۴ متولد و در شب ۴ شنبه ۵ ذی القعده الحرام سال ۱۳۴۹وفات یافته در تخت فولاد در تکیه میرزا رفیعاء مدفون گردید بعداً جزو فرودگاه قرار گرفته و کلیه قبور آن از بین رفت.

۳۶ - حاج میرزا یحیی فرزند حاج میرزا شفیع مستوفی بید آبادی از سلسله میرزاهای بید آباد که نسب آنان به میرزا مهدی اشتهاردی میرسد عالم فاضل ادیب محقق مدقق صاحب تألیفات نافعه از چهره های ناشناخته علمی اصفهان چه در زمان حیاتش و چه پس از وفات مقامات علمی و تحقیقات او همچنان مجهول مانده و حتی اهل فضل و دانش نیز از آن کمتر اگهی دارند کتابها و تألیفاتش از تصرف وارثین خارج شده و در گوشه های کتابخانه ها گرد غربت بر آنها نشسته تا چه وقت خداوند قادر متعال اراده فرماید که آنها بچاپ برسد و اهل فضل و دانش از آن بهره مند شوند . در سال ۱۲۵۰متولد و در روز جمعه دوم جمادی الاولی سال ۱۳۲۵ وفات یافته در یکی از اطاقهای شمالی تکیه مرحوم آقا سید ابو جعفر

صدر مدفون گردید .

۳۷ – میرزاهای چهارسوق علی قلی آقا معروف به تابش از اعقاب میرزامهدی اشتهاردی باقی مدرسه میرزا مهدی واقع در سر جوی بابا حسن عموماً اهل فضل و ادب بوده و در عهد قاجاریه و بعد در دستگاه حکومتی و ادارات دولتی مشغول خدمت بوده اند .

بید آباد اصفهان – بید آباد شاهرود

علاوه بر محله بید آباد اصفهان در شهرستان شاهرود نیز محله ای بنام بید آباد میباشد .

فائده لغوی) : کلمه شاه در زبان فارسی در معانی : دانا – اصل – خداوند – رئیس و بزرگ و داماد و چندین معنی دیگر استعمال گردیده است و کلمات شاهراه – شاهرگ – شاهکار و غیره همه در معنی بزرگ استعمال گردیده است و از همین قبیل است کلمه شاهرود.

کلمه شاهرود صفت مرکب است که بجای موصوف استعمال گردیده و اسم خاص وعلم شده است و آن نام رودخانه بزرگی بوده که از طالقان سرچشمه میگرفته و شهری که در کنار آن قرار داشته است را نیز بهمین نام « شاهرود » نامیده اند .

در مطلع الشمس که بسال ۱۳۰۳ قمری تألیف گردیده گوید :

شهر شاهرود دارای :

۱ – کاروانسرا ۳ عدد

۲ – حمام ۶ عدد

۳ –مسجد ۵ عدد

ص: ۲۳۸

۴- مدرسه ۳ عدد

۵-محله ۴ عدد

- دروازه ۵ عدد می باشد

اسامی مدارس آنجا عبارت است از :

۱- مدرسه محمد زمان خان قاجار

۲ - مدرسه حاجی اسماعیل

۳ - مدرسه حاجی ابراهیم یا مدرسه بید آباد

اسامی محلات شهر شاهرود عبارت بوده است از :

۱- محله قلعه ولوا

۲ - محله بید آباد

۳- محله دو

۴ - محله عمارت (صفحه ۲۵۲ سوم مطلع الشمس)

برای اطلاع از وضع فعلی شهر شاهرود و تاریخ علماء آنجا بکتب مربوطه باید مراجعه شود .

فصل بیست ویکم: (تاریخچه مختصری از شفت)

(تاریخچه مختصری از شفت)

شفت بروزن نفت از قصبات رشت است .

در تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص ۲۷) در باره شفت می نویسد :

قصبه کوچک و بد آب وهوا مناظر طبیعی آن بسیار است و مولد اکثر بزرگان اهل علم در آنجاست

در گنجینه دانشمندان (ص ۳۸۰ پنجم) در باره شفت می نویسد :

شفت جزو استان گیلان و از مصافات و حومه رشت محسوب میشود . گرچه خودش جای کوچکی میباشد دانشمندان بزرگی بآنجا منسوب هستند .

مولد مرحوم سید حجه الاسلام همانگونه که قبلا متذکرشدیم در قریه (چرزه) در ده فرسنگی شفت واقع گردیده است .

شفت در قرن دهم

بطوریکه از فرمان شاه طهماست صفوی که بر سنگ منقور و بر دیوار

ص: ۲۴۰

دالان مسجد جامع اصفهان منصوبست مستفاد میشود .

عموم نواحی گیلان بالاخص شفت از مراکز تربیت کرم ابریشم و تهیه ابریشم بوده و محصول آنها به اصفهان و دیگر شهرهای ایران حمل می شده است .

در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص ۱۴۵) و بنقل از آنجا در کتاب آثار ملی اصفهان (ص ۵۸۵) کتیبه مزبور نقل شده و مفاد آن چنین است که :

شاه طهماسب دستور داده است کلیه وجوه راهداری از خوراکیها اعم از غله و برنج و میوه و روغن و امثال آنراکه جهت فروش به اصفهان وارد می کنند و یا به محال دیگر میبرند از پرداخت راه داری معاف باشد ولی شکر و اجناس ابریشمی و ریسمانی و ابریشم که از گیلان و شفت می آورند از این معافیت مستثنی باشد (از آنها مالیات و ورودیه گرفته شود)

وضعیت کنونی شفت

شفت دارای چهل و شش قریه که دوازده تای آنها در کوهستان و بقیه در جلگه واقع شده می باشد و از آثار قدیمه آن :

۱ - بقعه امام زاده ابراهیم که درب های آن منبت کاری است در قریه طالقان

۲- بقعه امامزاده اسحق در قریه سالك معلم

در کتاب شرح حال شیخ زاهد گیلانی بقلم آقای محمد علی گیلك (ص ۱۱۳) پس از شرح فوق اسامی قراء شفت را بر حسب حروف تهجی بنقل از کتاب اسامی د□ات کشور نشریه فروردین ۱۳۲۹ - اداره آمار وسرشماری نام برده است .

اکنون بذکر اسامی چندتن از بزرگان منسوب به شفت میپردازیم .

ص: ۲۴۱

مشاهیر شفت

۱ – شیخ ابو طالب شفتی از مدرسین ساکن رشت و استاد حاج شیخ محمد لاکانی عالم معاصر (ص ۱۸۹ پنجم گنجینه دانشمندان)

۲– علامه فقیه میرزا ابوالقاسم بن ملامحمد حسن شفتی معروف به میرزای قمی

۳– حاج میرزا محمد باقر شفتی . در ذیل تاریخ علمای خراسان (ص ۲۴۲) دانشمند محترم اقای حاج شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی در ضمن اساتید مرحوم حکیم بزرگوار آقا بزرگ حکیم و فیلسوف مشهدی متوفی در ۲۹ جمادی الثانیه سال ۱۳۱۵ویرا نام برده است .

۴– حاج ملا محمد تقی شفتی جیلانی . در کتاب تاریخ علماء وشعرای گیلان (ص ۱۳۱) در باره مشار الیه می نویسد :

از علماء متبحر در کلام و تفسیر وحدیث بود و سالها در کاظمین در صحن حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام مجاور و ساکن بوده و شرحی بر خطبه حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در مسجد نوشته و حواشی بر تفسیر صافی و حاشیه بر شرح تجرید علامه دارد در سال ۱۳۰۰ وفات یافته است . (نمونه مختصر المکارم) .

۵ – حاجی حافظ بن یوسف الدین اسحق شفتی گیلانی ظاهراً از دانشمندان قرن یازدهم هجری و مؤلف رساله ای در تجوید بنام : « دستور تجوید » بزبان فارسی نسخه ای از آن مورخ بسال ۱۱۱۸ بشماره (۵۲۴۹/۵) در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار طهران (ص ۷۲ یکم فهرست کتب خطی منزوی) و نسخه ای مورخ به ربیع الاول سال ۱۰۹۰ در الذریعه (ص ۱۵۲ هشتم) معرفی شده است .

۶ – ملا حسن شفتی پدر علامه فقیه میرزای قمی (ص ۴۷ تاریخ علماء

ص: ۲۴۲

وشعرای گیلان)

۷- سید حسن بن نور الدین حسینی شفتی شیخ روایت سید حسین بن روح الله طبسی مشهور به صدرجهان . مرحوم آقا سید حسن در این اجازه می گوید که از شیخ حسین بن عبد الصمد روایت می کند .

۸- رجبعلی بن اقا محمد شفتی ساکن اصفهان در سال ۱۲۳۸ در محله در کوشک (از توابع محله بید آباد) از کتابت نسخه ای از کتاب : ترجمه الصلوه تألیف مولی محسن فیض کاشانی فراغت حاصل نموده است . نسخه کتاب بشماره (۱۲۷۶) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است (ص ۳۲ دوم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی).

۹ - شیخ محمد شفتی در تاریخ علماء و شعراء گیلان (ص ۱۱۷) درباره او می نویسد :

انجناب مردی فقیه و زاهد و عابد و فاضل و مورد توجه گیلانیان و محل وثوق خواص و عوام شهر رشت است از زمانیکه از نجف اشرف عودت نموده مشغول بترویج احکام الهی ... و مدرس سطوح در گیلان است .

معروفترین فرد منسوب به شفت علامه فقیه نایب الامام حجه الاسلام علی الاطلاق مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی رشتی می باشد که این کتاب بنام نامی انجناب تألیف یافته است.

ص: ۲۴۳

خاتمه

در بیان شرح حال و گزارش

زندگانی

مرحوم حاج سید اسد الله حجه الاسلام

ثانی بید آبادی

و اسد الله ابن باقر اجل

سیدنا ذو ورع ومبتجل

(نخبه المقال)

ص: ۲۴۴

بخش پنجم : (شرح حال)

فصل اول : (مصادر شرح حال و گفته ها)

(مصادر شرح حال و گفته ها)

شرح حال این عالم جلیل وفقیه زاهد بی بدیل در عموم کتب تراجم رجال وتواریخ بطور خلاصه و یا تفصیل مستقلا و یا در ضمن احوالات پدر بزرگوارش نقل گردیده است از آنجمله در کتابهای :

۱- آگهی شهان از کار جهان - مرحوم حاج میرزاحسن خان جابری انصاری (صفحه ۴۲ سوم)

۲- آثار ملی اصفهان - اقای ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی (ص ۱۹۲)

۳- احسن الودیعه - مرحوم آقا سید محمد مهدی اصفهانی کاظمینی (می ۷۸ یکم)

۴ - اعیان الشیعه - علامه آقا سید محسن امین عاملی (ص ۱۰۹ یازدهم)

۵ - تاریخ اصفهان - مرحوم جابری انصاری

۶ - تاریخ اصفهان وری - مرحوم جابری انصاری (ص ۲۶۲ - ۲۷۹)

۷- تاریخ زنجان - اقا سید ابراهیم موسوی زنجانی (ص ۲۷۷)

ص: ۲۴۵

۸- تاریخ علماء و شعرای گیلان - فاضل محترم اقا شیخ حسن شمس گیلانی (ص ۷۴)

۹- تذکره القبور - علامه ملا عبد الکریم گزی

۱۰- تکمله امل الامل - مرحوم آقا سید حسن صدر کاظمینی

۱۱ - تکمله نجوم السماء - میرزا محمد مهدی لکهنوی (ص ۳۳۲ یکم)

۱۲ - دانشمندان و بزرگان اصفهان - سید مصلح الدین مهدوی (ص @@)

۱۳ - الذریعه - علامه حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی (مجلدات مختلف)

۱۴ - رجال اصفهان - سید مصلح الدین مهدوی (صفحه ۱۴۸)

۱۵ - روضات الجنات - علامه اقا میرزا محمد باقر چهارسوقی (صی ۱۲۶)

۱۶ روضه البهیه - مرحوم حاج سید شفیع چاپلقی (ص ۲۲)

۱۷- روضه الصفا - رضا قلی خان هدایت (ص ۴۵۸ دهم)

۱۸- ریحانه الادب - مرحوم آقا میرزا محمد علی مدرس تبریزی

۱۹ - زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (ص ۱۹۰)

۲۰- شرح حال رجال ایران - مهدی با مداد (ص ۱۱۵یکم)

۲۱- علمای معاصرین - مرحوم ملا علی خیابانی تبریزی (ص ۳۳۱)

۲۲ - فوائد الرضویه - مرحوم محدث قمی (ص ۴۲ یکم)

۲۳ - قصص العلماء - مرحوم میرزا محمد تنکابنی (ص ۱۲۲)

۲۴ - الکرام البرره - علامه حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی (ص ۱۲۴ - یکم)

۲۵ - لباب الالقاب - مرحوم ملا حبیب الله کاشانی (ص ۷۱)

۲۶ - المآثر والاثار - محمد حسن خان اعتماد السلطنه (ص ۱۳۹)

۲۷ - ماضی النجف وحاضرها - مرحوم شیخ جعفر آل محبوبه (ص ۱۳۳ یکم)

ص: ۲۴۶

۲۸ – معارف الرجال – شیخ محمد حرز الدین (ص ۹۴ یکم)

۲۹ – مکارم الاثار – مرحوم معلم حبیب آبادی (صفحه ۸۳۶ سوم)

۳۰- منتخب التواریخ – مرحوم حاج ملاهاشم خراسانی (ص ۷۱۸ چاپ اصفهان)

۳۱- منتهی الامال – محدث قمی (ص ۱۵۹ دوم چاپ گراوری اسلامیه)

۳۲ – موسوعه عتبات عالیات

۳۳ – ناسخ التواریخ – محمد تقی سپهر کاشانی (صفحه ۱۰۳ سوم قاجاریه)

۳۴ – نخبه المقال – سید حسین بن سید رضا بروجردی (صفحه ۱۷)

۳۵ – هدیه الاحباب – محدث قمی (صفحه ۱۲۳)

۳۶ – الیتیمه – سید محمد علی صدر عاملی (بنقل مکارم الاثار)

وعموم فهرستهای کتابخانه ها و فهرست مؤلفین مرحوم خانبابا مشار و شاید ده ها کتاب و رساله دیگر .

آنچه از مجموع این کتابها و هم از مسموعات از بزرگان و اهل مطالعه و تحقیق بدست می آید آنکه وی :

عالمی جلیل و فقیهی بی بدیل عابد و زاهد و متقی و صاحب نفس قدسی و دارای صفات ملکی فرشته خوی و آدمی صورت اهل ذکر و فکرو عبادت بوده و در اصفهان بلکه در ایران و عراق مقبولیت عامه و مرجعیت تامه داشته و عموم طبقات بالاخص علماء و اشراف و اهل فضل و مقدسین باو ارادت میورزیده اند .

تولد:

در عموم کتابها تولد آنجناب را بدون ذکر روز هفته و ماه در سال ۱۲۲۷ قمری نوشته اند .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار در ضـمن شـرح حال حاج ملاعلی خلیلی وهمچنین در حواشی کتاب المآثر والاثار تولد ویرا درسال ۱۲۲۸ می نویسـد لکن در مکارم الاثار در ضـمن شـرح حال آن بزرگوار به اسـتناد نوشـته علامه طهرانی در الکرام البرره سال ۱۲۲۷ را ترجیح میدهد

پـدر و مادر - پـدر مرحوم سـید ثانی مرحوم حاج سـید محمـد باقر حجه الاسـلام شـفتی است اما مادر آنجناب ظاهراً از سادات محترم زواره و طباطبائی میباشد و به احتمال قوی مشار الیه میرزا محمد کاظم طباطبائی زواره ای مدفون در قبرستان قبله دعا جنب خانه های سید حجه الاسلام میباشد

اقوال بزرگان درباره او

عموم نویسـندگان کتب تراجم رجال ویرا بعظمت و بزرگی یاد نموده : و مقامات علمی وملکات نفسانی وزهـد و تقوای اورا سـتوده انـد اینکه بعنوان نمونه بذکر چند جمله از آن کتابها میپردازیم .

۱- مرحوم علامه فقیه زاهد اقا میرزا محمد باقر چهار سوقی در روضات الجنات در ضـمن شرح حال پدر بزرگوارش (صفحه ۱۲۶) می نویسد :

جنازه مرحوم سـید حجه الاسـلام را پس از تغسـیل بمسـجد آوردند و : فصـلی علیه ولده الافضل وخلفه الاسـعد الارشد و الفقیه الاوحد والحبر المؤید و البذر المجرد و العمامه الاعمد النفس القدسـی والملک الانسی الجلیل الاواه ومحبوب الافئده و ممدوح الافواه مولینا وسیدنا السید اسد الله ...

در دنباله سخن پس از ذکر استادش اقا شیخ محمد حسن و تصریح استاد

بفقاهت و اجتهاد او و امر بمردم در مراجعه باو میفرماید:

حجه الاسلام این بزرگوار را بسیار دوست میداشت و مردم را بمتابعت و تجلیل او امر میفرمود و او را از جهت فوه نظر و قدرت استنباط بر فخر المحققین فرزند علامه حلی ترجیح میداد و این مطلب را در جواب کسیکه از احوال او از ایشان میپرسید میفرمود .

مردم اصفهان همگان او را بجذالت می ستودند و برای درک نماز جماعتش ازدحام میکردند و ارادتمند او بوده و ویرا ستایش مینمودند و در بسیاری از مکارم اخلاق و صفات حسنه بر پدر بزرگوارش برتر میشمردند ...

۲- مرحوم حاج سید شفیع چاپلقی در روضه البهیه (ص ۲۲) می نویسد :

الامام الاعظم و الولی المکرم الفاضل العالم العامل الزاهد الورع التقی المجتهد البصیر و العام الخبیر الحاج میرزا اسد الله دام عمره الشریف واطال الله بقائه لم یرمثله فی الزهد والورع والتقوی . بلغ مبلغ والده فی الزهد والمقبولیه عند العامه .

۳- مرحوم ملا حبیب الله شریف کاشانی در لباب الالقاب (ص ۷۱) در باره او می نویسد :

کان بالفقه و الزهد موصوفاً و بجلاله الشأن معروفاً .... وهو مع کونه فاضلا متبحراً لم یکن یدرس الاصول والمعاملات من الفقه بل کان در سه منحصراً فی العبادات و کان یقول : ان والدی اوصانی بذلک ومع کون اسباب الریاسه مجتمعه له کان منقطعاً عن الریاسه و تحمل المرافعات و تکلف التجملات .

۴ - مرحوم علامه شیخ محمد حزر الدین در کتاب : معارف الرجال (ص ۹۴ یکم) می نویسد :

هو سید معظم وعالم جلیل مقدم صاحب مناقب و مآثر و مکارمه لا تحصی و آثاره

التاریخیه لاتنحصر عالی الهمه مروج بین طبقات الناس . از نشانه های علوهمت او آنکه :

وی از قول یکی از خانـدان علامه میرزا خلیل طهرانی (دختر مرحوم حاج ملا علی بن میرزا خلیل طهرانی زوجه مرحوم حاج سـید اسد الله بوده است) نقل می کند که :

پس از وفات پدر بزرگوارش مرحوم سید حجه الاسـلام بید آبادی و تقسـیم میراث آن مرحوم در بین ورثه ، آن جناب بابت سهم الارث خود پرداخت دیون پدر را که مبلغ گزافی میشد بعهده گرفت (و چیزی از میراث پدر بر نگرفت)

۵ - مهدی بامداد در کتاب : شرح حال بزرگان ایران (ص ۱۱۵ یکم) بخلاصه می نویسد :

مرحوم حاج سید اسـد الله از ارثیه پـدر که بحساب در نمی آمـد فقط بتملک کتابخانه او که در آن عصـر پنجاه هزار تومان (۳۵۰۰۰۰۰ تومان پول حالیه بنا به قول مهدی بامداد) ارزش داشت قناعت ورزید .

هم او می نویسـد : حاج سـید اسـدالله فرزنـد ارشـد - اتقی - اعلم - اکمل حاج سـید محمـد باقر بوده و او را در بعضـی جهات حتی بر پدرش ترجیح میداده اند و هنگام مرگ پدر در عتبات بود بعداً به ایران و اصفهان آمده مقام پدر را اشغال کرد و بر مسند پیشوائی نشست .

نویسـنده گوید : مرحوم حاج سـید اسدالله در موقع وفات مرحوم سـید حجه الاسلام در اصفهان بوده یعنی قبلا از نجف مراجعت نموده است و بنا بگفته علامه صاحب روضات الجنات و دیگران بر جنازه پـدر نماز خوانده و ثانیاً همانگونه که قبلا گفته شد کتابخانه بین تمام اولاد مرحوم سید حجه الاسلام کما فرض الله تبارک و تعالی تقسیم گردیده است و اما قیمت آن را مرحوم تنکابنی در قصص

العلماء هنگام تشرف مرحوم حجه الاسلام به مکه معظمه یعنی حدود سال ۱۳۳۱ مبلغ پنجاه هزار تومان می نویسد و آنهم گزافه ای بیش نیست.

۶ – محمد حسن خان اعتماد السلطنه در کتاب المآثر و الاثار(ص ۱۳۹ ستون اول) می نویسد:

حاج سید اسد الله حجه الاسلام بن الحاج سید محمد باقر مجتهد شفتی رشتی حجه الاسلام در فقاهت و اجتهاد وورع و زهد و تقوی مسلم مسلمین بود بنظم شعر نیز قدرتی داشت آب فرات را این بزرگوار در نجف اشرف جاری ساخت .

(تذکر وتوضیح) : همانگونه که قبلا از کتاب روضات الجنات (و به پیروی از ایشان در بسیاری از کتب دیگر) نقل گردید.

مرحوم حاج سید اسدالله را در بسیاری از مکارم اخلاق و صفات حسنه بر پدر بزرگوارش ترجیح میدادند . انتهی . لکن در هیچ یک از این کتابها گفته نشده است که موجبات ترجیح ووجوه ارجحیت او بر پدرش چه چیزها بوده است .

نویسنده گوید : آنچه بنظر میرسد توجه علامه صاحب روضات الجنات و دیگران به ریاضات و مجاهدات نفسانی وزهد و تقوای سید ثانی بوده که در این قسمت بر پدر بزرگوار خود مقدم بوده و ازهد و اتقای از ایشان بوده است وهمچنین نقل کرامات و مکاشفات وحتی تشرف به محضر مبارک حضرت بقیه الله الاعظم روحی و ارواح العالمین له الفداء بوده است . شرح خرید باغ حاج ملا باقر دهدشتی و برخی از کرامات آن بزرگوار بعداً نقل خواهد شد.

۲ – مرحوم معلم حبیب آبادی در ضمن بیان شرح حال مرحوم حاج سید اسدالله گوید :

« وی گرد ریاستهای باطله نگردید » (ص @@)

ای کاش آن مرحوم توضیح میداد که مقصود از ریاست باطله چیست .آیا

ص: ۲۵۱

اجرای حدود الهی مقصود است که نعوذاً بالله چگونه ممکن است مسلمانی راست عالمی را که مجری احکام خداوند تبارک وتعالی باشد و قاتل و دزد و زنا کار را طبق موازین شرعی حد الهی را درباره آنان جاری سازد ریاست باطله بداند .

یا آنکه مرحوم معلم معتقد بوده است که این اعمال جزو وظائف مجتهدین نبوده و مجتهد و عالم فقط باید در گوشه ای بنشیند و مشغول عبادت باشد و یا حداکثر کتاب بنویسد و شاگرد تربیت کند و این حکام جورو سلاطین هستند که باید بر جان و مال و اعراض و نفوس مردم مسلط بوده هر چند خواستند انجام دهند و هیچ کس در برابر آنها از لا ونعم دم نزند.

و یا آنکه مانند بسیاری دیگر از علماء بزرگوار فقط به دعاوی مردم رسیدگی کنند و حکم صادر کنند و اجرای آنرا به حکام و سلاطین واگذارند که آنان طبق مصالح خود آنرا اجرا بکنند یا نکنند . در هر حال مقصود آن مرحوم برما مجهول است هر چه هست خداوند او را غریق رحمت بی منتهای خود سازد که حقوق بسیاری بر نویسنده دارد که از عهده شکر آن بر نمی آیم .

عده زیادی از نویسندگان و غیر آنها از مسلمانان و غیر مسلمان صریحاً و کنایه به اجرای حدود از طرف مرحوم سید حجه الاسلام ایراد گرفته اند لکن وقتی عالمی بزرگوار و فقیهی پرهیزکار و مجتهدی عادل و زاهد و متقی همچون حاجی کلباسی معاصر ومعاشر با مرحوم سید اعمال او را می بیند و اعتراض نمی کند بلکه تأیید نیز می کند دیگران را حق هیچگونه سخن و ایرادی نیست .

ص: ۲۵۲

فصل دوم: (اساتید و مشایخ اجازات)

(اساتید و مشایخ اجازات)

مرحوم حاج سید اسدالله همانگونه که ذکر شد در سال ۱۲۲۷ (۱۲۲۸) در اصفهان متولد گردید و پس از رسیدن بسن تمیز و تربیت در دامان پدر بزرگواری همچون سید حجه الاسلام و آموختن مقدمات علوم در نزد علماء این شهر پدرش برای وی مدرسینی معین فرموده که اسامی آنها تا کنون بنظر نرسیده لکن به احتمال قوی یکی از آنان مرحوم ملا علی اکبر خونساری بوده است .

وی پس از آنکه از تحصیل علوم مقدماتی از صرف و نحو و منطق وغیره به مجلس درس پدر دانشمند خود و جمعی دیگر از فحول علماء که اسامی آنان نیز مجهول است و احتمالا حاجی کلباسی در عداد آنانست درس خواند .

سپس جهت ادامه و تکمیل علوم خویش به نجف اشرف مهاجرت فرمود و در آنجا خدمت جمعی از اساتید بزرگ تحصیل نموده تا بمقامات عالیه علم و اجتهاد نائل شده و مقامات علمی وزهد و تقوای او مورد گواهی و تصدیق علماء و اساتید خود واقع گردید .

ص: ۲۵۳

در سال ۱۲۶۰بامر پدر به اصفهان مراجعت نموده و هم در این سال پدرش وفات یافته خود مرجع امور شرعیه و مورد وثوق و قبول قاطبه اهالی اصفهان بالاخص علماء و بزرگان واقع گردید و بدرس و بحث و اقامه جماعت و رسیدگی بامور وحوائج مردم و نشر احکام و خدمت به مسلمین مشغول گردید . جمعی از بزرگان این شهر در خدمتش تلمذ نموده و از او کسب اجازه نمودند .

اینک اسامی برخی از اساتید و مشایخ روایت او بترتیب حروف تهجی :

۱ – عالم فاضل جلیل محقق مدقق مرحوم آقا سیدابراهیم بن سید محمد باقر موسوی قزوینی حائری مؤلف :

۱ – رساله در حجیت ظن ۲ – دلائل الاحکام در شرح شرایع الاسلام ۳ – ضوابط الاصول معروفترین تألیفات صاحب عنوان ۴ – رساله در غیبت ۵ – کتابی در قضا ۶- نتایج الافکار در اصول ۷- رساله در نماز جمعه و غیره .

در ذی الحجه سال ۱۲۱۴ متولد و در اول و بای عام سال ۱۲۶۴ در کربلا وفات یافته (ص ۱۷ قصص العلماء) در جنب در صحن مقدس حسینی مدفون گردید (ص۱۸ یکم معارف الرجال) در تکمله نجوم السماء (ص ۸۵ یکم) وفات ویرا در صبح پنج شنبه ۱۷ شوال سال ۱۲۶۲ و ماده تاریخ وفات را « اعد لابراهیم فی الخلد منزل » می نویسد که مطابق سال مزبور نمی باشد .

۲- مولی احمد بن علی اکبر تربتی (اصفهانی)

از شاگردان سید حجه الاسلام از مشایخ اجازه مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی تاریخ اجازه بیست و سوم شوال ۱۲۷۳ .

نسخه آن بشماره (۸۳) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است . در فهرست نامبرده درباره آن می نویسد :

اجازه مفصلی است (در پانزده برگ) دارای فوائد تاریخی بسیار و نقل

پاره ای از احادیث و مقداری از حالات و بیو گرافی حجه الاسلام شفتی و اجازه وی به مجیز (تربتی) ...

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم یا رحمن یارحیم اعذنا من شر الشیطان الرجیم .... الحمد لله علی کل نعمه من نعمائه حمداً دائماً بدوام کبریائه ..

انجام : ختم الله لنا بالخیر والعافیه وحشرنا مع خاتم النبیین وعترته الطاهرین صلی الله علیهم صلاه کثیره دائمه .

(ص ۸۸ یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی)

۳ – حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی .

استاد و شیخ روایت (ص ۸۳۸ سوم مکارم الاثار).

۴ – علامه فقیه اقا شیخ محمد حسن اصفهانی .

شرح حال آن بزرگوار در عموم کتب تراجم رجال مذکور است و کتاب جواهر الکلام در شرح شرایع الاسلام تألیف او مشهور است و باین مناسبت ویرا به صاحب جواهر الکلام تعریف و توصیف می کنند و اولاد و اعقابش را آل صاحب جواهری وجواهر الکلام می نامند .

در حدود سال ۱۲۰۰ متولد و در ظهر روز چهارشنبه غره شعبان سال ۱۲۶۶ در نجف وفات یافته مرقد مبارکش معروف است در تکمله نجوم السماء (ص ۷۴ یکم) ماده تاریخ وفاتش را از قول مفتی میر محمد عباس شوشتری «بانت جواهر علمه اتیاما » می نویسد و آنچه در مآثر والاثار (ص ۱۳۵) می نویسد در ۱۲۶۸ وفات یافته اشتباه است .

کتب زیر از تألیفات اوست : ۱- احکام اموات ۲- جواهر الکلام مشهورترین تألیفات آنجناب ۳- رساله در خمس ۴- رساله در دماء ثلثه ۵ – رساله در زکوه ۶ – شرح لمعه ۷ – رساله در صلوه ۸- رساله در صوم ۹- رساله در عدالت ۱۰ –

فرخ الجواهر و آن رساله عملیه ایشانست در مسائل عبادت بطوریکه در تکمله نجوم السماء (ص ۷۴ یکم) می نویسد ۱۱ - رساله در فرائض ۱۲ - رساله در مباحث اصول ۱۳- رساله در مواریث و این آخرین تألیف ایشانست تاریخ فراغت ۱۲۶۴ سال طاعون ۱۴- رساله میزانیه (ص ۷۴ دوم تکمله نجوم السماء) ۱۵ - رساله نجات العباد و آن رساله عملیه ایشانست۱۶- هدایه الناسکین در مناسک حج وغیره .

در تکمله نجوم السماء (ص ۷۴ دوم) می نویسد : سن شریفش بغایت پیری رسیده و با توجه بسال تولد و وفات سن شریف ایشان قریب شصت و پنج سال میشود.

درباره عظمت و شخصیت علمی وهمچنین ارزش کتاب جواهر الکلام و اهمیت او بکتابهای رجال از آنجمله : روضات الجنات (ص ۱۸۱) روضه البهیه (ص @@) ریحانه الادب (ص ۴۱۹ دوم) فوائد الرضویه (۴۵۲ دوم) قصص العلماء والکرام البرره (ص ۳۱۰ یکم) ماضی النجف وحاضرها (دوم) معارف الرجال (ص ۲۲۵ دوم) و غیره باید مراجعه نمود.

از آثار او غیر از کتب مؤلفه و اولاد امجاد که عموماً اهل علم و فضل وسوادند (کری شیخ) است و دیگر سنت شب چهار شنبه در مسجد سهله بیتوته نمودن بقصد تشرف به محضر مقدس حضرت بقیه الله الاعظم صاحب العصر والزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (ص ۲۲۸ دوم معارف الرجال) می باشد .

۵ - شیخ مرتضی انصاری فرزند شیخ محمد امین دزفولی نجفی .

علامه رجالی آقای حاج شیخ مرتضی انصاری از علماءِ معاصر کتابی جامع در موضوع زندگانی شخصیت مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری مرقوم فرموده و تاکنون دو بار بچاپ رسانیده و ما را از شرح و بسط درباره زندگانی این فقیه

عالیقدر بی نیاز ساخته اند جزاه الله عنا خیر الجزاء .

اجمالا این علامه جلیل زاهد عابد در سال ۱۲۱۴ در دزفول متولد و در نیمه شب شنبه ۱۸ جمادی الثانیه سال ۱۲۸۱ در نجف در منزل خود واقع در محله حویش وفات یافته و در حجره واقعه در دالان در قبلی صحن مطهر نجف اشرف طرف راست خارج شونده مدفون گردید و در این حجره است قبر شیخ حسین نجف (۱۱۵۹ - ۱۲۵۱) و شیخ محسن خنفر (حدود ۱۱۷۶ فوت ۲۹ ج۲/ ۱۲۷۱) شب شنبه آخر ربیع الاول ۱۲۷۰ (ص ۱۷۸ دوم معارف الرجال) .

۶ - شیخ نوح بن قاسم بن محمد بن مسعود قرشی جعفری نجفی .

عالم فاضل محقق ادیب از شاگردان محضر شیخ علی وشیخ حسن اولاد شیخ جعفر کاشف الغطاء وهمچنین شیخ محمد حسن اصفهانی بوده و استاد ویرا اجازه داده و تصریح به اجتهادش فرموده و مردم را به رجوع بوی در مسائل و تقلید امر فرموده است .

ویرا تألیفاتی است از آنجمله : ۱- کتابی در امامت تاریخ تألیف ۱۲۹۳ ه. ق ۲ - شرح شرایع در فقه در چندین مجلد ناتمام و غیره .

در حدود سال ۱۲۱۳ متولد گردیده در سال ۱۲۶۰ جهت زیارت حضرت رضا علیه السلام به ایران مهاجرت فرموده و در اصفهان به منزل سید حجه الاسلام شفتی وارد گردیده و از طرف مرحوم حاج سید اسد الله نهایت احترام و تجلیل نسبت به ایشان رعایت شده است . مشار الیه از ائمه جماعت در رواق قبلی روضه مطهره حضرت مولی الموالی امیر المؤمنین علیه السلام بوده و جماعت زیادی از مقدسین و متدینین نجف باو اقتداء مینموده اند . سرانجام در سال ۱۳۰۰ پس از انجام مراسم حج خانه خدا در بر گشتن در بین راه وفات یافته جنازه به نجف حمل و در خانه خود مدفون گردید (ص ۲۱۰ سوم معارف الرجال) .

ص: ۲۵۷

فصل سوم: (برخی از شاگردان و مجازین)

مقدمه

از سال ۱۲۶۰ که مرحوم سید حجه الاسلام ثانی یعنی حاج سید اسدالله پس از نیل بمقام اجتهاد و دریافت اجازات از اساتید خود و جمعی دیگر از فحول علمای اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام بامر پدر بزرگوارش به ایران معاودت فرمود و هم در این سال مرحوم حجه الاسلام رحلت فرمود تا سال ۱۲۹۰ یعنی قریب مدت سی سال ریاست علمی و دینی اصفهان بالارث والاستحقاق بایشان رسید و این علامه جلیل به تدریس ومباحثه علوم و تربیت شاگردان همچنین اقامه جماعت ورسیدگی بامور اجتماعی و دینی مردم و قضای حوائج مسلمین پرداخت و تا آخر عمر از رسیدگی بامور طلاب و سر پرستی فقراء و ایتام و درماندگان غفلت نفرمود ومنزل او مضیف علماء و اردین باصفهان و خود ملجاء و ملاذ مردم این شهر بود.

در این مدت جمعی کثیر از علماء و فضلاء اصفهان و دیگر شهرهای ایران جهت استفاده علمی از محضر ایشان و کسب اجازه روایتی و اجتهاد و درک فیوضات

ص: ۲۵۸

معنوی خدمتش مشرف می شدند .

در این زمان اصفهان یکی از مراکز عمده تحصیل علوم دینی بود مدرسینی بزرگ همچون مرحوم آقا میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی و اقا میر سید محمد شهشهانی و حاج ملا حسینعلی تویسرکانی و اقا محمد مهدی کلباسی و حاج محمد جعفر آباده ای و جمعی دیگر از بزرگان هر کدام حوزه درس و مباحثه در فقه و اصول و تفسیر و حدیث و علوم ادبی و غیره داشتند لکن حوزه مرحوم حاج سید اسدالله از جهاتی از دیگر حوزه ها ممتاز بود زیرا مشار الیه علاوه بر مقام علمی در زهد و تقوی واعراض از ریاستهای دنیائی و فضائل و ملکات انسانی بر عموم علماء تفوق و برتری داشت بدین مناسبت حوزه درس ایشان علاوه از جنبه علمی از ویژگیهای اخلاقی و عملی نیز برخوردار بود .

کیفیت تدریس :

مرحوم ملا حبیب الله کاشانی در لباب الالقاب (ص ۷۱) می نویسد :

باوجودیکه فاضل و متبحر بود درس اصول نمی گفت و از کتب فقه معاملات را تدریس نمیفرمود بلکه درس او منحصر در عبادات بود و میفرمود که پدرم مرا اینگونه وصیت فرموده است .

اینک

اسامی عده ای از شاگردان

و مجازین از ایشان بر حسب آنچه تا کنون از نام آنان اگهی یافته ایم بر حسب حروف تهجی :

۱ – مرحوم سید اقا بزرگ حسینی قاضی عسکری از شاگردان مرحوم حجه الاسلام شفتی .

۲– علامه فقیه زاهد اقا میرزا محمد باقر چهار سوقی مجاز از ایشان (ص ۲۴۰ مقدمه مناهج المعارف).

۳– حاج سید محمد جعفر بیدآبادی فرزند مرحوم سید حجه الاسلام برادر مرحوم

سید ثانی .

مشار الیه در هنگام وفات پدر در اوائل جوانی بود . پس از فراغت از تحصیل مقدمات علوم در نزد برادر و جمعی دیگر از علماء این شهر و همچنین علمای نجف اشرف تلمذ نمود . وی از رؤسای علماء اصفهان بشمار میرفته شرح حالش در فصل مربوط به اولاد و اعقاب مرحوم سید حجه الاسلام ذکر گردید .

۴ - مرحوم آقا سید محمد جواد فرزند آقا سید محمد صادق حسینی معروف به کتابفروش خواهر زاده مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی متوفی بسال ۱۳۳۸.

مشار الیه دو برادر خود مرحومین اقا سید محمد تقی و اقا میرزا علیرضا در نزد مرحوم سید ثانی تلمذ نموده اند .

۵ - اقا میرزا حسن سادات فرزند اقا میرزا محمد حسینی خاتون آبادی معروف به آقای تکمه دوز وسادات تکمه چین عالم فاضل زاهد از علماء معروف اصفهان و ناظر بر موقوفات علی قلی اقا و امام مسجد علی قلی آقا بوده در اواخر جمادی الثانیه سال ۱۳۴۰ در اصفهان وفات یافت .

۶ - علامه فقیه مرحوم حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل طهرانی فرزند علی بن ابراهیم بن محمد علی .

از مراجع بزرگ پدرش (۱۱۸۰ - ۱۲۸۰) از اطباء معروف و پزشکان مشهور بوده و خود از عوامل مهم مشروطیت ایران است (۱۲۳۰ - ۱۳۲۶) مشار الیه از مجازین از مرحوم حاج سید اسدالله می باشد (ص ۱۸۳ یکم الذریعه)

۷- مرحوم اقا سید محمد رضا قوچانی .

عالم فاضل مجاز از مرحوم حاج سید اسدالله تاریخ اجازه بیستم ذی القعده سال ۱۲۷۲ مرحوم سید در این اجازه که پشت یکی از کتب فقهی از تألیفات صاحب عنوان مرقوم فرموده گواهی به اجتهاد او نموده است (ص ۵۴۴ دوم

الکرام البرره) .

۸ - حاج سید محمد رضا نائینی از خواص و ندیمان مرحوم سید ثانی (ص ۱۸۹ یکم تاریخ نائین).

۹ - مرحوم سید محمد رضا بن سید محمد علی حسینی کاشانی معروف به : گلهری (گلهر از محال کاشانست).

عالم فاضل تاریخ اجازه سال ۱۲۷۲ در پشت کتاب : مصباح الاصول در شرح معراج الشریعه و آن شرح کتاب منهاج الهدایه تألیف حاجی کلباسی (کرباسی) می باشد و کتاب مصباح از تألیفات صاحب عنوانست (ص ۵۶۲ دوم الکرام البرره)

۱۰ - مرحوم حاج میرزا زین العابدین بن محمد علی بن ابراهیم بن مرتضی بن عبدالمطلب بن میرزا رحیم اول فرزند میرزا محمد جعفر بن علامه مولی محمد باقر سبزواری اصفهانی .

عالم فاضل ادیب از دانایان علوم قرآنی و تجوید .

میرزا مرتضی شیخ الاسلام اصفهانی متوفی بسال ۱۲۲۶ فرزند شیخ عبد المطلب فوت ۱۱۶۰ فرزند حاج میرزا عبدالرحیم (محمد رحیم شیخ الاسلام) فوت ۱۱۸۱ فرزند میرزا محمد جعفر عالم فاضل زاهد متقی .

ویرا تألیفاتی است از انجمله: ۱ - التکبیرات السبع ۲- رویه الهلال قبل الزوال ۳ - الوتیره این سه رساله ضمن مجموعه شماره (۴۷۸) کتابخانه ایت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (ص ۸۲ دوم فهرست کتابخانه ایت الله مرعشی) قبر مرحوم میرزا جعفر در برف انداز جنوبی مسجد حکیم اصفهان هنوز باقی و برقرار است .

واقا صاحب عنوان یعنی : اقا میرزا زین العابدین عالم فاضل ادیب مفسر از علماء فن قرائت و تجوید در اصفهان بوده و نزد جمعی کثیر از فحول دانشمندان

همچون میرزا عبدالعلی هرندی و میرزا محمد مهدی نایب الصدر و میرزا محمد علی حسینی و میرزا محمد اسماعیل طباطبائی زواره ای در علوم تجوید وعلامه حاج سید اسدالله و دیگران تحصیل نموده و در نزد مرحوم سید حسینی معزز و محترم و مقبول القول بوده کتب زیر از تألیفات اوست : ۱- اعراب شش سوره از سوره های قران ۲- تذکره القراء تاریخ فراغت از تألیف ۱۴۲۲ سال۱۲۶۷ ه.ق ۳- التشجیرات ۴و۵ - شجره طیبه دو کتاب یکی بعربی و دیگری ترجمه ان بفارسی که بامر مرحوم حاج سید اسد الله ترجمه شده ۶ - قواعد در طرز ادای آیات قرآن (ص ۱۴۰ یکم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) ۷- لحمه الالبان فی رضاع الصبیان فقه فارسی نسخه آن بشماره (۱۶۲۷) در کتابخانه ایت الله گلپایگانی در قم موجود است (ص ۱۵۵ دوم فهرست کتابخانه مزبور) تولد او در حدود ۱۲۵۰ فوت ۱۳۱۸ مدفون در امامزاده سه تن .

۱۱- مرحوم آقا سید شهاب الدین نحوی فرزند علامه فقیه اقا سید محمد حسن موسوی معروف به مجتهد رحمه الله علیه .

مرحوم اقا سید محمد حسن از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام بوده و هنگام وفات مرحوم حاج سید اسد الله بیدابادی را وصی وقیم فرزندان صغیر خود مرحومین اقا سید محمد وحاج سید مهدی نحوی معین نموده و تقریباً دو ماه بعد از فوتش سومین فرزند ذکور او یعنی مرحوم آقا سید شهاب الدین در شب غره رجب سال ۱۲۶۳ در اصفهان در محله خواجو متولد گردید.

نام این مولود را محمد تقی (همنام جدش سید محمد تقی مستجاب الدعوه پدر اقا سید محمد حسن) و لقب اورا شهاب الدین قرار دادند و بعدها به لقب مشهور گردیده و نامش تقریباً مهجور ماند وی پس از رسیدن بسن تمیز در خدمت معلمین بکسب مقدمات علوم از صرف و نحو و غیره پرداخت و پس از فراغت از تحصیل

مقـدمات در خـدمت علماء بزرگوار اصـفهان زیر نظر مسـتقیم مرحوم سـید ثانی به تحصـیل پرداخت تا خودعالمی عامل و دانشـمندی کامل و ادیبی جامع گردیـد سـر انجام در نیمه شب چهارشـنبه غره رجب المرجب سال ۱۳۴۰ در اصـفهان وفات یافته در قبرسـتان تخت فولاد در جنب پدر و جد خود مدفون گردید (مشار الیه پدر نویسنده این رساله است).

۱۲- حاج سید عبدالحمید بن اقا سید محمد حسین بن سید محمد تقی مستجاب الدعوه موسوی خواجوئی .

فاضل کامل . در اصـفهان متولد و خدمت جمعی از بزرگان از آن جمله مرحوم حاج سـید اسدالله تلمذ نموده در سال ۱۳۱۶ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد مقابل تکیه اقا میرزا ابوالمعالی کلباسی (کرباسی) مدفون گردید . مشار الیه عموزاده پدر نویسنده سطور است .

۱۳- سید عبد الرحیم حسینی قاضی عسکری اصفهانی .

فاضل کامل از شاگردان محضر مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی بوده است مشار الیه شوهر عمه نویسنده می باشد.

۱۴ - حاج میرزا عبدالرزاق بن حاج میرزا کاظم بن علامه فیلسوف حکیم حاج محمد جعفر بن حاج محمد صادق لنگرودی رشتی اصفهانی .

عالم فاضل، از شاگردان اقا امیر سـید محمدشهشـهانی و حاج سـید اسـد الله بیـدآبادی بوده و داماد مرحوم حاج سـید جعفر فرزند مرحوم سـید حجه الاسـلام شـفتی بوده و فرزندانش مرحومین حاج آقا مرتضـی و حاج میرزا قوام الدین رشتی که هر دو از فضـلاء و اخیار اصفهان بودند از این مخدره می باشند صاحب عنوان در سال ۱۳۱۹ در سفر عتبات عالیات در نجف اشرف وفات یافته و در آن ارض مقدس مدفون گردید .

دی غیر از میرزا عبـدالرزاق بن ملا علی محمد لنگرودی رشتی اصـفهانی امام جماعت مسـجد پای گلدسـته در محله در دشت می باشد که در سال ۱۳۲۰ وفات یافته و در قبرسـتان سـر قبر آقا مدفون گردید و پس از خرابی قبرسـتان مزبور بوسیله شهرداری استخوانها به تخت فولاد منتقل گردیـده و نرسـیده به تکیه ملـک در جنب آب انبـاری که مرحوم حاج ملا حسـین سـمائیان از تجار محترم و متـدین اصـفهان بنا نمود مـدفون گردید .

۱۵- سـید علی در زمان حیات استاد رساله عملیه او را خلاصه نموده و در الذریعه به نام: منتخب رساله عملیه ذکر شده است (ص۴۰۷ بیست و دوم) الذریعه .

۱۶- مرحوم حاج میر سـید علی بن عبدالکریم بن علی بن میر سـید محمد بن عبدالکریم بن سـید مراد طباطبائی اصـفهانی سید مراد جد سادات طباطبائی اصفهان و بروجرد و نجف می باشد .

مرحوم حاج میر سـید علی صاحب عنوان از علماء اخبار وفضـلاء ابرار امام جماعت مسـجد در کوشک بوده و در خدمت حاجی آباده ای و اقا محمد مهدی کلباسـی و حاج سید اسدالله بیدآبادی و جمعی دیگر تلمذ نموده کتابی در اصول فقه ۲- وشرح هدایه نسخ حر عاملی از تألیفات اوسـت در شب ۵ شـنبه ۱۰ ربیع الاول ۱۳۰۶ در اصـفهان وفـات یـافته در تخت فولاـد در بقعه اقا حسـین خو نساری مـدفون گردیـد وی پـدر محرومین حاج میرزا ابوالحسن بروجردی معروف به در کوشکی وحاج میرزا محمد باقر بروجردی می باشد .

۱۷- علامه فقیه رجالی حاج ملا علی کنی فرزند قربانعلی بن قاسم بن محمد علی آملی طهرانی از رؤساء علماء طهران .

عـالم فاضل محقق مـدقق در سال ۱۲۲۰ در قریه کن از قرای تهران متولـد گردیـده و در بامـداد روز پنج شـنبه ۲۷ محرم الحرام سـال ۱۳۰۶ در طهران وفات

یافته در حضرت عبدالعظیم در مسجد عتیق بین الحرمین (حرم حضرت عبدالعظیم وحرم جناب حمزه بن الامام موسی الکاظم علیه السلام) مدفون گردید و بعداً جمعی از علماء وهمچنین پس از کشته شدن ناصرالدین شاه قاجار را در آنجا بخاک سپردند و در تعمیرات اخیر قبر ناصر الدینشاه را از بین بردند و آثار آنرا محو نمودند .

کتب زیر از تألیفات صاحب عنوانست: ۱- رساله در استصحاب ۲- رساله در اصول ۳- الاوامر والنواهی ۴ - ایضاح المشتبهات ۵ - البیع ۶- تحقیق الدلائل در سال ۱۲۵۹ تألیف فرموده ۷- تلخیص المسائل بنام کتات قضاء وشهادات بچاپ رسیده است ۸- توضیح المقال در علم رجال معروفترین تألیفات ایشانست دو بار بچاپ رسیده است ۹ - اجزائی در رجال ۱۰- الصلوه ۱۱- اجزائی در فقه ۱۲ - قضا وشهادات وغیره.

اساتید و مشایخ اجازه او را : ۱- آقا سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط ۲- حاج سید اسدالله بید آبادی ۳- اقا شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام ۴ - شیخ حسن فرزند کاشف الغطاء ۵ - شیخ مشکور حولادی نجفی متوفی بسال ۱۲۷۲ می نویسند . برای اطلاع از حالات او به کتابهای : ۱ - احسن الودیعه ص ۱۰۱ یکم ۲- اعیان الشیعه ص ۱۴ چهل و دوم ۳- الذریعه مواضع مختلفه ۴ - ریحانه الادب ص ۳۹۲ سوم ۵- مآثر والاثار (ص ۱۳۸) ۶ - مصفی المقال ص ۳۳۲ ۷ - معارف الرجال ص ۱۱۱ دوم ۸- مکارم الاثار ص ۶۹۶ سوم وغیره .

نکته :

در المآثر والاثار می نویسد در ۲۷ محرم در طهران فوت شده و جنازه درغره ماه صفر سال مذکور حمل و در آنجا مدفون گردید معلوم نیست که در فاصله این چند روز چرا جنازه را دفن نکرده اند . ماده تاریخ وفاتش اینست :

سرود مرتجلا مجد بهر تاریخش

علی بنزد محمد نجله کرد مقام

۱۸ - علامه فقیه مجاهد حاج میرزا فتح الله بن محمد جواد نمازی شیرازی

اصفهانی معروف به شیخ الشریعه و اقای شریعت اصفهانی .

عـالم محقق جلیل از مراجع بزرگ تقلیـد و از قائـدین ثوره عراقیه در ۱۲ ربیع الثانی ۱۲۶۶ متولد و در شب یک شـنبه ۸ ربیع الثانی ۱۳۳۹ در نجف وفات یافت اساتیـد و مشایـخ اجازه او عبارتنـد از : ۱- حاج سـید اسدالله بیدآبادی ۲ - اقـا میرزا محمـد باقر چهار سوقی ۳ - حاج میرزا حبیب الله رشتی ۴- شیخ محمد حسین کاظمینی ۵ - شیخ محمد طه نجف ۶ - اقا سید مهدی قزوینی ۷- اقا میرزا محمـد هاشم چهار سوقی و غیره .

کتب زیر از تألیفات اوست : ۱- ابـانه المختار در ارث زوجه از ثمن عقار ۲- ابرام القضاء فی وسع القضاء ۳ رساله در اصاله الصحه ۴ - افاضه القدیر فی حل العصیر ۵ - اناره الحالک در قرائت ملک ومالک ۶ - تفصیل در پوستهای درندگان و غیره ۷ - حاشیه بر فصول ۸ - زاد المتقین ۹ - صیانه الابانه ۱۰- رساله در قاعده : الواحد البسـیط لا یصدر عنه الاالواحد ۱۱- رساله در غساله ۱۲- رساله در قاعده لاضرر ۱۳ - رساله در قاعده طهارت ۱۴ - القول الصـراح در احوال صـحاح سـته اهل سـنت یا القول الصـحیح فی... درباره صحاح علامه طهرانی میفرماید این کتاب حـدود سه هزار بیت می باشد و مؤلف برای آن نامی ننهاده و من آنرا بدین اسم نامیدم ۱۵- رساله در کعب ۱۶ - رساله در لباس مشکوک ۱۷ - رساله در لفظ جلاله که آیا آن اسم علم است یا صفت و غیره ، علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۶۱ یکم) میفرماید که مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی از حاج سید اسدالله بید آبادی اجازه داشته است .

۱۹- مرحوم آقا سید محمد فرزند سید محمد حسن مجتهد موسوی .

پدرش از شاگردان مرحوم حجه الاسـلام شفتی و خود از تربیت یافتگان محضر حاج سید اسدالله بید آبادی و دیگران بوده است فاضل و ادیب و زاهد بوده است.

مشار الیه در جوانی بسال ۱۲۸۹ در اصفهان بدون اولار وفات یافته در جنب

پدر و جد خود در تخت فولاد مدفون گردید .

۲۰- شیخ محمد بن طعمه زریجاوی نجفی (زریجاوی وزریجی منسوب به یکی از قبائل کنار فرات است).

عالم فاضل مجتهد در معارف الرجال (ص ۳۴۶ دوم) بنا بنقل از سید محمد شرموطی موسوی (۱۲۵۲-۱۳۰۸) می نویسد که شیخ محمد بن عبد الله حرز الدین و حاج سید اسد الله بفضل و اجتهاد شیخ محمد و قوه نظر و عمق فقاهت او گواهی میدادند و باین جهت وی در نجف عنوان و شهرتی یافت.

صاحب عنوان راتألیفاتی در فقه و اصول بوده و در حدود سال ۱۲۸۳ در نجف وفات یافته است .

۲۱- میرزا محمد بن عبدالوهاب بن داود همدانی کاظمینی .

عالم فاضل ادیب شاعر معروف به امام الحرمین از عده زیادی از علماء بزرگوار اجازه روایت داشته که از آنجمله است مرحوم حاج سید اسد الله بید آبادی .

وی در سال ۱۳۰۳ وفات یافته کتابهای زیر از تألیفات اوست : ۱-الاجازات و آن مجموعه اجازاتی است که علماء برای او نوشته اند و بیشتر آنها از علماء اصفهان و در تاریخ ۱۲۸۲ می باشد ۲- البشری ۳- دره لارسلاک ۴- الشجره المورقه ۵ - شرح قصیده ازریه ۶ - عجائب الاسرار ۷ - عصمه الاذهان منظومه در منطق ۸- عطر العروس ۹ - فصوص الیواقیت معروف ترین تألیفات مشارالیه ۱۰ - المشکوه در مسائل خمس و زکوه ۱۱- ملوک الکلام ۱۲- المواعظ البالغه در فقه و تفسیر ۱۳- الموجز در شرح لغزشیخ بهائی ۱۴- نزهه القلوب وغیره (ص ۱۰۳ یکم ریحانه الادب صفحه ۳۵۴ دوم معارف الرجال مواضع مختلفه الذریعه).

۲۲- حاج سید مهدی نحوی موسوی فرزند علامه فقیه آقا سید محمد حسن مجتهد .

عالم فاضل ادیب ، در شوال سال ۱۲۴۸ در اصفهان متولد گردیده و در خدمت عده ای از بزرگان اهل علم همچون اقا میر سیدحسن مدرس میر محمد صادقی و حاج سید اسدالله بیدآبادی تلمذ نموده و در مدرسه شاهزاده ها در نزدیکی مسجد حکیم که در زمان حکومت سابق آنجا را خراب کرده و مدرسه جدید بنا کردند سطوح فقه و ادبیات عرب تدریس مینموده و بعلت مهارت و استادی در علوم ادب به نحوی شهرت یافته سرانجام در روز ۲ شنبه ۱۵ذی الحجه سال ۱۳۰۷ در اصفهان و فات یافته در تخت فولاد در مجاورت پدر و جد مدفون گردید رحمه الله علیه .

(توضیح) : در این زمان یعنی اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم عده ای از فضلاء اصفهان از اهالی هرند نیز به نحوی شهرت داشته اند و به نحویهای هرندی معروفند . به کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص ۲۳۲ مراجعه شود) .

۲۳ - میرزا آقا نهاوندی عالم فاضل در اصفهان خدمت حاج سید اسدالله بید آبادی و در بروجرد نزدحاج سید شفیع چاپلاقی تلمذ نموده است در المآثر والاثار (ص ۱۷۵) در باره او می نویسد:

فقیهی نبیه و مجتهدی محقق بود و در بروجرد می نشست و تکمیل اصول را نزد حاج سید شفیع اسناد اصول کربلائیه کرده بود و از اقبال دنیوی هیچ بهره نبرده در نقباء البشر (ص ۱۷۳ یکم) می نویسد : که از دنیا و مردم آن اعراض داشت و دوستدار عزلت و انزوا بود در حدود سال ۱۳۲۵ وفات یافت .

(تذکر) :

مرحوم سید عبدالعظیم (احتمالاکابلی) و ملا علی میرزا که نسخه ای از شرح شرایع مرحوم حاج سید اسدالله را مقابله و تصحیح نموده اند نیز از شاگردان ایشان می باشند .

فصل چهارم : (تألیفات مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی)

(تألیفات مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی)

مرحوم حجه الاسلام ثانی را تألیفات و تصنیفاتی چند در فقه و ادب واصول عقاید می باشد که ذیلا به نام آنها اشاره می شود .

۱ - اجازه الامامه لصلاه الجمعه (الجماعه)

و آن اجازه ای است که مرحوم حاج سید اسدالله جهت سید ضمر عباس بن سید عابد حسین نوشته است.

نسخه ای از این اجازه که بخط سید محمد حسن موسوی اصفهانی و مورخ بسال ۱۳۳۵ و در حیدر آباد نوشته شده است در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدس موجود است (ص ۲۰۵ فهرست کتابخانه گوهرشاد).

* اجازات :

هر گاه اجازه هائی که مرحوم حاج سید اسدالله جهت برخی از شاگردان خود و همچنین برای عده ای از علماء بزرگوار زمان خویش مرقوم فرموده است

ص: ۲۶۹

مجمع آوری گردد خود کتابی بزرگ خواهد شد .

۲- کتابی در امامت :

ظاهراً در دو مجلد نسخه آن در نزد حجه الاسلام زاده شفتی موجود است .

آغاز جلد یکم : بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین . کتاب فی الامامه وفیه مقدمه و ابواب و خاتمه .

المقدمه فی بیان امور فی ضمن فصول .

انفصل الاول فی معنی الامامه هی مصدر بالتاء کالعداله و الکتابه وقد یطلق اسماً للوصف و الام کما فی الکشاف ...

انجام : هـذا الکلام بتمـامه ساقـط عن هـذا المقام ینبغی اسـقاط اذلیس الکلام فی افضـلیته و الخبردال علی تولیته کما بنی الکلام علی التسـلیم لذلک و اما مایرد علی هذه الکلمات بتفصیلها له مقام آخر وقال صاحب المغنی ..

کاتب نسخه محمداسماعیل بن احمد الخونساری در سال ۱۲۹۳ مقابله و تصحیح عبد العظیم اصفهانی فی شهر رجب ۱۲۹۳ .

آغاز جلد دوم : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و الصلوه والسلام علی محمد و آله الطاهرین ، کتاب فی الامامه .

الثانی عشر : القائم المهدی علیه الصلوه والسلام وفیه ابواب .

الباب الاول فی اثبات امامته وفیه فصول ...

انجام : اقول کذا وجدت فی النسخه من البحار التی لا تأمن من الغلط و لعل الصحیح الحسن مکان الحسین علیه السلام فی جمیع ما تقدم .

مقابله و تصحیح نسخه در سال ۱۲۹۴بوده است.

۳- رساله در احکام وضعیه .

بخط مؤلف در نزد حجه الاسلام زاده شفتی موجود است .

۴ – رساله در ارث زوجه بخط مؤلف .

۵ – رساله در تجوید (ص ۱۲۵ یکم الکرام البرره) .

۶ – رساله در تقدیر .

بخط مؤلف در نزد حجه الاسلام زاده شفتی موجود است .

۷ – رساله در تقلید .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والشکر له وصلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین رب یسرو لا تعسر علینا ووفقنا للاتمام و استفادتنا فیه . اعلم ان مسائل التقلید کثیره و المقصود فی المقام عدیده منه و الاولی ان تقدم مقدمه فی بیان معناه ..

انجام : وایضاً المجتهد بالموت یخرج عن قابلیه التکلیف و المجتهد الخارج عنها لیس قوله حجه اصلا فلا یمکن القیاس من هذه الجهه .

۸- حاشیه بر سیوطی .

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۶) در ضمن شرح حال مرحوم سید حجه الاسلام می نویسد:

مسموع شد که مرحوم حاج سید اسد الله حاشیه سیوطی که پدر بزرگوارش تألیف فرموده بود و ناقص بوده به امر آنجناب تکمیل فرموده است .

۹ – رساله در حبوه .

بخط مؤلف در نزد حجه الاسلام زاده شفتی در اصفهان موجود است .

۱۰- حواشی بر تحفه الابرار تألیف پدر بزرگوارش .

نسخه ای از آن در نزد اقا میرزا محمد علی اصفهانی بارمز (ا.س. د) موجود بوده است (ص ۴۰۷ بیست و دوم الذریعه).

۱۱ – حواشی بر نخبه .

رساله عملیه تألیف حاج محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی)

۱۲ - کتابی در رجال (ص ۱۲۵ یکم الکرام البرره) .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۹۵ دهم) از قول فرزندش حاج سید محمد باقر گوید : بخط مؤلف در کتابخانه ام در اصفهان موجود است .

۱۳ - رسانه ای در رخصت و عزیمت .

نسخه بخط مؤلف بزرگوار نزد حجه الاسلام زاده شفتی در اصفهان موجود است .

۱۴ - رساله ای در سبب و مانع.

نسخه بخط مؤلف در نزد حجه الاسلام زاده شفتی .

۱۵ - رساله ای در شبهه محصوره وغیر محصوره .

نسخه بخط مؤلف در نزد حجه الاسلام زاده شفتی .

۱۶ - شرح زیارت عاشوراء .

مرحوم علامه طهرانی در الذریعه (ص ۳۰۷ سیزدهم) می نویسد :

مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی بید آبادی فرمود که نسخه در اصفهان در کتابخانه من موجود است. نویسنده گوید ظاهراً پس از وفات مشار الیه و تقسیم و فروش کتابها و کتابخانه این کتاب و صدها کتاب نفیس دیگر که در آن کتابخانه بوده از تصرف آنان خارج گردیده و اکنون سرنوشت آن معلوم نیست.

۱۷ - شرح شرایع الاسلام.

کتاب «شرایع الاسلام» از کتب بسیار معتبر فقهی شیعه و از تألیفات مرحوم شیخ ابو القاسم نجم الدین جعفر بن الحسن معروف به محقق حلی و محقق اول متوفی بسال ۶۷۶هجری می باشد و از هنگام تألیف تاکنون مورد نظر و توجه علماء و مجتهدین بزرگوار بوده و بر آن حواشی و شروح بسیاری نوشته اند که از آنجمله

است شرح مرحوم حاج سید اسد الله در چندین مجلد بشرح زیر می باشد :

۱- کتاب الطهاره

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والسلام علی سید الاولین والآخرین محمد و آله الطاهرین وعلی الله التوکل و به الاعتصام . قوله : کتاب الطهاره . الکتاب اما مصدر او اسم مصدر .....

انجام : و الحمد لله علی ما وفقنی بکرمه و احسانه با تمام هذا المجلد الحقیر من العبد الذلیل فی یوم الخمیس الثالث والعشرین من شهر ربیع الاول سنه ۱۲۵۸ فله الحمد اولا وآخراً و ظاهراً وباطناً وصلی الله علی محمد و آله اجمعین .

۲ – در احکام نجاسات .

آغاز: قال (ره) الرکن الرابع فی النجاسات واحکامها. القول فی النجاسات وهی عشره انواع الاول و الثانی: البول والغائط مما لایؤکل لحمه اذا کان ذانفس سائله مما لا خلاف فیه بل علیه الاجماع محققه و محکیه ...

انجام : قال (ره) و یکره بول البغال و الحمیر والدواب قد تقدم الکلام فیه فلا حاجه الی الاعاده الیه وقد وقع الفراغ منه فی الساعه الرابعه من لیله الثالث والعشرین من شهر جمادی الثانیه سنه ۱۲۸۷ حامداً مصلیاً علی محمد و آله الطاهرین .

۳- در احکام وضو .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد و آله سادات الخلق اجمعین. قوله (ره) الثالث فی کیفیه الوضوء وفروضه خمسه . الفرض فی اللغه بمعنی التقدیر قال الله تعالی : « فنصف ما فرضتم » ای قدرتم وفی الاصطلاح بمعنی الواجب والمحتوم کما صرح به فی المدارک ...

انجام: ونأتی بغیر ذلک مما یتعلق بالمقام فان الخاطر حشوش و القلب ملول حتی ان من العجب اشتغالی با لفقه او الاصول والحمد لله علی ما وفقنی بکرمه

ص: ۲۷۳

و احسانه با تمام هـذا المجلد الحقیر من العبد الدلیل الفقیر فی یوم الخمیس الثالث والعشـرین من شـهر ربیع الاول سـنته ۱۲۵۸ فله الحمد اولا و آخراً و ظاهراً وباطناً وصلی الله علی محمد و آله اجمعین .

نسخه بخط محمد حسن بن محمد تقی خونساری می باشد .

۴ – در احکام شک و سهو .

آغـاز : بسم الله الرحمن الرحیم و به ثقتی ورجـائی الحمـد لله رب العالمین والصـلوه علی محمـد و آله اجمعین قوله (ره) الرکن الرابع فی التوابع وفیه فصول الفصل الاول فی الخلل الواقع فی الصـلوه وهو اما من عمـد او سـهو اوشک . اعلم ان العمـداتیان الشـیء او ترکه مع القصد والتذکر والالتفات ...

انجام : والظاهرانه عین القول باعتبار سـهوه و الصلوه علی محمد و آله و الحمد الله علی مننه وافضاله وقد وقع الفراغ منه عند یوم السبت الخامس او السادس من شهر رجب الاصم سنه ۱۲۵۶.

۵ – در احکام جماعت .

آغـاز : بسم الله الرحمن الرحیم والصـلوه والسـلام علی محمـد و آله الطاهرین قال رحمه الله الفصل الثالث فی الجماعه والنظر فی اطراف . الاول الجماعه مسـتحبه فی الفرائض کلها وتتأکد فی الصـلوه المرتبه ولا یجب الا فی الجمعه والعیدین ولا یجوز فی شـیء من النوافل عدا الاستسقاء و العیـدین مع اختلاف شـرائط الوجوب اعلم انه تنقسم الجمـاعه باختلاف مواردهـا الی الاقسـام الاربعه او الخمسه من حیث الحکم الشـرعی فقد تکون واجبه وقد تکون محرمه وقد تکون مستحبه وقد تکون مکروهه ومباحه ...

انجام : ولنقطع الکلام من هذا المقام حامداً مصـلیاً مسـلماً فی لیله الثلثاء وقد تعدی منها خمس ساعات الرابع من شـهر رجب المرجب سـنه اثنین وسبعین بعد

المأتین و الالف

در آخر نسخه نوشته شده است که : لقد حصل الفراغ من مقابلته مع نسخه الاصل التی کانت بخط المصنف اعلی الله مقامه وانا الراجی الی عفور به اقل الطلبه عباس بن احمد الخونساری فی شهر ذی الحجه الحرام ۱۲۹۲ سجع مهر: الراجی عباس بن احمد

کاتب نسخه : محمد حسن بن محمد تقی الخونساری فی یوم السبت التاسع من شهر رجب المرجب فی سنه ۱۲۹۲

۶ - در احکام حج

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم قال رحمه الله کتاب الحج وهو یعتمد علی ثلاثه ارکان : الاول فی المقدمات وی اربعه المقدمه الاولی و ان کان فی اللغه کل القصد فقد صار فی الشرع اسماً لمجموع...

انجام: ولنقطع الکلام فی المقام و الحمد لله علی فضله واحسانه و الصلوه علی محمد خیر خلقه و آله فی خامس شهر شوال المکرم من سنه تسع وستین ومأتین بعد الالف فی جوار امیر المؤمنین علیه السلام ۱۲۶۹ .

رساله فوق بخط مصنف مرحوم حاج سید اسد الله می باشد

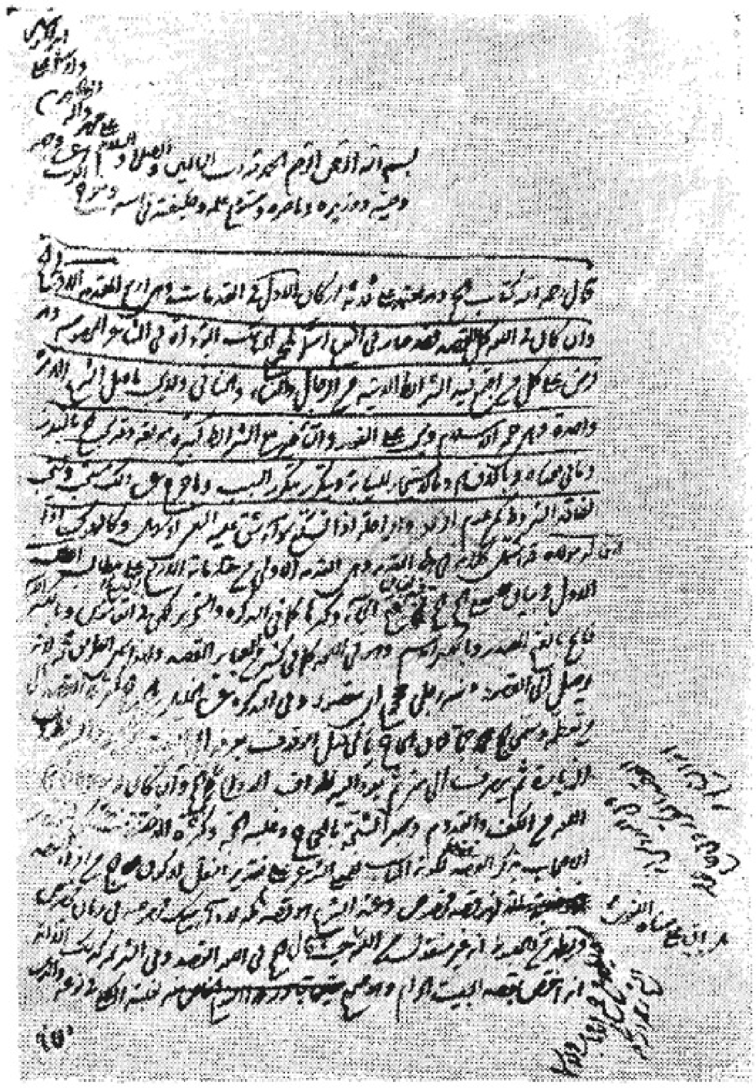
۷- کتاب المیراث .

نسخه در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم بشماره (۱۲۶)

نویسنده فهرست دانشمند بزرگوار محقق متتبع اقای حاج سید احمد حسینی اشکوری درباره این کتاب می نویسد : (فقه - عربی)

شرح استدلالی مفصلی است بعنوان «قال - قال» و نام مؤلف از یادداشتی است که روی برگ اول آمده است . این نسخه دارای کتاب الفرائض (ارث) می باشد در پاورقی می نویسد شاید مؤلف فرزند سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی باشد.

ص: ۲۷۵



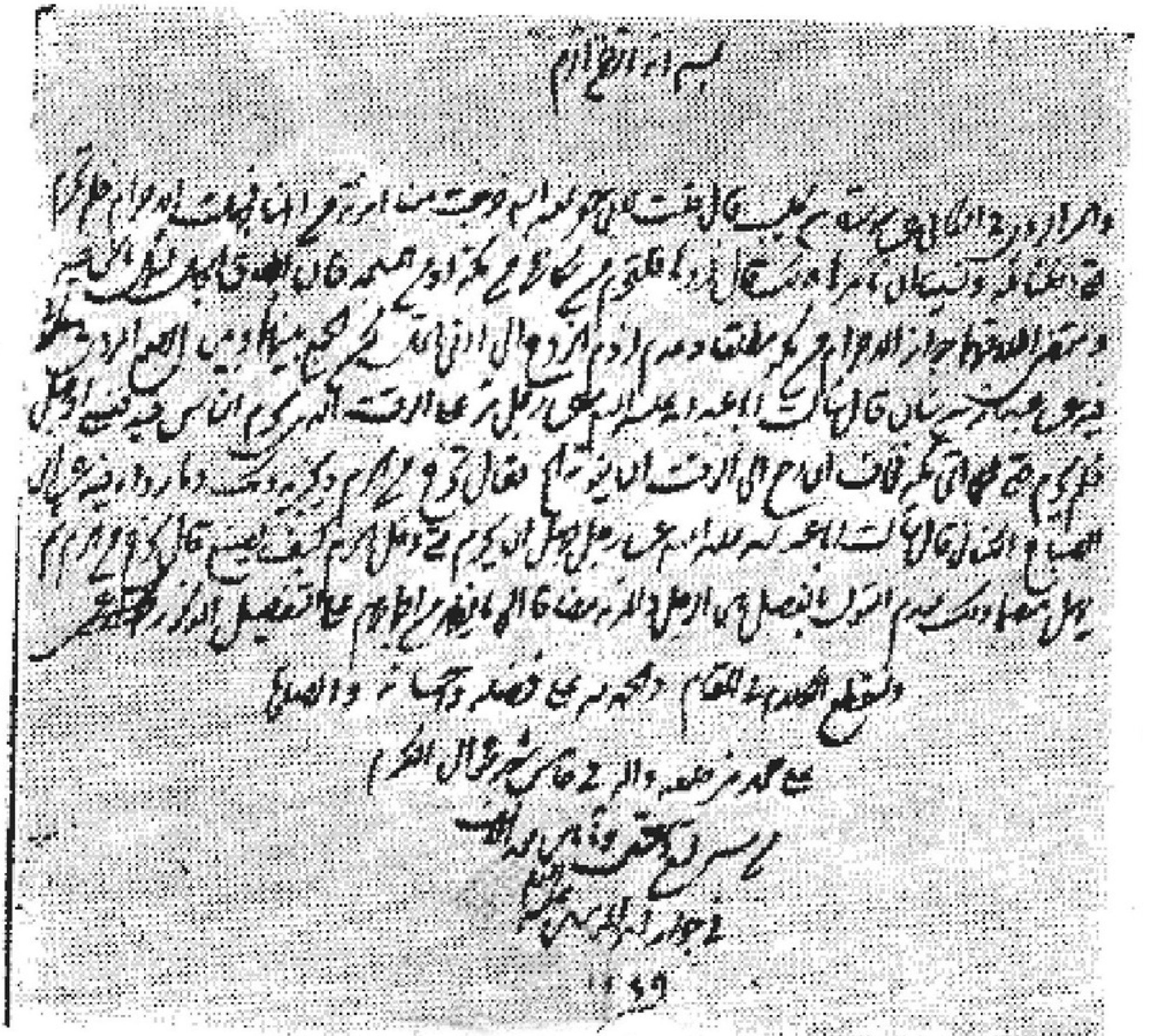
تصویر خط مرحوم حاج سید اسد الله ابن سید محمد باقر
کتاب الحج ـ شرایع الاسلام

تصویر خط مرحوم حاج سید اسد الله ابن سید محمد باقر

کتاب الحج - شرایع الاسلام

ص: ۲۷۶

تصویر



آغاز : الحمد لله رب العالمین قال (ره) کتاب الفرائض . الفرائض فی الاصل جمع الفرض بمعنی التقدیر ...

در معرفی نسخه می نویسد : بخط نسخ زیبا متن باشنگرف نشانی دارد . عناوین در حاشیه مشکی در حاشیه تصحیح شده است. علی میرزا اصفهانی در صفحه آخر می نویسد که کتاب را با سید عبد العظیم با نسخه مؤلف مقابله کرده و این کار بسال ۱۲۹۴ پایان یافته است . مهر بیضوی این دو نفر : عبده الراجی « علی میرزا » و عبده «عبد العظیم بن حسن الموسوی» نیز دیده میشود (ص ۱۲۰ یکم فهرست کتابخانه)

فائده : علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۰۹ ششم) در ضمن بیان حواشی که بر کتاب معالم الاصول نوشته شده است می نویسد : حاشیه مولی علی میرزا

بر آن بطوریکه سید محمد باقر معروف به حاج آقا سبط سید حجه الاسلام اصفهانی ذکر نمود و میفرمود که در کتابخانه ما در اصفهان موجود است .

از حالات این ملاعلی میرزا تاکنون بیشتر از این اطلاع نداریم و احتمال اینکه وی مرحوم ملا علی میرزا کتابفروش و مؤذن مسجد سید باشد و تا بعد از سال ۱۳۲۷ زنده بوده بعید بنظر میرسد و الله اعلم بحقایق الامور .

۸ - در امر بمعروف و نهی از منکر .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین الحمد لله رب العالمین والصلوه والسلام علی محمد و آله الطاهرین . کتاب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر قال (ره) المعروف هو کل فعل حسن اختص بوصف زاید علی حسنه اذا عرف فاعله ذلک اودل علیه والمنکر کل فعل قبیح عرف فاعله قبحه او دل علیه المراد بالفعل الحسن فی تعریف المعروف کما صرح فی المسالک الجائز بالمعنی الاعم

انجام : و لکن الکلام هنا فی امور محلوا کتاب المکاسب وقد تعرضوا لها هناک .

از این هشت کتاب بغیر از کتاب هفتم (کتاب المیراث) بقیه در سه مجلد بزرگ و در کتابخانه حجه الاسلام زاده محترم اقای حاج آقا مهدی شفتی موجود است .

تا این جا راجع به شرح کتاب شرایع بود ۱۸

۱۸ - رساله عصیریه

رساله در حرمت عصیر زبیبی پس از جوشیدن (زبیب یعنی مویز و انجیر)

نسخه اصلی این رساله بخط مؤلف بزرگوار در کتابخانه علامه مفضال اقای حاج سید محمد علی روضاتی در اصفهان موجود است

ص: ۲۷۸

۱۹ - رساله عملیه (ص ۲۱۲ یازدهم الذریعه)

در این رساله مؤلف از وظایف قلبی و اعتقادی یاد کرده است تاریخ تألیف ۱۲۷۳: نسخه ای از آن با حواشی منه در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدس موجود است (ص ۳۰۳ فهرست کتابخانه مسجد گوهر شاد).

۲۰- کتاب الغیبه فی حکم الاغتیاب

ص ۷۰ شانزدهم الذریعه) علامه طهرانی میفرماید که نسخه ای در کتابخانه فرزندش حاج سید محمد باقر دوم موجود بوده است

۲۱- کتاب الفقه الاستدلالی

در چندین مجلد (ص۲۸۳ شانزدهم الذریعه) علامه طهرانی می نویسد نسخه ای از آن بشماره (۳۶۰۳) در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است (ص ۲۹۱۰ دوازدهم) مرحوم حاج سید اسد الله کتاب را در شب ۲۸ ذی الحجه سال ۱۲۹۷ تألیفه فرموده و تاریخ نسخه موجود ۳ شنبه ۱۰ رمضان المبار ۱۲۷۳ در روستای

امریکا در سال اهر می باشد

۲۲- مستخرجات الطرائف .

آغاز : الباب الأول فی المستخرجات من الطرایف وفیه ثمانیه وعشرین عنوانا

بسم الله الرحمن الرحیم فی الأخبار الداله علی أن الائمه اثنی عشر باسمائهم فی الطرائف فمن ذلک روی البخاری فی صحیحه فی الجزء الثالث من اجزاء ثمانیه ...

انجام : قال عثمان فی المسجد بعد الفراغ من صلوته الجماعه مقبلا علی الناس أن هاتین مشیراً بها الی عایشه و حفصه لفتانتان یحل فی سبهما وانا باصلهما عالم

ص: ۲۷۹

نویسنده گوید این کتاب جزئی است از کتاب مناقب الائمه که بعدا بأن اشاره خواهیم کرد.

۲۳ – رساله فی معرفه التکالیف

از کتب فقهی شامل مباحث طهارت – قبله صلوه بر راحله صلوه در سفینه – لباس نماز گزار – زکوه – صوم

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین والصلوه والسلام علی اشرف خلقه و آله الطاهرین تفکر ایها العبد المخلوق فی خلقک ...

انجام : و منها انه لا یجوز لمن علیه قضاء شهر رمضان أن یتطوع بالصوم حتی یقضی شهر رمضان تاریخ کتابت (یا تألیف) سنه ۱۲۷۳ .

۲۶ – مناسک حج

رساله مختصری است در اعمال حج بفارسی (ص ۲۰۰ بیست و دوم الذریعه) |

نسخه ای از این رساله در نزد نویسنده موجود است که در بالای صفحه اول قبل از شروع کتاب در لوحه ای نوشته شده است :

هو العلی الأکبر. مناسک حج من تألیفات مولانا وسیدنا الأعظم الاکرم الافخم العالم العامل الفاضل الکامل وحید عصره وفرید دهره حجه الاسلام الحاج سید اسد الله الموسوی دام ظله العالی

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوه علی محمد و آله الطاهرین و بعد چنین گوید بنده خاطی راجی اسد الله الموسوی که این مختصریست در واجبات حج تمتع ...

انجام : و چون از اعمال حج فارغ شد عمره مفرده بعمل آورد . در زیر این قسمت مرحوم حاج سید جعفر بیدآبادی فرزند مرحوم سید

حجه الاسلام (برادر کوچک مؤلف) نوشته اند انشاء الله صحیح خواهد بود والتماس چنین است این مقصر درگاه خداوند را از دعا فراموش نکرده باشد . صاحب این کتاب مستطاب فی ۱۳ شهر جمادی الأولی سنه ۱۲۸۶

• مهر : عبده محمد جعفر بن محمد باقر الموسوی

۲۰ - مناقب الائمه علیهم السلام

و آنرا کتاب « امامت » و « منتخب المناقب » نیز گفته اند (ص ۶۴۹ بیست ودوم الذریعه) . علامه طهرانی میفرماید : کتاب بزرگی است در حدود دوازده هزار بیت و آنرا مؤلف بزرگوار از کتب چندی انتخاب فرموده است مانند :

کتاب طرائف تألیف ابن طاووس و شرح نهج البلاغه تألیف ابن أبی الحدید وصواعق تألیف ابن حجر عسقلانی و صحیحین یعنی صحیح مسلم و صحیح بخاری وغیرها

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی خلق الافلاک والأبراج وقدر فیها الشمس و القمر کالسراج در میان کار پ ر

ستاری نسخه ای از این کتاب که در سال ۱۲۹۰ یعنی سال وفات مؤلف از روی نسخه خط مصنف نوشته شده است در قم در کتابخانه شیخ رجبعلی نیشابوری بوده است (ص ۳۲۱ بیست و دوم الذریعه)

(تذکر) : علامه طهرانی نوشته اند که مناقب الائمه نام دیگر کتاب امامت است باید تذکر داده شود که کتاب امامت که قبلا نام بردیم غیر از کتاب مناقب الائمه یا منتخب المناقب می باشد .

۲۶ - منتخب رساله عملیه

از طهارت تا صوم بطور اختصار و آنرا یکی از شاگردانش بنام سید علی در زمان حیات آن مرحوم انتخاب نموده و نوشته است و از مرحوم حاج سید اسدالله

به شیخنا وسیدنا ومولانا دام ظله تعبیر می کند. نسخه آن در نزد اقا میرزا محمد علی اصفهانی در نجف موجود بوده است (ص ۰۷ بیست و دوم الذریعه)

۲۷ – رساله در میراث .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین کتاب المیراث وهو لغه اسم بمعنی الارث کما یتصرح من الصحاح والقاموس والمجمع فسر منها الأرث بالمیراث ومقتضاه ذلک ...

انجام : والصور الاثنی عشریاتی تمامها فی هذا القلم وامثلتها سهله بعد مراجعه ما ذکرناه من القواعد والأمثله و کذلک لو کانت الأعداد بعد مراعاه النسبه مختلفه

(تذکر) :

آقای حاج اقا مهدی شفتی حجه الاسلام زاده محترم در پایان فهرست تألیفات مرحوم حاج سید اسد الله می نویسند :

رساله های مخالفی در موضوعات زیر بخط مؤلف میباشد (غیر از آنچه سابقا ذکر نمودیم) رات اور میرا این

رساله در احکام تکلیفیه – صحت و بطلان – لوادعت المرأه علی الزوج النفقه وادعی هو علیها النشوز – فی المحرمات و اسبابها النسب والرضاع و ... . فی بعض مسائل الوکاله – ملاقی متنجس نجاست میته ذی النفس – الواجبات المالیه تؤخذ من أصل المال بخلاف ... ولایت پدر و جد در بخشیدن مدت عقد منقطع رساله فی الهبه و چندین رساله دیگر در موضوعات مختلف که ممکن است همه آنها جزو کتاب : الفقه الاستدلالی باشند . والله تعالی اعلم

دو نظریه مختلف در باره دو کتاب

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۱۲۹ بکم) در ضمن شرح حال مرحوم حاج سید اسد الله بید آبادی می نویسد :

محدث نوری مرحوم حاج میرزا حسین نوری (۱۳۲۰ – ۱۲۵۶) نورالله

مرقده میفرمود که :

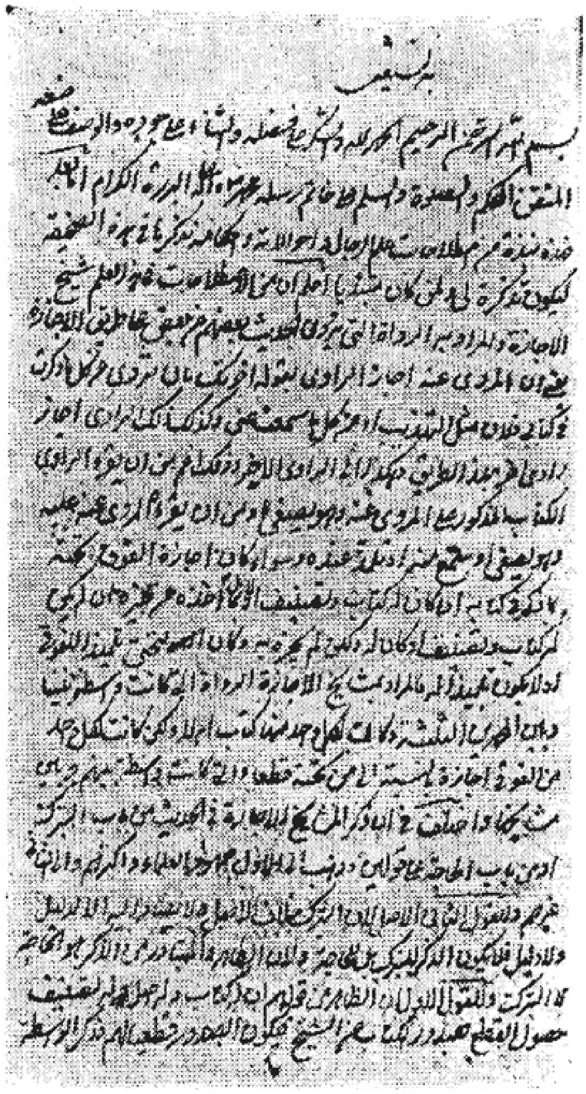
سید حجه الاسلام به رجال ابو علی وحدائق شیخ یوسف بحرانی اعتنائی نداشته است اما فرزند ارجمندش مرحوم حاج سید اسد الله در تصانیف فقهیه خود از حدائق گاهی بقدر نصف صفحه و گاهی کمتر و یا بیشتر از این مقدار نقل می کند . می کند .

از این بیان بنظر میرسد که حاجی نوری تألیفات سید ثانی را دیده است (انتهی) وهمچنین معلوم میشود که کتب فقهی مرحوم سید حجه الاسلام را نیز دیده و یا مطلب فوق یعنی عدم توجه و عنایت آن مرحوم را نسبت به آندو کتاب از شاگردان آن بزرگوار شنیده است و الله اعلم .

قبلا نیز در ضمن بیان شرح حال مرحوم حجه الاسلام گفتیم که :

مرحوم حجه الاسلام مناجات خمسه عشر را در حفظ داشت و بقراءت او مداومت میفرمود لکن فرزند ارجمندش بدلیل کافی نبودن سند این مناجات بأن عنایتی نداشت.

ص: ۲۸۳



تصوير خط مرحوم حاج سيد اسد الله

تصویر خط مرحوم حاج سید اسد الله

فصل پنجم: (آثار مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی)

(آثار مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی)

از مرحوم حاج سید اسدالله معروف به حجه الاسلام ثانی آثار و باقیات الصالحات چندی بجای مانده است که از آن جمله است :

- اجرای آب فرات در نجف اشرف ساری

۲ - بنای غسالخانه در شهر نجف (ص ۱۳۶ ماضی النجف وحاضرها جلد یکم)

۳- تألیف کتب علمی که شرح آن قبلا گفته شد . ۴ - تعمیر مسجد سهله (ص ۴۳ یکم فوائد الرضویه) - تعمیرات مدرسه با قریه اصفهان معروف به مدربه در کوشك .

- تعلیم شاگردان که قبلا به نام عده ای از آنها اشاره گردید . ۷- وقف نمودن مسجد سید ۸ - تکمیل بنا و ساختمان مسجد سید و غیره الف :

آب نجف

ص: ۲۸۵

تاریخچه آن از قبل از اسلام تاکنون :

یکی از عواملی که در تمـام ادوار موجب ناراحتی ساکنین شـهر مقـدس نجف اشـرف بوده است موضوع نبودن و کم بودن آب شـیرین و قابل شرب در این شهر بوده که همیشه مردم آنجا از این بابت رنج میبردهاند

در طول تاریـخ چنـدین مرتبه از طرف بزرگـان و سـلاطین و علمـاء و تجـار شـیعه واحیانا از طرف حکام عراق اقـدام به حفر قنات و نهر جهت آوردن آب از شط فرات بداخل نجف گردیده و موفقیت هائی نیز نصیب آنان شده است لکن این اقدامات بعلل چندی که از آن جمله است :

۱- مجاری تهیه شده عموما بر اساس اصول علمی و قواعد ریاضی مهندسی نقشه کشی نشده است .

۲- بلند بودن شهر نجف از کوفه و بالاخره از نهر فرات (شهر نجف تقریبا ۳۵ متر از کوفه مرتفعتر است . در بسیاری

۳- مراقبت و مواظبت ننمودن از مجاری و انهار تهیه شـده که گاهی عمد یا بوسـیله دشـمنان و یا افراد بی اطلاع عمدا آنها را خراب و پر کرده اند . .

۴ - بارنـدگی ها و جریان سـیل ها و همچنین وزش بادهای شدیـد نیز موجب شده که مجاری از شن و گل و لای پر شود و چون دیگران خود را موظف در ترمیم خرابیها و تنقیه قنوات ولای روبی انهار نمیدانسـته انـد خواه و ناخواه پس از مدت زمانی که گاهی اند یعنی در فاصـله چند سال از حفر قنوات و نهر گذشته مجری پر شده و آب قطع میشده است .

اینک جهت اگهی خواننـدگان فهرست اجمالی از تاریـخ مجاری آب و بانیان آن در طول تاریخ را بنا بنقل : اعیان الشـیعه (ص۱۱۳ یازدهم) تاریخ الکوفه

ص: ۲۸۶

(ص ۱۷۱) عنوان الشرف (ص ۱۴) ماضی النجف وحاضرها (ص ۱۲۳ یکم) میپردازیم . .

۱ – نهر حیره – نهر خورنق بوسیله حارث بن عمرو در قبل از اسلام . ۲ – سلیمان بن اعین برادر جناب زراره بن اعین متوفی بسال ۲۵۰هجری .

۳– عضد الدوله دیلمی در سال ۳۹۹ (به قنات آل بویه و یا نهر عضدالدوله شهرت یافته) ،

۴ – سلطان سنجر فرزند ملکشاه سلجوقی (۵۰۱ – ۴۷۹) لکن توفیق اتمام آنرا نیافت .

* در تاریخ بیهق ص ۵۸ گوید : اول کسیکه نهری از فرات جهت شهر کوفه (نجف اشرف) حفر نمود جناب ابو القاسم علی بن زید حسینی از آل زباره (باء موحده) متوفی بسال ۲۳ه میباشد .

پدرش ابو یعلی زید بن علی از سادات بنی الأخطس و از آل زباره در ساله ۴۴۷ در اصفهان وفات یافته و احتمالا مقبره معروف به شاه زید در مشرق خیابان بزرگمهر منسوب بدانجناب است و العلم عند الله تبارک وتعالی .

و – خواجه علاء الدین عطا ملك صاحب دیوان جوینی (۱۸۳ – ۱۲۳) تاریخ اتمام آن رجب ۹۷۹ مشهورترین قناتهای نجف و در این راه صد هزار دینار طلا خرج نمود . چون متصدی امور حفر نهر مزبور خواجه تاج الدین علی بن امین الدین معروف به « دلقندی » از سادات بزرگوار و اعتاب حضرت سجاد علیه السلام بوده بنهر تاجیه شهرت یافته و نهر تا مسجد کوفه میرسید . دیگر از آثار او برادرش خواجه شمس الدین ساختن ضریح جهت مرقد حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام در سال ۹۸۱ می باشد (ص ۱۷۷ تاریخ الکوفه).

– شاه اسماعیل صفوی (۹۳۰ – ۸۹۲) در سال ۹۹۶ دستور حفر آنراداد

(نهر شاه) در زمان محاصره نجف بوسیله عثمانیها این شهر پر شد با پر کردند

در زمان شاه سلطان سلیم عثمانی . . ۷- شاه طهماسب صفوی (فوت ۹۸۴) در زمان وی حفر نهر با تمام نرسید این نهر به طهماسیه و یا طهمازیه معروف است. تاریخ حفر نهر ۹۸۰ هجری .

۸- شاه عباس کبیر صفوی (۱۰۲۷ - ۹۷۹) در سال ۱۰۳۲ حفر نهر با تمام رسید و آب به قسمت شرقی نجف رسید این نهر به « نهر المکریه » شهرت دارد و آنرا نهر شاه گفته اند .

۹- شاه صفی صفوی (فوت ۱۰۵۲) در سال ۱۰۶۲ موفق به زیارت مراقد مقدسه ائمه عراق علیهم السلام گردیده و دستود به تجدید قبه منوره و توسیع حرم مطهر وهمچنین امر به احداث نهر عمیقی از حوالی حله تا مسجد کوفه و از آنجا به خورنق نمود و آنرا به بحر نجف بوسیله قنات متصل گردانیدند .

۱۰- یحیی خان آصف الدوله نیشابوری لک□نوی هندی متوفی بسال ۱۲۲۰ وزیر محمد شاه هندی در سال ۱۲۰۸ با مخارج زیاد نهری از مسیب از شط فرات منشعب نموده و تا نجف آنرا امتداد دارد و هر کجا به نقطه مرتفعی میرسد از وسط آن نهر را میگذرانید تا آنکه آب به نهر رسید . این نهر زیر نظر علامه مرحوم اقا سید علی طباطبائی مؤلف ریاض المسائل حفر گردید و به نهر هندیه شهرت دارد . ماده تاریخ آن : صدقه جاریه ۱۲۰۸ می باشد .

۱۱- امین الدوله مرحوم عبدالله خان فرزند حاج محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی خرج کردن معادل پنجاه هزار تومان قنات نجف را (شاید قنات آصف الدوله باشد) اصلاح ولایروبی کرد لکن بعلت باران و سیل مجرای آن مجددا خواب گردید .

۱۲- علامه مرحوم آقا شیخ محمد حسن اصفهان مؤلف جواهر الکلام (متوفی

در غره شعبان ۱۲۶۶) اقدام به تعمیر و اصلاح قنات آصف الدوله نموده و معادل هشتاد هزار تومان در آن صرف نمود که بوسیله محمد امجد علیشاه هندی (فوت ۱۲۹۳) بوسیله علامه سید حسین بن سید دلدار علی نقوی لکنوی هندوی معروف به سید العلماء (۱۲۷۳ - ۱۲۱۱) پرداخت گردید و قبل از اتمام عمل علامه مرقوم وفات یافت این نهر انشعابی به : کری (چری) الشیخ معروف گردید .

۱۳ - مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی (شرح آن بعدا نوشته میشود).

۱۴ - نهر عبد الغنی در سال ۱۳۰۵ در زمان حکومت علیرضا پاشا و دستور مشار الیه و نظارت عبدالغنی افندی حاکم شهر و سعی و کوشش سید جلیل سید هادی بن سید محمد آل زوین در مدت چهل و شش روز احداث گردید ماده تاریخ آن را شیخ عباس اعسم ضمن قطعه ای (شرب العذب ۱۳۰۵) گفته است . این نهر به نهر عبدالغنی شهرت داشته است و تا سال ۱۳۰۸ باقی بوده است.

۱۰ - نهر حمیدیه در زمان سلطنت سلطان عبدالحمید نیز بحکم او نهری احداث گردید و تاریخ وصول آب به نجف دهه اول شعبان سال ۱۳۱۰ بوده و به نهر حیدریه نیز معروف و مشهور می باشد .

۱۶ - در عنوان الشرف (ص ۶۷) پس از ذکر نهر عبد الغنی می گوید :

وشق اخرأ علی بن الحسن بجنبه فجاء یجری فی سنن فاستعذبوا السقیا به واشر با وار خوا (جاء الفرات عذبه)

(۱۳۱۲)

۱۷ - در سال ۱۳۱۹ علامه مرحوم حاج میرزا حسین فرزند حاج میرزا خلیل طهرانی اقدام به اصلاح ولای روبی قنات نجف نموده و در سال ۱۳۲۷ فراغت حاصل نموده لکن آبهای این مجری بعللی قابل شرب نبود (ص ۱۱۵ یازدهم اعیان الشیعه) .

۱۸- در سال ۱۳۶۲ حاج محمد علی شوشتری معروف به رئیس التجار جهت آب آشامیدنی شهر نجف اقداماتی نمود (در زمان ملك فیصل پادشاه عراق)

۱۹- در سال ۱۳۶۹ حاج اقا محمد بوشهری معروف به معین التجار جهت آب وروشنائی شهر مقدس نجف اقدامات اساسی انجام داد . ماده تاریخ آنرا مرحوم سید مهدی اعرجی نجفی چنین گوید :

ارخ « فیا بشری لک الیوم قد جاءك بالماء المعین المعین »

(۱۹۸۱)

و در عنوان الشرف (ص ۹۸) تاریخ آنرا : « بالماء ساغری » می نویسد:

۲۰ – در زمان ولایت عهدی ملك غازی پادشاه عراق در سال ۱۳۵۰ نیز جهت آب شهر نجف اقداماتی انجام گردیده است ماده تاریخ آنرا در عنوان الشرف حی الامیر غار با» می نویسد. وسید مهدی اعرجی شاعر و ادیب معروف نجفی گوید: لئن طغت میاهه فبالندی ا

رخست « مدها الأمیر غازی » ۲۱ – از سال ۱۳۵۷ شهرداری نجف در امر آب این شهر مستقیما دخالت نموده و اقداماتی انجام داده است .

نهر احداثی حاج سید اسدالله بید آبادی :

اکنون که بطور اجمال از تاریخچه آب در نهر نجف آگهی یافتیم بذکر اقدامات حاج سید اسدالله شفتی میپردازیم.

در سالیکه مرحوم حاج سید اسدالله پس از وفات استاد بزرگوارش مرحوم اقا شیخ محمد حسن اصفهانی به نجف اشرف مشرف گردیده و عده ای از علماء و ساکنین آن شهر مقدس از کمبود آب و ناراحتی مردم از این بابت به ایشان شکایت نمودند مرحوم حاج سید اسدالله تصمیم به اقدام اساسی در این کار گرفتند و پس از برگشت به اصفهان عده ای مهندس و کار گرفنی به نجف گسیل فرمودند.

ص: ۲۹۰

در مرحله اول تصمیم گرفتند دنباله دار مرحوم اقا شیخ محمد حسن رابگیرند بعد از این اندیشه منصرف گردیده و بر آن شدند که از وسط نهری که مرحوم شیخ احداث نمودهاند مجرای زیرزمینی (قناتی مستقیم تا شهر نجف تهیه کنند و در سال ۱۲۸۲ شروع به این عمل فرموده و تا سال ۱۲۸۸ مشغول بودند و در این سال آب به نجف رسید و مردم شهر بدین جهت خوشحال و مسرور شدند .

مخارج احداث این قنات و رسانیدن آب به شهر نجف را معادل سی هزار تومان و از ثلث تر که مرحوم سردار محمد اسماعیل خان نوری وکیل الملك نوشته اند (شرح حال سردار محمد اسماعیل خان وکیل الملك نوری حکمران کرمان در کتاب : شرح حال رجال ایران صفحه ۲۹۷ سوم بطور اجمال مذکور است مشار الیه در ۱۹ جمادی الثانیه سال ۱۲۸۶ در کرمان وفات یافته است).

علامه ادیب شاعر شیخ محمد بن شیخ کاظم جزائری نجفی متوفی بسال ۱۳۰۲ قصیده ای در

ماده تاریخ

احداث این نهر سروده است مطلع آن : الوکیل الملک اید طوقتنا بالهبات رسان

و قد سرت فی الناس أمثال النجوم السائرات وجرت کالبحر الا انها عذب فرات

فهو بالشکر حقیق فی الملا و الخلوات تا آنجا که می گوید : شربوا الماء زلالا بعد شرب الاجنات

فاشرب الماء وارخ : لاـ اشرب الماء الفرات» و میرزا محمد بن عبدالوهاب بن داود همدانی معروف به امام الحرمین مؤلف نصوص الیواقیت متوفی بسال ۱۳۰۴ در تاریخ احداث این نهر گوید :

مد اسد الله الهمام السری سلیل ساقی الناس من کوثر

اجری الی الغری ماء مری قد اخوه « جاء ماء الغری » ۱۲۸۸ ب :

غسالخانه در نجف اشرف :

یکی دیگر از آثار مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی ساختمان غسالخانه موجود در شهر مقدس نجف اشرف می باشد .

مرحوم آقا شیخ جعفر آل محبوبه نجفی در ماضی النجف وحاضرها (ص ۱۳۶) در ضمن بیان شرح قنات آب احدائی بوسیله مرحوم سیدحجه الاسلام ثانی می نویسد :

در سال ۱۳۰۷ تگرگ شدیدی بارید که در اثر آن زراعتها از بین رفت و در اثر این بارندگی مجرای قنات خراب گردید و متصدیان امر در اصلاح آن اقدام نکردند و شهر مقدس نجف دیگر بار گرفتار کم آبی گردید.

این قنات تاکنون موجود است و آب شور در آن جریان دارد که بمصرف آبیاری در برخی از باغات نزدیک میرسد .

و بر روی این قنات غسالخانه موجود ساخته شده که آنهم از آثار مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی میباشد .

ج : تعمیرات مسجد سهله :

محدث قمی رضوان الله علیه در فوائد الرضویه (ص ۴۳ بکم) در ضمن بیان شرح حال مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی به تعمیرات در مسجد سهله بوسیله ایشان اشاره میفرماید .

بی مناسبت نیست برای آگاهی خوانندگان محترم و اطلاع از عظمت و اهمیت مسجد سهله چند جمله بطور اختصار از مآخذ معتبره نقل کنیم .

(اهمیت مسجد سهله) :

یکی از مساجد متبرکه و شریفه کوفه مسجد سهله است بزرگان محدثین در کتب خود در فضیلت این مسجد و نماز و دعای در آن

و اینکه بعـد از مسـجد بزرگ کوفه در این شـهر هیـچ مسـجدی شـریفتر از آن نیست روایات و احادیث زیادی نقل فرموده انـد و مورخ محقق جلیل مرحوم سـید حسین بن سید احمد حسنی براقی نجفی (۱۳۲۲ - ۱۳۹۱) در کتاب تاریخ الکوفه بسیاری از آنها را (ص) نقل نموده است همچنین محدث قمی در مفاتیح الجنان و علامه مجلسی در بحار الانوار و دیگران در کتابهای خود بآن اشاره نموده اند.

سید حسون براقی) در تاریخ الکوفه بحذف اسناد می نویسد :

خصوصیات مسجد سهله:

۱- مسجد سهله و در آن است خانه حضرت ادریس علیه السلام که خیاطی

مینموده است

۲- در مسجد سهله خانه حضرت ابراهیم علیه السلام است که از آنجا به جنگ عمالقه رفت.

۳- مسـجد سـهله جایگاه حضـرت خضـر علیه السـلام است در احادیث انحضـرت را (راکب) خوانـده انـد . اس دوران بارداری ساری ۴ - از مسجد سهله حضرت داود به جنگ طالوت رفت .

و خداوند متعال هیچ پیغمبری را برسالت نفرستاده است مگر آنکه آن پیغمبر در این مسجد نماز خوانده .

- حضرت صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند : اگر عمویم زید در موقع خروج به این مسجد آمده بود و در آن نماز خوانده بود و از خداوند امان خواسته بود خداوند تبارک و تعالی و پرا بیست سال امان میداد .

- حضـرت صـادق علیه السـلام به ابوبصـیر فرمودنـد : اگر من نزدیک شـما بودم (یعنی در کوفه ساکن بودم) تمام نمازهایم را در این مسـجد میخواندم .

) برای شرح حال سید حسون براقی به نقباء البشر صفحه ۲۳ه دوم مراجعه شود .

ص: ۲۹۳

- امام ششم علیه السلام فرمودند : ما این مسجد را : « مسجد البری »

می نامیم.

- در این مسـجد سـنگ سبزی است که بر آن صورت تمام انبیاء و اوصیاء) علیهم السلام نقش بسته است . ۱۰ - از زیر این سنگ گل و طینت همه پیغمبران گرفته شده است .

۱۱ - حضـرت صادق علیه السـلام فرمودند : می بینم که قائم ما (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با عیال و فرزندان در این مسجد فرود آمدند . راوی پرسید که منزل حضرت مهدی علیه السلام در این مسجد است فرمودند : آری.

۱۲- کسیکه در این مسجد ساکن باشد همچون کسی است که در خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ساکن باشد .

۱۳- هیچ مؤمن ومؤمنه ای نیست مگر آنکه قلبش متوجه این مسجد است.

۱۴- چون حضرت مهدی علیه السلام قیام کند بخاطر رضای خدا و پیغمبر وما (از دشمنان ما) انتقام خواهد کشید . بازی

۱۰- در هیچ شب و روزی نیست مگر آنکه فرشتگان رحمت در این مسجد نزول کنند و به نماز و عبادت مشغول شوند.

۱۹- کسی که در بین نماز مغرب و عشاء در این مسجد نماز بخواند ودعا کند خداوند متعال باو گشایش عنایت فرماید .

۱۷- کسـیکه در این مسـجد (از روی حقیقت و اخلاـص) نمـاز بخوانـد و بهر چه دلخواه اوست دعـا کنـد خداونـد تبـارک و تعالی دعایش را مسـتجاب گرداند و در روز رستاخیز مقام او را بلند گرداند و بدرجه حضرت ادریس علیه السلام رساند و او را از ناراحتیهای دنیا و کید و مکر دشمنان در امان دارد.

۱۸ جناب سید بن طاووس علیه الرحمه در مصباح الزائر فرموده که بهترین

وقت برای نماز و دعا در مسجد سهله فاصله بین مغرب و عشاء شب چهارشنبه است

۱۹- در بین علماء و مقدسین نجف اشرف بتواتر رسیده و به تجربه رسیده است که :

هر کس چهل شب چهار شنبه در مسجد سهله به نماز و عبادت پیوته کند بزرگترین توقیعات حضرت حق جل وعلایعنی شرفیابی به محضر مقدس حضرت ولی الله الاعظم امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نصیب وی گردد .

به کتاب نجم الثاقب تألیف محدث نوری و دار السلام تألیف آقاشیخ محمود میثمی عراقی و کتابهای دیگر در این موضوع مراجعه شود. اللهم أرنا الطلعه الرشیده والغره الحمیده وعجل فی فرجه و ظهوره بحقه و بحق آبائه علیهم الصلوه والسلام.

د:

تعمیرات مدرسه با قربه

یکی از مدارس دینی اصفهان که اساسی برای آن ظاهره مربوط به قبل از دوران صفویه بوده و احتمالا در انوقت تکیه و مقبره بوده است و در قرن دهم بصورت مدرسه در آمده است مدرسه باقریه یا مدرسه در کوشک (بمناسبت وقوع آن در محله در کوشک) می باشد این مدرسه گاهی مدرسه باب القصر وزمانی مدرسه پای شیر در کوشک نیز خوانده اند . بانی و مؤسس این مدرسه و شاید یکی از مدرسین بنام آنجا میرزا باقر نام داشته و بهمین مناسبت مدرسه بنام باقریه شهرت یافته است و احتمال اینکه میرزا باقر نامبرده همان بانی مسجد و حمام و بازارچه میرزا باقر معروف واقع در محله بیدآباد باشد بعللی بعید بنظر میرسد .

این مدرسه دارای تزئیناتی از نوع کاشی معرق بوده(ص ۳۰۸ گنجینه آثار تاریخی اصفهان) لکن در طول زمان از بین رفته است و در حال حاضر هیچگونه تزئیناتی و کاشیکاری ندارد تنها نشانه قدمت آن بقعه ای است در قسمت شمال غربی مدرسه در دالان سر چاه آب که ظاهرأ قبر یکی از بزرگان قرن هشتم یا نهم بوده و فعلا

قبر از بین رفته لکن داخل بقعه قسمتهائی از کاشیکاری هنوز موجود و نام صاحب قبر غیر معلوم است و در موقعیکه مقبره بصورت مدرسه در آمده است برای سر در آن کتیبهای تهیه کرده اند که متأسفانه از بین رفته و احتمالاـ آنها را جهت تعمیرات برچیده اند وبعدأ بجای خود گذاشته نشده است .

قدیمی ترین تاریخی که فعلا از این مدرسه در دست می باشد مربوط به قرن یازدهم هجری و بشرح زیر می باشد :

ر ا در کتابخانه فرهنگ اصفهان نسخه ای از کتاب کافی است بشماره ( ) که آنرا علی مازندرانی در سال ۱۰۱۸ وقف بر کتابخانه مدرسه باقر به نموده و تولیت آنرا به آقا سید کاظم بن سید سلطان حسین حسینی واگذار نموده است . این موضوع میرساند که در قرن یازدهم مدرسه باقریه معمور و دارای کتابخانه بوده و احتمالا مرحوم آقا سید کاظم حسینی متولی و یا مدرس مدرسه نامبرده بوده است کار در ساری

۲ - در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نسخه ای از کتاب : اتولوجیا بشماره (۱۹۲۱) می باشد که کتابت آنرا محمد جعفر بن مختار مازندرانی در روز شنبه صفر ۱۰۸۸ در این مدرسه بپایان رسانیده است (ص ۳۳ه نهم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) .

۳- همچنین در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نسخه ای از کتاب : سفینه النجاه تألیف فاضل سراب موجود است که کتابت آنرا أبو الحسن بن میر یحیی سکری در روز چهارشنبه ۲۹ ربیع الثانی سال ۱۱۰۳ در این مدرسه بپایان رسانیده است (ص ۱۰۹۱ دهم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه) ... ۴- در کتابخانه مدرسه فیضیه قم مجموعه ای است بشماره (۱۱۰۷) که

عماد بن میر حیدر حسینی در شوال سال ۱۹۱۱ و یک شنبه ۴ ذی حجه ۱۹۱۱ بخط نستعلیق دو مدرسه باب القصر نوشته است

این مجموعه شامل کتاب : ۱- رساله در جفر ۲- حاشیه بیرجندی بر شرح الملخص قاضی زاده رومی ۳ - تشریح الأفلاک تألیف شیخ بهائی ۴ - شرح بر شرح چغمینی می باشد (ص ۶۱ بخش سوم جلد دوم) .

- علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۱۳۰ دوم) و در شرح حال شیخ محمد صادق بن ابی الفتح اصفهانی می نویسد که وی کتاب مغنی اللبیب را در سال ۱۳۰۹ در مدرسه باقریه نوشته است .

- علامه طهرانی در نقباء البشر (ص ۳۷۹) در ضمن شرح حال مولی محمد حسین بن اسماعیل بسطامی گوید : مشار الیه در سال ۱۲۱۷ کتاب مبدأ ومعاد تألیف آخوند ملا صدرا را در مدرسه باب القصر کتابت نموده است .

مدرسه در کوشک (باقریه) در زمان مرحوم حاج سید اسد الله احتیاج به تعمیراتی داشته که بوسیله ایشان کلیه تعمیرات لازمه به بهترین صورت انجام می شود و چون متولی منصوص (ظاهره) نداشته بر حسب نظریه ایشان امور مربوط به مدرسه و نظارت در موقوفات و غیره به مرحوم حاج میرزا عبد الرزاق رشتی واگذار میشود که تاکنون امور تولیت و نظارت در اعقاب آن مرحوم است .

در سالهائیکه از طرف حکومت بعنوان قانون اتحاد شکل لباس برای علماء و طلاب مشکلاتی ایجاد کرده بودند و از هر جهت مزاحم آنان بودندمدرسه از طلبه خالی شد و مدت چندین سال عده ای افغانی را که ظاهرا تبعیدی بودند در آنجا منزل داده بودند بعد از قضایای شهریور ۱۳۲۰ مدرسه مجددا بتصرف وقف در آمده و اکنون بحمد الله طلبه نشین و جزو مدارس معمول می باشد.

در سالهای اخیر مدرسه احتیاج به تعمیرات اساسی و کلی داشت که بوسیله

دانشـمند محترم حجه الاسـلام اقـای حاج میرزا محمـد حسـین رشتی نجل جلیل مرحوم حاج میرزا قوام الـدین بن حاج میرزا عبـد الرزاق رشتی متولی مدرسه به بهترین صورت انجام گردید

مرحوم حاج میر سـید علی جناب در کتاب : الأصـفهان می نویسـد طول مدرسه دو متر و عرض آن ۲۰ متر و دارای ۱۸ حجره و تعداد طلبه آن در زمان تألیف کتاب ۲۰ نفر بوده است .

(وقف کردن مسجد سید):

یکی از کارهای اساسی که بوسیله مرحوم حاج سید اسد الله انجام گردیده است وقف کردن مسجد سید می باشد .

چون ساختمان مسـجد سید در زمان مرحوم حجه الاسلام به اتمام نرسیده بود (البته آنچه از ساختمان باقیمانده بود تزئینات و کاشیکاری بود و الااصول ساختمان تمام بوده است) آن مرحوم شخصا اقدام به وقف نمودن و اجرای صیغه وقف نگردید . پس از وفات ایشان و ریاست مرحوم حاج سید اسد الله این کار بوسیله ایشان انجام گرفت بدین کیفیت :

۱- قسـمت جنوبی مسـجد (چهلسـتون وزیر گنبد) و شبسـتانها و مهتابیها و قسـمت زیر گلدسـته و ایران مقابل بقعه را بعنوان مسـجد بودن وقف نمود .

(حسن سليقه):

۲- چون مسـجد دارای درهای متعدد بود و مردم از آنها عبور و مرور مینمودند و ممکن بود بعضی از آنها دارای عذر شرعی باشند که عبور و یا توقف آنها در مسجد کراهت داشته و یا حرام باشد علیهذا راهروهای مسجد و صحن مسجد

غیر از مهتابیها) را وقف بر مسجد نمودند نه بعنوان مسجد بودن که احکام مسجد از جنبه طهارت و غیره در آن جاری باشد .

ص: ۲۹۸

۳- از زمان مرحوم سید حجه الاسلام تا این اواخر در دالان مسجد (درب زنجیر) و فضای مقابل مقبره عده ای از بزازها دکان داشتند و روزها بکار و کسب مشغول بودند و هنگام شب اجناس خود را در قسمتی از آخر شبستان کو چک مسجد (بنام شله) می گذاردند این قسمت را نیز وقفه بر مسجد کردند و جزو مسجد نبود که احکام مسجد در آن جاری باشد .

} . قسمتی از برف انداز جنوب شرقی مسجد جنب دالان دری که بسمت کوچه حمام دوقلی و کوچه مشایخ بید آباد باز میشود (دومین در مسجد) و قسمتی از داخل مسجد واقع در زاویه شمال غربی نیز جزو مسجد نبوده و وقف بر مسجد بود و در آنجاها قهوه خانه دار بود که تا سالهای اخیر این دو قهوه خانه با یک قهوه خانه دیگر واقع در زاویه شمال شرقی جنب در مقبره برقرار بود که از نار شرعی چون از زمان واقف اولیه دائر بوده هیچگونه اشکال شرعی نداشت لکن از نظر عرفی در این اواخر آنها را تعطیل کردند همچنانکه روزها در قبل ظهر در مسجد را بستند و حال آنکه در خانه خدا در تمام مواقع باید بروی بندگان خدا باز باشد

و در روی طاق شبستانها اطاقهائی جهت سکونت طلاب و دانشجویان ساختند که در این اواخر در برخی از آنها مکتب خانه دار بود و عده زیادی اطفال و جوانهای کم سن جهت تحصیل در نزد اساتید مجرب و آزموده مشغول تحصیل بودند .

در زمان حکومت سابق به عناوین مختلف طلبه ها را از حجرات اخراج نموده و مکتب خانه ها را تعطیل کرده و قهوه خانه ها را بستند و کسبه داخل مسجد ورواق مقابل مقبره را بیرون نمودند این عمل گر چه از نظر ظاهر کاری عوام پسند بود و عده ای از مردم نا آگاه آنرا کاری شایسته و حتی خدا پسند تعریف نمودند. منطق ابنان آن بود که بک عده بیکار در قهوه خانه جمع میشوند و حرف

دنیا میزنند اما اینها کسانی را که در گوشه و کنار مسجد ودر چهلستون به نماز ودعا و زیارت و قراءت قرآن اشتغال داشتند را نمی دیدند . در مکتب خانه ها که قران و دعا و خواندن و نوشتن می آموختند را ملاحظه نمی کردند. درست است که در مسجد نباید حرف دنیا زد اما مثلی است معروف که : بخاطر یک بی نماز که در مسجد را نمی بندند . بهتر آنست که دنباله این سخن را رها کنیم و گرنه گفتنی بسیار است.

(فائده)

: موقوفه زینبیه اصفهان) : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۳۲۹) در ضمن بیان امامزاده زینبیه منسوب به علیاجناب زینب دختر حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام واقع در ارزنان یک فرسنگی اصفهان از بلوک جی می نویسد :

این ایام سواد مرقومه ای از مرحوم آقای حاج میرزا حسن امام جمعه اصفهان مدفون در مقبره سر قبر آقا (متوفی در دوم محرم سال ۱۲۶۸) با امضای مرحوم اقای حاج سید اسد الله به بنده نمایاندند که دو محل قلعه زینبی کر ارج و سوراچی را وقف بر بقعه بی بی زینب دانسته اند از اوایل عهد صفویه و بعد . .

نویسنده گوید : متأسفانه مرحوم انصاری در کتاب خود نوشته اند که این سواد مرقومه در نزد چه کسی بوده که بتوان به آن مراجعه نموده شاید اطلاعات ذی قیمتی از آن بدست آید. و آنچه از این مرقومه مستفاد میشود آنکه این مقبره در اوایل عهد صفویه بهمین نام و شهرت موجود بوده است و قدمت آن مسلم می شود.

ص: ۳۰۰

فصل ششم: (شورش مردم اصفهان)

(شورش مردم اصفهان)

(و قیام آنان علیه دستگاه حکومت در سالهای ۱۲۶۶ – ۱۲۶۵)

یکی از پیش آمدهای مهم تاریخی در ابتدای سلطنت ناصر الدین شاه قاجار و صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر موضوع شورش و قیام مردم غیور اصفهانست علیه دستگاه حکومت جبار و ستمگر قاجار

مؤلفین کتب تاریخ هر کدام آن را بگونه ای شرح کرده اند. لکن هیچکدام نخواسته اند و یا نتوانسته اند علت واقعی آنرا بیان کنند بدین جهت اصل موضوع با همه اهمیت آن تا کنون مجهول و تاریک مانده است. نویسندگان تاریخ در همه زمانها اگر مردمانی متملق و چاپلوس نبودند لااقل افرادی ترسو و محتاط و با

ظاهر بین بودند و آنان که در زمانهای بعد میخواستند در موضوعی بررسی کنند مأخذی جز همین نوشته های چاپلوسانه و یا محتاطانه نداشتند . یکی از آن موارد همین شورش اصفهانیانست که در تواریخ عهد قاجار به بخلاصه می نویسنده :

مابین دو نفر از کارگردانان دستگاه حکومت بر سر مقام وزارت اصفهان

ص: ۳۰۱

اختلاف شد این اختلاف موجب گردید که تقریبا مدت دو سال شهری به آتش وخون کشیده شد و جمعی کثیر از مردم بی گناه کشته و خانه ها خراب گردید سر انجام دو لتیان بر آنها غلبه کرده و آنان را از بین بردند .

آیا حقیقت قضایا همین بوده و بس یا در پس این پرده غم انگیز و محنتزا مطالب دیگری نیز بوده است که بر ما مجهول است خداوند تبارک و تعالی دانای بهمه امور است.

اینک با مراجعه به روضه الصفای ناصری و ناسخ التواریخ و تواریخ سه گانه مرحوم حاج میرزا حسن خان شیخ جابری انصاری (۱- اگهی شهان از کار جهان ۲- تاریخ اصفهان ۳- تاریخ اصفهان وری وهمه جهان) بشرح قضایا بطور اجمال میپردازیم .

مقدمه :

ما

با

محمد شاه در شب ۳ شنبه ششم شوال المکرام سال ۱۲۶۶ مرد و سلطنت ایران به ناصر الدینشاه رسید در دو سه سال اول سلطنت او در بیشتر از شهرهای ایران اختلافات و شورشهائی بوقوع پیوست که موجب خونریزیها و کشت و کشتارها وغارتها و خرابیهای زیاد گردید . علت اصلی این جنگ و جدالها چند امر بود :

۱- صدارت و وزارت چندین ساله حاج میرزا آقاسی و نارضایتی عموم طبقات مردم از شخص صدر اعظم و از تمام حکام دست نشانده او

۲- ارادت و ایمان زائد از حد شخص محمد شاه به صدر اعظم وواگذار کردن کلیه امور مملکت بنظر به او .

۳- استبداد رأی و عدم توجه صدر اعظم به شکایات مردم و رسیدگی نکردن به ظلم و بیداد حکام .

س آشنا نبودن صدر اعلم برموز مملکت داری و خود خواهی وخود پسندی او .

و - داعیه های برخی از شاهزادگان و رؤسای قبائل که بخیال واهی اندیشه سلطنت در مغز خود میپرورانیدند .

این فهرست برخی از این سوانح بدون رعایت ترتیب وقوع آنها :

- اختلاف درباریان در طهران و مخالفت با حاج میرزا آقاسی .

۲- مخالفت سیف الملوک میرزا پسر ظل السلطان (علیشاه بن فتح علیشاه) در قزوین .

۳- شورش مردم بروجرد • ۴ - شورش مردم کرمانشاه . و اختلاف داخلی کردستان .

- شورش مردم شیراز و

کار ایران سانگ

۷- جنگ و نزاع در کرمان . ۸- آشفتگی شهر یزد و طغیان مردم آنجاء ۹- جنگ و خونریزیهای خراسان که تقریبا بمدت دو سال بطول انجامید . ۱۰ - ابتدای قضایای اصفهان در سال ۱۲۹۶. را به فتنه قره العین . ۱۲ - قضایای بروجرد و الوار ، ۱۳ - شورش افواج دولتی علیه میرزا تقی خان امیر کبیر . ۱۴ - قضایای مازندران و قلعه شیخ طبرسی در سال ۰۱۲۹۰ ۱۹ - قضایای زنجان در سال ۱۲۹۰.

ص: ۳۰۳

۱۹ - قضایای تبریز و اختلاف بر سر موضوع تکفیر شیخ احمد احسائی در سال ۱۲۹۰.

۱۷ - منتهای شورش و انقلاب مردم اصفهان در سال ۱۲۹۰ ۱۸ - یاغیگری خوانین بختیاری در سال ۱۲۹۰ .| ۱۹ - فتنه و آشوب در بندر بوشهر در سالهای ۱۲۹۰ و ۱۲۹۱ - ۲۰- قضایای نیریز و سید یحیی دارایی در سال ۱۲۹۹

شرح این فتنه و آشوبها و جنگ و خونریزیها را سپهر در ناسخ التواریخ وهدایت در روضه الصفای ناصری و دیگران بطور تفصیل و اجمال در کتابهای خود نوشته اند طالبین بدان کتابها مراجعه نمایند .

واما

قضایای اصفهان

دو نفر از کارگردانان دستگاه حکومتی اصفهان در زمان حکومت محمدنبی خان بنامهای : سید عبدالوهاب گلستانه شهشهانی پیشکار و میرزا عبدالحسین فرزند میرزا محمد علی شمس آبادی وزیر اصفهان هر کدام بر سر وزارت اصفهان با یکدیگر رقابت داشتند. سرانجام این رقابت به عداوت و دشمنی کشیده شد وهر یک از اندو در محلات خود به سنگر بندی و جمع آوری قشون و طرفدار پرداختند .

سید عبد الوهاب مسجد جامع را مرکز خود قرار داده و میرزا عبد الحسین محله شمس آباد را سنگر بندی نموده مردم شهر نیز از کلیه طبقات از عوام وخواص سه تاجر و کاسب - کشاورز و کارگر و حتی علماء و اعیان شهر بدو دسته تقسیم شدند نیمی بطرفداری گلستانه و نیم دیگر بهواخواهی شمس آبادی برخاستند اقا میر سید محمد امام جمعه از طرفداران سید عبد الوهاب و نوابان صفوی از اعیان و متنفذین اصفهان جزو باران میرزا عبدالحسین بودند . جنگ و جدال در شهر

شروع گردید مردم دهات نیز بطرفداری اندو بشهر آمدند. بازارها بسته شد و کارها تعطیل گشت و مقدمات فتنه و آشوب کلی از هر جهت مهیا گردید .

در سال ۱۲۹۰ حکومت اصفهان را به سلیمان خان معروف به خان خانان دانی ناصر الدینشاه واگذار کردند در زمان حکومت او کار اختلاف اندو نفر شدت یافت.

اولین اشتباه و توضیح:

اولین اشتباه :

خان خانان حاکم اصفهان جزو طرفداران میرزا عبد الحسین شمس آبادی بود و از او جانب داری میکرد و در مقابل آقا میر سید محمد امام جمعه مقتدر و متنفذ اصفهان نیز از سید عبد الوهاب طرفداری میکرد شاید علت موافقت حاکم با میرزا عبد الحسین علاوه بر کاردانی و کفایت شخص اور مخالفت با امام جمعه و شکستن قدرت او بوده است. این اولین اشتباه دستگاه حاکمه بود که نمی بایست خود موجب تشدید اختلاف وزیادتی ماده عناد و دشمنی گردد . با این کیفیت اختلاف نیشکار وزارت و وزیر به اختلاف ما بین حکمران اصفهان و امام جمعه تبدیل گردید . سلیمان خان در کلیه امور با میرزا عبد الحسین مشورت میکرد و او گرچه حکم وزارت نداشت لکن در تمام کارها دخالت مینمود .

(توضیح) : بعد از جنگ ایران و روس و فتوای تاریخی مرحوم آقا سید محمد مجاهد جهت جهاد با روسیه گرچه ظاهرا جنگ بضرر ایران تمام شد اما یک نکته بر دستگاه حکومت و خارجیان مسلم گردید و آن قدرت معنوی روحانیون و نفوذ آنان در بین مردم شیعه میباشد از این رو سیاست کلی آنان مبارزه با این قدرت و از بین بردن آن بود بهر صورت که ممکن شود . در زمان سلطنت فتح علیشاه این سیاست خیلی با احتیاط وزیر کی انجام میشد ولی پس از مرگ او

ص: ۳۰۵

و روی کار آمـدن محمـد شاه و وزیر صوفی او این سـیاست بشـدت اجرا میشد . در عهد ناصـر الدینشاه و وزیر تازه کار او میرزا تقی خان امیر همین روش به سخت ترین کیفیت مورد عمل قرار میگرفت و برای آن نمونه های زیادی در تاریخ سراغ داریم .

(خطای دیگر) :

وقتی خبر مخالفت دو نویسنده و دبیر دستگاه حکومتی اصفهان و دسته بندی کردن آنها بطهران رسید جهت رسیدگی باین کار چراغعلی

خان کرمانشاهی مأمور رسـیدگی و رفع اختلاف میشود بدینگونه که : سـید عبد الوهاب را در مقام وزارت ثابت نموده و میرزا عبد الحسـین را بطهران بیرد لکن چون وی باصفهان می آید روی مصالحی بر عکس عمل نموده و می گوید که :

مأمورم سـید عبـدالوهاب را بطهران برده و میرزا عبد الحسـین را در مقام خود مسـتقل گردانم و بدین ترتیب ظاهراً فتنه آرام میشود و بازارهای بسته باز میگردد وبقول هدایت در روضه الصفا (ص ۴۹۰ دهم) اجماع عام بتفرقه تبدیل می یابد و اهالی بلوکات بمواطن خود باز می گردند و میرزا عبد الوهاب با چراغعلی خان بطهران روانه شده در آنجا ساکن می شود . د

نتیجه این تدبیر مخالفت با امام جمعه طرفدار گلستانه و تقویت سلیمان خان حاکم مخالف امام جمعه بود .

حکومت یافتن سپهدار

بعد از این جریان خان خانان بطهران احضار شده و بجای او غلامحسین خان فرزند یوسف خان سپهدار مأمور حکمرانی اصفهان می شود. وی درغره مـاه رمضان المبارک سال ۱۳۹۶ وار اصـفهان گردید، مردم اصـفهان عموما و کارمندان دسـتگاه حکومتی بخصوص با سـپهدار مخالف بودند امام جمعه نیز طرفدار مردم و مخالف

ص: ۳۰۶

حاکم بود میرزاعبدالحسین همچنان در مقام وزارت باقی بود و در کارها دخالت میکرد . میکرد.

اختلاف ما بین گلستانه و شمس آبادی ظاهرا خاتمه یافته بود و طرفدارانشان پراکنده شده بودند لکن ماده و اساسی اختلاف همچنان برقرار بود و شهر اصفهان همچون مخزن باروتی بود که احتیاج به کوچکترین جرقه ای داشت تا یک پارچه محترف شده و آتش گرفته و خشک و تر را یکجا بسوزاند .

اولین جرقه

در یکی از روزهای جمعه از ماه شوال سال **۱۲۹۹** که مرحوم آقا میر سید محمد ابراهیم امام جمعه مانند همیشه برای ادای نماز بسمت مسجد شاه میرفت نوکرهای ایشان در وسط میدان مشاهده می کنند که سربازی خلج بزنی آویخته وتصدر بودن او نموده که او را بداخل اطاق خود بکشاند (در آن ایام سربازان در اطاقهای اطراف میدان نقش جهان با میدان شاه منزل داشتند) در روضه الصفای ناصری (ص ۴۹۰ جلد دهم) می نویسد

یکی از سربازان با زنی ملاعبه و مطایبه بی سابقه ولاحقه خواسته ووی فحاشی کرد . نوکران اقای امام جمعه که وضع را اینگونه مشاهده می کنند سرباز را مانع گردیده ودفع شر او می کنند و زن را از دست وی نجات میدهند . گفتگو و کشمکش مابین نوکران اقای امام و سربازان شروع میشود مردم بکمک نوکران اقای امام جمعه و سربازان دیگر بیاری سرباز متجاوز می شتابند و زد و خورد شروع میشود .

پس از آنکه اقای امام جمعه نماز جمعه و عصرر الداء می کنند و قصد مراجعت داشتند در موقع عبور از میدان شاه سربازان نسبت به ایشان اهانت و توهین نموده

وحتی بسوی وی سنگ می اندازد اقای امام جمعه مستقیما به مسجد جمعه رفته و در اطاق روی حوض (کلاه فرنگی) می نشینند و مردم شهر از جریان آگهی یافته در مسجد و اطراف اجتماع می کنند و تقاضای مجازات سریع سر باز متجاوز و سربازان توهین کننده را از حاکم شهر یعنی سپهدار می کنند .

غلامحسین خان سپهدار (که همه جا در روضه الصفا ویرا به کثیر الاقتدار یا با اقتدار می ستاید) محمد حسین خان خلج نایب الحکومه اصفهان را جهت عذر خواهی به مسجد جمعه نزد اقای امام جمعه میفرستد .

سه تن از توابان صفوی اقایان احمد میرزا و حیدر میرزا و میرزا محمد علی پسران اسحق میرزا خلیفه سلطانی که هر یک صاحب داعیه ای بودند و ظاهر أخیالاتی در سر می پرورانیدند و با حکومت اختلاف نظر داشتند و اینک جزو مردم در اطراف امام جمعه حاضر بودند وقت را مغتنم شمرده نایب الحکومه را از اطاق مزبور گرفته در حوض آب انداخته و یکی از طرفدارانشان با قمه ویرا چندین زخم زده که در اثر آن همان روز یا فردای آن روز وی میمیرد.

سپهدار با میرزا عبدالحسین وزیر خود برای غائله مشورت می کند و چون خاطر او را متوجه شورشیان و اعیان شهر درک می کند قصد گرفتن و زندانی کردنش را می نماید ولی بلطائف الحیل خود را نجات داده و از جان خود میترسید و به مسجد سید پناه میبرد و در آنجا در ظل حمایت مرحوم آقا میرزا زین العابدین فرزند ارشد مرحوم سید حجه الاسلام در خانه خدا بست می نشیند . باران و اطرافیانش نیز جمعی متفرق گشته و عده ای باو پیوسته و هر روز جمعیت بسیان در اثر ظلم و تعدی بمال و جان و ناموس مردم از طرف حکومت سپهدار زیاد می شود که در بین آنها عده ای از علما و بزرگان و اعیان و تجار و محترمین شهر (و بقول دو لتیان اشرار) و همچنین نوابان صفوی نیز بوده اند .

ص: ۳۰۸

طرز برخورد امام جمعه با شورشیان

مرحوم آقا میر سید محمد امام جمعه که اصل قضیه و ابتدای کار ظاهرا بخاطر اهانتی بود که بمقام ایشان شده بود و همچنین کشته شدن محمد حسین خان خلج نایب الحکومه اصفهان در حضور ایشان انجام یافته بود به عاقبت کارها اندیشید و صلاح کار خود را در کنار بودن از معرکه دانست از اینرو شورشیان را به مسجد سید هدایت مینود (و آنها را از شورش و پلوامنع نمیکرد) و بدین کیفیت خود را از غوغا دور گردانید بنابراین قسمت عمده بست نشستن میرزا عبدالحسین شمس آبادی و نوابان احمد آبادی و دیگران به اشاره و راهنمائی امام جمعه انجام گردیده است .

اولین خطای سپهدار

غلامحسین خان سپهدار چون از بست نشینی میرزاعبدالحسین ونوابان واعیان و بزرگان شهر در مسجد سید آگهی یافت از روی غرور ریاست و کم تجربگی بفکر شکستن بست مسجد سید و گرفتن بستیان بوسیله قوه قهریه می افتد و شروع به اقداماتی در این زمینه می کند از آنطرف نیز حامیان ووابستگان آنها نیز از اهل شهر ودهات مجاور با وسائل دفاعی در گرداگرد مسجد سید اجتماع نموده وبحفظ و حراست اینان میپردازند و بدینوسیله سپهدار نه تنها کاری نمیتواند انجام دهد بلکه ماده فتنه و آشوب را غلیظ تر کرده و بلوای عام برپا میشود .

مسافرت مرحوم حاج سید اسدالله به عتبات

مرحوم حاج سید اسدالله که در زهد و تقوی و اعراض از دنیا و مردم آن ریاضتها

ص: ۳۰۹

کشیده بودیمقاماتی معنوی و روحانی نائل گردیده بودنمیخواست در این جریانات یعنی اختلاف دسته ای از مردم با دو لتیان شرکت داشته باشد و خود را آلوده اینگونه کارها نماید علیهذا بقصد زیارت اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام از اصفهان خارج گردید تا از این جریانات برکنار بماند . .

برگشت دادن مرحوم حاج سید اسدالله

چون مرحوم حاج سید اسدالله به گلپایگان رسید مأمورین دولتی که از اصفهان وطهران آمده بودند ایشان را ملاقات نموده و با اصرار تمام از ایشان خواهش کردند که برای رفع غائله و برای جلوگیری از بزرگتر شدن فتنه و آشوب و حفظ جان و مال مسلمین باصفهان مراجعت نمایند و از قدرت و نفوذ خود در بین مردم استفاده کرده فتنه بیدار گشته را بخوابانند و هر چه در باره اصفهان و اصفهانیان و شورشیان نظر بدهند دولت بدون چون و چرا بپذیرد و اجراء نماید . مرحوم سید بزرگوار نیز بامید اصلاح کار مسلمانها و جلو گیری از قتل نفوس وغارت اموال وحفظ نوامیس مردم به اصفهان مراجعت فرمودند .

بی سیاستی سپهدار

غلامحسین خان سپهدار حاکم نالایق اصفهان پس از این ماجرا بخیال خام خود خواست قدرت نمائی کرده و ضرب شستی به شورشیان نشان دهد برخلاف عهده و میثاقیکه با مرحوم حاج سید اسد الله در گلپایگان دولتیان بستند عده ای از سربازان را مأمور کرد که به محله احمد آباد محله سکونت اقایان نواب صفوی رفته و پس از غارت کردن خانه های نوابان انجا را خراب کنند و آنان نیز چنین

کردند .

ص: ۳۱۰

. این عمل ناشیانه و خارج از عقل و تدبیر سپهدار موجب گردید که همه اصفهانیان تعصب کنند و به حمایت از نوابان برخیزند .

عکس العمل و خطای سپهدار:

عکس العمل مردم

روضه الصفای ناصری (ص ۴۱۱ دهم) پس از شرح خراب کردن و غارت خانه ی مردم احمد آبادونو ابان بوسیله سربازان مأمور از طرف سپهدار می نویسد:

و زرد: دوله بیدآباد با تفنگچی و استعداد تمام حرکت کردند و به اطراف میدان شاه امن دین - الاماره سپهدار را محاصره کردند و با سر بازر تفنگچی دولتی چندین روز جنگ می نمودند و عده زیادی از طرفین کشته شدند.

خطای دیگر در پی دار د

غلامحسین سپهدار حاکم محور اصفهان برای نجات خود از این مهلکه عده ای را مأمور کرد که به محله شمس آباد رفته و خانه میرزا عبدالحسین راغارت نموده و بعد خراب کرده و آتش بزنند .

مأمورین سپهدار مطابق دستور او به محله شمس آباد هجوم آورده و خانه های میرزا عبد الحسین و همسایگانش را غارت نموده و بعداً خراب کرده و سوختند و باین کیفیت در محله از محلات شهر بامر سپهدار حاکم اصفهان خراب و غارت گردید و سرمایه مادی و خانه و کاشانه عده زیادی از بین رفته بی خانمان شدند و این هم در اثر بی سیاسی شخص حاکم و اطرافیان غیر صالح او بود .

عکس العمل میرزا عبدالحسین

چون خبر این تجاوز در مسجد سید به میرزاعبدالحسین رسید عده اید امأمور

کرد که از راهی دیگر و از کوچه ها از پشت سر به مامورین دولتی حمله کردند و عده زیادی از سربازان و فرماندهانشان را ببدترین وضع کشتند عده مقتولین در این حمله را از سر باز و غیره حدود یکهزار نفر می نویسند و خدا داناست که از مردم شهر و اطراف و حامیان میرزا عبدالحسین و نوابان چقدر کشته شده اند و معلوم نیست که از اموال مردم بیچاره و غیره چقدر بغارت رفته و یا سوخته شده است همانگونه که بارها گفته شد همه این خسارات جانی و مالی که مردم این شهر و دو لتیان وارد شده است در اثر سوء تدبیر حکومت خود سرو مستبد سپهدار بوده است تا اقای مهدی بامداد چگونه قضاوت کند.

رسید کمک به قوای دولتی

نمیدانم سپهدار حکمران اصفهان اوضاع این شهر و علل شورش مردم را چگونه گزارش کرده است در هر صورت از طهران به حکام ولایات اطراف اصفهان که هر گونه که ممکن باشد به حاکم اصفهان کمک کنند و شورش رابهر نحو و کیفیت که ممکن شود بخوابانند .

سیل سر بازو کمک از طرف ولایات بسوی اصفهان روان میشود و با این وضع دولتیان پیروز میشوند وزعمای شورش و انقلاب هر یک بگوشه ای فرار می کنند و مردم دیگر در شهر باقی می مانند نوابان بقم رفتند و میرزا عبدالحسین بسوی نطنز وقمصر گریخته در منزل یکی از آشنایان خود مخفی میشود .

نظر خواهی از علماء اصفهان

سپهر در ناسخ التواریخ (ص ۱۰۴ سوم قاجاریه) می نویسد : در اول انقلاب اصفهان سپهدار جمعی از علمای اصفهان از آنجمله اقایان

حاج سید اسد الله وانا میر سید محمد امام جمعه و اقا محمد مهدی کلباسی را در منزل خود دعوت کرده و از ایشان خواست که در باره اعمال مردم اظهار نظر کنند آنان نیز طبق دلخواه او حکم کرده و امضاء کردند .

نویسنده گوید : در این جملات ابهامات چندی وجود دارد که مهمتر از همه دلخواه حاکم است که چه بوده ؟ اگر نظم شهر و آرامش آن منظور بوده است که مسلما مورد تأیید همگان از علماء و غیر بوده و اگر قصاص قاتلین نایب الحکومه است که آنهم مطابق حکم شرع مطهر خواسته أی مشروع است و اگر تقاضای دیگری بوده است آن دلخواه و خواسته چه بوده است . علماء اسلام در تمام ادوار نظرشان قرآن کریم و اجرای احکام آن بوده و میباشد و آیه کریمه در الفتنه اشد من القتل » را نصب العین خود قرار داده اطفاء نائره نفاق که بین دو نفر کارگزار دولت بالنتیجه به مردم یک شهر سرایت کرده را مورد توجه و عنایت قرار داده اند و نمیخواستند برای خاطر دو نفر عده زیادی کشته و خاندانهائی بر بادرود

کار را برای ارسباران

بیانات امام جمعه

در روز اربعین که ظاهرا مصادف با جمعه و مراسم نماز جمعه در مسجد شاه بود و چندین روز از جنگ و کشتار بین مردم و قوای دولتی که نویسندگان در باری قاجار به مردم شهر وعلماء و تجار و کسبه و محترمین را اشرار می نویسند و این خود یکی از قوانین کلی است که همیشه دولتها مخالفین خود را هر کس و از هر طبقه و دسته و در هر مقام باشد و مخالفت آنان به عنوان و دلیل باشد را اشرار می خوانده و در کتابهای روضه الصفای ناصری و ناسخ التواریخ مکرر نوشته است (اعیان اصفهان و اشرار در روز اربعین آقای امام جمعه منبر رفته و در ضمن سخنان خود که

مردم را به آرامش دعوت و از مخالفت با دولت بر حذر داشت گفت :

هر کس پیرو این اشرار باشد در دنیا عرصه شمشیر آبدار و در عنبی ساکن درار البوار نخواهد

اما آیا اقای امام جمعه به سپهدار هم راجع به مدارا کردن با مردم و کمتر مزاحمت نمودن و فرمان کشت و کشتار وغارت نمودن و آتش زدن خانه های مردم ستمدیده موعظتی فرموده اند یا خیر چیزی ننوشته اند .

شفاعت کردن آقا محمد مهدی کلباسی

سپهر در ناسخ التواریخ (ص ۱۰۶ سوم قاجاریه) دنباله مطالب فوق می نویسد : پس از چندین ماه جنگ و جدال و کشته شدن عده زیادی از طرفین سرکردگان شورش بنزد آقا محمد مهدی کلباسی رفته و از او خواستند که در این کار میانجیگری نموده کار را خاتمه دهد. ایشان در ابتدا فرمودند :

این نیز از خدعه های شماست که مرا نیز در این کار وارد کرده و آلوده سازید سرانجام در اثر اصرار آنان حاضر شدند که نزد سپهدار رفته و بهرگونه

که شده کار را تمام کنند . احمد میرزا نواب و میرزا عبدالحسین نزد مرحوم حاج سید اسد الله رفته و ایشان را نیز در جلسه حاضر کردند .

تقاضای وساطت

پس از آنکه قوای دولتی بر شورشیان غالب شدند و رؤسای شورش هر یک بگوشه ای فرار کرده و مخفی کشتند سپهدار و مأمورین دولتی در صدد اذیت و آزار مردم که هر یک بنوعی در این جریانات شرکت داشتند و با منهم بشر کت داشتن بودند بر آمدند (یعنی بازار را بسته بودند و به بست نشینان کمک نموده

بودنـد و آنهـا را گرفته و با حبس وزجر و مصادره اموال وحتی تجاوز به أعراض و نوامیس آنان تشـفی خاطر می جسـتند مردم بجان آمدنـد و بمرگ راضی بودند.

بزرگـان شـهر و اعیـان و محترمین وعـده ای از علماء و رهبران شورش بنزد مرحوم حاج سـید اسـد الله رفته و با اصـرار والحاج از ایشان تقاضـا کردنـد که واسـطه بین مردم و دسـتگاه و دولت شـده عرایض اصـفهانیان را بگوش اولیاء دولت در طهران برسانند و از مقصـرین حتی المقدور شفاعت کنند. شاید دو لتیان بپاس مقام والای ایشان توجهی کرده غائله بطور آبرومندانه فیصله یابد .

قرار داد متارکه

پس از چندین جلسه که بین علماء اعلام و سپهدار و مأمورین دولتی منقعد گردید و بالاخره قرار بر این شد که :

سران مخـالفین سـپهدار باتفاق مرحوم حاج سـید اسـد الله در مـدت پنـج روز از تاریـخ امضاء قرار داد بطهران رفته و در آنجا مطالب خود را با اولیاء دولت حضورا مطرح نمایند و هر چه را که اولیای امور در پای تخت در این مورد نظر دهند مورد قبول طرفین بوده و اجرا کنند .

نفاق کردن سپهدار

سپهـدار حـاکم منـافق و دوروی اصـفهان که بـاطن در صـدد گرفتـار کردن مخالفین خود و کشـتن آنان بود و در شـهر قـدرت بر گرفتن آنان نـداشت ظاهرا از روی تفاق با این قرار داد موافقت کرد و باطنه قصـد او آن بود که آنها را از طرفـداران و یارانشان جدا ساخته سـپس یکایک آنها را به چنگ آورده و بکشد و اموالشان آنچه باقی مانده است را ضبط کند.

پیام سپهدار به شورشیان و مردم اصفهان

پس از این قرار داد سپهدار بوسیله آقا محمد مهدی و حاج کیکاووس میرزا به میرزا عبد الحسین و یارانش پیغام فرستاد که اگر راست می گوئید و بر سر عهد و پیمان خود هستید ، مردم اطراف خودرا پراکنده کرده و در مدت پنج روز مهلت مقرر با تفاق آقا سید اسد الله رهسپار طهران شوید.

اینان به عهد و پیمان خود عمل کردند و در خدمت مرحوم حاج سید اسد الله با جمعی از علماء و سادات و طلاب و عده ای از محترمین شهر و تجار بسمت طهران حرکت نمودند.

از شورشیان میرزا محمد علی خان به منزل مرحوم امام جمعه پناهنده شد و میرزا مرتضی شخصاً نزد سپهدار رفته وطلب عفو و پوزش کرد .

نام برخی از علماء مهاجر

را در ساری

مرحوم حاج سید اسد الله که از ابتدای کار مخالف بود و در تمام موارد از روی اکراه و اضطراب و اجبار برای حفظ جان و مال و ناموس مسلمین که خون آنان هدر نرود با شورشیان همراهی میکرد این دفعه نیز با عده ای از علماء این شهر مانند :

آقا میرزا زین العابدین برادر خود .

اقا میرزا ابوالفضل معروف به اقا جان فرزند آقا میرزا زین العابدین برادر زاده خود .

حکیم و فیلسوف میرزا حسن نوری فرزند حکیم بزرگوار آخوند ملا علی

ص: ۳۱۶

عالم فاضل آقا میرزا محمد نواب لاهیجی اصفهانی (با تفاق فرزندش اقا میرزا محمد باقر که او نیز از علماء محسوب بوده است)

میرزا امین و سی نفر از علماء و فضلاء و طلبه وسادات جهت شفاعت و بیان تقاضای مردم اصفهان بهمراه جمعیت رهسپار طهران شدند.

حاجی میرزا محمد نواب لاهیجی

یکی از علماء بزرگوار اصفهان که چنانکه مقام والای اوست تا کنون شناخته نشده است مرحوم حاج میرزا محمد نواب لاهیجی فرزند حکیم و فقیه و مفسر بزرگوار مرحوم آقا میرزا محمد باقر نواب لاهیجی اصفهانی طهرانی است مرحوم نواب لاهیجی مؤلف تفسیر قرآن و شرح نهج البلاغه در ۳ شعبان ۱۲۹۸ وفات یافته است (ص ۹۷ سیزدهم فهرست کتابخانه مجلسی) و فرزند پسر منحصر او مرحوم حاج میرزا محمد بوده است (ص ۱۲۲۳ چهارم مکارم

الاثار)

مرحوم حاج میرزا محمد در نزد پدر وعلماء اصفهان تلمذ نموده و احتمالا پدرم مرحوم سید حجه الاسلام حاضر میشده و در مسجد ذو الفقار امامت مینوده و مورد احترام ووثوق عموم طبقات بالاخص مقدسین و علماء بوده و در سفر طهران با مرحوم حاج سید اسد الله همفسر و همراه بوده است و ظاهرا پس از این سفر در اثر رنج و زحمتهائیکه از مأمورین دولت دیده بیمار و رنجور گشته و در همان سالها یعنی حدود سال ۱۲۹۹ وفات یافته در لسان الارض در جنب اطاقیکه قبر جناب یوشع از پیغمبران بنی اسرائیل در آنست در اطاقی مدفون گردید و بر قبر اوسنگ مرمری نصب کرده بودند . که چهار سطر شعر بر آن منقور بود (متأسفانه اخیرا کلیه این آثار و حتی قبر جناب یوشع نبی را خراب کردند و فعلا مانند قبور قبرستان بقیع فقط چند قطعه سنگ و کلوخ بجای آنها میباشد « فاعتبروایا

أولی الأبصار ».

کتب زیر از اثار مرحوم حاج میرزا محمد نوای لاهیجی اصفهانی است که در مجموعه ای به شماره (۱۸۲) در کتابخانه ملی طهران موجود است .

- المغازلات ۲- لغز ۳ - الحکمه الیمانی فی شرح الفصل الثانی در کلام و تصوف ۴ - اسرار القلوب فی اوصاف المحبوب در تفسیر ۵ - شرح الفصل فی

حقیقه عالم الوصل در عرفان ۱ - تفسیر آیه : و بشر الذین آمنوا وعملوا الصالحات سه کتاب اخیر را بنام حاج میرزا آقاسی در سالهای ۱۲۰۹ و ۱۲۹۳ تألیف نموده است (ص ۲۰۲ بیست و دوم الذریعه)

(فائده) لسان الأرض : حافظ ابو نعیم اصفهانی در کتاب : ذکر اخبار اصفهان (ص ۴۰) در وجه تسمیه لسان الأرض پس از ذکر سند روایت گوید : حماد بن سلمه در تفسیر قول خداوند عزوجل که به آسمانها و زمین خطاب فرمود:

« ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین » گوید زمین اصفهان این جواب را داد و اصفهان دهان و زبان دنیا می باشد (وزمین لسان الارض موفق بعرض جواب گردید و این افتخار برای همیشه نصیبه شهر اصفهان و در نتیجه مردم این سامان گردید).

حضرت یوشع

- وهم در آن کتاست که (ص ۳۹) مار بین را یوشع بن نون بنا کرده است و این بدان جهت است که وی در گرد شهرها می گشت به اصفهان وارد شده و به موضوع مار بین در آمد و آنجارا بدان علت مار بین گویند که همچون مار دیده میشود از زمین اطراف بلندتر است به یوشع گفته شد که مار بین یعنی به زمین های اطراف نگاه کن بدین جهت آنجا را ماربین خواندند. (در کتب قدما از اینگونه وجه تسمیه های افسانه مانند وخرافی زیاد دیده میشود)

جلوگیری کردن سپهدار از مرحوم حاج سید اسد الله وهمراهان

موقعیکه سپهدار یقین حاصل کرد که رؤساء نهضت از شهر خارج شده اند و حامیان آنها نیز متفرق گشته اند عده ای از اراذل و اوباش دولتی و جمعی از لشکریان ترک ولر وفارس را بسر کردگی کیکاووس میرزا جهت جلوگیری از مسافرت بزرگان و علماء وسادات اصفهان بالاخص مرحوم حاج سید اسد الله و گرفتار کردن عده ای از سرکردگان انقلاب به دنبال آنها میفرستد .

مقصود اصلی از این عمل سپهدار علاوه بر گرفتار ساختن مخالفین خود و کشتن آنان ظاهر آن بود که آقایان علماء بطهران تروند و حقایق امور را بمتصدیان و کارگردانان دولت و شخص شاه جوان کم تجربه و وزیر نگویند و او همچنان بر سر کار خود بود به ظلم وستم و تعدی و اجحاف و دیگر مظالم خود ادامه دهد و کسیرا قدرت بر مخالفت با او نباشد.

برخورد دولتیان با مهاجرین

قشون دولتی و اشرار بر یاست کیکاوس میرزا به تعجیل از اصفهان با وسائل و تجهیزات کاملی حرکت نموده در منزل مورچه خورت به مهاجرین که آسوده و مطئمن خوابیده بودند میرسند و آنان را محاصره کرده و بدانها با توپ و تفنگ حمله می کنند .

رؤساء شورش و آنها که قدرت بر فرار داشتند بهر کیفیت بود خود را از مهلکه بدر برده و فرار می کنند و آقایان علماء و اعزه و سادات و محتر مین و تجار که از یک طرف قدرت و وسیله فرار نداشتند و از سوی دیگر خویشتن را مقصر نمیدانستند که موجبی و سبی برای فرار آنها باشد باقی ماندند و گرفتار آن قوم

از خدا بی خبر شدند .

بیان مؤلف روضه الصفا

رضا قلی خان هدایت در کتاب روضه الصفای ناصری (ص ۴۹۲ دهم) پس از شرحی که راجع به قسرار مسافرت مخالفین سپهدار بطهران و همراهی جناب حاج سید اسد الله بملاحظه صلاح مسلمین ورفع غائله می نویسد گوید :

مهاجرین به مورچه خورت رسیدند و بیارمیدند علی الصباح به اشارت سپهدار جماعتی از افواج خلج و سدر بندی و پانصد سوار مشکین و خلخالی وعراده چند توپ در خدمت نواب شاهزاده حاج کیکاوم میرزا که در آن ایام در اصفهان بودند بر سر مهاجرین رسیدند بعضی فرار اختیار کردند جماعتی که مصلح خیر اندیش و اهل دستار و طیلسان بودند تسلیم شدند ایشان را بر داشته به اصفهان آوردند .

بیان سپهر در ناسخ التواریخ

ارسال

مرحوم سپهر در ناسخ التواریخ (ص ۱۰۳ تا ۱۰۰ سوم قاجاریه) شرح قضایای شورش مردم اصفهان را مفصلتر بیان کرده و جریان کشت و کشتار و جنگ و نزاع مردم شهر و قوای دولتی را در ماههای محرم و صفر سال ۱۲۹۹ می نویسد.

در باره مسافرت مرحوم حاج سید اسد الله وجلو گیری کردن مأمورین سپهدار بطور خلاصه می نویسد :

الشکریان به اسر و تهب مشغول شدند و بسیار کس از اشرار (قبلا گفتیم که مخالف سپهدار هر که بوده از عالم و تاجر و کاسب و زارع و غیره بزعم دو لتیان جزو اشرار است) را دستگیر ساخته در بند ور نجیر کشیدند .

کیکاوس میرزا در میانه از غایت غضب (بلکه از نهایت خبث باطن و بی دیانتی ورذالت ذاتی بعقیده نویسنده سطور) رعایت ادب نکرده و از اقا سید اسد الله اسب و سلب خاص را بگرفت و او را رنجیده خاطر ساخت (این نویسنده و مورخ متملق در باری دیگر ننوشته است چه اذیت و آزاری بدان سید بزرگوار و ذریه رسولخدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد آورده است. ای کاش این شاهزاده رعایت مقام شخصی مرحوم حاج سید اسد الله را نمیکرد اقلا- رعایت سیادت ایشانرا مینمود) و پسر برادرش را زحمت فراوان کرد و دست بگردن بر بست و سر و روی میرزا محمد حسن را با چوب و سیلی در هم شکست و استر سواری و بند و آغروی او را مضبوط ساخت برجمله برعارف وعامی رحم نیاورد (مگر قشون عبید الله بن زیاد در کربلا با خاندان و عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جز این رفتار کردند - نویسنده) و استرحام و استغاثت هیچ کس را نشنود پس اموال منهوبه و غارت شده و احمل ذاده و بستگان را با کند و زنجیر بشهر در آوردند (ناسخ التواریخ ص ۱۰۸ سوم قاجاریه). در این بار در ساری

بیان مرحوم انصاری

مرحوم حاج میرزا حسن خان شیخ جابری انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۹۳) و دیگر تألیفاتش (اگهی شهان از کار جهان) داستان شورش مردم اصفهان و جریانات آنر اگاهی نقل نموده سپس از قول مرحوم حاج سید اسد الله می نویسد که ایشان فرموده بودند؛

آنجا (یعنی مورچه خورت) کربلای من بود .

ص: ۳۲۱

برگشت به اصفهان

پس از آنکه قوای دولتی علماء و تجار و بزرگان و بقول نویسندگان درباری آن زمان اشرار را اسیر کرده و اموالشان را غارت کردند و آنان را با کند و زنجیر بسته گوئیا به جنگ کفار رفته و عده ای از متجاوزین به سرحدات مملکت اسلامی را اسیر گرفته اند با کمال خفت و ذلت و خواری بشهر وارد کرده و بنزد حاکم بر دند.

سپهدار عده زیادی از این مردم در بندکشیده را حکم به حبس و زندان نمود و جمعی را فرمان قتل داد اما از ترس آنکه مبادا خبر بی احترامی شاهزاده بیدین نسبت بعموم علماء بالاخص مرحوم حاج سید اسد الله گوشزد مردم اصفهان و بویژه ساکنین بید آباد و محلات مجاور که از جان و دل دوستدار وهوا خواه آن مرحوم بودند برسد و باین مناسبت شورشی از نو ایجاد گردد بر حسب ظاهر به فرمانده اشرار دولتی یعنی کیکاوس میرزا خطاب کرده و گفت :

کارداران دولت در کسر حشمت علماء خاصه اقا سید اسد الله هرگز فرمان نکنند و این جسارت که از شما رفته است نیکو نیفتاده وحکم داد که بندو آغروق علماء را که غارت کرده بودند بحضرت ایشان مسترد سازند و عذر این جسارت و جنایت بازجویند .

رفتار اولیای دولت با کیکاوس میرزا مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص۲۹۳) پس از شرح این قضایا

می نویسد :

پس از این واقعه کیکاوس میرزا را در طهران چوب زیاد زدند و حقوقش را قطع کردند و مقام مرحوم سید نزد شاه بسیار بلند شد. اما مرحوم انصاری

نمی نویسد که چوب خوردن شاهزاده بدستور چه کسی بوده است آیا بدستور شخص شاه بوده یا به امر امیر کبیر در هر حال :

نظر نویسنده سطور در این مورد آنست که : با توجه به موقعیت زمان و شخصیت کیکاوس میرزا بسیار بعید بلکه ظاهراً محال بنظر میرسد که او را چوب زده باشند لکن قطع حقوق او موقتا ممکن است واقع شده باشد زیرا ناصر الدینشاه پادشاه جوان و کم تجربه و مقهور دست امیر کبیر و مهد علیا با داشتن مخالفین از خاندان خود راضی نمی شد که عموی او که مخالفت با او نمی کند باین مناسبت موردشکنجه و آزار قرار گیرد وشخص امیر کبیر نیز ذاتا مخالف قدرت هر صاحب قدرتی در مملکت بود بخصوص قدرت علماء که میخواست بهر گونه ممکن باشد از نفوذ و قدرت آن بکاهد و از دخالتشان در امور اجتماعی سخت ممانعت میکرد و او می گفت آنها منحصرا به کار روحانیت خود بپردازند و کارهای سیاسی و اجتماعی را به دو لتیان واگذارند . (این همان دسته بیگانگان بود که بوسیله او در شرف انجام بود.

عاقبت کار شورشیان

پس از این جریان و فرار رؤسای نهضت و شورش هر یک بگوشه و کناری:

پسر حسین خان خلج نایب الحکومه مقتول اصفهان در صحن مقدس قم نواب احمد میرزا را بضرب گلوله کشت

میرزا عبد الحسین پس از دو ماه در بدری بالاخره گرفتار شده و در اصفهان

کشته شد.

دیگران نیز هر کدام بنوعی گرفتار شدند مطالبین به ناسخ التواریخ ودیگر کتب مراجعه نمایند .

ص: ۳۲۳

کیکاوس میرزا کیست

کیکاوس میرزا بیست و هشتمین پسر فتح علیشاه از شاه پسند خانم است (ص ۳۲۱ و ۳۳۳ یکم ناسخ التواریخ قاجاریه) وی برادر کیقبا و میرزا و کیخسرو میرزا می باشد و در روز جمعه هیجدهم شوال سال ۱۲۲۲ متولد شده و در موسیقی هنری بسزا داشته است . .. در تاریخ عضدی (ص .) می نویسد : آغا باخی دختر ابراهیم خان شیشه ای یکی از قرفان محترم فتح علیشاه اولاد نداشت و در اواخر عمر ساکن قم گردید . کیکاوس میرزا مرضع خانم را برسم پسری و دختری باو دادند و دختر فرخی بیک شاهسون ساریخان بیکلو خواهر زاده آغا باخی را نیز برسم زنی به او دادند (ص ۲۷ تاریخ عضدی)

مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران (ص جلد) شرح حال او را بطور اختصار نوشته و گوید سالها حکومت قم با او بود.

مهاجرت حاج سید اسد الله به عتبات

پس از این قضایا مرحوم حاج سید اسد الله به اعتاب مقدسه مهاجرت فرموده وظاهرآ مدت دو یا سه سال در نجف اشرف مجاورت اختیار نموده و بعدا باصرار مردم اصفهان بخصوص علماء این سامان به اصفهان مراجعت کرده است .

تألیف برخی از مجلدات شرح شرایع در سال ۱۲۹۷ در شهر نجف اشرف در جوار مرقد منور مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بوده است .

مهاجرت آقا میرزا محمد حسن نوری

مرحوم آقا میرزا حسن نوری پس از این جریان دیگر در اصفهان باقی نمانده

و به طهران مهاجرت کرده و در آنجا در مدرسه خان مری تدریس میکرده است

در المآثر والاثار (ص ۲۰۰ ستون اول) می نویسد :

میرزا حسن اصفهانی خلف وافر الشرف ملاـ علی نوری طیب الله تعالی تربته از فحول جامعین بین المنقول والمعقول بود در صدارت عظمی میرزا آقا خان از اصفهان بطهران آمد و تشریفات فوق الوصف بدید .....

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۳۶۲) می فرماید :

از شاگردان پدر خود و ظاهرا در کربلا از شاگردان آقا سید ابراهیم قزوینی بوده و به امر این استاد نام فرزند خود راعبدالحسین نهاده و بر برخی از کتب حکمت و معقول حواشی دارد .

بان نویسنده با ارتباطی که بین پدر آنجناب و مرحومین حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام شفتی بوده احتمال شاگردی مشار الیه نزد آندو بسیار است موضوع قابل تحقیق و بررسی است و این موضوع احتمالی بیش نمیباشد .

حواشی او بر شرح : الهدایه الأثیر به از آخوند ملا صدرا بچاب رسیده است (ص ۱۳۸ ششم الذریعه) در سال تألیف المآثر والاثار (۱۳۰۹) وفات یافته بوده است .

مسافرت ناصر الدین شاه به اصفهان

پس از آنکه شورش اصفهان بپایان رسید و سرکردگان هر یک بنوعی گرفتار شده و کشته شدند بطوریکه در المآثر والآثار (ص ۱۳۳) می نویسد :

ناصرالدین شاه در غره رجب سال ۱۲۹۷ به سمت اصفهان حرکت نموده و تا ذی الحجه همین سال در اصفهان میبود

(فائده) : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۱۰۱ پاورقی) در ضمن

وقایع سال ۱۲۹۷ می نویسد :

در عراق صفحه از آهن ساختند که گلوله بدان اثر نمیکرد (ضد گلوله) مطلع قصیده : قدم زروی ادب نه در این خجسته مقام

که جایگـاه کرم است و قبله گاه انسام جمعه نوزده بیت . ۴ - دو ماده تاریخ از کفاش شاعر اصـفهانی مطلع اول (هشت سـطر) دلا بخلد برین خواهی ار گذاری گام

قدم گذار بدرگاه حجه الاسلام مطلع دوم (هشت سطر): ولا قدم چو گذاری در بن بلند مقام

بکن سلام نخستین به حجه الاسلام اشعار فوق در طرف شمال و جنوب گوشواره غربی بخط نستعلیق طلائی رنگ بر زمینه سفید گچ بری شده است .

علی المشهور کتیبه ها بخط مرحوم حاج سید اسد الله میباشد .

و - در بالای در ورودی مقبره (در داخل مقبره) پنجره زیبائی نصب گردیـده است و در بالای آن بخط نسـتعلیق جمله : أنا مـدینه العلم وعلی بابها ۱۲۷۲ هجری قمری گچبری شده و در زیر آن جمله :

با امام حسـین ادرکنی درگاه تو قبله گاه جان است محراب زمین و آسـمانست نوشـته شـده است . توضـیح) : از دو تاریخی که در مقبره دیده میشود معلوم می گردد که گچ

بری و تزئینات داخلی بقعه مرحوم حجه الاسلام در سال ۱۲۷۲ هجری قمری در زمان تولیت و ریاست مرحوم حاج سید اسد الله انجام گردیده است .

ه . تکمیل بنای مسجد سید

یکی از کارهای اساسی که بوسیله مرحوم حاج سید اسد الله در مسجد سید انجام گردید تکمیل ساختمان و تزئینات مسجد می باشد و آنها عبارتست از :

الف - تزئینات داخلی مقبره مرحوم سید حجه الاسلام علیه الرحمه والرضوان. ب - کاشیکاری داخل گنبد جنوبی

الف : این شرح اجمالی بقعه مرحوم سید حجه الاسلام

۱- کتیبه داخل بقعه بخط ثلث بر جسته طلائی رنگ بر زمینه لاجوردی آیاتی از قرآن مجید است : بعد از قال الله تعالی آیات ۲۹ تا ۴۹ سوره ص گچ بری شده و در آخر آن سال ۱۲۷۲ هجری نوشته شده است .

۲- کتیبه قسمت فوقانی سه گوشواره (سه غرفه) شرقی و غربی و جنوبی بخط ثلث بر جسته طلائی رنگ بر زمینه لاجوردی عبارات زیر گچ بری شده

بنبی عربی ورسول مدنی و اخیه اسد الله مسمی بعلی و بزهراء بتول وبأم ولدتها و بسبطیه وشبیلههما نجل زکی و بسجاد وبالباقر والصادق حقأ وبموسی وعلی وتقی ونقی و بذی العسکر و الحجه القائم بالحق الذی بضرب بالسیف بحکم ازلی و علیهم صلواتی و سلامی مأه ألفا بلیال و نهار وغدو و عشی

۳- اشعار فارسی (قصیده هما شیرازی به خط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوردی

ص: ۳۲۷

روی کاشیهای خشتی

ب : کتیبه های داخلی گنبد جنوبی :

چون اساسی و شالوده مسجد سید بدست توانای مرحوم سید حجه الاسلام بنا نهاده شد و پس از گذشت تقریبا پانزده سال ساختمان آن به اتمام رسید اقدام به کاشیکاری و تزئینات آن فرمود.

در این زمان خطاط معروف اصفهال مرحوم آقا محمد باقر شریف شیرازی که او را گاهی اقا محمد باقر سموری نیز گفته اند (احتمال تعدد نیز میرود و نیاز به تحقیق بیشتری دارد) شهرت و عنوان داشت. مرحوم سید حجه الاسلام نوشتن کتیبه ها را باو رجوع فرمودند .

تاریخ کتیبه ها و نوشته های موجود در مسجد سید از سال ۱۲۶۹ (کتیبه سنگاب واقع در رواق بقعه سید حجه الاسلام) شروع گردیده و تا سال ۱۳۷۷ (کتیبه سردرب زنجیر در اصلی مسجد سید) ادامه می یابد و ظاهرا کتیبه هائی که بخط محمد باقر شیرازی (یا شریف شیرازی) است گر چه عموما تاریخ آن مربوط به زمان حیات مرحوم سید حجه الاسلام می باشد (۱۲۰۰ و ۱۲۰۹) لکن نصبه آن مربوط به زمان مرحوم حاج سید اسدالله می باشد .

لکن کتیبه داخل گنبد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ شامل سوره (الجمعه) و به جمله : کتبه محمد باقر الشیرازی ۱۲۸۸ ختم میشود در زمان مرحوم سید ثانی تهیه و نصب گردیده است . (ص ۷۹۹ گنجینه آثار تاریخی اصفهان).

برای آگهی بیشتر از وضع بنا و تاریخ کتیبه ها و همچنین خطاطین و نویسندگان آن طالبین به کتاب نفیس : گنجینه آثار تاریخی اصفهان مراجعه فرمایند .

ص: ۳۲۸

فصل هفتم: (عبادت – زهد – کرامات)

عبادت و زهد مرحوم حاج سید اسدالله

هر کجا نامی از مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی برده شده است و یسرا بعابد زاهد ستوده اند بلکه او را اعبد وازهد و اتقی خوانده اند .

در قصص العلماء (ص ۱۲۲) می نویسد :

در اخلاق و تقاوت وفقاهت وزهادت و عبادت اوحد اهل عصر ... و عادت موروثه از اسلاف و اشراف و اباء و اجدادش اینکه هر شب از نصف شب تا صبح در امکنه خالیه فارغه بدعاء و مناجات و گریه و عبادت اشتغال دارد و در ابکاه از خوف حضرت قهار ما نندی برای او نیست .

کرامتی از حجه الاسلام ثانی

در کتاب گنجینه دانشمندان (ص

۱۷۲ پنجم) می نویسد :

از بعضی از دانشمندان موثق شنیدم در هنگامیکه مرحوم حاج سید اسدالله نجف مشرف بودند شب چهارشنبه (یا شب جمعه) مردم جهت دعا و عبادت در مسجد سهله بودند در این موقع شبها از ترس سارقین و اشرار وحیوانات درب مسجد را می بستند وقت صبح که خادم جهت باز کردن در مسجد میرود مشاهده می کند که شیر نر گرسنه ای پشت در خوابیده است جر أت باز کردن در را نمی کند با مردم روی بام مسجد رفته فریاد و غوغا برمی آورند که شیر تحت تاثیر صداها واقع شده و برود لکن او همچنان خوابیده بود در این هنگام متوجه میشوند که شخصی عبابر کشیده از جانب مسجد کوفه بسمت مسجد سهله می آید مردم فریاد می کنند : الحذر الحذر سبع سبع ، نیا نیا حیوان درنده این جاست او همچنان بی اعتنا بسمت مسجد سهله می آمده و هرچه فریاد اینان بیشتر می شود او ابدأ اعتناء نمی کند .)

شخص عبا بر سر کشیده به درب مسجد میرسد و گوشهای شیر را گرفته و می گوید (تلح) ای شیر دور شو مردم مشاهده می کنند که آن حیوان برخاسته و با کمال ادب و سرعت از مسجد دور میشود . مردم تعجب می کنند که آیا این اقای محترم کیست آیا حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان علیه السلام می باشند یا... در مسجد را باز می کنند و مشاهده می کنند که او مرحوم حاج سید اسد الله می باشد اعتقاد آنان نسبت به ایشان زیادتر میشود . (نقل از گنجینه دانشمندان با اندکی تغییر).

دانشمند فرزانه حجه الاسلام حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی مؤلف کتاب : مهدی منتظر را بشناسید و غیره از قول پدر بزرگوار خود مرحوم عالم جلیل زاهد اقا شیخ محمد باقر بن حسینعلی طهرانی اصفهانی مؤلف : فوز الاکبر مطبوع متوفای شب جمعه ۲۰ ذی القعده سال ۱۳۷۱ مدفون در اطاق تکیه کازرونی

ص: ۳۳۰

در تخت فولاد این کرامت را از قول مرحوم اقا نجفی (حاج شیخ محمد نقی) نقل نمودند که ظاهرا مرحوم آقا نجفی جزو حاضرین در مسجد بوده

کرامتی دیگر از حاج سید اسدالله : مرحوم اقا شیخ محمود عراقی مؤلف کتاب دار السلام (۱۳۰۸

۱۲۶۰) در کتاب نامبرده در فصل سوم درذکر کسانیکه در بیداری موفق بزیارت حضرت بقیه الله الاعظم امام العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شده اند (ص ۳۱۳ چاپ کتابفروشی اسلامیه) حکایت دهم شخص فلاح یزدی رانوشته در آنجا بخلاصه گوید :

حاج ملا باقر بهبهانی مؤلف کتاب : الدمعه الساکبه در کنار نهر هندیه باغی احداث نموده بود و آنراصاحبیه (منتسب به حضرت صاحب الزمان علیه السلام) نامیده بود . در اواخر کار بعلت مخارج زیاد و عیالمندی و ضعف کسبه (شغل او کتابفروشی و محل آن در زاویه صحن مطهر علوی بوده) مدیون و پریشان حال شده بود تا وقتی در نجف اشرف مشهور شد که حضرت امام زمان علیه السلام خریدار باغ صاحبیه ملکی و احداثی حاج ملا باقر شده است و پس از مدتی شهرت یافت که آنحضرت بوسیله حاج سید اسدالله رشتی اصفهانی قرضهای حاج ملا باقر را اداء فرموده است.

مرحوم عراقی سپس شرح جریان را از قول خود حاج ملا باقر مفصلا بیان فرموده به خلاصه اینکه :

جهت رفع گرفتاری و قرض و پریشانی به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف متوسل شدم وراه نجات را از ایشان خواستم . در یکی از روزها هنگام صبح پیر مرد باغیان یزدی که مردی صالح بوده و در باغ صاحبیه کار میکرده

در مسجد سهله در صف وسط مسجد نشسته و مشغول ترتیب ودعا خواندن بوده که شخص محترم و بزرگواری را می بیند که به او میفرمایند :

حاج ملا باقر این باغ را نمیفروشد ؟ گفتم تمام باغ رانه ولی چون مقروض است بعضی از آنرا شاید بفروشد .

فرمود : تو نصف این باغ را از طرف او بمن به مبلغ یکصد تومان بفروش و پول آنرا بگیرد و به او برسان .

گفتم : من در این مورد از او اجازه ور کالت ندارم.

فرمود : بفروش و پولش را بگیر اگر قبول نکرد و اجازه نداد پولش را پس بیاور .

گفتم : در این باب احتیاج به سند و شاهد دارد و تا آنکه خود او نباشد ممکن نیست .

فرمود: میان من و او سند و شاهد لازم نیست . هر قدر که آن شخص اصرار فرمود من قبول نکردم .

فرمود : من پول را بتو میدهم ببر و تورادر معامله وکیل خود می کنم اگر فروخت از برای من خریداری کن و پولش را بده و اگر قبول نکرد پول را

L

بیاور .

پیر مرد یزدی باغبان می گوید : با خود اندیشیدم پول مردم راگرفتن و بردن هزار نوع زحمت و درد سر دارد قبول نکردم و به او گفتم که :

من تمام روزها صبح برای نماز این محل هستم از او میپرسم وجواب آنرا بتو میرسانم چون این بشنید بر خاسته و از مسجد بیرون رفت .

حاج ملا باقر می گوید چون پیرمرد باغبان این جریان را گفت باو گفتم چرا نفروختی و تو که خود میدانی من به تنهائی از عهده مخارج این باغ بر نمی آیم و علاوه بر آن مقروض نیز هستم از این گذشته امروز تمام این باغ راکسی باین

قیمت نمی خرد.

باغبان گفت که من اذن نداشتم و نمی توانستم بدون اجازه مالك باغ آنرا معامله کنم ، اکنون که به این معامله راضی هستی چون وعده کرده ام که فردا

جواب باو بدهم شاید فردا بیاید حاجی ملا باقر باو می گوید بهر طور شده است معامله را انجام بده .

فردا صبح از آن شخص بزرگوار خبری نشد حاجی بهبهانی به باغبان می گوید هر طور شده است او را در نجف و یا کوفه و باغات اطراف پیدا کرده و معامله را انجام میدهد. هر چه میپرسد و از هر کس سؤال می کند ان شخص را با آن نشانها ندیده و نمی شناختند . حاجی مأیوس و متحیر می شود .

پس از مدتی در یکی از شبها که حاجی بابت قروض خود و پریشانی حال و گرفتاری و عیالمندی و ترس از رسوائی می اندیشیده بخواب میرود در عالم رؤیا شرفیاب محضر مقدس منور حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف گردیده انحضرت میفرمایند : در ایران در ساری

حاج ملا باقر پول باغ در نزد حاج سید اسدالله میباشد برو از او بگیر این بفرمود من از خواب بیدار شدم و بسیار خوشحال و مسرور بودم لکن پس از اندکی تأمل با خود اندیشیدم که : شاید این خواب بقیه خیال اول شب بوده است که « النوم بقیه الخیال » وشاید اظهار آن به سید موجب بدخیالی او در باره من شود و تصور کنند که من بدروغ می گوید و میخواهم بدین وسیله چیزی از او بگیرم.

در هر حال با خود گفتم که : سید مرد بزرگی است و مرا هم می شناسد و میداند که اهل اینگونه حرفها نیستم و بیان خواب نیز اگر نفع نداشته باشد ضرر هم نخواهد داشت ضمن دروغ هم نگفته ام که عند الله مؤاخذ باشم .

مسیح بعد از اداء نماز صبح که عازم رفتن بصحن مطهر و حجره کتابفروشی

بودم چون بدرخانه سید که در مسیر من بود رسیدم توقف کرده و اهسته حلقه در را حرکت دادم بلافاصله صدای سید از بالاخانه بلند شد که : حاج ملا باقر هستی توقف کن که آمدم . چون مرا باسم صدا زد با خود گفتم شاید مرا از دور که می آمده ام دیده است . سید فورا از پله ها پائین آمد با شب کلاه و لباس خلوت در را گشوده و کیسه پولی بدست من نهاد و گفت کسی نداند و در را بست و رفت بدون آنکه دیگر سخنی بگوید چون بیاوردم و شماره کردم یکصد تومان بود و تا زمانیکه سید حیات داشت من این واقعه را بکسی نگفتم . لکن مردم از تقسیم آن پول در بین المباران و بعضی قرائن دیگر از آن قضیه فی الجمله آگاه شدند و مختلف برای هم نقل میکردند .

کرامتی دیگر از مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی :

مرحوم آقا شیخ محمود عراقی در دار السلام (ص ۳۱۹) پس از نقل قضیه ملا محمد باقر دهدشتی می نویسد :

مؤلف گوید : در زمان حیات حاج سید اسد الله با او معاشرت و امیزش نداشتم تا آنکه آب فرات را به نجف آورد ... در مسافرت به عتبات در بین راه وفات یافته در باب قبله صحن مطهر مقابل مقبره شیخ مرتضی انصاری دفن نمودند . حقیر در موقع تشرف جهت شیخ که استادم بود و در وقت برگشتن جهت ایشان بخاطر حق تشریب فاتحه می خواندم وقتی چنین اتفاق افتاد که در امر معاش شدتی عارض شد و کلیه راههای تدبیر مسدود. شبی در وقت خروج از صحن مطهر که نوبت فاتحه برای سید بودم متذکر شدم که کفایت این امر را از سید بخواهم و با خود گفتم اگر کفایت ننمود دیگر فاتحه نباید خواند .

اول شب بود که این فکر را نمودم در همان شب در عالم رویا چنین بنظرم رسید که شخصی آمد و پولی بمن داد و گفت این را سید جهت شما فرستاده

است ، پس از بیداری شخصی آمد و مبلغی پول بقدر حاجت بمن داد و دانسته شد از خواب خودم وسؤال از او که این پول را آن بزرگوار حواله فرموده است. پس حسن ظن من نسبت با بشان زیاد شد وتا در نجف اشرف بودم قرائت فاتحه را ترک ننمودم

کرامت دیگری رانقل نمود واعظ خبیر بصیر اقای حاج اقا رضا مظاهری فرزند عالم جلیل زاهد متقی مرحوم آخوند ملا محمد حسین مظاهری کرونی که سفری به عتبات مشرف شدم و بهمراه من یکی از آشنایان بود که بدون تذکره و از راه قاچاق می آمد و آنکس که مأمور آوردن او بود دیر کرده بود و از این حیث بسیار نگران بودم . در حین تشرف به محض ورود به صحن مطهر مقابل قبرسید ثانی ایستاده فاتحه خواندم و عرض حاجت کرده و او را وسیله استجابت دعای خود قرار دادم و ضمن گفتم : اگر این شخص بهمین زودی نباید دیگر برای شما فاتحه نخواهم خواند.

در موقع خروج از حرم مطهر به یکی از آشنایان برخورد کرده و اظهار نگرانی نمودم او گفت همین جا در جنب صحن مطهر خانه ای است که زوار قاچاق را به آنجا وارد می کنند بیا برویم آنجا سراغ بگیریم . با همدیگر به آنان خانه رفته اتفاقا رفیق اصفهانی خود را که چندین روز بود منتظر او بودیم مشاهده نمودیم که تازه وارد شده بوده بسیار خوشحال شده با تفاق او بیرون آمده و اعتقادم نسبت به مرحوم حاج سید اسدالله خیلی زیادتر از آنچه بود گردید رحمه الله علیه وعلی جمیع علمائنا العاملین .

اشعار در مدح و ستایش

مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی

عده ای از شعراء و گویندگان اصفهان و عراق بعربی و فارسی قصایدی در ستایش

ص: ۳۳۵

انجناب سروده اند که از آنجمله است :

مرحوم هما شیرازی اصفهانی. در نعت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ومدیحه حاج سید اسدالله بیدآبادی (نقل از دیوان اشعار هما) :

پرده بر افتد گر از جمال محمد ص خیره شود عقل در جلال محمد ص ما از خورشید نورگیر دو خورشید ، کسب کند نور از جمال محمد ص مقصد واجب زافرینش امکان غیر محمد نبود و آل محمد ص

پس از ده سطر : کی بود آنجا که ذو الجلال ثنا گفت مدح هما در خور جلال محمد ص عقل فروغیست از جمال محمد ص عرش مثالیست از جلال محمد ص نورمه از مه طلب نسیم گل از گل زال محمد بجو خصال محمدص أول عنوان قلم که لسوح بیاد است نام محمد نوشت و آل محمد ص جز ببدن نیست اتصال روان راب جز بعلی نیست اتصال محمدص گرچه بصورت دو اند لیک بمعنی هست جمال علی جمال محمد ص بود بهر وقت د؟ر مقام و بهر جا وصف علی بهترین مقال محمد ص در کف حیدر سپرد خاتم دولت چون زجهان آمد انتقال محمد ص همچو هما خواهی ار مراد دو عالم مدح محمد بگوی و آل محمد ص می نشود گلشن وجود تو خرم تا نکنی مدح نو نهال محمد ص حجه الاسلام و شمع دین اسد الله آنکه از او تازه شد خصال محمدص

این قصیده جمعه ۲۴ بیت است . باز در قصیده دیگری دنباله مدح و مرثیه مرحوم سید حجه الاسلام گوید : هما بیار بشکرانه مطلع دیگر

که یافت بار دگر زیب و خرمی ایام

ژبعد حجه الاسلام باره اسلام :|

گرفت از اسد الله ثانی استحکام بلی زماه منور جهان شود روشن

چو افتاب کند رخ نهان بپرده شام پناه دین اسدالله ثانی آنکه دهد

زبعد عقل نخستین به نه سپهر نظام فرید در کم و کیف و نجوم وحکمت و نحو .

: وحید در همه فن اصول و فقه و کلام بگرد خرمن فضلش کز و ست حاصل دهر

در خوشه چین شب وروزند جاحظ ونظام به حکم وهمت و تقوی و مردمی وهنر . .

. جز او قرین پدر کس نشد ز نسل کرام اگر فرین پدر شد بهر صفت نه عجب ساری

فان شبل الأسد کالاسد بای مقام عجب مدار که دلهای مرده زنده شود

که زنده شد بجهان باز حجه اگر بخواهی سلمان بینی وبوذر

بعلم و تقوی او را ببین در این ایام اگر بصورت و معنی پسر بود چو پدر

هم او بود که بمعنی وصور تست زدل زدایدانده بتن فزاید جان

کفش بگاه عطا و لبش بوقت کلام

ص: ۳۳۷

زبازوی کرم او گرفت نام سخا

از نیروی قلم او فزود شرع نظام بقوت اسد اللهی و عنایت حق

شکست چون أسد الله شو کت اصنام بخلق و خلق جز او کس نشد ترین پدر

تبارك الله از این خلق و خلق وعز ومقام زمام بخت چو یزدان نهاد در کف او

نهاد در کف او بخنی سپهر زمام سزد که دمر ببالد از این خجسته پسر

که نام نیك پدر زنده کرد در ایام زبعد صادر اول که بود عقل نخست

چو مصدر آمده اصل کلام تم کلام چو نظم بافت زاحکام او شریعت و دین

ولا یزال علی الـدهر نافذ الأحکام (تذکر) : در کتاب : آتشـکده اردسـتان (ص) اشـعاری از گفته های یموت شاعر زواره ای در باره مرحوم سید ثانی نقل می کند که قابل نوشتن و یاد آوری نمی باشد و این تذکر بخاطر آنست که بدانیم : لکل موسی فرعون .

ا

مرحوم حاج سید اسد الله وشعر

بطوریکه در برخی از کتب در ضمن بیان شرح حال مرحوم سید ثانی نوشته اند وی شعر میگفته و در سرودن آن قدرتی داشته است (ص ۱۳۹ المآثر والاثار) لکن تاکنون نمونه ای از اشعار انجناب بنظر نویسنده به طور نرسیده است .

ص: ۳۳۸



مرحوم سید اسدالله و خط

مرحوم حاج سـید اسـدالله جامع فضائل صوری و معنوی بوده و از جمله مزایای او حسن خط است که حقا بایـد و در یکی از خوشـنویسان قرن سیز هم هجری در اصفهان دانست. مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۸۳۹ سوم) در باره او می نویسد :

در علم و عمل وزهد و تقوی و فطانت و کیاست و شـهرت و ریاست بدرجه اعلی رسـیده چندانکه در بعضـی مراتب و مقامات از پدر بزرگوار در گذشته و نظم شعر وحسن خط مزید بر مزایا و معالی او گشته ...

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۸۰ پاورقی) می نویسد : مرحوم سید در حسن خط هم مرتبه اعلی را دارا بود.

بطوریکه معروفست کتیبه داخلی در بقعه مرحوم سـید حجه الاسـلام بخط ثلث برجسـته طلایی رنگ بر زمینه لاجوردی نوشـته شـده و بعـد از جمله قال الله تعالی آیه ۲۹ تا ۴۶ سوره مبارکه (ص) گچ بری گردیده و تاریخ آن ۱۲۷۲ می باشد خط مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی می باشد .

همچنین دوازده امام منظوم (بنبی عربی و رسول مدنی ..) که آنهم بخط ثلث برجسـته طلائی رنگ بر زمینه لاجوردی و در قسـمت فوقانی سه گوشوار، شرقی و غربی و جنوبی بقعه می باشد بخط مبارک مرحوم حاج سید اسدالله میباشد.

برخی اشعار قصیده هما را که بخط نستعلیق در اطراف بقعه کتیبه شده است را نیز از آثار آن مرحوم می دانند

مقبولیت عامه

أن الذین آمنوا وعملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودأ (قران مجید

حدیث و تفسیر:

سوره مریم آیه ۹۹) .

عن النبی صلی الله علیه واله وسلم : ما اقبل عبد بقلبه الی الله الاأقبل الله بقلوب المؤمنین الیه حتی یرزقه مودتهم ورحمتهم ومحبتهم .

از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند : هیچ بندهای بالب خود متوجه خدای تبارك و تعالی نشد جز آنکه خداوند عزوجل قلوب مؤمنین را متوجه او گردانید تا دوستی و رحمت و عطوفت آنان را روزی وی گرداند .

مفسرین بزرگراز در تفسیر آیه فوق از قول بزرگان دین چندین قول نقل نموده اند از آنجمله :|

ا– ایه در شأن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است (بروایت شیعه وسنی).

۲– آیه درباره حضرت امیرالمؤمنین و استجابت دعای انحضرت است که پیغمبر اکرم به او دستور فرموده بودند (بروایت شیعه و سنی). ۳– خداوند هر کس که مؤمن و نیکو کار باشد را دوست دارد .

۴ – تمام مردم مؤمنین و نیکوکاران را دوست دارند حتی مردم کافر و فاسق نیز نیکوکاران را دوست دارند .

د خداوند مؤمنین را دوست یکدیگر قرار دارد تا بتوانند به کمك و معاونت و معاضدت یکدیگر بر مشکلات فائق شوند .

– ایه مربوط به روز رستاخیز است که در آن روز همه مؤمنین و اهل ایمان با یکدیگر دوست و یکدل باشند و تفسیرهای دیگری (علی بن ابراهیم ابو الفتوح – مجمع البیان – مخزن العرفان – منهج الصادقین – المیزان).

اما معنی ظاهری آیه شریفه :

ص: ۳۴۱

کسانی که ایمان آوردند و کار نیک انجام دادند زود باشد که خداوند رحمن برای آنان دوستانی قرار دهد بنابر این هر کس مؤمن بود و کار نیک انجام داد خداوند محبت او را در قلوب مؤمنین قرار میدهد که همه او را دوست دارند.

علامه طباطبائی در المیزان (ص ۱۷۳ بیست و هفتم ترجمه) در ذیل این آیه شریفه میفرماید :

در این آیه شریفه وعده جمیلی از ناحیه خدایتعالی آمده که بزودی برای کسانی که ایمان آورده و عمل صالح می کنند مودتی در دلها قرار میدهد .

دیگر مقید نکرده بکدام دلها ، آیا دلهای خودشان یا دلهای دیگران ؟ آیا در دنیا و یا در آخرت و بهشت؟

یکی از مصادیق این آیه شریفه مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی می باشد.

وی چون حقاً عابد و زاهد و متقی و خداجوی و نیکوکار بود مردم نیز او را از جان و دل دوست میداشتند و بخصوص پس از فضاهای مورچه خورت و اعمال غیر انسانی و خلاف شرع و قانون عرف کیکاوس میرزا عزت و احترام آن مرحوم در نزد عموم طبقات بیشتر شده و حتی دو لتیان وشاه نیز از ارادتمندان او شدند و کلیه مسببین آن واقعه هریک به بلیهای گرفتار و مایه عبرت مردم روزگار کشتند فاعتبروا با اولی الابصار .

مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در کتاب تاریخ اصفهان (ص ۳۳ جلد سوم) در ضمن بیان شرح حال آن بزرگوار می نویسد :

احترامش راهمه کس ملحوظ داشتند جز کیکاوس میرزا قاجار که در مورچه خورت اندکی بی ادبی کرده و بزودی قهر الهی بچوب شاهنشاهی ادب شده (انتهی)

عموم طبق اب مردم اصفهان بخصوص علماء و بزرگان اولا بخاطر شخصیت علمی و زهد و تقوی او وثانیه بعلت حقوقیکه از مرحوم سید حجه الاسلام بر ذمه

آنـان بـود و پرا بیش از حـد احـترام میکردنـد . همه برادران و برادر زادگـان و بنی اعمـام ایشـان ویرا بعنـوان بزرگ خانـدان انتخـاب نمـوده و بطوریکه شـهرت دارد حتی اقا میرزا زین العابدین و اقا میرزا ابوالقاسم که هر دو از نظر سن از ایشان بزرگتر بودند در برابر ایشان می ایسـتادند و تا اجازه نمیفرمود نمی نشستند .

امامت جماعت

مرحوم حـاج سـید اسـد الله صـبح هـا در مسـجد سـیدامامت میفرمود و ظاهر أنمازهای ظهر و عصـر و مغرب و عشا را برادران دیگر ایشان اقامه مینمودند.

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۳۳ سوم) در ضمن شرح حال ایشان می نویسد :

در نماز صبحش در اول فجر (اقامه) میشد از محلات دور ودهات نزدیک شهر اجتماع مأمومین فضای مسجد سید را فرا گرفته .

(شرح یک نماز جماعت) :

نقـل نمود واعـظ بصـیر و محادث خبیر مرحوم آقا شـیخ محمـد رضا حسام الواعظین (۱۳۸۹ - ۱۳۰۱) فرزنـد مرحوم واعـظ معروف حاج میرزا محمد علی بن ملا اسماعیل بن جعفر بن حسن اصفهانی در بالای منبر در مسجد سید از قول پدرش که ایشان گفته بود؛

در یکی از شـبهای زمستان که چندین شب متوالی برف باریده بود و هوا بشدت سرد بود بقصد شرکت در نماز جماعت مرحوم حاج سید اسد الله که در اول طلوع فجر اقـامه میفرمود از محله پـاقلعه حرکت کردم (بایـد توجه داشت که در آن سالهـا وضع کوچه هـا از نظر گـل و لاـی و یخبندان و برف چه حالتی داشـته و مسلمانهای آن زمان برای درک فیض نماز جماعت چه همتی داشته اند که یک ساعت قبل از طلوع فجر از محله پاقلعه حرکت کنند تا بتوانند در اول وقت در مسجد سید

حاضـر باشـند فطوبی لهم ثم طوبی لهم وحسن مآب) و با خود می اندیشـیدم که امشب با این سـردی هو او برف و یخبندان مسجد سید خلوت است و من میتوانم جـای منـاسبی برای اقتـداء پیـدا کنم . حـدود یک ساعت به اذان حرکت کردم نزدیک به اذن به مسـجد رسـیدم وقتی وارد شبسـتان بزرگ مسـجد سـید شـدم مشاهـده نمودم که جمعیت نماز گزاران تمام شبسـتان را پر کرده و جای خالی وجود ندارد بالاخره نزدیک درب آخر شبستان جائی پیدا کرده و بفیض نماز جماعت رسیدم.

این موضوع را چنـدین نفر دیگر نیز از پیر مردان که بـا خود در اوائـل جوانی با پـدرانشان به مسـجد رفته بودنـد و یا از آنان شـنیده بودنـد نقل کردند و بحد تواتر رسیده و از موضوعهای قطعی و یقینی است و در صحت آن شکی نیست .

مقایسه دو عان مقایسه دو زمان

از زمان فوت مرحوم حاج سـید اسد الله بید آبادی تا هنگام نوشـتن و پاکنویس این سـطور یکصد و چهارده سال می گذرد. در آن موقع وضع مردم و مساجد چنین بود که شـرح آن داده شد لکن در زمان حاضـر در موقع صبح در بیشتر مساجد اقامه نماز جماعت نمیشود و در مساجدی که نماز جماعت منعقد میگردد عموما تعداد مأمومین انگشت شمار است مگر تعداد بسیار کمی از مساجد .

(تذکر) :

تا زمان حیات مرحوم حاج سـید محمد رضا شـفتی نواده مرحوم حاج سـید اسدالله این سنت سنیه یعنی اقامه نماز جماعت در اول اذان صبح در مسـجد ادامه داشت لکن پس از فوت آن مرحوم نمـاز جمـاعت صـبح مسـجد نیز تعطیـل گردیـد. امیـد است که حجه الاسـلام زاده عزیز مـا یا خودشخصأصبح به مسجد تشریف ببرند و یا آنکه دیگری را به نیابت خود در مسجد قرار دهند انشاء الله مأجور خواهند بود .

فصل هشتم: (خانواده و اولاد مرحوم حاج سید اسدالله)

(خانواده و اولاد مرحوم حاج سید اسدالله)

.

در فصلی که مربوط به اولاد مرحوم سید حجه الاسلام بود بطوریکه تفصیل و اجمالی اسامی و شرح حال اولاد و اعقاب مرحوم حاج سید اسدالله را ذکر نمودیم در این جا نیازی به تکرار نیست . در این جا فقط گوئیم :

مرحوم حاج ملاعلی خلیلی پدرزن مرحوم سید ثانی داماد عالم وفقیه دیگری نیز بنام سید محمد علی شاه عبدالعظیمی داشته است.

مرحوم حاج سید محمد علی بن محمد بن هدایه الله مشهور به میرزاجان حسینی عالم فاضلی فقیه زاهد مؤلف کتب عدیده از آنجمله : ۱- الایقاظ ۲- حلیه الزائر

- مسلک الذهاب - منتخب التفاسیر - وسیله الرضوان ۶- وفاه الزهراء علیها سلام الله و غیره در ۱۲۰۸ متولد و در ۱۳۳۶ وفات یافته است .

اعقاب و اولاد مرحوم حاج سید اسدالله منحصرا از یگانه فرزند پسر ایشان مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی معروف به حاج آقا با سید حاج اقا می باشند

ص: ۳۴۵

که در زمان حاضر برخی از آنان متصدی مشاغل عالیه در دستگاه حکومت می باشند و فقهم الله بصالح الأعمال و یکی دو نفر نیز در لباس روحانیت و از فضلاء محسوبند.

وامانواده دختری آن مرحوم بشرحی که قبلاـ نوشته شده عده آنها بسیار و جمعی از آنان از اهل علم و فضل و روحانیت و عده ای نیز در مشاغل دولتی و ملی بخدمتگزاری اشتغال دارند و عموما مردانی صالح ودیندار می باشند .

مسافرت به عتبات ووفات در بین راه

مرحوم حاج سید اسدالله در سال ۱۲۹۰ بقصد زیارت اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام از اصفهان حرکت نموده و در بین راه بیمار گشته و سرانجام در شب یک شنبه سلخ جمادی الثانیه سال مرقوم (۱۳۹۰) در منزل گرند از توابع کردستان وفات یافته نعش او را از آنجا تا نجف اشرف با احترام شایسته از طرف دولت و ملت بر سر دست و دوش مردم حرکت داده و در آن ارض مقدس بخاک سپردند .

(رفع اشتباه) : علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۰۶ بیست و دوم) در ضمن بیان مناسک حج وفات مرحوم سید ثانی را در ماه صفر می نویسد که اشتباه می باشد.

در کتاب : ماضی النجف وحاضرها (ص ۱۳۲ یکم) وفات مرحوم حاج سید اسدالله را در سال ۱۲۹۲ می نویسد که یقینا اشتباه و سهوالقلم از طرف مؤلف مرحوم آن کتاب می باشد .

محل دفن

مرحوم حاج سید اسدالله را در اطاق سمت راست وارد شونده بصحن مطهر از درب قبله مقابل قبر علامه فقیه زاهد مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری (اطاق سمت چپ وارد شونده) دفن نمودند و اندو بزرگوار همچنانکه در زمان حیات حامل علوم و احادیث اهل بیت وحضرت باب الائمه علیهم السلام بودند. پس از وفات نیز دربان روضه مقدسه و صحن هنور گردیدند رحمه الله علیهما وعلی جمیع علمائنا .

ماده تاریخ وفات

پس از وفات مرحوم حاج سید اسد الله عده ای از شعراء و گویندگان عربی و فارسی مرثیه و ماده تاریخهائی در آن مورد سروده اند که از آن جمله است : ۱- مرحوم سید جعفر حلی (۱۳۱۰- ۱۲۷۷) مؤلف سحر بابل و سجع البلابل در ضمن قصیده ای گوید :

اسدالله بمثوی اسدالله توسد (۱۲۹۰)

۲- میرزا محمد همدانی معروف به ام الحرمین متوفی بسال ۱۳۰۲ مؤلف فصوص الیواقیت در ضمن قصیده ای گوید :

ویوم جاؤوا بنعشه امم ضجت فاضحی تاریخه : صرخت

یکی دیگر از مرثیه ها و ماده تاریخهائیکه در وفات آن مرحوم گفته شده است قصیده ای است که ادیب شاعر مرحوم آقا شیخ مهدی بن شیخ صالح بن قاسم مشهور به حجی نجفی صاحب دیوان اشعار مخطوط متوفی در طاعون سال ۱۲۹۸

در نجف اشرف گفته است (پدرش نیز ادیب و شاعر و فقیه بوده و در سال ۱۳۷۰ وفات یافته است).

خطب الم بر کن الدین فانهدما لوقعه بکت السبع الشداد وما رمی الرشاد یعین الرشد فادحه فاستشعرت عنده عین الرشاد عمی امی یمین فریش الفضل حلفتها من کان بینهم دون الوری قسما رمی الیمین فیا مثلت انامله فی الدهر شل یمین الدین حین رمی فیا إماما شأی وادی الحمی فکبا به القضا فالحمی اضحی بغیر حمی مذ قام فیک مهنی الذین قام له ناعیک ینعی فاشجی العرب والعجما وحین اصبح فیک المجد مبتهجه امسی له الوجد یرری جنبه ضرما یا صفقه الدین لما خاب من امل لم یحس فیک به حتی عذا ألما فان بکی قد بکاء الدین مکتبئا فطالما کان فیک الدین مبتسما الله یومک ولایام معوله و آوالدی ذا وذا یا کافلی رحما وللارامل من حول السریر بکا بمدمع مزجت منه الفرات دما فجرت من کبدالصم الفرات لهم والیوم فجر ست دمعا فی الخدود هما فیا فقیدأ بکت عین العلوم له وکابدت کمدأ اخوانه العلما تدعوک یا اسدالله الذی نشرت للدین کفاه بعد المرتضی علما إلی آخر القصیده (ص ۱۰۷ سوم معارف الرجال) .

بعضی از مدفونین در حجره

: در حجره ای که قبر مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی واقع شده است چند نفر دیگر نیز مدفون می باشند از آنجمله : --ا- حاج سید علی شوشتری (ص۶۳ یکم فوائد الرضویه) فوت ۱۲۸۳ه. ق.

۲- حاج آقا کمال الدین شریعتمدار فرزند آقا شیخ محمد تقی أقا نجفی اصفهانی (۱۳۵۲ – ۱۳۸۳). | و از اولاد و اعقاب مرحوم سید حجه الاسلام :

- حاج سید محمد جعفر فرزند سید حجه الاسلام. ۲- آقا سید هاشم فرزند حاج سید جعفر فرزند سید حجه الاسلام . واما مدفونین در حجره مقابل یعنی طرف چپ وارد شونده :

- سید آفا یزدی (ص ۷۲ه دوم الکرام البرره) . ۲- شیخ محسن خنفر (ص ۹۸ یکم معارف الرجال) . ۳- شیخ اجل افقه مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری علیه الرحمه والرضوان.

ابواب صحن مطهر علوی

(فائده) : درب قبلی صحن مطهر نجف اشرف : صحن مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دارای پنج درب می باشد بدین شرح :

۱- درب شرقی - درب بزرگ صحن - در ساعت مقابل ایوان طلا و اول بازار بزرگ نجف. برای ایشان را بازسازی

۲- درب شمالی - باب طوسی که به مسجد و قبر شیخ الطائفه شیخ ابو جعفر محمد بن حسن طوسی منتهی میگردد .

۳- درب غربی - باب سلطانی و پسه باب الفرج نیز معروف میباشد .

۴ - در سمت مشرق به سمت محل خیاطها (از درهای عمومی صحن شریف نمی باشد) در سمت راست درب ساعت .

ه - درب جنوبی - درب قبله از قدیمی ترین درهای صحن مطهر می باشد.

در کتاب ماضی النجف وحاضرها (ص ۶۳ یکم) در ضمن بیان ابواب صحن شریف می نویسد:

سوم (بنا بر تقسیم و ترتیب کتاب نامبرده) در قبلی است و در قدیم کوچك

و کوتاه و از چوب خرما ساخته شده بود در اواخر قرن سیزدهم در زمان شبلی پاشا (یکی از حکام بغداد) بدستور دخترش بنام فاطمه این درب تجدید گردید .

دیگر از آثار این بانوی نیکو کار ساختمان حوض آبی در صحن شریف مقابل ایوان بزرگی که در آن قبر علامه ادیب شاعر سید محمد سعید حبوبی فقیه مجاهد (۱۳۳۳ - ۱۲۹۹) قرار دارد می باشد این حوض آب را در سالهای اخیر خراب کردند.

عده ای از شعراء معروف نجف جهت تجدید این درب صحن اشعار و ماده تاریخهائی گفته اند که از آنجمله است :

۱- سید ابراهیم آل بحر العلوم (فرزند اقا سید حسین بن علامه اقا سید رضا بن بحر العلوم طباطبائی) متولد در سال ۱۲۶۸ متوفی بسال ۱۳۱۹ قصیده ای سروده که مطلع آن چنین است

لقد فتح الشبلی للمرتضی بابا علا بعلی ذروه العرش اعتابا تا آنجا که گوید : در این کار در اداران بسیاری | وقد وقع الشبلی فی باب حیدر ، وجیز خطاب قد تضمن اطنا با ترصع بالسبع السواری فارخوا « نعم فتح الشبلی لحیدره بابا » نعم فتح لحیدره

(۱۲۸۹ مساوی ۷ بعلاوه ۱۲۸۲) ۲ مرحوم شیخ احمد قفطان (۱۲۹۳ - ۱۲۱۷) شاعر ادیب مؤلف القوافی الشبلیه در مدایح شبلی پاشا .

ماده تاریخی که مرحوم شیخ احمد قفطان گفته است بر سر درب قسمت خارج صحن بر کاشی نوشته شده است :

ان هذا الباب قد جدده ملك الدهر السری ابن السری تا آنجا که می گوید : .

انت یا شبلی ارخه « وقال

باب شبلی لمثوی حیدر »

(۱۲۸۹)

(تذکر) :

هر دو ماده تاریخ ۱۲۹۱ میشود لکن در ماضی النجف وحاضرها سال ۱۳۸۹ نوشته است و ما نیز بمتابعت آنجا در زیر اشعار همان سال را نوشتیم .

ص: ۳۵۱

تذکر وتنبیه

در خاتمه کتاب لازم است به چند نکته زیر با کمال دقت توجه شود :

۱- در کتاب حاضـر بنام صدها نفر از مشهورترین علماء و دانشمندان نا گمنام ترین دانشجویان و طالبان علم اشاره شده است ممکن است پس از انتشار و مطالعه اهل تحقیق درباره آنها با نظرات متفاوت قضاوت و داوری گردد .

برخی از خواننـدگان بقول یکی از بزرگـان و دانشـمندان که پس از تألیف و چاپ کتاب : « شـعرای معاصـر اصـفهان » تألیف نویسـنده این اثر فرموده بود: غث و سمین شده است

و یا بقول یکی دیگر از ادباء و نویسـندگان معروف که در یکی از آثار خود در باره این تذکره نوشته بود به کمیت بیشتر از کیفیت توجه شده است .

اکنون نیز گفته شود : همه را بـا هم ذکر کرده انـد . اینان معتقدنـد که فقط مشاهیر علماء و ادباء و حکماء قابل ذکر می باشـند و دیگران چنین قـابلیتی و شایسـتگی ندارنـد بـدان دلیل که احتمال دارد که پس از گـذشت سالها نویسـنده ای ومؤلفی فرد گمنامی که فقط چنـد صـباحی در محضر مجتهدی بزرگوار و یا حکیمی عالیمقدار

حضور یافته و از خدمت او استفاده علمی برده (یا نبرده) باشد را ویا کاتب و نویسنده ای مجهول راکه فقط فن او کتابت بوده و از علم ودانش بهره چندانی نداشته است را در ردیف علماء و بزرگان ذکر کند و به او عالم جلیل وفقیه کامل و اینگونه القاب علمی بدهد (همانگونه که در برخی از کتب معاصرین مشاهده شده است) بنا بر این نباید از افراد گمنام و غیر مشهور نامی برد و آنها را باید برای همیشه فراموش کرد..

برحسب نظر به اینان باید پس از سعدی و نظامی و فردوسی و چند شاعرانگشت شمار دیگر همه را فراموش کنیم و آنان نیز خود از شعر گفتن دم فرو بندند و گرد آن نگردند و یا از شیخ طوسی و شیخ مفید و خواجه نصیر الدین طوسی و علامه حلی و شهیدین وشیخ بهائی و علامه مجلسی و عده ای دیگر از مجتهدین بزرگوار وحکماء و فلاسفه و مفسرین که بگذریم بدور دیگران خط بطلان کشیده و فراموششان کنیم. آیا این منطق صحیح است و این گفته درست، آیا آنان در بازار ادب متاعی قابل عرضه ندارند و اینان عمر گرانبهای خود را در راه اعلای کلمه حق و ترویج شریعت و علم صرف ننموده اند ؟

نوشتن کتاب در شرح حال مشاهیر علماء و دانشمندان بدون توجه بدیگران . کار آسانی است. اما باید متوجه بود که ممکن است در بین همین افراد عامل الذکر و گمنام مؤلفینی با مؤلفاتی گرانمایه باشند که دنیای علم و معرفت نیازمند به تحقیقات علمی آنان باشد .

با مراجعه به کتابخانه های معروف داخلی و خارجی و فهرست کتابهای آنها بنام بسیاری از دانشمندان بر خورد می کنیم که هیچگونه آگهی از دوران زندگانی آنها نداریم . نه از اساتیدشان خبر داریم و نه از میلاد ووفات آنها و علت این مجهولات عدم توجه نویسندگان کتب تراجم رجال از معاصر ینشان

و کسانی است که بعدا کتاب نوشته اند که نخواسته اند غیر از مشاهیر علماء از دیگران نامی ببرند .

نمونه

بطور نمونه : مینویسند قریب هزار نفر یا بیشتر از محضر پر برکت علامه مجلسی رضوان الله علیه بهره علمی یافته اند اما اسامی اینها چه بوده و اهل کجا و در چه زمان وچه محلی بدنیا آمده و یا مردهاند - مؤلفاتی داشته اند یا نه - از علامه مجلسی و دیگران اجازه داشته اند یا خبر این سؤالات و دهها سؤال دیگر همه مجهول است که باید جواب آنها را پیدا کرد .

همین حالت را دارد شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام و مجازین از ایشان وهمچنین شاگردان فرزند بزرگوارش مرحوم حاج سید اسد الله که یقینا عده آنها زیاد بوده است اما متأسفانه اسامی عموم آنها غیر معلوم است. "

عدم ذکر نام عده ای از علماء درجه دوم و سوم و حتی مقامات نازلتر باین دلیل که : تألیف و تصنیفی از آنها مشهور نیست و یا تاریخ تولد و وفاتشان ثبت نشده است و یا ما نمیدانیم منطقی بنظر نمیرسد باید از کلیه کسانیکه در راه تحصیل علم و دانش رنج برده اند و در ترویج دین و شریعت متحمل زحمت شده و بوظائف دینی خود از امر بمعروف و نهی از منکر ورفع ظلم ستمگران و قطع ابادی بیدادگران و دیگر شئون روحانیت اقدام نموده اند علی قدر مراتبهم تجلیل و تکریم و قدردانی نمود و نامشان را بخوبی یاد کرد و ذکر خیرشان را برای ابد محفوظ و مضبوط نگه داشت .

نویسنده کتاب با عدم بضاعت علمی و با نبودن وسائل و کتب لازم برای تحقیق تا آنجا که مقدور بوده است کوشش خود را بکار برده و اسامی اینگونه دانشمندان را از لابلای کتابها و نوشته ها بدست آورده و خوانندگان عزیز و اهل تحقیق و تمیز خود بهتر میدانند که اینان همگان در یک پایه و مقام علمی نبوده اند همچنانکه

در حوزه های درس امروز نیز از مجتهد و متجزی و قریب الاجتهاد شرکت می کنند تا مبتدیان و سطح خوانان و کسانیکه تازه به حوزه های درس خارج میروند . برخی صاحب نظر و مؤلفند و مصنفند و جمعی سیاهی لشکر .

کاتبین نسخهها که از آنان نیز نام برده شده است جمعی خود از علماء بزرگوار و صاحب نظر و مجتهد صاحب فتوی و عده ای نیز صرفا نویسنده و کاتب و جز آن هنری ندارند و اکثر طبقه ما بین این دو دسته اما در هر حال همگی خدمتگزار علم و دانش بوده و باید در حد خدمتی که انجام داده اند از آنها سپاسگزاری نمود .

من در این کتابد و دیگر کتابهایم کوشیده ام که :

مجتهد وعالم وصاحب تألیف وادیب وحکیم وواعظ وشاعر و دیگران را آنچنانکه شایسته مقام علمی و اجتماعی آنها بوده معرفی کنم (تا چقدر موفق شده باشم؟) کاتبین نسخه ها را با قید کلمه (کاتب) معرفی کرده ام تا بین عالم فقیه و کاتب فرقی نهاده باشم . تحقیق بیشتر در احوال این بزرگان وظیفه خوانندگان و محققین وطالبین اینگونه مطالب است .

۲- در ضمن مطالب کتاب به موضوع هائی اشاره شده است که در وهله اول ممکن است بنظر برخی از خوانندگان زائد و یا خارج از موضوع باشد . مانند : شورشهای اصفهان در سالهای ۱۲۰۹ و ۱۲۹۹ و تاریخچه محله بید آباد - تاریخچه شفت - تاریخچه آب شهر نجف ودمها مطالب دیگر

اما خوانندگان و مطالعه کنندگان کتاب با اندکی تأمل و دقت متوجه میشوند که نقل این گونه مطالب جهت تنوع موضوع وعدم یک نواخت بودن کتاب ورفع خستگی خوانندگان عزیز است .

ثانیا هر یک از این مطالب از جهتی با کتاب ارتباط داشته و توضیحی بر

مطالب آن می افزاید که مورد استفاده اهل تحقیق و نویسندگان کتب رجال و تاریخ در زمانهای بعد خواهد بود .

۳. بطوریکه قبلا نیز تذکر داده ایم کلیه تاریخهای این کتاب هجری قمری است مگر آنکه قید شده باشد هجری شمسی .

۴- کلیه مطالبی که از کتب مختلفه نقل گردیده در همان محل به کتاب منقول عنه و صفحه آن اشاره شده و دیگر مجدد نیازی به ذکر مآخذ و مصادر ندارد.

ه – بدینوسیله از کلیه کسانیکه به نحوی از انحاء در تألیف این کتاب مرا یار و مدد کار بوده اند تشکر نموده و اجر و پاداش همگان از خداوند قادر متعال خواهانم که « ان الله لا یضیع أجر المحسنین » .

دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

رات

کو میرا

وصلی الله علی محمد وآله اجمعین سید مصلح الدین مهدوی شعبان المعظم ۱۴۰۵

ص: ۳۵۶

استدراک ج ۱ درباره مرحوم سید حجه الاسلام شفتی بید آبادی

در کتابهای مختلف و متعدد مطالبی نقل شده که عموما از قصص العلماء نقلی گردیده ، و هر نویسنده و مؤلفی مطالب منقوله را بطوری که نظر خاص او بوده تجزیه و تحلیل نموده است از آنجمله : - قرر کیا اور زرداری س اری -

حامد الگار در کتاب : « نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت» درباره قدرت مرحوم حجه الاسلام شفتی و مرگ فتح علیشاه بنفرین انجناب و علل و موجبات اختلاف محمد شاه با آن مرحوم و مسافرت فتح علیشاه و محمد شاه با صفهان وحکومت خسرو گرجی و معتمد الدوله گرجی باصفهان بطور پراکنده و ناقص مطالبی می نویسد که در آنها مطلب و موضوع تازه ای جز آنچه ما نیز آنها را نوشته ایم ندارد .

می نویسد : در شورش مردم تبریز بعلت کمبود نان و گرانی شاه دستورداد یکی از علماء آنجا را گرفته و در حضور مردم و یرا بدار آویختند (ص ۱۰۹ نقش روحانیت) لکن نام این عالم را ذکر نمی کنند .

ص: ۳۵۷

علت مخالفت شاه با سید حجه الاسلام را حمایت ایشان از عبدالله خان امین الدوله که مخالف سلطنت محمد شاه و طرفدار حسینعلی میرزا فرمانفرما حکمران فارس که ادعای سلطنت کرده بود می نویسد (ص ۱۰۹ بعد).

مرحوم سید حجه الاسلام راجاه طلب و مایل بقدرت شخصی می نویسد و گوید که با لوطیها ارتباط داشته است (ص ۱۰۸) و می نویسد که لوطیها در موقع مرگ فتح علیشاه اصفهان را غارت کردند و غنائم خود را در مسجد جمعه انبار کردند.

نویسنده گوید : اگر چنین باشد بنابراین باید لوطیان وابسته به دستگاه امام جمعه باشند که قدرتی در برابر قدرت مرحوم سید حجه الاسلام بوده و دولت آنرا تقویت مینموده است می نویسد که بدستور شاه نیمی از اصفهان تا حدود نیم آورد را جزو بست مرحوم امام جمعه قرار داده بودند .

پس از نقل غارت اصفهان بوسیله لوطیان می نویسد :

سند دخالت حاج سید محمد باقر در این فعالیتها متناقض است بدین معنی که: فریزر مدعی است او لوطیها را تشویق میکرده در حالیکه در آن تار نو» می نویسد به عکس سید کوشید تا از لوطیها جلوگیری کند بنا بنوشته ناسخ التواریخ امین الدوله به علماء پیامی فرستاد و ضمن یاد آوری حرمتی که علماء در زمان فتحعلیشاه داشتند از آن خواست که بنشانه حق شناسی از غارت بی حساب لوطبان جلوگیری کنند حاج سید محمد باقر و میر محمد مهدی امام جمعه دستور دادند تا جماعتی از لوطیان به سلطان محمد میرزا (سیف الدوله حاکم اصفهان) تحویل شوند و دست و پایشان قطع شود (ص ۱۰۸)

بعد از نقل مطالب بالا بتوجیه مطلب پرداخته و می نویسد : مرحوم سید حجه الاسلام و امین الدوله قدرت و قوای لوطبان را منحصرا تا آنجا که با مقاصد آنان مطابقت داشت میخواستند و به غارت اموال مردم و دزدی و دیگر اعمالیکه به آنها

نسبت می دهند راضی نبودند) .

حکومت و قدرت یافتن منوچهر خان معتمدالدوله گرجیر ابر اصفهان بپایمردی افسران انگلیسی می نویسد (ص ۱۰۹) و می نویسد : مقاومت حاج سید محمد باقر در برابر دستورهای قدرت دنیوی بقرار سابق ادامه یافت و از قدرت و نفوذ آن مرحوم کاسته نشد).

شرحی از پناهندگی و بست نشینی امین الدوله در منزل سید حجه الاسلام نوشته و مسافرت و یرا به اعتاب مقدسه نفل نموده و گوید که در شوال ۱۲۰۱ محمد شاه یکی از پیش خدمتهای مخصوص خود را جهت دستگیری لوطیان باصفهان فرستاد و او جمعی را گرفته عده ای را تبعید ویا زندانی کنند.

شورشی مردم اصفهان در سال ۱۲۰۳را مربوط به مرحوم سید حجه الاسلام و امام جمعه می نویسد و علت آنراجلوگیری از مداخله علماء در امور شهر می نویسد (از عدم کفایت و ظلم و بیداد حاکم ذکری نمی کند)...

علت نا امنی شهر را نفوذ علماء بخصو ص مرحوم سید حجه الاسلام می دانند و می گوید : لوطیان شبها از بست خارج شده و به دزدی و کشتار وهتک ناموس میپرداختند و هنگام صبح شمشیرهایشان را در حوض مساجد میشستند.

این نویسنده که مطالب خود را از تواریخ دو لتیان وقت گرفته نمی خواهد اقرار کند که : حاکم ظالم و ستمگر شاه غافل و نالایق وزیر مستبد و صوفی ودست بهم داده و مردم را تحت فشار قرار داده اند و فقط علمانه که ریاست آنها را مرحوم سید حجه الاسلام دارد در مقابل مظالم آنان ایستاده اند . هرچه و هر کس مخالف حکومت باشد : لوطی و شورش طلب ورجاله می نویسنده این خویشتن نگری و کوچک شمردن ملت و مردم بود که موجب این پیش آمدها میشد . علماء بزرگوار بمردم تکیه داشتند و برای آنان ارزش قائل بودند و بخاطر آنان سعی و کوشش

میکردند اما دولتیان فقط خود را می دیدند و به شخص شاه توجه داشتند و انچه نزد آنها ارزش و مقام نداشت مردم بود .

مسافرت محمدشاه به اصفهان را نوشته و گوید : شاه بالشکری کامل باصفهان آمد تا قدرت سید را در هم شکند و مجموعه اتباع و انصار او بزور متفرق شده بودند لکن او همچنان می توانست با نخوت و تحقیری شرعی بمحمد شاه بنگرد

معنی نخوت و تحقیر شرعی را نمیدانیم و مقصود نویسنده را از این جمله نمیدانیم اگر کوچک شمردن شاه و دو لتیان جنبه شرعی و دینی دارد دیگر نخوت و تکبر مفهومی ندارد). ..

دیدار مرحوم سید حجه الاسلام از محمد شاه را همانگونه که ما نیز از قمص العلماء نقل کردیم بیان می کند. (ص ۱۹۲) بعد از قول یک نفر سیاح که در سال ۱۸۶۰ میلادی (۱۲۰۹ قمری) باصفهان آمده می نویسد که : قدرت لوطیان درهم شکسته شده و محله بید آباد دیگر از خاصیت بسته بودن بر خوردار نیست . . . برای این کار در ساری

مسافرت محمد شاه را باصفهان در سال ۱۲۹۸ شرح داده که قبلا از قصص العلماء و دیگر مآخذ شرح آنرا نوشته ایم .....

توضیح و تذکر :

در پاورقی کتاب نامبرده (ص ۱۹۲) ضمن شرح مسافرت محمد شاه باصفهان در سال ۱۲۵۸ می نویسد. بنا بروایت گوبینو در این هنگام محمد شاه مجتهدی را از اصفهان تبعید کرد. از قرار معلوم منظور گوبینو حاجی سید محمد باقر است . سپس شرحی در مستبعد .بودن این قول وعدم ذکر آن در مآخذ ایرانی بیان داشته است

نویسنده گوید همچنان که قبلاً گفتیم (ص۲۷۷ جلد اول) این مجتهد بزرگوار عالم جلیل ملا محمد تقی اردکانی است .

در دنباله مطالب یاد شده نویسنده کتاب : نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت (ص ۱۹۳) می نویسد :

بدین سان روزگار حاج سید محمد باقر بسر رسید . روزگاری که آشکارا نمایشگر قدرتی بی قید و شرط در وجود یک مجتهد است . اگر در حقیقت همچنان که در پیش اشارت رفت ، در اغراض او تغییر یا گسترشی پدید آمد و دلبستگی او بقدرت شخصی برای نفس قدرت بیشتر از دلبستگی او بانجام وظیفه مذهبی شد با وجود این بدیهی است که از این جهت بهیچ وجه به آوازه نیکنامی او نقصانی راه نیافت ، حتی هنگامی که خونریزی و غارت را نادیده می انگاشت همچنان مورد احترام بود .

نویسنده گوید : اگر رفتار علماء اسلام و شیعه و مرحوم سید حجه الاسلام و دیگر مجتهدینی که همچون او رفتار می کردند ر ادلبستگی بقدرت بخوانیم پاید گفت این قدرت جهت اجرای احکام اسلام و مقررات شریعت بوده و آنان هیچگاه قدرت را بخاطر نفس قدرت نمی خواستند این حکام و سلاطین بودند که قدرت را بخاطر قدرت میخواستند و منظور آنان از قدرت یافتن تسلط بر جان و مال واعراض مردم بوده است .

اگر مرحوم سید حجه الاسلام از قدرت و نفوذ خود در مسیری غیر از اسلام و مذهب استفاده میکرد مردم آن زمان در برابر او ساکت و آرام نمی نشستند و بمخالفت او برمی خاستند. او اگر مخالف و دشمنی داشدشاه و اطرافیان او می باشند نه اجتماع مسلمین .

آقا محمد بید آبادی :

در (صفحه ۱۰۷ جلد یکم) اسامی برخی از رسائل و مؤلفات مرحوم آقا محمد بیدآبادی را ذکر نمودیم اکنون گوئیم :

ص: ۳۶۱

۱۲ – حواشی بر کتاب قره العیون در تعریف ماهیت ووجود از مؤلفات مولی مهدی نراقی شاگرد مرحوم بید آبادی مختصر و در حواشی رساله (ص ۷۰ هفدهم الذریعه)

از آثار مرحوم آقا محمد بیدآبادی یک رساله و دو نامه بطبع رسیده و نزد نویسنده موجود است

– رساله در سیر و سلوک ۲ – رساله در آداب سلوک و اوراد و اذکار

این دو رساله بخط شکسته نستعلیق مرحوم حاج میرزا هاشم فرزند علامه جلیل حاج میرزا یحیی بن حاج میرزا شفیع مستوفی در یک مجلد دره ۱ صفحه رقعی بچاپ رسیده است متصدیان چاپ برادر زادگان مرحوم حاج میرزا هاشم آقایان: حاج میرزا ابوالقاسم و حاج میرزا محمود شفیعی می باشند تاریخ کتابت نسخه دو شنبه ۳ جمادی الثانی سال ۱۳۹۱ می باشد

۳– پیام آقا محمد بید آبادی از صفحه ۲۰۰ تا صفحه ۲۱۰ کتاب تذکره المتقین چاپ نور فاطمه

آغاز : بسمله : یا اخی وحبیبی ان کنت عبد الله فارفع همتک ...

انجام: و از فساد آن بقا به بقای قیوم کل و تحقق به انیت او کرامت گردد وذلک هو الفوز الأکبر

سفر حج مرحوم سید حجه الاسلام ص ۱۲۰ یکم :

میرزا حسین فراهانی در سفرنامه خود که در سال ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ به مکه معظمه مشرف گردیده می نویسد :

از منی تا عرفات با شتر و شفاف چهار ساعت راه است . و بجهت حد عرفات این طرف و آن طرف راه دو میل سه ذرعی از گچ و آجر

ساخته اند

عجمها گفتند مرحوم حاجی سید محمد باقر اصفهانی در سفری که به بیت الله آمده عرفات را تحدید نموده و بجهت علامت حدود آن این دو میل را ساخته

است. انتهی

ثروتمند (صفحه ۱۲۹ یکم):

یکی از معروفترین ثروتمندان در اسلام خلیفه سوم یعنی عثمان بن عفان است .

وقتی که او کشته شد سه زن و بروایتی چهار زن در خانه داشت. میراث هر کدام از آنان از یک هشتم دارای او معادل ۸۳ هزار دینار گردید یعنی جمعه ۸۳ضر بدر ۴ می شود ۳۳۲ هزار که سهمیه زنان او شد و با توجه به اینکه آنان جمع ثمن (یکهشتم) از تمام ثروت او ارث برده اند (مطابق عقیده شیعه یک هشتم از شوهر ارث میبرند) بنابر این جمع مبلغ ارثیه او ۳۳۲ ضربدر ۸ میشود ۲۹۵۲ هزار دینار یعنی دو ملیون و ششصد و پنجاه و شش هزار دینار (این بوده است وضع خلیفه مسلمین علت نارضایتی عموم مسلمانها را از او و عمالش در اینگونه موارد باید تحقیق نمود) ص ه تتمه المنتهی به حاج شیخ عباس محدث قمی)

امین الدوله ص ۲۲۷ یکم :

از کتاب قصص العلماء نقل کردیم که در سالی که مرحوم سید حجه الاسلام در آن وفات یافت عبدالله خان امین الدوله مطالبه مبلغ هشت هزار تومان از مرحوم سید نمود آن مرحوم فرمودند تو این پول را جهت امور خیریه دادی و من نیز در همان راه مصرف کردم و او می گفت بعنوان امانت داده بودم سید فرمودند مانعی ندارم آنچه پرداخته ام بحساب خودم باشد و معادل بیست هزار تومان وصیت کردند که و ارث به امین الدوله بپردازند .

این پول در زمان حیات امین الدوله پرداخت نشده بود .

در فوائد البهائیه (ص ۳۸) در باره امین الدوله می نویسد : روش امین الدوله آن بود که ذمه خود را اصلا مشغول نمی گذاشتند و اول اشتغال و تکلیف کار سازی میداشتند. بلکه قبل از تکلیف بسادات و مستحقین بر حسب اجازات و فرمایش علماء و مجتهدین مبلغی خطیر قرض داده بودند که بعد از اشتغال ذمه خود بحقوق مرقومه احتساب فرمایند ولی وفات آنجناب رضوان مآب بحقوق مرصوهه اشتغال ذمه بهم نرسانید که از آن وجوه محسوب گردیده شود چنانچه در وصیت نامه موجود باین معنی خود تصریح فرموده (انتهی)

احتمالا مبلغ بیست هزار تومان ادعائی امین الدوله از همین قبیل وجوه بوده است .

پس از فوت امین الدوله ورثه أو مبلغ نامبرده را از مرحوم حاج سید اسد الله مطالبه میکردند .

در فوائد البهائیه (ص ۱۴) نامه ای را که میرزا علی محمد خان نظام الدوله ( ) فرزند امین الدوله به آنجناب مرقوم داشته است را نقل نموده طالبین مراجعه کنند.

چهارسو (چهارسوق) ص ۲۷۳ یکم :

محل تقاطع در کوچه و با دو شارع را که از چهار طرف راد گذر دارد را چهار سو گویند و محل تقاطع در بازار یا در بازار چه را که راه گذر از چهار طرف داشته باشد را چهارسوق (چهار بازار) گویند و گاهی سه راه در بازار و بازارچه را نیز تسامحا چهار سوق گفته اند .

چهارسو شیرازیها یا چهار سوق شیرازیها باین تعبیرات که ذکر شد هر دو صحیح است و از دو قسمت تشکیل یافته : چهارسو شیر از بها وچهارسو کوچک

ص: ۳۶۴

نسبت بچهارسوی اولی معمولاـ چهارسوقها دارای گنبدی آجری یا خشتی بودد است مانند چهارسو علی قلی آقا که آجری است . گنبد چهارسو شیر از یها در تعریض خیابان خشک (خیابان خوش - خیابان شاه - خیابان طالقانی) خراب شد .

در کتاب : آثار ملی اصفهان (ص ۶۰۳) می نویسد :

گنبد چهارسو شیرازیها از آثار قطب الدین علی باب الدشتی و مورخ بسال ۹۵۰ می باشد . در کتاب نامبرده اسامی ۳۱ چهارسو و یا چهار سوق را ذکر نموده طالبین مراجعه کنند .

این امر قطب الدین علی باب الدشتی بانی ساختمان مسجد قطبیه واقع در ضلع شمالی همین خیابان می باشد سال بنای مسجد ۹۰۰ هجری می باشد .

مسجد مصلی (مصلی) صفحه ۲۷۶ یکم سطر ۲۲:

صحیح آنست که گفته و نوشته شود: «مصلی» و کلمه مسجد در مسجد مصلی اضافه وزائد است اما چونکه همیشه و همه جا در بین اجتماع از فضلاء و جز آنان این چنین تلفظ شده و می نویسند ما نیز بمتابعت آنان : مسجد مصلی نوشتیم و ضمنا کلمه مسجد در این مورد : حشو ملیح است کما لا یخفی.

تألیفات مرحوم حاج محمد جعفر آبادهای ص ۲۹۲ یکم :

در کتاب حاضر اسامی ۱۰ کتاب و رساله از تألیفات مرحوم آباده ای را با ذکر مأخذ بیان داشتیم اکنون گوئیم :۱۹- تحفه المیتین در احکام مردگان فارسی نسخه ای از آن بشماره (۱۲۹۹) در کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی در قم موجود

آغاز : بعد حمد مخرج الحی من المیت ومخرج المیت من الحی ... این کلمات متعلقه به بعضی احکام میت را بعد از التماس بعضی از مومنین ... نسخه ناقص: انجام : در افضلیت ترک رفع یدین در غیر تکبیره اولی اجماعی

است چنانچه استحباب رفع

بیدگل

ص ۲۹۹ شانزدهم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی بیدگل و بیگدل ص ۳۰۷ یکم :

در تعلیقات کتاب تاریخ کاشان تألیف عبدالرحیم کلانتر ضرابی نقل از کتاب چراغان تألیف محمد رضا وصاف بیدگلی می نویسد :

بیدگل قربه ایست از قراء قشلاقیه بلده کاشان وواقع در یک فرسخی آن...

بنیاد آبادانی او را بی بی گل نامی از دختران او کتاقا آن بسن چنگیز خان نهاده ...

مقبره حاج سلیمان (صباحی) بیدگلی در محله درب ریگ از محلات دوازده گانه واقع گردیده است (ص ۴۹۴ تاریخ کاشان)

واما بیگدل که مرحوم حاج اطفعلی خان (۱۱۳۶ - ۱۱۹۰) مؤلف تذکره آتشکده منسوب بدانست د

اران برداری ساری مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۴۰ یکم) می نویسد :

بیگدل نام طایفه ای است از اترا از نژاد بیگدل خان بسن ایلد گزها فی آغور خان که در زمان هلاکو با مروی از ترکستان بشام آمده و بعد از آن در زمان امیر تیمور هم بفرمان وی از آنجا به ایران آمده اند باید توجه داشت که این دو کلمه که اولی نام قریه ودومین نام قبیله ای است اشتباه نشود.

شاگردان سید

شاگردان و مجازین از سید حجه الاسلام صفحه ۳۹۰ یکم :

در کتاب اسامی ۱۶۸ نفر از شاگردان و مجازین از مرحوم سید حجه الاسلام را با ذکر مأخذ بترتیب حروف ذکر کردیم این گوئیم :

۱۴۹ - محمد کاظم بن آقا احمد در تاریخ پنج شنبه سلخ رجب سال ۱۲۶۱

در اصفهان از کتابت نسخه ای از کتاب تحفه الأبرار بخط نستعليق فراغت یافته

نسخه بشماره (۹۲۳۸) در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجود است.

ص ۲۲۹ شانزدهم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی ان قوی وی نیز از محضر مرحوم سید حجه الاسلام بهره علمی یافته است العلم عند الله تبارك وتعالی .

تین نکاتی برای بازسازی

ص: ۳۶۷

استدراک ج ۲ تحفه الأبرار ص ۳۹ جلد دوم :

کتاب تحفه الأبرار اخیرا بهمت حجه الاسلام زاده محترم و فاضل گرامی آقای حاج آقا مهدی شفتی در دو جلد بچاپ رسیده است

کتاب نامبرده با تحقیقات و اشاره به مآخذ و مصادر احادیث منقوله در کتاب زیر نظر دانشمند بزرگوار حجه الاسلام آقای آقا سید مهدی رجائی نجل جلیل عالم جلیل حجه الاسلام آقای حاج آقا محمد رجائی فرزند گرامی حضرت آیت الله آقای حاج آقا باقر رجائی موسوی اصفهانی ایدهم الله تبارك و تعالی در قم بچاپ رسیده است .

در مقدمه جلد دوم رساله مختصری در شرح حال خاندان جلیل آل رسول اصفهانی (شهید اصفهانی) بقلم نویسنده اضافه شده است که اداءحقی از مرحوم حجه الاسلام آقای حاج آقا رضا آل رسول شمس آبادی بانی طبع کتاب شده باشد.

رجال سید حجه الاسلام (صفحه ۷۳ – دوم):

علم رجال یعنی علم شناسائی احوال رواه احادیث . این علم یکی از امهات

علوم و از پـایه های اساسـی اجتهاد است که بـدون دارا بودن این علم مجتهـد نمیتوانـد درباره مسائل فقهی و عقیـدتی اظهار نظر نموده و فتوی دهد .

در موضوع علم رجال و اهمیت آن و همچنین در ایه الحـدیث از طرف علماء بزرگوار از قدماء ومتأخرین وعلماء عصـر حاضـر کتابهای زیادی تألیف شده و هچنین درباه شـرح حال علماء وحکماء وادباء و فلاسفه وشعراء ومؤلفین و مصنفین و ذکر تألیفات و آثار آنان نیز کتابهای زیادی تألیف شده است. در بسیاری از این کتابها رجال بمعنی الأخص (یعنی رواق شیعه - علماء شیعه) مورد نظر بوده و نامی از سنیان برده نشده و اگر ذکری از مخالفین شده بطور ندرت می باشد مانند : رجال طوسی- رجال کشی - رجال نجاشی - فهرست طوسی- معالم العلماء و بالاخره مجمع الرجال قهپائی و دهها کتاب دیگر .

در قرن ۱۱ هجری عالم محقق جلیل مرحوم میرزا عبد الله افندی اصـفهانی کتاب: ریاض العلماء رادرده مجلد تألیف نمود در دو قسمت مجزا از یکـدیگر پنـج جلـد مر بوط بعلمای بزرگوارشـیعه و پنج جلد دیگر راجع به دانشـمندان سـنی و ظاهر آ این اولین کتابی است از شـیعیان که نام صـدها نفر عالم سـنی را ذکر نموده است در قرن ۱۳ مرحوم سـید حجه الاسـلام شـرح حال عده ای از رواه احادیث را جدا از هم بطور تفصیل مرقوم فرمود که ذکرش در کتاب حاضر شده است (قبلا نیز عدهای از علماء در این باره کتابها نوشته بودند) در اواخر همین قرن علامه جلیل عالم عامل زاهد متقی محقق متتبع مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی کتاب روضات الجنات برادره مجلد در شـرح حال صدها نفر شـیعه و سنی جـدا از هم مرقوم فرموده کتـاب روضـات الجنات از اصول کتب رجالیه بوده و از زمان تألیف تاکنون یکی از مراجع معتبر در شـرح حال علماء شـیعه و سـنی میباشد و تا کنون چندین بار بچاپ رسـیده است، در باره شرح حال علماء بزرگوار در قرن ۱۳ و ۱۶ کتابهای زیادی تألیف شده

هر یک بگونه ای مورد نظر قرار گرفته است .

ص: ۳۶۹

کتابهای : رجال ممقانی – قاموس الرجال – معجم رجال الحدیث – اعیان الشیعه – طبقات اعلام الشیعه – الذریعه الی تصانیف الشیعه – فوائد الرضویه و دهها کتاب دیگر همگان در شرح حال علمای بزرگوار شیعه

کتاب: الکنی والألقاب – ریحانه الادب – مکارم الاثار و چندین کتاب دیگر در شرح حال علمای شیعه و سنی و غیره

واما کتاب روضات الجنات را گفتیم که چاپهای متعددی از آن شده چاپ دوم زیر نظر علامه محقق متتبع جناب حاج سید محمدعلی روضاتی انجام گرفته و از هر جهت بر چاپ اول امتیاز دارد .

حضرت آقای روضاتی یعنی حجه الاسلام و المسلمین عالم جلیل دانشمند بزرگوار محقق متتبع صدیقنا المعظم جناب آقای حاج سید محمد علی سلمه الله تعالی اقدام بطبع روضات با تحقیقات و تنبعات و حواشی بسیار سودمند فرمودند وجلد اول نیز بطبع رسید لکن متأسفانه بقیه مجلدات آن بچاپ نرسید امید از لطف حضرت حق جل وعلا آنکه وسائل چاپ و انتشار بقیه مجلدات این اثر نفیس را فراهم فرموده و چشم عموم دوستداران کتاب و تحقیق علمی را بدیدار آن روشن فرماید بمنه وکرمه .

مطالع الأنوار – مجلد دوم (ص ۷۹ جلد دوم):

مرحوم سیدحجه الاسلام در مقدمه جلد دوم بعنوان براءت و استهلال نام ۱۱ کتب از کتب فقهی مشهور را باین شرح ذکر نموده است:
استبصار – ارشاد – تذکره – تهذیب س ذکری – شرایع – قواعد – لمعه – مدارک – مسالك مطالع الأنوار .

و در مقدمه مجلد چهارم نیز بهمین مناسبت نام سیزده کتاب باین شرح راذکر فرموده است :

ص: ۳۷۰

ارشاد – استبصار تذکره – تهذیب – سرائر شرایع – قواعد – مدارک – مسالک – مطالع الانوار – معالم – مفاتیح – منتهی .

بقیه تألیفات : ص ۸۲ دوم:

در کتاب اسامی ۲۰ عدد کتاب و رساله از تألیفات مرحوم سید حجه الاسلام را نام بردیم وشرح لازم درباره هر کدام داده شد اینک گوئیم :

۹۱ – حواشی بر کتاب : الفهرست تألیف شیخ طوسی غیر مدون و مختصر در حاشیه نسخه ای از کتاب الفهرست ضمن مجموعه شماره (۲۰۰۸) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم (ص ۹۰ شانزدهم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی) .

نقل داستانی از قول سید حجه الاسلام شفتی :

دنباله صفحه ۸۲ دوم :۱– در کتاب: علمای بزرگ شیعه (ص ۱۰۶ کتاب بنام از کلینی تا خمینی نوشته شده است) می نویسد :

حجه الاسلام شفتی اصفهانی گوید : مرحوم ملا خلیل استعمال دخانیات را حرام میدانست و رسانه ای در این خصوص تصنیف نمود و نسخه ای از آنراحضور علامه مجلسی (علیه الرحمه) فرستاد . علامه پس از مطالعه دلائل او را کافی ندانست آنرا (دستمالی را که مرحوم ملا خلیل قزوینی کتا برا در آن قرار داده بود) پر از تنباکو کرد بحضور ملا (خلیل) عودت داد . (انتهی)

بقیه تالیفات

مؤلف کتاب نمی نویسد که مرحوم حجه الاسلام این داستان را در کدام یک از مؤلفائش ذکر فرموده است .

نقل داستان

۲ – شرفیابی خدمت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف :

مرحوم حاج شیخ علی اکبر نهاوندی در کتاب: المسک الأذفر (عبقری الحسان) داستانی از شرفیابی مرحوم سید حجه الاسلام نقل می کند که چون در موقع پاکنویس کتاب حاضر دسترسی به کتاب : المسک الأذفر نداشتم به همین اشاره

اکتفاء شد (ص ۱۲۷).

محمد باقر شیرازی خطاط ص ۱۰۲ دوم :

اسامی چهار نفر خطاط بنام محمد باقر که آثار آنها از سال ۱۳۱۰ تا ۱۲۰۹ بخط نسخ و نستعلیق آثاری دارند را از کتاب : خط و خطان مرحوم ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی نقالی کردیم و گفتیم هیچکدام اینان شیرازی نیستند اینک جهت تکمیل مطلب گوئیم :

مرحوم رفیعی مهر آبادی علیه الرحمه در پاورقی کتاب : آثار ملی اصفهان (ص ۱۳۱) ذکری از محمد باقر شریف شیرازی نموده و آثار او را از سال ۱۲۰۱ تا سال ۱۳۱۲ ذکر می کند (که یقینا سالهای آخر از روی کتیبه های قبل گرده برداری شده و او تا این تاریخ زنده نبوده است)

مرحوم دکتر بیانی در کتاب : احوال و آثار خوشنویسان (ص ۱۹۰۱) از خطاطی بنام: محمد باقر شیرازی نام میبرد و قرآنی بخط نسخ و آخر آن رقاع مورخ سال ۱۲۶۸ یاد می کند که احتمالا همین محمد باقر شیرازی صاحب عنوان است .

آن مرحوم در کتاب خود جمعه از ۳۰ نفر بنام محمد باقریاد می کند و هیچکدام را بعنوان شریف آتشی شیرازی ذکر نمی کند . و آقا محمد باقر سموری مرحوم دکتر بیانی در کتاب خود در دو جا نام او را ذکر نموده است :

۱- محمد باقر سموری (ص ۹۵۰) ۲ - محمد نور اسکانی (ص ۱۱۰۱)

تاریخ وفاتش را از قول سپهر در سال ۱۲۳۳ می نویسد و خود گوید که یقینا اشتباه است زیرا یک نسخه از: کتاب کلمات قصار حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بخط او در کتابخانه سلطنتی طهران مورخ به ربیع الاول سال ۱۲۹۷

موجود است .

فرزندان مرحوم حاج محمد باقر ثانی بیدآبادی

صفحه ۱۷۷ دوم؛نوشتیم که آن مرحوم دارای چهار فرزند پسر و یک دختر داشته اینک توضیحاً گوئیم :

مرحوم حاج سید محمد باقر دارای هفت فرزند پسر و دو دختر از زنهای خود داشته است باین شرح داشته است

۱- مرحوم حاج سید محمد جعفر علم الهدی فاضل بزرگوار ۲ - مرحوم حجه الاسلام والمسلمین حاج سید محمد رضا شفتی علیه الرحمه

۳- مرحوم آقا سید عبدالکریم ساکن تهران و مدفون در گورستان بهشت زهراء

۴ - مرحوم آقا سید محمد علی ساکن اصفهان مدفون در تکیه مرحوم بروجردی (در بکوشکی)

- مرحوم سید احمد ایت کاری برای سری : مرحوم سید عبدالرضا ۷- مرحوم سید هادی

سه نفر اخیر بدون اولاد وفات یافته اند و فرزندان سه پسر دیگر در طهران ساکن وبخدمات دولتی اشتغال دارند و برخی از آنان از مصادر امور و در مقامات حساس کشور قرار دارند و فرزندان مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی را نیز بیان داشته ایم

و اما دختران : ۱ دختری که شوهر نکرده و وفات یافته است .

۲- علویه حاجیه زهرا خانم زوجه مرحوم حاج آقا جلال الدین کلیشادی فرزند آقای سید محمد رضا حسینی رحمه الله علیهما .

ص: ۳۷۳

اولاد مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی

صفحه ۱۹۰ دوم :

گفتم که مرحوم شفتی از سه زوجه خود سه فرزند پسر و چندین دختر یافت و اسامی پسران را نوشتیم اکنون گوئیم که :

یکی از دامادهای آن مرحوم حاج سید آقا رضا ابو البرکات دیباجی سدهی فرزند حجه الاسلام آقا سید محمد علیه الرحمه بود که تحصیلات علوم جدید و قدیم را هر دو آموخته و علاوه بر مسجد و محراب و منبر در دبیرستانها بشغل دبیری و بعنوان استاد دانشگاه در اهواز و اصفهان انجام وظیفه مینمود . عالمی خلیق و فاضلی مهربان و در مسجد و دبیرستان و دانشگاه متعهد و معتقد به شغل خود و کوشا در انجام وظائف دینی و اجتماعی بودخدایش رحمت کند (رجب ۱۳۰۰۱۴۰۱ ذی الحجه الحرام) پس از فوت در سده (خمینی شهر) مدفون گردید. ویرا تألیفاتی است که هیچکدام بچاپ نرسیده است .

داماد دیگر ایشان فاضل مکرم و واعظ محترم جناب آقای حاج سید محسن افضل نژاد هرندی فرزند مرحوم حجه الاسلام آقای حاج سید محمد جواد افضل نژاد هرندی رحمه الله علیه میباشند، عکس ص ۱۹۲ دوم متعلق است به مرحوم حاج سید محمد منجم باشی پدر یکی از ازواج مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی مادر مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی رحمه الله علیه .

سید محمد جواد شفتی

صفحه ۱۹۳ دوم :

حجه الاسلام سید محمد جواد شفتی فرزند ارشد و اکبر مرحوم حجه الاسلام سید محمد رضا شفتی در سال ۱۱ / ۹ / ۱۳۰۸ متولد و در ضمن تحصیلات جدید تا دانشگاه به حوزه وارد و بعد از فراغت از سطوح در اصفهان به نجف اشرف مشرف وحدود یازده سال اشتغال بتحصیل داشتند .

ص: ۳۷۴

تصویر



حجة الاسلام سید محمد جواد شفتی

باب کوشك صفحه ۲۱۱ دوم سطر ۱۳ :

در آنجا نوشتیم که باب کوشك را باب القصر گویند وسپس اظهار داشتیم که محله دربکوشك ازمحلات تابع بیدآباد همان بابِ کوشك است اینك جهت توضیح ورفع اشتباه واصلاح مطلب گوئیم :

- ۳۷۵ -

شماره ۱

حجه الاسلام سید محمد جواد شفتی باب کوشک

صفحه ۲۱۱ دوم سطر ۱۳:

در آنجا نوشتیم که باب کوشک را باب القصر گویند و سپس اظهار داشتیم که محله در بکوشک از محلات تابع بید آباد همان باب کوشک است اینک جهت توضیح ورفع اشتباه و اصلاح مطلب گوئیم :

ص: ۳۷۵

محله در بکوشک و محله باب کوشک دو محله می باشد اولی از توابع محله بید آباد و دومی جزو بیهودیه بوده است .

حافظ ابو نعیم اصفهانی در کتاب : ذکر اخبار اصفهان (صفحه ۲۱۲ دوم) در ضمن شرح حال محمد بن حسن بن سعید اصفهانی گوید :

در یهودیه در محله با بکوشک حدیث می گفته .

واز معروفین این محله است : أحمد بن ابراهیم با بکوشکی متوفی بسال ۲۷۸ ه. ق (صفحه ۹۸ یکم ذکر اخبار اصفهان).

مدارس دینی در محنه بید آباد

ص ۲۱۹ دوم :

گفتیم که در این محله چندین مدرسه جهت تحصیل علوم دینی از طرف بزرگان بنا گردیده است از آنجمله است :

۲ – مدرسه میرزا مهدی ...

مرحوم میرزا مهدی اشتهاردی از منشیان او اخر صفویه ودوره نادر شاه در محله بید آباد ساکن بوده و از آثار او: ۱- آسیای اشتهاردیها ۲- کوچه میرزاها وخاندان معروف میرزاهای چهارسوق علی قلی آقا که نام خانوادگی آنان: تابش می باشد و عموم آنان افرادی تحصیل کرده و متدین و خدمتگزار بدین وجامعه می باشند .

مدرسه میرزا مهدی در سال ۱۹۰۸ بوسیله شهرداری بعنوان ساختن پارکینگ و پناهگاه و تعریض خیابان خراب شد و اکنون نام او و اثر او از بین رفته و فقط اطاقهای شرقی آن باقیست .

این مدرسه علاوه بر حجرات و سکونت طلاب در آن جنبه مسجدی نیز داشت و در این اواخر جنبه مسجد بودن آن بر مدرسه بودن غلبه داشت.

تولیت مدرسه از طرف واقف مربوط به آقایان میر محمد صادقی اعقاب

ص: ۳۷۶

مرحوم میر محمد اسماعیل مدرس میر محمد صادقی بوده و ائمه جماعت آنجا در زمان نویسنده عبارت بودند از :

۱ – عالم جلیل فقیه کامل عابد زاهد مرحوم آقا شیخ احمد بید آبادی معروف به حسین آبادی

۲– عالم جلیل مرحوم حاج ملا اسد الله فاضل بید آبادی ۳– عالم جلیل مرحوم حاج آقا محمد مقدم بید آبادی ۴ – عالم جلیل مرحوم آقا حبیب مقدس بید آبادی ه – حجه الاسلام آقای حاج سید عباس فقیه احمد آبادی سلمه الله . . قدمگاه ص ۲۱۸ دوم:|

از این نوع قدمگاهها که برخی آنرا جای پای بزرگان و ائمه دین علیهم السلام میدانند و عده ای معتقدند که کسی یکی از آنان در این جایگاه بخواب دیده و بعدا این جا را برای تذکار خواب خود ساخته و پرداخته در بعضی دیگر از شهرهای ایران نیز آثاری نمودار است از آنجمله در شهر کاشان :

– قدمگاه حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در شهر کاشان نزدیک

دروازه عطا

۲– قدمگاه صالح آباد خارج از دروازه حاجی جمال معروف به قدمگاه

۲ – قدمگاه علی در قریه کله ، جای پنجه های حضرت

– قدمگاه در کوه قریه کله

در هر چهار موضع قدمگاهها دارای صحن و بقعه بوده و مردم بزیارت آنجا میرفته اند

ص ۴۴۲ تاریخ کاشان تألیف سهیل کاشانی

ص: ۳۷۷

آنچه مسلم است اینکه عموم این قدمگاهها برای توجه مردم مسلمان و شیعه به موالیان عظام و ائمه طاهرین بوده و انتساب آنها بحضرات معصومین بدون دلیل و خالی از اعتبار است و ممکن است که جهت یاد آوری رؤیای مؤمنی از یکی از بزرگان دین باشد.

خراب کردن افاغنه محله بیدآباد

را (ص ۲۲۸ دوم): آنچه معروفست و در افواه مردم مذکور آنکه :

مردم اصفهان در برابر حمله و هجوم وحشیانه عده از افاغنه بریاست محمود از خود حرکتی نشان ندادند و همگان چشم بسته تسلیم حوادث گردیدند اما با مراجعه به تواریخ و نوشته های مورخین و مطلعین از ایرانیان و غربیان که در آن دوره بحرانی و یا پس از آن رویداد تاریخی که حق آنرا باید : فاجعه تاریخی نامید نوشته اند معلوم میشود که مردم این شهر محله به محله و مردم دهات و روستاها قریه بقریه مقاومت نموده اند و در حد توان خود مقاومت نموده اند و جهت حفظ شهر و دیار خود وجان و مال و ناموس و شرافت خود کو ششها نموده اند لکن بعلل و موجباتی که مهمتر از همه آنها نداشتن فرماندهان کاردان و دلسوز وشاید خیانت برخی دیگر از سران مملکت نتوانسته اند کاری از پیش ببرند .

ذیلا توجه خوانندگان را بمطلب زیر معطوف میدارد :

دکتر و پلم فلور در کتاب : بر افتادن صفویان و بر آمدن محمود افغان که بوسیله دوست دانشمند و مترجم بزرگوار فاضل ادیب شاعر جناب آقای دکتر سید ابوالقاسم سری فرزند برومند شاعر فرزانه و ادیب گرانمایه مرحوم آقا سید ابراهیم بن ابو القاسم موسوی پودهای متخلص به : سری که خود از طرف مادر بخاندان جلیل سید حجه الاسلام نسب میرساند ترجمه گردیده است بخلاصه می نویسد :

چهارم آوریل ۱۷۲۱ – بامداد پگاه در دمیدن آفتاب آگاه شدیم که افغانان

با سیصد مرد به محله بیدآباد در شمال شهر تاخته بیشتر خانهها را ویران ساخته اند و از آنجا کوشیده اند به عباس آباد که در باختر آنست بتازند اما بیاری خدا و مردانگی خواجه احمد آغا که به شتاب جلو آنها را گرفته پس رانده شده و دو از ده کشته داده اند و از ایرانیان ۲۶ تن کشته شده است (ص ۱۳۹ بر افتادن صفویان بر آمدن محمود افغان)

چهارم اوت ۱۷۲۱ – افغانان سخت به محله بیدآباد تاختند اما به علت وجود توپخانه هیچ نتیجه ای نتوانستند بگیرند (ص ۱۹۹ بر افتادن صفویان ،...

سید حسن شفتی

(صفحه ۲۳ دوم):

علامه طهرانی رحمه الله علیه ویرا در کتاب : طبقات اعلام الشیعه : أحیاء الدائر فی القرن العاشر (ص ۵۴) عنوان نموده و گوید :

از شاگردان شهید ثانی و از علماء قرن دهم هجری است . ساختمان روی حوض مسجد جامع –

کلاه فرنگی

صفحه ۳۰۸ دوم :

گفتیم که در روی حوض مسجد جامع که در وسط صحن قرار دارد (مسجد جامع یک حوض آب دیگر نیز جلوی ایوان شمالی دارد) بر دو جرز آجری آن دو لوحه سنگی از سنگ مرمر هر یک بطول ۵۷ و عرض ۵۰ سانتیمتر نصب گردیده ومضمون یکی از اندو آنکه در زمان سلطان محمد خدابنده در سال ۹۸۰ ساخته شده و بر دیگری چهار سطر شعر است شعر بر این اینکه یوسف آقا در زمان غیاث الدین میر میران تالار روی حوض را در سال ۹۸۰ هجری بنا کرده است. نویسنده کتیبهها صحیفی خطاط است .

مرحوم دکتر مهدی بیانی در کتاب : احوال و آثار خوشنویسان (ص ۳۲۷ یکم) نام او را ذکر کرده و ماده تاریخ وفاتش را از حکیم شفائی نقل نموده که سال ۱۰۲۲ میشود (رفت ملا صحیفی از دنیا) و از قول تذکره میخانه گوید که

وی اصلا شیرازی است .

در کتاب رجال اصفهان (ص) قبر او را در جنب قبر امامزاده سه تن مجاور مسجد آقانور در محله در دشت می نویسد .

ظاهرا علت بنای آن جهت أعیاد فطر واضحی و روزهای جمعه در نماز جمعه بوده که مؤذن در آنجا تکبیرات نماز را بصدای بلند می گفته که تمام جمعیت حاضر در مسجد بشنوند (مؤذن اولی در زیر گنبد محل اقامه جماعت و محراب امام جماعت بوده و در اینجا تکبیرات را تکرار میکرده اند . این نظریه ای است که فعلا میتوان جهت ساختمان آن بیان کرد تا بعدا تحقیق بیشتری بشود.

اصلاح صفحه بندی

صفحات ۳۲۹ و ۳۲۷ و ۳۲۸ دوم :

متأسفانه در صفحه بندی صفحات یاد شده از طرف ... اشتباهی شده که اینک اصلاح می شود :) |

صفحه ۳۲۷ سطر سوم : هی : تکمیل بنای مسجد سید

صفحه ۳۲۸ سطر دوم : مطلع قصیده از صفحه ۳۲۱ تا دو سطر از صفحه

بنابراین ترتیب مطالب صفحات نام برده باین طریق است : تکمیل بنای مسجد سید صفحه ۳۲۷ وسطر اول صفحه ۳۲۸ مطلع قصیده صفحه ۳۲۹ تا دو سطر از صفحه ۳۲۷ کتیبه های داخلی صفحه ۳۲۸ سطر دوم تا آخر صفحه علیهذا مطالب دو صفحه اول (۳۲۹ و ۳۲۷) باید جابجا شود .

حاج سید اسد الله بید آبادی و خط

صفحه ۳۶۰ دوم :

مرحوم دکتر مهدی بیانی در کتاب : احوال و آثار خوشنویسان (ص ۹۹ یکم) می نویسد :

قطعه ای بخط نستعلیق چهار دانک خوش دارم که سید علی اکبر گلستانه در پشت آن نوشته است :

خط مرحوم خلد آشتیان حجه الاسلام سید اسدالله خلف مرحوم حجه الاسلام حاجی سید محمد باقر رشتی که در اصفهان ساکن بوده و مرحوم شده و کتیبه دور مقبره مرحوم حجه الاسلام هم تماما خط آن مرحوم است که در محله بید آباد اصفهان است (انتهی)

سید علی اکبر گلستانه فرزند حاج میرزا محمدابراهیم گلستانه ملقب به احتشام السادات (۱۲۷۶ - ۱۳۱۹) از خطاطان معروف ودر نستعلیق و شکسته استاد مسلم زمان بوده است. وی در اصفهان متولد و پس از تکمیل مراتب علمی و خط مسافرت‌هائی به شهرهای مختلف نموده و سپس در تهران ساکن شده و پس از وفات که در جوانی رویداد جنازه او بقم منتقل و در آن ارض مقدس مدفون گردید (ص ۶۳۷ - احوال و آثار خوشنویسان). ل

انتقاد صحیح

غیر از عیب جوئی است : رسانی | از امثال سائره است که : من صنف قد استهدف و گفته اند که :

وما احد یکون له مقال فیسلم من ملام او ملوم آنچه مسلم است انکه یکی از راههای اصلاح فرد و جامعه انتقاد است بشرط آنکه آلوده به اغراض و نظرات شخصی نباشد.

پس از چاپ و انتشار بعضی از آثار نویسنده یکی از آشنایان کتاب را ورق زده و بدون آنکه حتی یک سطر آنرا بخواند یکی از عکسهای کتاب رادیده و تبسمی زهرآگین بر لبهایش ظاهر شد و شروع به عیبجوئی از آن شخص در کتاب نموده و گفت : موضوع کتاب روشن شد . ظاهرا او مایل بود که از کسانیکه وی با آنها نظر خصوصی دارد نامی برده نشود .

در چند سال قبل دیگری کتاب: گنجینه دانشمندان را ورق میزد و نمیخواند بنام یکی از اهل منبر طهران بر خورد کرد و فورا کتاب را بر زمین نهاده و گفت اینهم که شرح حال روضه خوانهاست . او ظاهرا اهل منبر را قابل ذکر نمیدانست غافل از آنکه خدمتی که این طبقه از روحانیون به اسلام و شیعه نموده اند و مینمایند از حد وصف افزون است و شاید او خیال میکرد که منبریان عموماً فضل ودانشی ندارند و نمیدانست که در بین سلسله اهل منبر کسانی همچون شیخ جعفر شوشتری - آیت الله حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی - حاج میرزا علی هسته ای - مرحوم حاج شیخ مرتضی مطهری و مرحوم حاج شیخ حسینعلی راشد و دهها بلکه صدها دانشمند و فقیه و حکیم دیگر بوده و میباشند .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شارع وواضع احکام حلال وحرام و ائمه طاهرین علیهم السلام مبین آنها و در زمان غیبت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مجتهدین بزرگوار وظیفه حفظ و نگاهدای و بیان احکام و استنباط آن از مصادر بوده و همین اهل منبر بوددو میباشند که وسیله ابلاغ احکام خداوند تبارک و تعالی به مردم را داشته و دارند و الحق و الانصاف بوظیفه خود بهترین وجه عمل نموده اند و باید گفت وجود مذهب شیعه و رواج آن فقط و فقط بوسیله همین افراد یعنی بقول آن گوینده بی اطلاع روضه خوانها میباشند. اگر اینان نبودند نام شیعه و نام مبارک حضرت سید الشهداء علیه السلام و داستان جانسوز کربلا فراموش میشد. این روضه خوانها بودند که در طول تاریخ این مشعل فروزان هدایت را روشن نگاه داشتند .

و در اینجا متذکر میشوم که هیچ نویسنده ای تا کنون مدعی نشده است که آنچه را که نوشته ام خالی از عیب و نقص می باشد البته اهل مطالعه و تحقیق وظیفه دارند که اشتباهات و نقایص را تذکر دهند تا مؤلفین کتب در اصلاح آن بکوشند

ص: ۳۸۲

اما نباید که این تذکرات جنبه شخصی و فردی داشته و بعنوان عیب یاد آوری شود

در هر حال نویسنده در کلیه موارد آماده شنیدن نواقص و اشتباهات مؤلفات خود بوده و در صدد اصلاح آنها در موقع مقتضی با تذکر به نام بزرگانیکه مرا به اشتباهم واقف فرموده اند بر خواهد آمد و در اینجا از لطف آنان نسبت بخود تشکر و سپاسگزاری می کنم .

فهرست مطالب

فهرست مصادر

در کتـاب حاضـر علاـوه بر اطلاعـات شخصـی و آنچه از افراد مورد اعتمـاد ووثوق شـنیده ام و نقـل شـده از کتابها – مجله ها – رسائل زیر نیز استفاده شده است:

* . قرآن مجید : کلام الله المجید ۱، آتشکده اردستان : ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی ۲. آثار عجم : فرصت الدوله شیرازی ۳. آثار ملی اصفهان : ابوالقاسم رفیعی

۴، آداب الجمعات : سـید محمـد تقی فقیه احمد آبادی ۵، آشـنائی با چند نسخه خطی ۶، آگهی شـهان از کـار جهان : حاج میرزا حسن خان انصاری

۷،احسن الودیعه : سید محمد مهدی موسوی ۸، احوال و آثار خوشنویسان ، دکتر مهدی بیانی ۹، احیاء الدائر فی القرن العاشر : شیخ آغا بزرگ طهرانی

ص: ۴۰۲

۱۰. از کلینی تـا خمینی : سـید محمـد گلپایگانی ۱۱. اسـلام در ۱۴ قرن : سـید محمـود خیری ۱۲. اسـناد المصـفی : حاج شیخ آغا بزرگ ۱۳ . الأصـفهان : حاج میر سید علی جناب ۱۴. اصـلاح الوجوه والنظائر : دامغانی ۱۵. اصول کافی : محمـد بن یعقوب کلینی ۱۶، اعلاط در انساب : سیـد عبد الحجت بلاغی ۱۷ ، اعیـان الشیعه : سـید محسن امین عاملی ۱۸. امالی : شـیخ صدوق ۱۹ - امیر شـو کت الملـک علم : محمـد علی منصف ۲۰. انجـم فروزان : حـاج میرزا عبـاس فیض ۲۱. ایران و مسـئله ایران : لرد گرزنـا ۲۲. بحـار الانوار : علامه مجلسـی سادگی ۲۳. بدایع الانساب : میرزا مهـدیخان بـدایع نگار ۲۴ ، البـدر التمـام : حاج میرزا ابو الهـدی کلباسـی ۲۵، بزرگان رامسـر : شـیخ محمد سمامی ۲۶. بستان السـیاحه : حاج میرزا زین العابدین شیروانی ۲۷. بلوای اصـفهان : حاج شـیخ محمد باقر الفت (نسخه خطی) ۲۸ . بهارسـتان : حاج شیخ محمد حسین آیتی ۲۹. پیشگوئی پیشریان : بحاج احمد آقا سیاح ۳۰. تاریخ ابنیه تاریخی اصفهان ۳۱. تاریخ ادبیات ایران : ادوارد برون

ص: ۴۰۳

۳۲ . تاریخ اصفهان : جابری انصاری ۳۳ . تاریخ اصفهان وری : جابری انصاری ۳۴ به تاریخ بیهق ۳۵ . تاریخ تذکره های فارسی ۳۶ . تاریخ جرائد ومجلات : سید محمد صدر هاشمی ۳۷. تاریخ زنجان : حاج سید محمد ابراهیم زنجانی ۳۸ . تاریخ شعراء و علماء گیلان : شیخ حسن شمس گیلانی ۳۹. تاریخ عضدی .۴۰ . تاریخ علمای خراسانی: میرزا عبدالرحمن مدرس (تعلیقات وحواشی حاج شیخ محمد باقر ساعدی) ۴۱ . تاریخ قم : ناصر الشریعه ۴۲ . تاریخ الکوفه ؛ سید حسون براقی ۴۳ . تاریخ نائین : سید عبد الحجت بلاغی ۴۴، تاریخ و جغرافیای چهار محال : سید کریم نیک زاد حسینی ۴۵ . تبصره المعاریف : سید عزیز الله امامت ۴۶. تحفه الأحباب : آقا طه بهشتی ۴۷ . تذکره اختر ۴۸. تذکره الأطباب : محمد حسن رجائی زفره ای ۴۹ ، تذکره الانساب : میرزا حیدر علی مجلسی ۵۰. تذکره خوشنویسان معاصر ؛ علی راه جیری .. ۵۱ . تذکره العارفین ۵۲ . تذکره القبور : ملا عبدالکریم گزی

ص: ۴۰۴

۵۳ . تذکره الملوک ۵۴ . تذکره نصر آبادی : میرزا طاهر نصر آبادی ۵۵، تراجم الرجال : سید احمد حسینی ۵۶. ترجمه روضات الجنات : شیخ محمد باقر ساعدی

۵۷، ترجمه بها سن اصفهان ۵۸ . تفسیر ابوالفتح : ابوالفتح رازی ۵۹ ، تفسیر جامع : حاج سید ابراهیم بروجردی ۶۰، تفسیر شریف : محمد بن شیخ علی لاهیجی ۶۱. تفسیر قمی : علی بن ابراهیم ۶۲. تفسیر منهج الصادقین : ملا فتح الله کاشانی ۶۳ ، تفسیر المیزان : علامه طباطبائی ۶۴. تقویم تطبیقی ۱۵۰۰ سالها ۶۵، تکمله امل الأمل : سید حسن صدر کاظمینی ۶۶. تکمله نجوم السماء : میرزا محمد مهدی لکهنوی ۶۷. الثقات العیون : حاج شیخ آغا بزرگ طهرانی ۶۸. جغرافیای اصفهان : دکتر سیروس شفقی ۶۹، جغرافیا و تاریخ چهار محال : کریم نیک زاد حسینی ۷۰ حقایق اسرار ناصری ۷۱. خط و خطاطان : ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی ۷۲. خلد برین : حاج شیخ احمد بیان ۷۳. دار السلام : شیخ محمود عراقی ۷۴. داستانهائی از ۵۰ سال : سید معز الدین مهدوی .

۷۵. دانشمندان و بزرگان اصفهان : سید مصلح الدین مهدوی ۷۶. دائره المعارف دانش بشر ۷۶. الدر المنثور : شیخ علی سبط شهید ۷۷. دیوان هما : رضا قلیخان همای شیرزای ۷۸. الذریعه : حاج شیخ آغا بزرگ طهرانی ۷۹. ذکر اخبار اصفهان : حافظ ابو نعیم اصفهانی ۸۰. رجال اصفهان : سید مصلح الدین مهدوی ۸۱ رجال سید : سید محمد باقر حجه الاسلام ۸۲ رجال نجاشی ، ابو العباس احمد بن علی ۸۳ رستم التواریخ : محمد هاشم رستم الحکماء ۸۴ . روضات الجنات : میرزا محمد باقر چهارسوقی ۸۵. روضه البهیه : حاج سید شفیع جاپلقی ۸۶. روضه الصفا : رضا قلی خان هدایت اله ۸۷ . ریحانه الادب : میرزا محمد علی مدرس تبریزی ۸۸ . زاد المعاد : علامه مجلسی . ۸۹. زندگینامه آیت الله بهبهانی : حاج شیخ علی دوانی ۹۰. زندگینامه آیت الله چهارسوقی : حاج سید محمد علی روضانی ۹۱ . زندگینامه علامه مجلسی : سید مصلح الدین مهدوی ۹۲، سرچشمه تصوف : سعید نفیسی . . ۹۳ – سفرنامه : رضا قلی میرزا ۹۴ – سفرنامه حج : میرزا حسین خان فراهانی ۹۵ سفر نامه شاردن : ترجمه حسین عریضی و ترجمه محمد عباسی

۹۶، سفینه البحار : حاج شیخ عباس قمی ۹۷ . سؤال وجواب : سید حجه الاسلام ۹۸. شخصیت و زندگانی شیخ انصاری : حاج شیخ مرتضی انصاری ۹۹، شرح حال حاجی کلباسی : محمد علی معلم حبیب آبادی (نسخه خطی) ۱۰۰. شرح حال رجال ایران : مهدی بامداد ۱۰۱ شرح حال شیخ زاهد گیلانی : محمد علی گیلک ۱۰۲. شناسنامه جغرافیائی ایران ۱۰۳. شیخ آقا بزرگ طهرانی : محمد رضا حکیمی ۱۰۴، صحیفه سجادیه : حضرت سجاد علیه السلام ۱۰۵ .. صدر التواریخ ۱۰۶ صفات الشیعه : شیخ صدوق ۱۰۷. ضیاء الدرایه : حاج سید ضیاء الدین علامه ۱۰۸. طرائق الحقایق : معصومعلیشاه ساری ۱۰۹. عالم آراء عباسی ، اسکندر بیک منشی ۱۱۰. علماء معاصرین : حاج ملا علی خیابانی ۱۱۱. عمده الطالب ۱۱۲. عنوان الشرف : شیخ محمد سماوی ۱۱۳ . عیون اخبار الرضا علیه السلام : شیخ صدوق ۱۱۴. الفخری : عز الدین ابی طالب ازورقانی ۱۱۵ – الفرق بین الفریضه و النافله : حاج آقا منیر الدین بروجردی ۱۱۶. فوائد البهائیه : بهاء الدین محمد صدری ۱۱۷ ، فوائد الرضویه : محدث قمی

۱۱۸ . فهرست کتابخانه الهیات مشهد ۱۱۹. فهرست کتابخانه جامع یزد ۱۲۰ . فهرست کتابخانه دانشکده حقوق ۱۲۱. فهرست کتابخانه دانشگاه . ۱۲۲. فهرست کتابخانه رضویه آستان قدس ۱۲۳ ، فهرست کتابخانه عمومی اصفهان : محمد جواد مقصود ۱۲۴. فهرست کتابخانه فیضیه قم : حاج شیخ رضا استادی ۱۲۵ . فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی ۱۲۶ ۰ فهرست کتابخانه جامع گوهر شاد ۱۲۷ . فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی ۱۲۸. فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی : سید احمد حسینی ۱۲۹ . فهرست کتابخانه ملی طهران ۱۳۰ . فهرست کتب خطی : احمد منزوی سواری ۱۳۱. فهرست مشاهیر علمای زنجان : شیخ موسی زنجانی ۱۳۲ ، فهرست مؤلفین کتب چاپی : خانبا با مشار ۱۳۳. قصص العلماء : میرزا محمد تنکابنی ۱۳۴ . قصه قصه ها : محمد علی جمال زاده

، کافی یا اصول کافی : محمد بن یعقوب کلینی ۱۳۵ • کامل الزیارات : محمد بن قولویه قمی ۱۳۶ - الکرام البرره : حاج شیخ آغا بزرگ طهرانی ۱۳۷. الکنی والألقاب : حاج شیخ عباس قمی ۱۳۸ . گنج شایگان : میرزا طاهر شعری

۱۳۹، گنجینه آثـار تاریخی اصـفهان : دکتر لطف الله هنرفر ۱۴۰. گنجینه دانشـمندان : حاج شـیخ محمد شریف رازی ۱۴۱. لباب الالقاب : ملا حبیب الله کاشانی ۱۴۲ . اللوامع المحمدیه : سـید مصـطفی موسوی ۱۴۳. لؤلؤه البحرین : حاج شـیخ یوسف بحرینی ۱۴۴. الثانی الأخبار : شیخ عبد النبی تویسرکانی ۱۴۵. المآثر والاثار : محمد حسن خان اعتماد السلطنه ۱۴۶ . ماضی النجف وحاضرها : شیخ جعفر آل محبوبه نجفی ۱۴۷، مجـالس المؤمنین : قاضـی نورالله شوشتری ۱۴۸، المجـدی : ابوالحسن علی بن محمـد عمری ۱۴۹ . مجله یادگـار : عبـاس اقبال آشتیانی ۱۵۰ . مجمع الرجال : مولی عنایت الله قهپایی ۱۵۱. مجمع العضماء : رضا قلیخان هدایت ۱۵۲ ، مجموعه تاج : شیخ مهدی تاج لنگرودی ۱۵۳. محاسن اصفهان : مفضل بن سعد ما فروخی ۱۵۴ . مرآت القاسان : عبدالرحیم کلانتر ضرابی بنام : تاریخ کاشان بچاپ رسیده است)

۱۵۵ . مسـتدرک سفینه البحار : حاج شیخ علی نمازی ۱۵۶. مستدرک الوسائل : حاج میرزا حسین نوری ۱۵۷ . مصباح الزائر : حاج شیخ عباس قمی ۱۵۸. مطالع الأنوار : سید حجه الاسلام شفتی ۱۰۹ . مطالع الشمس : محمد حسن خان صنیع الدوله

ص: ۴۰۹

۱۶۰ . معادن الافادات : حاج میرزا حبیب الله نیر ۱۶۱ . معارف الرجال : شیخ محمد حرز الدین نجفی ۱۶۲ . معانی الاخبار : شیخ صدوق ۱۶۳ . معجم رجال الحدیث : آیت الله خوئی ۱۶۴ . معجم رجال الفکر والأدب : شیخ محمد هادی امینی ۱۶۵ . معرفه القبله : میرزا عبد الرزاق خان بغایری ۱۶۶. مفاتیح الجنان : محدث قمی ۱۶۷. مفردات : راغب اصفهانی ۱۶۸. مقدمه ترجمه رساله قشیریه : بدیع الزمان فروزانفر ۱۶۹، مقدمه ترجمه قرآن : زین العابدین رهنما ۱۷۰. مقدمه دیوان طرب : استاد جلال الدین همائی ۱۷۱. مقدمه دیوان عبرت ۱۷۲. مقدمه لطائف غیبیه : حاج سید جمال الدین میر دامادی ۱۷۳. مقدمه مقتضب الأثر ۱۷۴. مقدمه مناهج المعارف : حاج میر سید احمد روضاتی ۱۷۵. مکارم الاثار : محمد علی معلم حبیب آبادی ۱۷۶. منتخب التواریخ : حاج ملا هاشم خراسانی ۱۷۷. منتخب الدعاء : شیخ محمد باقر شریعتی دهاقانی ۱۷۸ . منتظم ناصری : محمد حسن خان اعتماد السلطنه ۱۷۹. منتقله الطالبیه : ابراهیم بن ناصر طباطبائی ۱۸۰ . منتهی الامال : حاج شیخ عباس قمی (وتتمه المنتهی) *. منهج الصادقین : ملا فتح الله کاشانی

۱۸۱ ، موسوعه العتبات : جعفر خلیلی ۱۸۲ . میرزای شیرزای : ترجمه هدیه الرازی تألیف حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی۱۸۳ . نابغه فقه و حدیث : حاج سید محمد شیرازی ۱۸۴ ، ناسخ التواریخ : سپهر ۱۸۵ . نامه سخنوران سپاهان : نشریه اداره فرهنگ و هنر ۱۸۶ . نجم الثاقب : حاج میرزا حسین نوری ۱۸۷. نخبه المقال : سید حسین بروجردی ۱۸۸ . نصف جهان فی تعریف اصفهان : آقا محمد مهدی ارباب ۱۸۹. نقباء البشر : حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی ۱۹۰: نقش روحانیت پیشرو : حامد آلگار ۱۹۱ ، نمونه مختصر المکارم : معلم حبیب آباد (نسخه خطی) ۱۹۲ ، نمونه معارف اسلام : علی فصیحی ساری ۱۹۳ . نهج البلاغه : گرد آوری : سید رضی ۱۹۴ . نهج الفصاحه : گردآوری : ابوالقاسم پاینده ۱۹۵ . نوابغ الرواه : حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی ۱۹۶ ، وجوه قرآن ۱۹۷ ، وحید بهبهانی ، شیخ علی دوانی ۱۹۸ ، وسائل الشیعه : شیخ حر عاملی ۱۹۹ . وفیات العلماء : شیخ حسین جلالی شاهرودی ۲۰۰. وقایع السنین والاعوام : سید عبدالحسین خاتون آبادی ۲۰۱. هدایه الأنام : حاج شیخ عباس قمی

۲۰۲ . هدایه السالکین : آقا محمد عماد الإسـلام ۲۰۳ . هدیه الأحباب : حاج شیخ عباس قمی ۲۰۴. هدیه الزائرین : حاج شیخ عباس قمی ۲۰۵. هدیه العارفین : اسماعیل پاشا بغدادی

غلط نامه

ص: ۴۱۳

اسامی مولفات نویسنده

اسامی بعضی از آثار چاپ شده نویسنده:

۱- ارمغان اصفهان : شرح حال آیت الله حاج سید علی بهبهانی

۲- بیان المفاخر : کتاب حاضر (۲ جلد)

۳- تاریخ مختصر سامراء

۴ - تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان : شرح حال خاندانهای علمی وابسته مسجد شاه (۳ جلد)

۵- تاریخچه محله خواجو

۶- تاریخچه مدارس دینی اصفهان : ضمیمه : محیط ادب

۷- دانشمندان و بزرگان اصفهان

۸- رجال اصفهان: حواشی و تعلیقات بر : تذکره القبور

۹- زندگانی حضرت عسکری علیه السلام : ضمیمه تاریخچه سامراء

۱۰- زندگانی حضرت هادی علیه السلام: ضمیمه تاریخچه سامراء

۱۱- زندگینامه علامه مجلسی (۲ جلد)

۱۲ - شرح حال آیت الله بروجردی

۱۳ - شرح حال آیت الله آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی: مطبوع در مجله نور علم - قم

۱۴ - شرح حال سه نفر از خاندان کلباسی : مطبوع در مقدمه : حقوق زن

۱۵ - شرح حال شهید اصفهانی (آل رسول): مطبوع در مقدمه: تحفه الأبرار

۱۶ - شعرای معاصر اصفهان : از ۱۳۵۰ قمری به بعد تا موقع چاپ

۱۷ - عطیه الجواد علیه السلام: زندگانی و سخنان آنحضرت

۱۸ - غایه الأمال و الأماني: شرح حال سید هاشم بحرانی (مطبوع در مقدمه : اللوامع النورانیه).

ص: ۴۱۵

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آيا كسانى كه مى‌دانند و كسانى كه نمى‌دانند يكسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹